



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

Methodology of understanding Qur'an
through Qur'an & tradition



پیدائشی قرآن و سنت

(جلد ۱-۲)

گروہ تحقیق

صفورا زہرا، آسیہ، محمد علی بیسملوی

یا تقربت، ڈاکٹر محمد بیسملوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قرآن شناسی از دیدگاه قرآن و عترت

نویسنده:

صفورا بیستونی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	قرآن شناسی از دیدگاه قرآن و عترت
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	جلد ۱
۱۱	اشاره
۱۴	الأهداء
۱۵	متن تأییدیه حضرت آیت الله خزعلی مفسر و حافظ کل قرآن کریم
۱۷	قرآن ، معجزه جاویدان
۲۰	قرآن بالاترین معجزه الهی است
۲۵	سند زنده ای بر اعجاز قرآن
۲۹	چرا پیامبران به معجزه نیاز دارند ؟
۳۱	جلوه تازه ای از اعجاز قرآن
۴۰	از کجا بدانیم که مثل قرآن را نیاورده اند ؟
۴۳	مبارزه طلبی (تحدی) قرآن
۴۵	« تَحْدَى » دلیل معجزه بودن قرآن است
۴۹	ویژگی های پنج گانه قرآن کریم
۵۱	قرآن پرده های غفلت و فراموشی را می شکافد
۵۳	قرآن فصل الخطاب اختلافات
۵۶	فاسقین هرگز به قرآن ایمان نمی آورند
۵۸	تدبّر در قرآن
۵۸	الف: تدبّر و اهمّیت آن
۶۱	ب: تدبّر و تلاوت راستین قرآن
۶۲	قرآن را همراه با تفکّر و تأمل بخوانید
۶۵	هدف نهایی قرآن، عمل به محتوای آن است

- ۶۷ قرآن باید در متن زندگی همه مردم حضور داشته باشد
- ۶۹ اعجاز قرآن از دریچه خبرهای غیبی
- ۷۲ انسجام و نفوذ فوق العاده آیات قرآن
- ۷۸ هدف نهایی از نزول قرآن
- ۸۰ منظور از آیات محکم و متشابه چیست؟
- ۸۷ رسالت و پیام جهانی قرآن
- ۹۰ به هنگام شنیدن تلاوت قرآن خاموش باشید
- ۹۵ عظمت و حقانیت دعوت قرآن
- ۹۸ قرآن انسان ها را از ظلمت ها به سوی نور سوق می دهد
- ۱۰۱ بحثی پیرامون عدم تحریف قرآن
- ۱۰۵ دعوت همه پیشوایان اسلام به قرآن موجود
- ۱۱۰ با آیات قرآن در جهت منافع خود، گزینشی رفتار نکنید
- ۱۱۱ مقتسمین چه اشخاصی هستند؟
- ۱۱۳ قرآن جوامع را از کثرت به وحدت سوق می دهد
- ۱۱۴ آداب ورود به دنیای زیبای قرآن
- ۱۱۹ از میان تمام صفات شیطان مطرود بودن او مطرح شده است؟
- ۱۲۰ آداب پنج گانه تلاوت قرآن کریم
- ۱۲۶ قرآن راه مستقیم خوشبختی
- ۱۲۸ تنوع گرایی در روش های تربیتی قرآن
- ۱۳۱ قرآن حجت های خود را از برداشت های علم بیان کرده است
- ۱۳۳ قرآن هدایت است و درمان
- ۱۳۷ قرآن مایه حیات دل ها و زندگی جان هاست
- ۱۴۳ قیامی از «أُمُّ الْقُرَى» بر اساس کتاب خدا
- ۱۴۸ درمان و نوسازی در پرتو قرآن
- ۱۵۰ چرا ظالمان از قرآن نتیجه معکوس می گیرند؟
- ۱۵۱ نزول دفعی و نزول تدریجی قرآن

- ۱۵۶ ----- برنامه ریزی برای تعلیم و تربیت
- ۱۵۹ ----- قرآن به زبان آسان نازل شده است
- ۱۶۱ ----- قرآن به زبان فصیح و گویا نازل شده است
- ۱۶۲ ----- قرآن بهار دلهاست از آن شفاء بجوید
- ۱۶۳ ----- قرآن شفا دهنده ای است که بیماری های وحشت انگیز را بزدايد
- ۱۶۸ ----- رابطه قرآن با شب قدر و حیات مادی و معنوی
- ۱۶۹ ----- قرآن در ماه رمضان و برای هدایت «همه مردم» نازل شده است
- ۱۷۰ ----- حروف مقطعه راز عظمت قرآن
- ۱۷۲ ----- ارتباط با قرآن برای همگان به سادگی فراهم است
- ۱۷۳ ----- چرا مشرکین می گفتند قرآن شعر است ؟
- ۱۷۶ ----- قرآن ، شعر و قصه نیست
- ۱۸۰ ----- آیا قرآن شعر است !؟
- ۱۸۳ ----- جامعیت قرآن
- ۱۸۴ ----- شب پرهیزکاران با تفکر در قرآن سپری می شود
- ۱۸۵ ----- شکایت پیامبر صلی الله علیه و آله از بی توجهی مردم به قرآن
- ۱۸۹ ----- پیشگوی عجیب قرآن
- ۱۹۳ ----- چرا خداوند به قرآن سوگند یاد می کند
- ۱۹۹ ----- فلسفه مثال های قرآنی
- ۲۰۰ ----- جنجال آفرینی و سرگرم کردن مردم به منظور منزوی کردن قرآن
- ۲۰۳ ----- چرا قرآن بر یکی از ثروتمندان نازل نشده است ؟
- ۲۰۵ ----- چرا خدا قرآن را به صفت «کریم» یاد می کند
- ۲۰۶ ----- اگر قرآن بر کوه ها نازل می شد، از هم می شکافتند
- ۲۱۲ ----- اوصاف چهارگانه قرآن برای چهار نوع مخاطب آن
- ۲۱۳ ----- نمونه ای از فرمان های جاویدان قرآن
- ۲۲۰ ----- شروع از توحید و پایان به نفی اختلاف
- ۲۲۱ ----- جامع ترین آیه اخلاقی در قرآن

- ۲۲۸ قرآن سالاری در کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله
- ۲۲۹ در نام های قرآن و معانی آن
- ۲۴۴ ویژگی های قرآن در کلام علی علیه السلام
- ۲۴۷ فهرست منابع
- ۲۴۹ فهرست مطالب
- ۲۶۳ جلد ۲
- ۲۶۳ اشاره
- ۲۶۶ الْإِهْدَاءِ
- ۲۶۷ متن تأییدیه حضرت آیت الله خزعلی مفسر و حافظ کل قرآن کریم
- ۲۶۹ آینده نگری امیرمؤمنان در ارتباط با بی توجهی مردم به قرآن
- ۲۷۲ ارزش پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن
- ۲۷۴ درمان خود را از قرآن بخواهید
- ۲۷۷ قرآن بهار دل ها و سرچشمه علم است
- ۲۷۸ قرآن حجت خدا بر مردم است
- ۲۷۹ قرآن ، برترین نعمت خداوند
- ۲۸۰ هدف قرآن ، عاقل ساختن انسان
- ۲۸۲ انس با قرآن و مقام صالحین
- ۲۸۵ قرآن، پایان بخش اختلاف مذموم
- ۲۹۰ قرآن، کتاب حکیم
- ۲۹۳ قرآن، همیشه تازه جاودان
- ۲۹۷ فهم قرآن
- ۳۰۴ فضیلت قرآن از دیدگاه عترت
- ۳۰۴ اهمیت قرآن از دیدگاه پیامبر رحمت و آزادی صلی الله علیه و آله
- ۳۰۴ رجوع به قرآن راه رهایی از فتنه هاست
- ۳۴۰ قرآن پیشوا و رحمت است
- ۳۴۱ قرآن ثروتی است که بدون آن توانگری نباشد

- ۳۴۲ قرآن نیکوترین سخن است
- ۳۴۴ علوم و اخبار موجود در قرآن
- ۳۴۸ ثواب آموزش دادن قرآن
- ۳۵۱ ترغیب به حفظ کردن قرآن
- ۳۵۶ تشویق به مرور کردن قرآن در ذهن
- ۳۶۱ آن چه که زیننده قرآن دان است
- ۳۶۲ آنچه که زیننده قرآن دان نیست
- ۳۶۳ تشویق به تلاوت قرآن
- ۳۶۷ خواندن قرآن با صدای خوش
- ۳۷۰ آداب قرائت قرآن
- ۳۷۰ ۱ تمیز کردن دهان
- ۳۷۱ ۲ ترتیل (روشن و شمرده خواندن)
- ۳۷۱ ترتیل (روشن و شمرده خواندن)
- ۳۷۶ تلاوت های ممنوع
- ۳۷۷ کسی که قرآن لعنتش می کند
- ۳۷۹ قاریان نابکار
- ۳۸۳ گوش دادن به قرآن
- ۳۸۵ قرآن ظاهری دارد و باطنی
- ۳۸۶ پرهیز از تفسیر به رأی
- ۳۸۸ انواع آیات قرآن
- ۳۸۹ أم القرآن
- ۳۹۴ قرآن از دیدگاه فاطمه زهرا علیها السلام
- ۳۹۹ قرآن از دیدگاه امام علی علیه السلام
- ۴۰۲ قرآن همیشه نو است
- ۴۰۳ پاداش قرآن دانان
- ۴۰۵ حق تلاوت

۴۰۸	تدبر ۳
۴۰۸	تدبر
۴۰۹	گونه های قاریان
۴۱۶	آیات محکم و متشابه
۴۱۹	وجوه قرآن
۴۲۱	قرآن از دیدگاه امام حسن علیه السلام
۴۲۳	قرآن از دیدگاه امام حسین علیه السلام
۴۲۴	قرآن از دیدگاه امام زین العابدین علیه السلام
۴۳۲	قرآن از دیدگاه امام باقر علیه السلام
۴۴۷	قرآن از دیدگاه امام صادق علیه السلام
۴۵۶	۴ پناه بردن به خدا
۴۵۶	پناه بردن به خدا
۴۶۰	آداب گوش دادن به قرآن
۴۶۵	اشارات های قرآن
۴۸۱	آموختن قرآن
۴۹۴	قرآن از دیدگاه امام موسی الکاظم علیه السلام
۴۹۶	قرآن از دیدگاه امام رضا علیه السلام
۴۹۹	قرآن از دیدگاه امام جواد علیه السلام
۵۰۱	فهرست منابع
۵۰۳	فهرست مطالب
۵۱۵	درباره مرکز

قرآن شناسی از دیدگاه قرآن و عترت

مشخصات کتاب

نوان و نام پدیدآور: قرآن شناسی از دیدگاه قرآن و عترت / گروه تحقیق صفورا بیستونی... [و دیگران]؛ بانظارت محمد بیستونی

مشخصات نشر: قم: بیان جوان، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری: ۲ ج. م. س ۱۴ × ۱۰؛

شابک: ۹۶۴-۸۳۹۹-۴۳-۳ (ج. ۱)؛ ۹۶۴-۸۳۹۹-۴۴-۱ (ج. ۲)

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: کتابنامه

موضوع: قرآن -- تحقیق.

شناسه افزوده: بیستونی، صفورا

شناسه افزوده: بیستونی، محمد، ۱۳۳۷ -

رده بندی کنگره: ۳۵/BP۶۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۴-۲۸۳۹۰

ص: ۱

جلد ۱

اشاره

إِلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ

رَسُولِ اللَّهِ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ إِلَى مَوْلَانَا

وَ مَوْلَى الْمُؤَحَّدِينَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى بَضْعِهِ

الْمُصْطَفَى وَ بِهِجِهِ قَلْبِهِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ إِلَى سَيِّدَتِي

شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّبْطَيْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ إِلَى الْأَنْثَمَةِ التُّشَعِّهِ

الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ وَوَلَدِ الْحُسَيْنِ لِأَسِيمَا بَقِيَّتِهِ اللَّهُ فِي الْأَرْضِينَ وَ وَارِثِ عُلُومِ

الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ، الْمَعْدَّةَ لِقَطْعِ دَابِرِ الظَّلَمَةِ وَ الْمُدْخِرِ لِأَحْيَاءِ الْفَرَائِضِ وَ مَعَالِمِ الدِّينِ ،

الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمَانِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ فَيَا مُعَزَّ

الْأَوْلِيَاءِ وَيَا مُدَلَّ الْأَعْدَاءِ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ قَدَّمَسْنَا

وَ أَهْلَنَا الضَّرَّ فِي غَيْبَتِكَ وَ فِرَاقِكَ وَ جُنْنَا بِيضَاعِهِ

مُزْجَاهِ مِنْ وَوَلَائِكَ وَ مَحَبَّتِكَ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ مِنْ مَنْكَ وَ

فَضْلِكَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا بِنَظَرِهِ رَحْمَةً مِنْكَ

إِنَّا نَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

بسم الله الرحمن الرحيم

هر زمانی را زمانی است یعنی در بستر زمان خواسته هایی نو نو پدید می آید که مردم آن دوران خواهان آنند. با وسایل صنعتی و رسانه های بی سابقه خواسته ها مضاعف می شود و امروز با اختلاف تمدن ها و اثرگذاری هریک در دیگری آرمان های گوناگون و خواسته های متنوع ظهور می یابد بر متفکران دوران و افراد دلسوز خودساخته در برابر این هنجارها فرض است تا کمر خدمت را محکم ببندند و این خلأ را پر کنند همان گونه که علامه امینی با الغدیرش و علامه طباطبایی با المیزانش. در این میان نسل جوان را باید دست گرفت و بر سر سفره این پژوهشگران نشانند و رشد داد. جناب آقای دکتر محمد بیستونی رئیس هیئت مدیره مؤسسه قرآنی تفسیر جوان به فضل الهی این کار را بعهدہ گرفته و آثار ارزشمند مفسران را با زبانی ساده و بیانی

شیرین، پیراسته از تعقیدات در اختیار نسل جوان قرار داده علاوه بر این آنان را به نوشتن کتابی در موضوعی که منابع را در اختیارشان قرار داده دعوت می کند. از مؤسسه مذکور دیدار کوتاهی داشتیم، از کار و پشتکار و هدفمند بودن آثارشان اعجاب و تحسینم شعله ور شد، از خداوند منان افاضه بیشتر و توفیق افزونی برایشان خواستارم. به امید آنکه در مراحل غیرتفسیری هم از معارف اسلامی درهای وسیعی برایشان گشاده شود.

آمین رب العالمین .

۲۱ ربیع الثانی ۱۴۲۵

۲۱ خرداد ۱۳۸۳

ابوالقاسم خزعلی

ص: ۶

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَيَّ جِدْنَاهُ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

اگر درباره آن چه بر بنده خود (پیامبر) نازل کرده ایم ، شک و تردید دارید ، (لااقل) یک سوره همانند آن بیاورید و گواهان خود را غیر از خدا بر این کار دعوت کنید، اگر راست می گوئید(۱)

کلمه « شُهَدَاء » در این جا اشاره به گواهانی است که آن ها را در نفی رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله کمک می کردند و جمله « مِنْ دُونِ اللَّهِ » اشاره به این است که حتی اگر همه انسان ها جز « اللَّهُ » دست به دست هم بدهند ، برای این که یک سوره همانند

ص:۷

سوره های قرآن بیاورند ، قادر نخواهند بود . به این ترتیب قرآن همه منکران را دعوت به مبارزه با قرآن و یک سوره مانند آن می کند تا عجز آن ها، دلیل روشنی باشد بر اصالت این وحی آسمانی در رسالت الهی آورنده آن.

فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

اگر این کار را نکردید و هرگز نخواهید کرد از آتشی بترسید که هیزم آن ، بدن های مردم (گنهکار) و سنگ ها است که برای کافران مهیا شده است . (۱)پ

« وَقُودٌ » به معنی آتش گیره است ، یعنی ماده قابل اشتعال ، مانند هیزم (نه به معنی آتش زنه همچون کبریت یا جرقه ای که با سنگ های مخصوص ایجاد

ص: ۸

می کنند). آتش دوزخ از درون خود انسان ها و سنگ ها شعله ور می شود و با توجه به این حقیقت که امروز ثابت شده ، همه اجسام جهان در درون خود ، آتشی عظیم نهفته دارند (یا به تعبیر دیگر انرژی هایی که قابل تبدیل به آتش هستند) درک این معنی مشکل نیست و لزومی ندارد که آن آتش سوزان را شبیه آتش های معمولی این جهان بدانیم . در آیات ۶ و ۷ سوره هُمَزَه می خوانیم: « نَارُ اللَّهِ الْمَوْجِدَةُ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ : آتش سوزان پروردگار که از درون دل ها سرچشمه می گیرد و بر قلب ها سایه می افکند و از درون به برون سرایت می کند » (بر عکس آتش های این جهان که از بیرون به درون می رسد).

وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ

گفتند: چرا معجزاتی از سوی پروردگارش بر او نازل نشده؟ بگو: معجزات همه نزد خدا است (و به فرمان او نازل می شود، نه به میل من و شما) من تنها اندازکننده آشکاری هستم. (۱)

مشرکین از روی سخریه و استهزاء گفتند: چرا پیامبر صلی الله علیه و آله عصای موسی و ید بیضاء و دم مسیحا ندارد؟ چرا او هم دشمنان خود را با معجزات بزرگ نابود نمی کند؟ آن گونه که موسی و شعیب و هود و نوح و ثمود کردند؟

ص: ۱۰

یا همان طور که در آیات ۹۰ تا ۹۳ سوره اسراء از زبان این گروه آمده ؛ « چرا پیامبر اسلام، نهرها و چشمه های آب جاری از بیابان خشک مکه ظاهر نمی کند » ؟ « چرا قصری از طلا ندارد » ؟ « چرا به آسمان صعود نمی کند » ؟ و « چرا نامه ای از سوی خدا از آسمان برای آن ها نمی آورد » ؟

بدون شک پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله معجزات دیگری غیر از قرآن مجید داشته و تواریخ نیز باصراحت از آن سخن می گوید ، ولی آن ها با این سخنانشان دنبال تحصیل معجزه نبودند ، بلکه از یک سو می خواستند اعجاز قرآن را نادیده بگیرند و از سوی دیگر تقاضای معجزات اقتراحی داشتند (منظور از معجزات اقتراحی این است که پیامبر صلی الله علیه و آله طبق تمایلات این و آن ، هر امر خارق العاده ای را که پیشنهاد کنند ، انجام دهد ، مثلاً این یکی پیشنهاد خارج ساختن چشمه های آب کند، دیگری بگوید : من قبول ندارم باید کوه های مکه را طلا کنی ، سومی هم بهانه

بگیرد که این کافی نیست باید به آسمان صعود کنی و به این ترتیب معجزه را بازیچه بی ارزشی کنند و تازه آخر کار بعد از دیدن همه این ها او را ساحر بخوانند).

به هر حال قرآن برای پاسخگویی به این بهانه جویان لجوج، از دوراه وارد می شود؛

نخست می گوید: « قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ » .

او می داند چه معجزه ای با چه زمانی و برای چه اقوامی متناسب است ، او می داند چه افرادی در صدد تحقیق و پی جویی حقد و باید خارق عادات به آن ها نشان دهد و چه افرادی بهانه گیرند و دنبال هوای نفس ؟

تنهاوظیفه من انداز و تبلیغ است و بیان کلام خدا، اما ارائه معجزات و خارق عادات، تنها به اختیار ذات پاک او است .

أَوْ لَمْ يَكْفِهِمْ أَنَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرْحَمَةً وَّ ذِكْرًا لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

آیا برای آن ها کافی نیست که این کتاب آسمانی را بر تو نازل کردیم که پیوسته بر آن ها تلاوت می شود؟ در این ، رحمت و تذکری است برای کسانی که ایمان می آورند. (۱)

آن ها تقاضای معجزات جسمانی می کنند ، درحالی که قرآن برترین معجزه معنوی است .

آن ها تقاضای معجزه زودگذری دارند ، در حالی که قرآن معجزه ای است جاویدان و شب و روز آیاتش بر آن ها خوانده می شود .

آیا امکان دارد انسانی درس نخوانده و حتی اگر فرضاً درس خوانده بود ، کتابی با این محتوا و این جاذبه عجیب که فوق توانایی انسان ها است ، بیاورد و

ص: ۱۳

عموم جهانیان را دعوت به مقابله کند و همه در برابر آن عاجز و ناتوان بمانند؟

اگر به راستی منظور آن ها معجزه است ، ما به وسیله نزول قرآن ، بیش از آن چه آن ها تقاضا دارند ، در اختیارشان گذارده ایم ، ولی نه ، آن ها حق طلب نیستند ، بهانه جو هستند .

پیامبری که دعوتش جهان گیر است و باید قرون و اعصار آینده را نیز دربرگیرد ، باید معجزه روحانی و عقلانی روشنی داشته باشد که فکر همه اندیشمندان و صاحب خردان را به سوی خود جذب کند ، مسلما برای چنین هدفی ، قرآن مناسب است نه عصای موسی و ید بیضاء .

و در پایان آیه برای تأکید و توضیح بیشتر می گوید : «إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرًا لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ».

آری قرآن هم رحمت است و هم وسیله یادآوری ، اما برای گروه باایمان ،

برای آن‌ها که درهای قلب خود را به روی حقیقت گشوده‌اند، برای آن‌ها که طالب نورند و خواهان پیدا کردن راه، آن‌ها این رحمت الهی را با تمام وجود خود احساس می‌کنند و در پرتو آن آرامش می‌یابند، آن‌ها هر بار که آیات قرآن را می‌خوانند، تذکر تازه‌ای می‌یابند.

سند زنده‌ای بر اعجاز قرآن

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا

آیادرباره قرآن نمی‌اندیشند که اگر از ناحیه غیرخدا بود اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند. (۱)

«تَدَبَّرَ» در اصل از ماده «دَبَّرَ» به معنی پشت سر و عاقبت چیزی است، بنابراین تَدَبَّرُ یعنی بررسی نتایج و عواقب و پشت و روی چیزی می‌باشد و

ص: ۱۵

تفاوت آن با «تَفَكَّر» ، این است که تفکر مربوط به بررسی علل و خصوصیات یک موجود است، اما «تَدَبَّر» مربوط به بررسی عواقب و نتایج آن است، از آیه فوق چند مطلب استفاده می شود :

۱ مردم موظفند که درباره اصول دین و مسائلی همانند صدق دعوی پیامبر صلی الله علیه و آله و حَقَّانیت قرآن مطالعه و بررسی کنند و از تقلید و قضاوت های کورکورانه بپرهیزند .

۲ قرآن ، برخلاف آن چه بعضی می پندارند ، برای همه قابل درک و فهم است زیرا اگر قابل درک و فهم نبود دستور به « تدبّر » در آن داده نمی شد .

۳ یکی از دلایل حَقَّانیت قرآن و این که از طرف خدا نازل شده این است که در سراسر آن تضادّ و اختلاف نیست برای روشن شدن این حقیقت به توضیح

زیر توجه فرمایید .

« روحیات هر انسانی دائماً در تغییر است قانون تکامل در شرایط عادی در صورتی که وضع استثنایی به وجود نیاید انسان و روحیات افکار او را هم در برمی گیرد و دائماً با گذشت روز و ماه و سال ، زبان و فکر و سخنان انسان ها را دگرگون می سازد ، اگر با دقت نگاه کنیم هرگز نوشته های یک نفر نویسنده یکسان نیست بلکه آغاز و انجام یک کتاب نیز تفاوت دارد ، مخصوصاً اگر کسی در کوران حوادث بزرگ قرار گرفته باشد حوادثی که پایه یک انقلاب فکری و اجتماعی و عقیده ای همه جانبه را پی ریزی کند او هر قدر بخواهد سخنان خود را یکسان و یکنواخت و عطف به سابق تحویل دهد قادر نیست ، به خصوص اگر او درس نخوانده و پرورش یافته یک محیط کاملاً عقب افتاده ای باشد .

اما قرآن که در مدت ۲۳ سال بر طبق احتیاجات و نیازمندی های تربیتی مردم

ص: ۱۷

در شرایط و ظروف کاملاً مختلف نازل شده ، کتابی است که درباره موضوعات کاملاً متنوع سخن می گوید و مانند کتاب های معمولی که تنها یک بحث اجتماعی یا سیاسی یا فلسفی یا حقوقی یا تاریخی را تعقیب می کند نیست ، بلکه گاهی درباره توحید و اسرار آفرینش و زمانی درباره احکام و قوانین و آداب و سنن ، وقت دیگر درباره امّیت های پیشین و سرگذشت تکان دهنده آنان و زمانی درباره مواعظ و نصایح و عبادات و رابطه بندگان با خدا سخن می گوید و به گفته دکتر گوستاوبون قرآن کتاب آسمانی مسلمانان منحصر به تعالیم و دستورهای مذهبی تنها نیست بلکه دستورهای سیاسی و اجتماعی مسلمانان نیز در آن درج است .

چنین کتاب با این مشخصات عادتاً ممکن نیست خالی از تضادّ و تناقض و مختلف گویی و نوسان های زیاد باشد ، اما هنگامی که می بینیم با تمام این جهات

همه آیات آن هماهنگ ، خالی از هر گونه تضادّ و اختلاف و ناموزونی است ، به خوبی می توانیم حدس بزنیم که این کتاب زائیده افکار انسان هانیست بلکه از ناحیه خداوند است چنان که خودقرآن این حقیقت را در آیه فوق بیان کرده است « (۱).

چرا پیامبران به معجزه نیاز دارند؟

می دانیم که منصب نبوّت ، بزرگ ترین منصبی است که به عده ای از پاکان عطا شده است ، زیرا مناصب و مقام های دیگر ، معمولاً حاکم بر جسم افراد است ، ولی منصب نبوّت ، منصبی است که بر جان و دل جامعه ها حکومت می کنند ، لذا به همان نسبت که ارج بیشتری دارد، مدّعیان کاذب و افراد شیاد بیشتری، این منصب را به خود می بندند و از آن سوء استفاده می کنند . در این جا مردم

ص: ۱۹

۱- کتاب « قرآن و آخرین پیامبر »، نوشته ناصر مکارم، صفحه ۳۰۹.

می بایست یا ادعای هر مدعی را بپذیرند و یا دعوت همه را رد کنند، اگر همه را بپذیرند، پیدا است چه هرج و مرجی به وجود می آید و دین خدا به چه صورت جلوه خواهد کرد و اگر هیچ کدام را نپذیرند، آن هم نتیجه اش گمراهی و عقب ماندگی است. بنابراین همان دلیلی که اصل بعثت پیامبران را الزامی می شمارد، می گوید: پیامبران راستین می بایست نشانه ای همراه داشته باشند که علامت امتیاز آنان از مدعیان دروغین و سند حقایق آن ها باشد. روی این اصل لازم است هر پیامبری، معجزه ای بیاورد که گواه صدق رسالتش گردد. و همان طور که از لفظ «مُعْجَزَه» پیدا است، باید پیامبر صلی الله علیه و آله قدرت بر انجام کارهای خارق العاده ای داشته باشد که دیگران از انجام آن «عاجز» باشند. پیامبری که معجزه دارد، لازم است مردم را به «مقابله به مثل» دعوت کند، او باید علامت و نشانه درستی گفتار خود را معجزه خویش معرفی نماید، تا اگر دیگران می توانند، همانند آن را بیاورند، این کار را اصطلاحاً «تَحْدِی» گویند.

جالب این که با گذشت زمان جلوه های تازه ای از اعجاز قرآن آشکار می شود که در گذشته مورد توجه قرار نمی گرفت ، از جمله محاسبات فراوانی است که روی کلمات آیات قرآن با مغزهای الکترونیکی انجام شده ، ویژگی های تازه ای برای کلمات و جمله بندی های قرآن و رابطه آن با زمان نزول هر سوره، ثابت است و آن چه ذیلاً می خوانید ، نمونه ای از آن است ؛ پژوهش های برخی از دانشمندان محقق امروز، به کشف روابط پیچیده و فرمول های محاسباتی بسیار دقیق منجر شده است که حیرت انگیز است ، با یقین به این امر که چنین نظم علمی در ساختمان قرآن است ، از طریق بررسی های آماری و به زبان ریاضی به کشف قواعد دقیق و فرمول های ریاضی و منحنی های کامل و سالمی توفیق یافته

است که از نظر اهمیت و شناخت ، کشف نیوتن را در جاذبه تداومی می کند. یک قرآن شناس بزرگ نقطه شروع کارش این مسأله ساده است که آیات نازل شده در مکه کوتاه است و آیات نازل شده در مدینه ، بلند ، این یک مسأله طبیعی است ، هر نویسنده یا سخنران ورزیده ، طول جملات و آهنگ کلمات سخنش را برحسب موضوع سخن تغییر می دهد ؛ مسائل توصیفی ، جملات کوتاه و مسائل تحلیلی و استدلالی، بلند ، آن جا که سخن ، تحریکی و انتقادی و یا بیان اصول کلی اعتقادی است ، لحن شعاری می شود و عبارات کوتاه و آن جا که شروع داستان است و بیان کلام در نتیجه گیری های اخلاقی و ... لحن ، آرام و عبارات طولانی و آهنگ نرم. مسائل طرح شده در مکه از نوع اول است و مسائل طرح شده در مدینه ، از نوع دوم ، چه در مکه آغاز یک نهضت است و بیان اصول کلی اعتقادی و انتقادی و در مدینه ، یک جامعه و مسائل حقوقی و اخلاقی و قصه های تاریخی و

نتیجه گیری های فکری و علمی. اما قرآن یک سخن گفتن طبیعی است و ناچار تابع سبک زیبا و بلیغ سخن گفتن بشر و در نتیجه رعایت کوتاهی و بلندی آیات نیز به تناسب مفاهیم. اما اگر قبول کنیم که این کلام در عین حال که یک کتاب است، یک طبیعت نیز هست، باید این کوتاهی و بلندی در عین حال بی حساب نباشد و طبق یک قاعده دقیق علمی از آیات کوتاه آغاز کند و یکنواخت و تصاعدی رو به آیات بلند رود، بر این اساس باید طول هر آیه ای کوتاه تر از آیه نازل شده سال بعد و بلندتر از آیه نازل شده سال پیش باشد و اندازه این طولانی شدن، اندازه ای دقیق و حساب شده باشد، بنابراین در طول ۲۳ سال که وحی نازل می شده است، باید ۲۳ طول معدل در آیات داشته باشیم. بر این قاعده می توانیم ۲۳ ستون داشته باشیم که همه آیات بر حسب طول در این ستون ها تقسیم بندی شود، حال از کجا می توانیم بفهمیم که این تقسیم بندی ها درست است؟ می دانیم که شأن نزول

بعضی از آیات قرآن معلوم است ، برخی را روایات تاریخی معین کرده و صریحاً گفته که در چه سالی نازل شده است و برخی را از روی مفاهیم آن می توان تعیین کرد ؛ مثلاً آیاتی که احکامی چون تغییر قبله ، حرمت شراب ، وضع حجاب ، زکات و خمس را بیان می کند و آیاتی که از « هجرت » سخن می گویند، سال تعیین این احکام معلوم است. با شگفتی فوق العاده می بینیم که این آیات که سال نزول آن ها معین است درست در همان ستون هایی قرار می گیرند که در این جدول از نظر معدل طول آیات ویژه هر سال فرض شده اند. آن چه جالب تر است ، پیداشدن دو سه مورد استثنایی است . به این معنی که سوره « مائده » آخرین سوره بزرگ نازل شده است ، درحالی که چند آیه از آن طبق فرمول ، باید در سال های اولیه نازل شده باشد ، پس از تحقیق در متون تفاسیر و روایات اسلامی ، اقوال مفسران معتبری را می یابیم که گفته اند : این چند آیه در اوایل نازل شده ، اما از نظر تدوین

به دستور پیامبر در سوره « مائده » جای داده شده است ، به این طریق می توان سال نزول هر آیه را از روی این ملاک ریاضی تعیین کرد و قرآن را برحسب سال نزول نیز تدوین نمود. چه سخنوری است در عالم که بتوان از روی طول عبارت ، سال ادای هر جمله اش را معین کرد ؟ خصوصا که این متن کتابی نباشد که مثل یک اثر علمی یا ادبی نویسنده اش نشسته باشد و آن را در یک مدت معین و پیوسته نوشته و بر زبانش رفته و به ویژه کتابی نباشد که نویسنده اش در یک موضوع یا حتی زمینه تعیین شده ای تألیف کرده باشد ، بلکه مسائل گوناگونی است که به تدریج برحسب نیاز جامعه و در پاسخ به سؤالاتی که عنوان می شود ، حوادث یا مسائلی که در مسیر مبارزه طولانی مطرح می شود ، به

وسيله رهبر بيان و سپس جمع آوري و تنظيم شده است (۱). بلکه به گفته بعضی از مفسران ، آهنگ مخصوص لغات و کلمات قرآن نیز در نوع خود معجزه آسا است. شواهد گوناگون جالبی برای این موضوع ذکر کرده اند، از جمله جریان زیر که برای سید قطب مفسر معروف واقع شده است ؛ او در ذیل آیه مورد بحث چنین می گوید: من از حوادثی که برای دیگران واقع شده ، سخنی نمی گویم ، تنها حادثه ای را بیان می کنم که برای خود من واقع شد و شش نفر ناظر آن بودند (خودم و پنج نفر دیگر). ما شش نفر از مسلمانان بودیم که با یک کشتی مصری ،

اقیانوس اطلس را به سوی نیویورک می پیمودیم ، مسافران کشتی ۱۲۰ مرد و زن بودند و کسی در میان مسافران جز ما مسلمان نبود ، روز جمعه به این فکر

ص: ۲۶

۱- نقل از نشریه « فلق » (نشریه دانشجویان دانشگاه).

افتادیم که نماز جمعه را در قلب اقیانوس و بر روی کشتی به جا آوریم ، و ما علاوه بر اقامه فریضه مذهبی مایل بودیم یک حماسه اسلامی در مقابل یک مبشر مسیحی که در داخل کشتی نیز دست از برنامه تبلیغاتی خود بر نمی داشت ، بیافرینیم ، خصوصا این که او حتی مایل بود ما را هم به مسیحیت تبلیغ کند. ناخدای کشتی که یک انگلیسی بود ، موافقت کرد که ما نماز جماعت را در صفحه کشتی تشکیل دهیم و به کارکنان کشتی نیز که همه از مسلمانان آفریقا بودند ، نیز اجازه داده شد که با ما نماز بخوانند و آن ها از این جریان بسیار خوشحال شدند ، زیرا این اولین باری بود که نماز جمعه بر روی کشتی انجام می گرفت. من (سید قطب) به خواندن خطبه نماز جمعه و امامت پرداختم و جالب این که مسافران غیر مسلمان اطراف ما حلقه زده بودند و بادقت مراقب انجام این فریضه اسلامی بودند. پس از پایان نماز ، گروه زیادی از آن ها نزد ما آمدند و این موفقیت

را به ما تبریک گفتند ولی در میان این گروه ، خانمی بود که بعدا فهمیدیم یک زن مسیحی یوگسلاوی است که از جهنم « تیتو » و کمونیسم او ، فرار کرده است. او فوق العاده تحت تأثیر نماز ما قرار گرفته بود ، به حدی که اشک از چشمانش سرازیر بود و قادر به کنترل خویشتن نبود. او به زبان انگلیسی ساده و آمیخته با تأثر شدید و خضوع و خشوع خاصی سخن می گفت و از جمله سخنانش این بود که ؛ بگوئید بینم کشیش شما با چه لغتی سخن می گفت ؟ (او فکر می کرد که حتما باید کشیش یا یک مرد روحانی اقامه نماز کند ، آن چنان که در نزد مسیحیان است، ولی ما به زودی به او حالی کردیم که این برنامه اسلامی را هر مسلمان باایمانی می تواند انجام دهد) و سرانجام به او گفتیم که ما با لغت عربی صحبت می کردیم. ولی او گفت : من هرچند یک کلمه از مطالب شما را نفهمیدم ، اما به وضوح دیدم که این کلمات آهنگ عجیبی داشت اما از این مهم تر مطلبی که نظر مرا فوق العاده به

خود جلب کرد ، این بود که در لابلای خطبه امام شما جمله هایی وجود داشت که از بقیه ممتاز بود ، آن ها دارای آهنگ فوق العاده مؤثر و عمیقی بودند ، آن چنان که لرزه بر اندام من انداخت ، یقیناً این جمله ها مطالب دیگری بودند ، فکر می کنم امام شما به هنگامی که این جمله ها را ادا می کرد ، مملو از روح القدس شده بود. ما کمی فکر کردیم و متوجه شدیم این جمله ها همان آیاتی از قرآن بود که من در اثناء خطبه و در نماز آن ها را می خواندم ، این موضوع ما را تکان داد و متوجه این نکته ساخت که آهنگ خاص قرآن آن چنان مؤثر است که حتی بانویی را که یک کلمه مفهوم آن را نمی فهمد، تحت تأثیر شدید خود قرار می دهد. (۱)

ص: ۲۹

از کجا بدانیم که مثل قرآن را نیاورده اند؟

نظری به تاریخ اسلام، پاسخ این سؤال را روشن می سازد، زیرا در داخل کشورهای اسلامی در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله و پس از او حتی در خود مکه و مدینه، مسیحیان و یهودیان سرسخت و متعصبی می زیستند که برای تضعیف مسلمانان، از هر فرصتی استفاده می کردند و علاوه بر آن، در میان مسلمانان، جمعی «مسلمان نما» که قرآن مجید آن ها را "منافق" نام نهاده، زندگی می کردند که جاسوسی به نفع بیگانگان بر عهده آنان بود. مسلماً این دسته از منافقان و آن عده از دشمنان متعصب و سرسخت که به دقت مراقب اوضاع مسلمین بودند و از هر جریانی که به زیان مسلمانان بود، استقبال می کردند، اگر به چنین کتابی دسترسی پیدا کرده بودند، برای درهم شکستن آن ها تا آن جا که می توانستند، آن

را نشر می دادند و یا لاقلاً در حفظ و نگهداری آن می کوشیدند. و لذا می بینیم

حتی افرادی که به احتمال ضعیفی ممکن است به معارضه با قرآن برخاسته باشند ، تاریخ نام آن ها را ضبط کرده است ، از جمله نام « عبد الله بن مُقَفَّع » را برده اند که او کتاب « الدُّرَّةُ الْيَتِيمَةُ » را به همین منظور نوشته است. در صورتی که کتاب مزبور هم اکنون در اختیار ما است و چندین بار چاپ شده است و کوچک ترین اشاره ای در آن کتاب به این مطلب نشده است ، نمی دانیم چه طور این نسبت را به او داده اند ؟ نام مُتَنَبِّی « احمد بن حسین کوفی » را در این زمره نیز ذکر کرده اند که ادعای نبوت نموده است ، در صورتی که قرائن زیادی نشان می دهد که داعیه او بیشتر بلندپروازی محرومیت های خانوادگی و حس جاه طلبی بوده است. « ابوالعلائی مَعْرَی » نیز متهم به این امر شده است ، گرچه از او سخنان زننده ای نسبت به اسلام نقل شده ، اما هیچ وقت داعیه مبارزه با قرآن را نداشته است ، بلکه جملات جالبی درباره عظمت قرآن گفته است . ولی « مُسَدِّیْلَمَه كَذَّاب » از

مردم یمامه، مسلماً از کسانی است که به مبارزه با قرآن برخاسته و به اصطلاح آیاتی آورده است که جنبه تفریحی آن بیشتر است، بدنیت چندجمله از آن هارا در این جا بیاوریم که دقت در محتوای آنها بهترین دلیل بر سستی عبارات نقل شده می باشد؟

۱ در برابر سوره « ذاریات » این جمله ها را آورده است ؛ « وَ الْمَيْدَاتِ بَدْرًا وَ الْحَاصِدَاتِ حَصْدًا وَ الذَّارِيَاتِ قُمْحًا وَ الطَّاحِنَاتِ طَحْنًا وَ الْعَاجِنَاتِ عَجْنًا وَ الْخَابِرَاتِ خُبْرًا وَ الثَّارِدَاتِ ثُرْدًا وَ اللَّاقِمَاتِ لُقْمًا إِهَالَةً وَ سَيِّمِنَا : قسم به دهقانان و کشاورزان ، قسم به دروکنندگان ، قسم به جداکنندگان گاه از گندم ، قسم به خمیرکنندگان ، قسم به نان پزندگان ، قسم به تریدکنندگان ، قسم به آن کسانی که لقمه های چرب و نرم برمی دارند » . (۱)

ص: ۳۲

۱- « إِعْجَازُ الْقُرْآنِ رَافِعِي » .

۲ « يَا ضَعْفُ بِنْتُ ضَعْفٍ ، نَقَى مَا تَنْقِينَ ، نَضِي فُكَّ فِي الْمَاءِ وَ نَضِي فُكَّ فِي الطِّينِ ، لَا الْمَاءُ تُكَادِّرِينَ وَلَا الشَّارِبُ تَمْنَعِينَ : ای قورباغه دختر قورباغه ، آن چه می خواهی ، صدا کن ، نیمی از تو در آب و نیمی دیگر در گل است ، نه آب را گل آلود می کنی و نه کسی را از آب خوردن جلوگیری می نمایی » . (۱)

مبارزه طلبی (تحدی) قرآن

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرِيهِ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا مَنِ اسْتَضَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

آن ها می گویند : او قرآن را به دروغ به خدا نسبت داده، بگو : اگر راست می گویند ، یک

سوره همانند آن بیاورید و هر کس را می توانید غیر از خدا (به یاری) بطلبید . (۲)

ص: ۳۳

۱- « قرآن و آخرین پیامبر » .

۲- ۳۸ / یونس .

این آیه از جمله آیاتی است که باصراحت اعجاز قرآن را بیان می کند نه تنها همه قرآن را بلکه حتی اعجاز یک سوره را و از همه جهانیان بدون استثناء دعوت می کند که اگر معتقدید این آیات از طرف خدا نیست ، همانند و یا حداقل همانند یک سوره آن را بیاورید. و همان گونه که در جلد ۱ « تفسیر نمونه » ، ذیل آیه ۲۳ سوره بقره بیان شده است ، در آیات قرآن گاهی « تَحَدَّی » یعنی دعوت به مبارزه نسبت به مجموع قرآن و گاهی به ده سوره و گاهی به یک سوره شده است و این نشان می دهد که جزء و کل قرآن ، همه اعجاز است و چون سوره معینی ذکر نشده ، هر سوره از قرآن را نیز شامل می شود. البته شک نیست که اعجاز قرآن منحصر به جنبه فصاحت و بلاغت و شیرینی بیان و رسایی تعبیرات آن چنان که گروهی از قدمای مفسرین فکر کرده اند نیست ، بلکه علاوه بر این ها از نظر بیان

معارف دینی و علمی که تا آن روز شناخته نشده بود و بیان احکام و

قوانین و ذکر تواریخ پیشین پیراسته از هرگونه خطا و خرافات و عدم وجود تضاد و اختلاف در آن، نیز جنبه اعجاز دارد. (۱)

«تَعَدَى» دلیل معجزه بودن قرآن است

قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا

بگو اگر انسان ها و پریان اتفاق کنند که همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد هرچند یکدیگر را در این کار کمک کنند. (۲)

این آیه با صراحت تمام، همه جهانیان را اعم از کوچک و بزرگ، عرب و غیر

ص: ۳۵

۱- توضیح بیشتر در «تفسیر نمونه»، جلد ۱، صفحه ۸۳ و کتاب «قرآن و آخرین پیامبر» مطرح شده است.

۲- ۸۸ / اسراء .

عرب ، انسان ها و حتی موجودات عاقل غیر انسانی ، دانشمندان ، فلاسفه ، ادباء ، مورخان ، نوابغ و غیر نوابغ ، خلاصه همه را بدون استثناء دعوت به مقابله با قرآن کرده است و می گوید اگر فکر می کنید قرآن سخن خدا نیست و ساخته مغز بشر است ، شما هم انسان هستید ، همانند آن را بیاورید و هر گاه بعد از تلاش و کوشش همگانی، خود را ناتوان یافتید، این بهترین دلیل بر معجزه بودن قرآن است.

این دعوت به مقابله که در اصطلاح علماء عقاید ، « تَحَدِّي » نامیده می شود یکی از ارکان هر معجزه است و هر جا چنین تعبیری به میان آمد به روشنی می فهمیم که آن موضوع ، از معجزات است .

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَيُّ كَثْرٍ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا

ما در این قرآن برای مردم از هر چیز نمونه ای آوردیم (و همه معارف

در آن جمع است) اما اکثر مردم (در برابر آن) جز انکار حق، کاری ندارند. (۱)

«صَرَّفْنَا» از ماده «تصریف» به معنی تغییر، یا تبدیل آمده است.

«كُفُّورٌ» به معنی انکار حق است.

گذشته پیامبر اسلام در محیطی پرورش یافته بود که از علم و دانش محدود بشری آن زمان نیز خبری نبود، آیا وجود این همه محتوای متنوع در زمینه های توحیدی و اخلاقی و اجتماعی و سیاسی و نظامی دلیل بر این نیست که مغز انسان تراوش نکرده بلکه از ناحیه خدا است.

و به همین دلیل اگر جن و انس جمع شوند که همانند آن را بیاورند قادر نخواهند بود.

ص: ۳۷

فرض کنیم تمام دانشمندان امروز و متخصصان علوم مختلف جمع شوند دایره المعارفی تنظیم کنند و آن را در قالب بهترین عبارات بریزند ممکن است این مجموعه برای امروز جامعیت داشته باشد اما مسلماً برای پنجاه سال بعد نه تنها ناقص و نارسا بلکه آثار کهنگی از آن می بارد .

درحالی که قرآن در هر عصر و زمانی که خوانده می شود مخصوصاً در عصر ما، آن چنان است که گویی «امروز» و «برای امروز» نازل شده و هیچ اثری از گذشت زمان در آن دیده نمی شود.

ص: ۳۸

ویژگی های پنج گانه قرآن کریم

كِتَابٌ فَصَّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

کتابی که آیاتش هر مطلبی را در جای خود بازگو کرده است ، فصیح و گویا برای جمعیتی که آگاهند. (۱)

بَشِيرًا وَ نَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ

قرآنی که بشارت دهنده و بیم دهنده است ، ولی اکثر آنان روی گردان شدند ، لذا چیزی نمی شنوند . (۲)

دو آیه فوق اوصاف پنج گانه ای برای این کتاب آسمانی بیان می کند ، اوصافی که ترسیم روشن و گویایی از چهره اصلی قرآن در بردارد .

۱ نخستین امتیاز این کتاب بزرگ آسمانی این است که مسائل مختلف مورد نیاز بشر در آن تبیین و تشریح شده است ، به گونه ای که هر کس

ص: ۳۹

۱- ۳ / فصلت .

۲- ۴ / فصلت .

در هر سطحی از فکر و اندیشه باشد و در هر مرحله ای از نیاز روحی ، به مقدار فکر و نیاز خویش از آن بهره می گیرد .

۲ وصف دیگرش این است که مجموعه ای کامل است ، زیرا « قرآن » از ماده قرائت در اصل به معنی جمع کردن اجزای سخن است .

۳ در توصیف سوم فصاحت و بلاغت مخصوص آن را بیان می کند ، که حقایق را صریح و دقیق و بی کم و کاست و گویا و رسا و در عین حال زیبا و جذاب منعکس می سازد.

۴ توصیف چهارم و پنجم بیانگر تأثیر عمیق تربیتی آن است ، از طریق بشارت و انذار ، گاه چنان آیاتش در تشویق نیکان و پاکان اوج می گیرد ، که تمام وجود انسان را به وجد می آورد و گاه در تهدید و انذار فاسدان و مجرمان چنان تکان دهنده است که مو بر تن انسان راست می شود و این دو اصل تربیتی را

ص:۴۰

دوش به دوش یکدیگر در آیاتش پیش می برد.

ولی افسوس که متعصبان لجوج گوش شنوا ندارند ، گویی کردند و هیچ نمی شنوند ، گوش ظاهرشان سالم است ، ولی روح شنوایی و درک حقایق را از محتوای کلام از دست داده اند .

قرآن پرده های غفلت و فراموشی را می شکافد

صَا وَ الْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ

ص ، سوگند به قرآنی که متضمن ذکر است (که این کتاب اعجاز الهی است) . (۱)

قرآن هم خودش ذکراست و دارای ذکر. «ذکر» به معنی یادآوری و زدودن زنگار غفلت از صفحه دل، یاد خدا، یاد نعمت های او، یاد دادگاه بزرگ رستاخیز و

ص: ۴۱

یاد هدف خلقت انسان. آری عامل مهم بدبختی انسان ها ، فراموشی و غفلت است و قرآن مجید آن را زایل می کند .

آری بلای بزرگ گمراهان و گنهکاران، همان فراموشی است، تا آن جا که حتی خویشان و ارزش های وجودی خویش را فراموش می کنند، چنان که در آیه ۱۹ سوره حشر آمده: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»: مانند کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند، خداوند خودشان را نیز از یادشان برد، آن ها فاسقانند».

و قرآن وسیله ای برای شکافتن این پرده های نسیان و نوری برای برطرف ساختن ظلمات غفلت و فراموش کاری است ، آیاتش انسان را به یاد خدا و معاد می اندازد و جمله هایش ، انسان را به ارزش های وجودی خویش آشنا می سازد .

ص: ۴۲

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَقُصُّ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

این قرآن اکثر چیزهایی را که بنی اسرائیل در آن اختلاف دارند برای آن ها بیان می کند. (۱)

بنی اسرائیل در مسایل زیادی با هم اختلاف داشتند ، در مورد « مریم » و « عیسی » و در مورد پیامبری که بشارتش در تورات داده شده و این که او چه کسی است ؟ و هم چنین در بسیاری از احکام دینی و مذهبی با یکدیگر اختلافاتی داشتند قرآن آمد و در این زمینه حق مطلب را ادا کرد و گفت مسیح خودش با صراحت خود را معرفی کرده که من بنده خدایم ، او کتاب آسمانی به من داده و مرا پیامبر قرار داده است : « قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ اتَّانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي

ص: ۴۳

و نیز روشن ساخت که مسیح ، تنها از مادر و بدون پدر تولد یافته و این امر محالی نیست ، چرا که خداوند آدم را بدون پدر و مادر و تنها از خاک آفرید « اِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللّٰهِ كَمَثَلِ اٰدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ » . (۲)

و در مورد پیامبری که اوصافش در تورات آمده آن را به روشنی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله منطبق می داند چرا که بر هیچ کس همچون او منطبق نمی شود .

به هر حال یکی از رسالت های قرآن مبارزه با اختلافاتی است که به خاطر آمیخته شدن « خرافات » با « حقایق تعلیمات انبیاء » به وجود آمده بود و هر پیامبری وظیفه دارد که به اختلافات ناشی از تحریف ها و آمیختن حق و باطل

ص: ۴۴

۱- ۳۰ / مریم .

۲- ۵۹ / آل عمران

پایان دهد و چون چنین کاری از یک فرد درس نخوانده برخاسته از محیط جهل ممکن نیست روشن می شود که از سوی خدا است .

وَ إِنَّهُ لَهْدِيَّ وَ رَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ مایه هدایت و رحمت برای مؤمنان است .(۱)

آری هدایت و رحمت است از نظر اختلاف زدایی و مبارزه با خرافات.

هدایت و رحمت است از این جهت که هم راه را نشان می دهد و هم طرز پیمودن راه را .

و ذکر « مؤمنین » در این جابه خصوص ، به خاطر آن است که تامل مرحله ای از ایمان یعنی آمادگی برای پذیرش حق و تسلیم در برابر پروردگار در انسان نباشد از این منبع پرفیض الهی بهره نخواهد برد .

ص: ۴۵

فاسقین هرگز به قرآن ایمان نمی آورند

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ

نشانه های روشنی برای تو فرستادیم و جز فاسقان کسی به آن ها کفر نمی ورزد. (۱)

کلمه « فاسِق » از ماده « فِشِق » در اصل به معنی خارج شدن هسته از درون رطب (خرمای تازه) است، به این ترتیب که گاهی رطب از شاخه درخت نخل سقوط می کند، هسته از درون آن به خارج می پرد، عرب از این معنی تعبیر به « فَسَيْقَتِ النَّوَاهُ » می کند، سپس به تمام کسانی که لباس طاعت پروردگار را از تن درآورده و از راه و رسم بندگی خارج شده اند، « فاسق » گفته شده است.

در حقیقت همان گونه که هسته خرما به هنگام بیرون آمدن، آن قشر شیرین و

ص: ۴۶

مفید و مغذی را رهامی سازد، آن هانیز با اعمال خود تمام ارزش و شخصیت خویش را ازدست می دهند.

تفکر در آیات قرآن برای هر انسان پاک دل و حق جویی روشن کننده راه ها است و با مطالعه این آیات می توان به صدق دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و عظمت قرآن پی برد، ولی این حقیقت را تنها کسانی درک می کنند که قلبشان بر اثر گناه تاریک نشده باشد، بنابراین جای تعجب نیست که فاسقان و آلودگان به گناه و آن ها که از اطاعت فرمان خدا سر باز زده اند، هرگز به آن ایمان نیاورند.

ص: ۴۷

«تدبّر» در لغت «ثرف اندیشی و عاقبت اندیشی» می باشد (۱) این واژه چهار بار در قرآن به کار رفته است: در سه آیه: قرآن کریم مخاطبین خود را به تدبّر در اعماق و مقاصد پیام خویش دعوت نموده است، آهنگ و سیاق این آیات نوعی توییح و اعتراض را به همراه دارد:

«أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ : آیا در (عظمت) این سخن نیندیشیده اند ، یا چیزی برای آنان آمده که برای پدران پیشین آنها نیامده است»؟ (۲)

ص: ۴۸

۱- بحث گسترده تر از مفهوم تدبّر در بخش «ترتیل در معنی» مطرح گشته است ؛ رجوع شود .

۲- ۶۸ / مؤمنون .

«أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (۱)

(پس چرا در این قرآن ژرف نمی اندیشند؟ و اگر از نزد غیرخدا می بود، در آن ناهماهنگی و تضاد بسیاری می یافتند).

مخاطبین این آیات کسانی هستند که به حقایق الهی این کتاب به دیده تردید نگریسته و یا منکر آن می باشند و نیز کسانی هستند که به تقلید و بدون معرفت، به آن ایمان آورده اند، و در حقایقش اندیشه نمی نمایند.

در آیه چهارم، محتوای پرخیر و برکت قرآن را بیان می کند تا به واسطه تدبّر در آن، از برکات عظیم آن بهره مند گردند:

«كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (۲)

ص: ۴۹

۱- ۲۴ / محمد .

۲- ۲۹ / ص .

با دقت و تأمل در این آیات و سیاق آن درمی یابیم که: «الهی بودن قرآن» بدون «تدبیر در آن» معلوم نخواهد گشت، و نیز بدون «تدبیر در قرآن» نمی توان از ذخائر بیکران و پرخیر و برکت کلام خدا بهره ای جست و هم چنین نمی توان از ظلمت شک و تردید و حیرت و سرگردانی نفاق، خود را رهانید و به ایمانی راسخ و یقینی استوار، دست یافت. و نیز بدون «تدبیر در قرآن» عمق و مغز آیات را نمی توان دریافت و به حقایق شگفت انگیز و حیرت آورش پی برد؛ آن که در آیات به تدبیر می نشیند، می تواند با تمام وجود و با تمام مشاعرش، در جای جای قرآن، حضور خدا را حس کند و دل و جان را از نور خدا سرشار نماید (تعبیر «لَوْحٍ دُونَ» این معنی را به خوبی نشان می دهد)؛ در بیان حضرت امیر علیه السلام است که مغز و حقیقت ناب و خالص اسلام را شخص متدبیر درمی یابد:

«فَجَعَلَهُ (الاسلام) أَمْنًا لِمَنْ عَلِقَهُ، وَ... وَفَهُمَا لِمَنْ عَقَلَ وَ لُبًّا لِمَنْ تَدَبَّرَ...» (۱)

(پس خداوند اسلام را امنیت قرار داد برای آن که بدان متصل شود و... و فهم قرار داد برای آن که تعقل کنند و مغز قرار داد برای آن که تدبّر نماید).

این بیانات «نقش اساسی تدبّر» را در وصول به حقیقت قرآن و اسلام به ما نشان می دهد.

ب: تدبّر و تلاوت راستین قرآن

کسانی حقیقتاً به اسلام و قرآن ایمان دارند که، کتاب خدا را آن گونه که شایسته است تلاوت می نمایند :

«الَّذِينَ اتَّيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ...» (۲)

بنابراین آن که این تلاوت راستین و پیروی از قرآن را نداشته باشد از ایمان تهی و در زمره سرمایه باختگان خواهد بود :

ص: ۵۱

۱- نهج البلاغه، خ ۱۰۶ .

۲- ۱۲۱ / بقره .

«...وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (۱)

بامقایسه این آیه شریفه با آیه سوره ص که هدف از نزول و وسیله بهره مندی از قرآن را «تدبر در آیات» معرفی می نماید؛ درمی یابیم که «تلاوت راستین»، «جریان تدبر در آیات» می باشد.

قرآن را همراه با تفکر و تأمل بخوانید

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً

و کافران گفتند: چرا قرآن یک جاناازل نمی شود؟ این به خاطر آن است که قلب تو را بر آن محکم داریم و آن را تدریجا بر تو خواندیم. (۲)

ص: ۵۲

۱- ۱۲۱ / بقره .

۲- ۳۲ / فرقان .

واژه «تَرْتِيل» از ماده «رَتَلَ» به معنی منظم بودن و مرتب بودن است، لذا کسی که دندان هایش خوب و منظم و مرتب باشد، عرب به او «رَتَلَ الْأَسْنَانَ» می گوید، روی این جهت ترتیل به معنی پی در پی آوردن سخنان یا آیات روی نظام و حساب گفته شده است.

بنابراین جمله «وَرَتَّلْنَا تَرْتِيلًا» اشاره به این واقعیت است که آیات قرآن گرچه تدریجاً و در مدت ۲۳ سال نازل شده است اما این نزول تدریجی روی نظم و حساب و برنامه ای بوده، به گونه ای که در افکار، رسوخ کند و دل ها را مجذوب خود سازد.

در تفسیر کلمه «تَرْتِيل» روایات جالبی نقل شده که به یکی از آن ها ذیلاً اشاره می کنیم:

قرآن شناسی (۵۳)

در تفسیر «مجمع البیان» از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نقل شده که به ابن عباس فرمود

ص: ۵۳

إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَزُتُّهُ تَزْتِيلاً : هنگامی که قرآن را خواندی آن را با ترتیل بخوان .

ابن عباس می گوید پرسیدم : ترتیل چیست ؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : « حروف و کلمات آن را کاملاً روشن ادا کن ، نه همچون خرما ی خشکیده (یا ذرات شن) آن را پراکنده کن و نه همچون شعر آن را با سرعت پشت سر هم بخوان ، به هنگام برخورد با عجایب قرآن توقف کن و بیندیشید و دل ها را با آن تکان دهید و هرگز نباید همت شما این باشد که به سرعت سوره را به پایان رسانید » (بلکه مهم اندیشه و تدبر و بهره گیری از قرآن است). (۱)

ص: ۵۴

۱- « مجمع البیان » ، ذیل آیه مورد بحث .

هدف نهایی قرآن، عمل به محتوای آن است

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

ما آن را قرآن عربی نازل کردیم تا شما درک کنید (و بیندیشید) (۱)

هدف تنها قرائت و تلاوت و تیمن و تبرک با خواندن آیات آن نیست ، بلکه هدف نهایی درک است ، درکی نیرومند و پرمایه که تمام وجود انسان را به سوی عمل دعوت کند. اما عربی بودن قرآن علاوه بر این که زبان عربی به شهادت آن ها که اهل مطالعه در زبان های مختلف جهانند ، آن چنان زبان وسیعی است که می تواند ترجمان لسان وحی باشد و مفاهیم و ریزه کاری های سخنان خدا را بازگو کند ، علاوه بر این ، مسلم است که اسلام از جزیره عربستان از یک

ص: ۵۵

کانون تاریکی و ظلمت و توحش و بربریت طلوع کرد و در درجه اول می بایست مردم آن سامان را گرد خود جمع کند ، آن چنان گویا و روشن باشد که آن افراد بی سواد و دور از علم و دانش را تعلیم دهد و در پرتو تعلیمش دگرگون سازد و یک هسته اصلی برای نفوذ این آیین در سایر مناطق جهان به وجود آورد. البته قرآن با این زبان برای همه مردم جهان قابل فهم نیست (و به هر زبان دیگری بود نیز همین گونه بود) زیرا ما یک زبان جهانی که همه مردم دنیا آن را بفهمند نداریم ، ولی این مانع از آن نخواهد شد که سایر مردم جهان از ترجمه های آن بهره گیرند و یا از آن بالاتر با آشنایی تدریجی به این زبان ، خود آیات را لمس کنند و مفاهیم وحی را از درون همین الفاظ درک نمایند. به هر حال تعبیر به « عربی بودن » که در ده مورد از قرآن تکرار شده پاسخی است به آن ها که پیامبر را متهم می کردند که او این آیات را از یک فرد عجمی یاد گرفته و محتوای قرآن

یک فکر وارداتی است و از نهاد وحی نجوشیده است. ضمناً این تعبیرات پی در پی این وظیفه را برای همه مسلمانان به وجود می آورد که همگی باید بکوشند و زبان عربی را به عنوان زبان دوم خود به صورت همگانی بیاموزند از این نظر که زبان وحی و کلید فهم حقایق اسلام است .

قرآن باید در متن زندگی همه مردم حضور داشته باشد

فَإِنَّمَا يَسْتَرْزَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

ما آن (قرآن) را بر زبان تو آسان ساختیم، تا متذکر شوند. (۱)

با این که محتوایش فوق العاده عمیق و ابعادش بسیار گسترده است ، اما ساده ، روان ، همه کس فهم و قابل استفاده برای همه قشرها می باشد ، مثال هایش زیبا ،

ص: ۵۷

تشبیهاتش طبیعی و رسا ، داستان هایش واقعی و آموزنده ، دلایزش روشن و محکم ، بیانش ساده و فشرده و پرمحتوا و در عین حال شیرین و جذاب ، تا در اعماق قلوب انسان ها نفوذ کند ، بی خبران را آگاه و دل های آماده را متذکر سازد .

آیات فوق به خوبی نشان می دهد که قرآن مجید تعلق به قشر و گروه خاصی ندارد ، بلکه برای فهم و تذکر و پندگیری عموم است ، بنابراین آن ها که قرآن را در پیچ و خم مفاهیم مبهم و مسائل نامفهومی قرار می دهند که درک آن تعلق به قشر خاصی دارد و حتی آن قشر هم چیزی از آن نمی فهمند ، در حقیقت از روح قرآن غافلند .

قرآن باید در زندگی همه مردم حضور داشته باشد، در شهر و روستا، در خلوت و جمع ، در دبستان و دانشگاه ، در مسجد و میدان جنگ و در همه جا ،

ص: ۵۸

چراکه « خداوند آن را سهل و ساده و روان ساخته تا همگان متذکر شوند » .

و نیز این آیه قلم بطلان بر افکار کسانی که قرآن را در طرز تلاوت و پیچ و خم قواعد تجوید خلاصه کرده و تنها همتشان ، ادای الفاظ آن از مخارج و رعایت آداب وقف و وصل است ، می کشد و می گوید : همه این ها برای تذکر است ، تذکری که عامل حرکت و سازندگی در عمل شود ، رعایت ظواهر الفاظ در جای خود صحیح ولی هدف نهایی ، معانی است نه الفاظ.

اعجاز قرآن از دریچه خبرهای غیبی

یکی از طرق اثبات اعجاز قرآن، خبرهای غیبی قرآن است که یک نمونه روشن آن در همین آیات مورد بحث آمده، در طی چند آیه با انواع تأکیدات از پیروزی بزرگ یک ارتش شکست خورده در چند سال بعد خبر داده و آن را به عنوان یک وعده تخلف ناپذیر الهی معرفی می کند .

ص: ۵۹

از یک سو خبر از اصل پیروزی می دهد (وَ هُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ).

از سوی دیگر خبر از پیروزی دیگری برای مسلمانان بر کفار مقارن همان زمان (وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ). و از سوی سوم تصریح می کند که این امر در چند سال آینده به وقوع خواهد پیوست (فِي بَضْعِ سِنِينَ). و از سوی چهارم با دو بار تأکید ، قطعی بودن این وعده الهی را مسجّل می سازد (وَ عَدَّ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ).

تاریخ به ما می گوید که هنوز نه سال نگذشته بود که این دو حادثه انجام یافت ؛ رومیان در نبرد جدیدی بر ایرانیان پیروز شدند و مقارن همان زمان مسلمانان با صلح حدیبیه (و بر طبق روایتی در جنگ بدر) پیروزی چشمگیری بر دشمنان پیدا کردند .

اکنون این سؤال مطرح است که آیا یک انسان با علم عادی می تواند این چنین

قاطعانه از حادثه ای به این مهمی خبر دهد؟ حتی اگر فرضاً قابل پیش بینی سیاسی هم باشد، که نبود، باید با قید احتیاط و ذکر احتمال بگوید، نه این چنین باصراحت و قاطعیت که اگر تخلف آن ظاهر گردد، بهترین سند برای ابطال دعوی نبوت به دست دشمنان خواهد افتاد.

حقیقت این است که مسائلی از قبیل پیش بینی پیروزی یک کشور بزرگ همچون کشور روم یا مسأله مباحثه به خوبی نشان می دهد که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به جای دیگری دل بسته بود و پشت گرمی از جای دیگر داشت و گرنه هیچ کس در شرایط عادی، توانایی و جرأت بر چنین اموری را ندارد.

به خصوص این که مطالعه در حال پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نشان می دهد که او از کسانی نبود که بی گذار به آب بزند، بلکه کارهایش حساب شده بود، چنین ادعایی از چنین کسی، نشان می دهد که او تکیه بر جهان ماورای طبیعت، وحی الهی و علم بی پایان خداوند داشته است.

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هَدَىٰ اللَّهُ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ

خداوند بهترین سخن را نازل کرده ، کتابی که آیاتش (از نظر لطف و زیبایی و عمق محتوا) همانند یکدیگر است ، آیاتی مکرر دارد (تکراری شوق انگیز) که از شنیدن آیاتش لرزه بر اندام کسانی که از پروردگارشان خاشعند، می افتد، سپس برون و درونشان نرم و متوجه ذکر خدا می شود ، این هدایت الهی است که هرکس را بخواهد با آن راهنمایی می کند و هرکس را خداوند گمراه سازد ، راهنمایی برای او نخواهد بود . (۱)

ص: ۶۲

منظور از «مُتَشَابِه» در این جا کلامی است که قسمت های مختلف آن با یکدیگر هم‌رنگ و هماهنگ می باشد، هیچ گونه تضاد و اختلافی در میان آن نیست، خوب و بد ندارد، بلکه یکی از یکی بهتر است.

این درست برخلاف کلمات انسان ها است که هر قدر در آن دقت شود، هنگامی که گسترده و وسیع گردد، خواه ناخواه اختلافات و تناقض ها و تضادهایی در آن پیدا می شود، بعضی در اوج زیبایی است و بعضی کاملاً عادی و معمولی، بررسی آثار نویسندگان معروف و بزرگ اعم از نثر و نظم نیز گواه زنده این مطلب است.

اما کلام خدا قرآن مجید این چنین نیست، انسجام فوق العاده و همبستگی مفاهیم و فصاحت و بلاغت بی نظیری که در همه آیاتش حاکم است، گواهی می دهد که از کلام انسان ها نیست.

سپس می افزاید: ویژگی دیگر این کتاب این است که « مکرر است » (مثنایی).

این تعبیر ممکن است اشاره به تکرار مباحث مختلف داستان ها، سرگذشت ها، مواعظ و اندرزها بوده باشد، اما تکراری که هرگز ملامت آور نیست، بلکه شوق انگیز است و نشاط آفرین و این یکی از اصول مهم فصاحت است که انسان به هنگام لزوم چیزی را برای تأثیر عمیق بخشیدن تکرار کند، اما هر زمان به شکلی تازه و صورتی نو که ملامت خیز نباشد.

به علاوه مطالب مکرر قرآن مفسر یکدیگر است و بسیاری از مشکلات از این طریق حل می شود. بعد از این توصیف به آخرین ویژگی قرآن در این بحث یعنی نفوذ عمیق و فوق العاده آن پرداخته، می گوید: « تَقَشَّعْرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ».

ص: ۶۴

چه ترسیم جالب و زیبایی از نفوذ عجیب آیات قرآن در دل های آماده ، نخست در آن خوف و ترسی ایجاد می کند، خوفی که مایه بیداری و آغاز حرکت است و ترسی که انسان را متوجه مسؤولیت های مختلفش می سازد .

در مرحله بعد حالت نرمش و پذیرش سخن حق به او می بخشد و به دنبال آن آرامش می یابد.

این حالت دوگانه که مراحل مختلف و منازل « سلوک الی الله » را نشان می دهد ، کاملاً قابل درک است ، آیا غضب و مقام انذار پیامبر صلی الله علیه و آله دل ها را به لرزه درمی آورد ، سپس آیات رحمت به آن آرامش می دهد .

تاریخ اسلام پر است از نشانه های نفوذ عجیب قرآن در دل های مؤمنان و حتی غیرمؤمنان که قلب هایی آماده داشتند و این نفوذ و جذبه فوق العاده

دلیل روشنی است بر این که این کتاب از طریق وحی نازل شده است .

در حدیثی از « اسماء » نقل شده است که می گوید : « كَانَ أَصْحَابُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ كَمَا نَعَتْهُمْ اللَّهُ تَدْمَعُ أَعْيُنُهُمْ وَتَقْشَعِرُ جُلُودُهُمْ: یاران پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که قرآن بر آن ها تلاوت می شد همان گونه که خداوند آن ها را توصیف کرده است چشم هایشان اشکبار می گشت و لرزه بر اندامشان می افتاد » . (۱)

در پایان آیه بعد از بیان این اوصاف می گوید : « در این کتاب مایه هدایت الهی است که هر کس را بخواهد ، به وسیله آن هدایت می کند » (ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ) .

درست است که قرآن برای هدایت همگان نازل شده اما تنها حق طلبان و

ص: ۶۶

حقیقت جویان و پرهیزکاران از نور هدایتش بهره می گیرند و آن ها که دریچه های قلب خود را عمداً به روی آن بسته اند و تاریکی تعصب و لجاجت بر روح آن ها حکمفرما است ، نه تنها بهره ای از آن نمی گیرند ، بلکه بر اثر عناد و دشمنی بر ضلالتشان افزوده می شود، لذا در دنبال این سخن می فرماید : « و هر کس را خداوند گمراه سازد ، هادی و راهنمایی برای او نخواهد بود » (وَ مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ) .

ضلالتی که پایه های آن به دست خود او گذارده شده و زیربنایش به وسیله اعمال نادرستشان استحکام یافته و به همین دلیل کمترین منافاتی با اصل اختیار و آزادی اراده انسان ها ندارد .

هدف نهایی از نزول قرآن

وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً وَهَذَا كِتَابٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانِ عَزْرِيَّا لِيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَىٰ لِلْمُحْسِنِينَ

و پیش از آن ، کتاب موسی که پیشوا و رحمت بود (نشانه های آن را بیان کرده) و این کتاب هماهنگ با نشانه های تورات است ، درحالی که به زبان عربی و فصیح و گویا است تا ظالمان را انذار کند و نیکوکاران را بشارت دهد . (۱)

کرارا در آیات قرآن روی این نکته تکیه شده است که قرآن ، تصدیق کننده تورات و انجیل است ، یعنی هماهنگ با نشانه هایی است که در این دو کتاب آسمانی درباره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و کتاب آسمانی او آمده است ، به قدری این

ص: ۶۸

نشانه‌ها دقیق بوده که قرآن می‌گوید: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمْ : اهل کتاب او را به خوبی می‌شناسند ، همان گونه که فرزندان خود را می‌شناسند» (۱).

در پایان آیه، هدف نهایی از نزول قرآن، را در دو جمله کوتاه به این صورت شرح می‌دهد: «لِيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ بُشِّرِ لِلْمُحْسِنِينَ» .

و با توجه به جمله «يُنذِرَ» که فعل مضارع است و دلالت بر استمرار دارد، روشن می‌شود که انذار قرآن ، همچون بشارت آن ، دایمی و مستمر است ، ظالمان و ستمگران را در سراسر تاریخ بیم می‌دهد و انذار می‌کند و به نیکوکاران همواره بشارت می‌دهد .

قابل توجه این که نقطه مقابل « ظالمان » را « نیکوکاران » قرار داده ،

ص: ۶۹

چراکه « ظلم » در این جا معنی وسیعی دارد که هرگونه بدکاری و خلاف کاری را شامل می شود که طبعاً یا ظلم به دیگران است ، یا ظلم بر نفس .

منظور از آیات محکم و متشابه چیست ؟

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ

او کسی است که این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کرد که قسمتی از آن ، آیات « محکم » (صریح و روشن) است که اساس این کتاب می باشد (و هرگونه پیچیدگی در آیات دیگر، با مراجعه به این ها، برطرف می گردد) و قسمتی از آن ، «متشابه» است (آیاتی که به خاطر بالا

بودن سطح مطلب و جهات دیگر، در نگاه اول، احتمالات مختلفی در آن می رود، ولی با توجه به آیات محکم، تفسیر آن ها آشکار می گردد) اما آن ها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال تشابهات هستند، تا فتنه انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند) و تفسیر (نادرستی) برای آن می طلبند، در حالی که تفسیر آن ها را، جز خدا و راسخان در علم، نمی دانند (آن ها که به دنبال فهم و درک اسرار همه آیات قرآن در پرتو علم و دانش الهی هستند،) می گویند: ما به همه آن ایمان آوردیم، همه از طرف پروردگار ما است و جز صاحبان عقل، متذکر نمی شوند (و این حقیقت را درک نمی کنند). (۱)

واژه « مُحَكَّم » در اصل از « اِحکام » به معنی ممنوع ساختن، گرفته شده است و به همین دلیل به موجودات پایدار و استوار، « محکم » می گویند، زیرا عوامل

ص: ۷۱

انحرافی را می‌زدایند و نیز سخنان روشن و قاطع که هرگونه احتمال خلاف را از خود دور می‌سازد، «مُحْكَم» می‌گویند، «راغب» در مفردات می‌گوید: «حُكْم» (و حِكْمِيَه) در اصل به معنی منع است (و دانش را از این جهت «حِكْمَت» می‌گویند که انسان را از بدی‌ها باز می‌دارد. لذا مراد از «آيَاتُ مُحْكَمَاتُ» آياتی است که مفهوم آن به قدری روشن است که جای بحث در آن نیست، آياتی چون «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ: بگو او است خدای یگانه» (۱)، «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ: هیچ چیز همانند او نیست» (۲)، «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ: خدا آفریننده و آفریدگار همه چیز است» (۳)، «لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ: سهم ارث پسر معادل سهم دودختر است» (۴) و هزاران آیه مانند آن‌ها

ص: ۷۲

۱- ۱ / اخلاص .

۲- ۱۱ / شوری .

۳- ۲۶ / زمر .

۴- ۱۱ / نساء .

درباره عقاید و احکام و مواعظ و تواریخ، همه از محکّمات می باشند. این آیات (محکّمات) در قرآن « اُمُّ الْكِتَابِ » نامیده شده، یعنی اصل و مرجع و مُفسّر و توضیح دهنده آیات دیگر است. واژه « مُتَشَابِه » در اصل به معنی چیزی است که قسمت های مختلف آن، شبیه یکدیگر باشد، به همین جهت به جمله ها و کلماتی که معنی آن ها پیچیده است و گاهی احتمالات مختلف درباره آن داده می شود، « متشابه » می گویند و منظور از متشابهات قرآن همین است، یعنی آیاتی که معانی آن در بدو نظر پیچیده است و در آغاز، احتمالات متعدّدی در آن می رود، اگرچه با توجّه به آیات محکم، تفسیر آن ها روشن است. گرچه درباره محکم و متشابه، مفسران احتمالات زیادی داده اند (۱)، ولی آن چه ما در بالا گفتیم، هم با معنی

ص: ۷۳

۱- مرحوم « طبرسی »، در « مجمع البیان »، ۵ تفسیر ذکر کرده است.

اصلی این دو واژه کاملاً مناسب است و هم با شأن نزول آیه و هم با روایاتی که در تفسیر آیه وارد شده و هم با خود آیه مورد بحث، سازگارتر می باشد. زیرا در ذیل آیه فوق می خوانیم که افراد مغرض ، همیشه آیات متشابه را دستاویز خود قرار می دهند، بدیهی است آن ها از آیاتی سوءاستفاده می کنند که در بدو نظرتاب تفسیرهای متعددی دارد و این خود می رساند که «مُتَّشَابِه» به آن معنی است که در بالا گفته شد . برای نمونه آیات متشابه ، قسمتی از آیات مربوط به صفات خدا و چگونگی معاد را می توان ذکر کرد ، مانند «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ : دست خدا بالای دست های آن ها است » (۱) که درباره قدرت خداوند می باشد ، « وَ اللَّهُ

خداوند شنوا و دانا است » (۲) که اشاره به علم خدا است و مانند « وَ نَضَعُ الْمَوَازِينَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ :

ص: ۷۴

۱- ۲۲۴ / بقره .

۲- ۱۰ / فتح .

الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ: ترازوهای عدالت را در روز رستاخیز قرار می دهیم» (۱) که درباره وسیله سنجش اعمال سخن می گوید .

بدیهی است نه خداوند دست (به معنی عضو مخصوص) دارد و نه گوش (به همین معنی) و نه ترازوی سنجش اعمال ، شبیه ترازوهای ما است ، بلکه این ها اشاره به مفاهیم کلی قدرت و علم و وسیله سنجش می باشد . این نکته نیز لازم به یادآوری است که محکم و متشابه ، به معنی دیگری نیز در قرآن آمده است، در اول سوره هود می خوانیم: « كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ » در این آیه تمام آیات قرآن ، « محکم » قلم داد شده و منظور از آن ، ارتباط و به هم پیوستگی آیات قرآن است و در آیه ۲۳ سوره « زُمر » می خوانیم : « كِتَابًا مُّشَابِهًا ... » یعنی کتابی که تمام آیات

ص: ۷۵

آن ، متشابه است ، « متشابه » در این جا یعنی همانند یکدیگر از نظر درستی و صحت و حقیقت . از آن چه درباره محکم و متشابه گفتیم ، معلوم شد که یک انسان واقع بین و حقیقت جو برای فهم کلمات پروردگار ، راهی جز این ندارد که همه آیات را در کنارهم بچیند و از آن ها حقیقت را دریابد و اگر در ظواهر پاره ای از آیات ، در ابتدای نظر، ابهام و پیچیدگی بیابد ، با توجه به آیات دیگر ، آن ابهام و پیچیدگی را برطرف سازد و به کنه آن برسد . در حقیقت ، « آیات محکم » از یک نظر همچون شاهراه های بزرگ و « آیات متشابه » همانند جاده های فرعی هستند ، روشن است که اگر انسان در جاده های فرعی ، احیانا سرگردان شود ، سعی می کند خود را به نخستین شاهراه برساند و از آن جا مسیر خود را اصلاح کرده و راه را پیدا کند . تعبیر از « محکومات » به « اُمُّ الْكِتَابِ » نیز مؤید همین حقیقت است ، زیرا واژه « اُمُّ » در لغت به معنی اصل و اساس هر چیزی است و اگر "مادر" را « اُمُّ » می گویند ،

به خاطر این است که ریشه خانواده و پناهگاه فرزندان در حوادث و مشکلات می باشد و به این ترتیب، محکمت، اساس و ریشه و مادر آیات دیگر محسوب می گردد. (۱)

رسالت و پیام جهانی قرآن

قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ

بگو بالاترین گواهی، گواهی کیست؟ بگو خداوند گواه میان من و شما است و (بهترین دلیل آن این است که) این قرآن را بر من وحی کرده تا شما و تمام کسانی را که این قرآن به آن ها می رسد انذار کنم (و از مخالفت فرمان خدا بترسانم)... (۲)

ص: ۷۷

۱- برای مطالعه بیشتر در خصوص بحث محکم و متشابه به کتاب قرآن شناسی جوان تألیف دکتر محمد بیستونی مراجعه کنید.
۲- ۱۹ / انعام .

از این جمله استفاده می شود که قرآن بزرگ ترین معجزه و بالاترین گواه صدق دعوی پیامبر است .

اگر می بینیم در این جا فقط سخن از « انذار » و بیم دادن ، به میان آمده با این که معمولاً همه جا با بشارت همراه است، به خاطر این است که سخن در برابر افراد لجوجی بوده که اصرار در مخالفت داشته اند .

ضمناً با ذکر کلمه « وَ مَنْ بَلَغَ » (تمام کسانی که این سخن به آن ها می رسد) رسالت جهانی قرآن و دعوت عمومی و همگانی آن را اعلام می دارد ، در حقیقت تعبیری از این کوتاه تر و جامع تر برای ادای این منظور تصور نمی شود و دقت در وسعت آن می تواند هرگونه ابهامی را در مورد عدم اختصاص دعوت قرآن به نژاد عرب و یا زمان و منطقه خاصی برطرف سازد . جمعی از دانشمندان از تعبیراتی مانند

تعبیر فوق مسئله خاتمیت پیامبر را نیز استفاده کرده اند ، زیرا طبق تعبیر بالا پیامبر

مبعوث بوده به تمام کسانی که گفتارش به آن ها می رسد و این شامل تمام کسانی می شود که تا پایان این جهان به دنیا قدم می گذارند .

از احادیثی که از طرق اهل بیت علیهم السلام وارد شده چنین استفاده می شود که منظور از ابلاغ قرآن تنها به این نیست که عین متن آن به اقوام دیگر برسد حتّی وصول ترجمه های آن به زبان های دیگر نیز در مفهوم آیه وارد است .

در حدیثی از امام صادق نقل شده که درباره آیه فوق سؤال شده ، حضرت فرمود : « بِكُلِّ لِسَانٍ : یعنی به هر زبان که باشد »
[\(۱\)](#).

ص: ۷۹

۱- « تفسیر برهان » ، « تفسیر نورالثقلین » جلد ۱ ، صفحه ۷۰۷ ذیل آیه .

به هنگام شنیدن تلاوت قرآن خاموش باشید

وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

هنگامی که قرآن خوانده شود گوش فرادهید و خاموش باشید تا مشمول رحمت خدا شوید. (۱)

« أَنْصِتُوا » از ماده « أَنْصَتَ » به معنی سکوت توأم با گوش فرادادن است .

در این که آیا این سکوت و استماع به هنگام قرائت قرآن در تمام موارد است ، یا منحصر به وقت نماز و هنگام قرائت امام جماعت و یا به هنگامی که امام در خطبه نماز جمعه تلاوت قرآن می کند ، در میان مفسران گفتگو بسیار است و احادیث مختلفی در کتب حدیث و تفسیر در این زمینه نقل شده است . آن چه از ظاهر آیه استفاده می شود این است که حکم ، عمومی و همگانی است و

ص: ۸۰

مخصوص به حال معینی نیست ، ولی روایات متعددی که از پیشوایان اسلام نقل شده به اضافه اجماع و اتفاق علماء بر عدم وجوب استماع در همه حال ، دلیل بر این است که این حکم به صورت کلی یک حکم استحبابی است ، یعنی شایسته و مستحب است که در هر کجا و در هر حال کسی قرآن را تلاوت کند ، دگران به احترام قرآن سکوت کنند و گوش جان فرادهند و پیام خدا را بشنوند و در زندگی خود از آن الهام گیرند ، زیرا قرآن تنها کتاب قرائت نیست ، بلکه کتاب فهم و درک و سپس عمل است ، این حکم مستحب به قدری تأکید دارد که در بعضی از روایات از آن تعبیر به واجب شده است . در حدیثی از امام صادق می خوانیم که فرمود : « یَجِبُ الْأَنْصَاتُ لِلْقُرْآنِ فِي الصَّلَاةِ وَفِي غَيْرِهَا وَإِذَا قُرِئَ عِنْدَكَ الْقُرْآنُ وَجِبَ عَلَيْكَ الْأَنْصَاتُ وَالْإِسْتِمَاعُ : بر تو واجب است که در نماز و غیر نماز در برابر شنیدن قرآن سکوت و استماع کنی و هنگامی که نزد تو قرآن خوانده شود ، لازم است سکوت

کردن و گوش فرادادن» (۱) حتی از بعضی از روایات استفاده می شود که اگر امام جماعت مشغول قرائت باشد فرد دیگری ، آیه ای از قرآن تلاوت کند ، مستحب است سکوت کند تا او آیه را پایان دهد، سپس امام قرائت را تکمیل کند، چنان که از امام صادق نقل شده که : « علی در نماز صبح بود و « اِنَّ كُؤَا » (همان مرد منافق تیره دل) در پشت سر امام مشغول نماز بود، ناگاه در نماز این آیه را تلاوت کرد : " وَ لَقَدْ اَوْحٰى اِلَيْكَ وَ اِلٰى الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ اَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَ تَكُوْنَنَّ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ " (و هدفش از خواندن آیه این بود که به طور کنایه به علی احتمالاً در مورد قبول حکمیت در میدان « صفین » اعتراض کند) اما با این حال امام برای احترام قرآن سکوت کرد تا وی آیه را به پایان رسانید ، سپس امام به ادامه قرائت نماز بازگشت

ص: ۸۲

و "إِنَّ كُؤًا" کار خود را دو مرتبه تکرار کرد باز امام سکوت کرد و "إِنَّ كُؤًا" برای سومین بار آیه را تکرار نمود و علی مجدداً به احترام قرآن سکوت کرد، سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمود: "فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفَّنَكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ" (اشاره به این که مجازات دردناک الهی در انتظار منافقان و افراد بی ایمان است و در برابر آن ها باید تحمل و حوصله به خرج داد) سرانجام امام سوره را تمام کرده و به رکوع رفت. (۱) از مجموع این بحث روشن می شود که استماع و سکوت به هنگام شنیدن آیات قرآن کار بسیار شایسته ای است ولی به طور کلی واجب نیست و شاید علاوه بر اجماع و روایات جمله «لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (شاید مشمول رحمت خدا بشوید) نیز اشاره به مستحب بودن این حکم باشد. تنها موردی که این حکم الهی شکل وجوب به خود

ص: ۸۳

می گیرد موقع نماز جماعت است که مأموم به هنگام شنیدن قرائت امام باید سکوت کند و گوش فرا دهد ، حتی جمعی از فقها این آیه را دلیل بر سقوط قرائت حمد و سوره از مأموم دانسته اند. از جمله روایاتی که دلالت بر این حکم دارد حدیثی است که از امام باقر نقل شده که فرمود : « وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فِي الْفَرِيضَةِ خَلْفَ الْإِمَامِ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ : هنگامی که قرآن در نماز فریضه و پشت سر امام خوانده می شود ، گوش فرادهید و خاموش باشید شاید مشمول رحمت الهی شوید » . (۱)

و اما در مورد کلمه « لَعَلَّ » (شاید) که در این گونه موارد به کار می رود ، منظور این است برای این که مشمول رحمت خدا شوید ، تنها سکوت و

ص: ۸۴

گوش فرادادن کافی نیست ، شرایط دیگری از جمله عمل به آن دارد .

عظمت و حقانیت دعوت قرآن

وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَى مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ

شایسته نیست (و امکان نداشت) که این قرآن بدون وحی الهی به خدا نسبت داده شود، ولی تصدیقی است برای آن چه بیش از آن است (از کتب آسمانی) و تفصیلی است برای آن ها و شکی نیست که از طرف پروردگار جهانیان است . (۱)

تمام بشارات و نشانه های حقانیتی که در کتب آسمانی پیشین آمده ، بر قرآن و آورنده قرآن کاملاً منطبق است و این خود ثابت می کند که تهمت و افترا بر خدا

ص: ۸۵

نیست و واقعیت دارد ، اصولاً- خود قرآن از باب « آفتاب آمد دلیل آفتاب » ، شاهد صدق محتوای خویش است. و از این جا روشن می شود کسانی که این گونه آیات قرآن را دلیل بر عدم تحریف تورات و انجیل گرفته اند ، در اشتباهند ، زیرا قرآن مندرجات این کتب را که در عصر نزول قرآن وجود داشتند، تصدیق نمی کند، بلکه نشانه هایی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن در این کتب بوده ، مورد تأیید قرار داده است. در این زمینه توضیحات بیشتری در جلد اول « تفسیر نمونه » ، ذیل آیه ۴۱ سوره بقره بیان گردید. سپس دلیل دیگری بر اصالت این وحی آسمانی ذکر کرده، می گوید : « وَ تَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ». به تعبیر دیگر هیچ گونه تضادی با برنامه انبیاء گذشته ندارد ، بلکه تکامل آن تعلیمات و برنامه ها در آن دیده می شود و اگر این قرآن مجعول بود ، حتما مخالف و مباین

آن‌ها بود. و از این‌جا می‌دانیم که در اصول مسائل چه در عقاید دینی و چه در برنامه‌های اجتماعی و حفظ حقوق و مبارزه با جهل و دعوت به حق و عدالت و همچنین زنده کردن ارزش‌های اخلاقی و مانند این‌ها هیچ‌گونه اختلافی در میان کتب آسمانی نیست، جز این‌که هر کتابی که بعداً نازل شده، در سطحی بالاتر و کامل‌تر بوده همچون سطوح مختلف تعلیمات در دبستان و دبیرستان و دانشگاه تا به کتاب‌نهایی که مخصوص دوران پایان تحصیل دینی است یعنی قرآن رسیده است. شک نیست که در جزئیات احکام و شاخ و برگ‌ها تفاوت در میان ادیان و مذاهب آسمانی وجود دارد ولی سخن از اصول اساسی آن‌ها است که همه‌جا هماهنگ است.

قرآن انسان ها را از ظلمت ها به سوی نور سوق می دهد

الْأَرْكَانُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ

الراین کتابی است که بر تو نازل کردیم تا مردم را از تاریکی های (شرک و ظلم و طغیان) به سوی روشنایی (ایمان و عدل و صلح) به فرمان پروردگارشان درآوری ، به سوی راه خداوند عزیز و حمید .(۱)

در حقیقت تمام هدف های تربیتی و انسانی ، معنوی و مادی نزول قرآن ، در همین یک جمله جمع است : « بیرون ساختن از ظلمت ها به نور » از ظلمت جهل به نور دانش ، از ظلمت کفر به نور ایمان ، از ظلمت ستمگری و ظلم به نور عدالت ،

ص: ۸۸

از ظلمت فساد به نور صلاح ، از ظلمت گناه به نور پاکی و تقوی و از ظلمت پراکندگی و تفرقه و نفاق به نور وحدت.

جالب این که « ظُلمت » در این جا (مانند بعضی دیگر از سوره های قرآن به صورت جمع آمده) و « نُور » به صورت مفرد ، اشاره به این که ، همه نیکی ها و پاکی ها و ایمان و تقوا و فضیلت در پرتو نور توحید یک حالت وحدت و یگانگی به خود می گیرند و همه با یکدیگر مربوطند و متحد و در پرتو آن یک جامعه واحد و یکپارچه و پاک از هر نظر ساخته می شود.

اما ظلمت همه جا مایه پراکندگی و تفرقه صفوف است ، ستمگران ، بدکاران و آلودگان به گناه و منحرف حتی در مسیرهای انحرافی خود غالباً وحدت ندارند و با هم در حال جنگ هستند.

و از آن جا که سرچشمه همه نیکی ها ، ذات پاک خدا است و شرط اساسی درک

توحید ، توجه به همین واقعیت است بلافاصله اضافه می کند : « همه این ها به اذن پروردگارشان می باشد » (بِإِذْنِ رَبِّهِمْ).

سپس برای توضیح و تبیین بیشتر که منظور از این نور چیست، می فرماید: « به سوی راه خداوند عزیز و حمید » (إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ).

خداوندی که عزتش دلیل قدرت او است ، چراکه هیچ کس توانایی غلبه بر او را ندارد و حمید بودنش نشانه مواهب و نعمت های بی پایان او می باشد ، چراکه حمد و ستایش همیشه در برابر نعمت ها و موهبت ها و زیبایی ها است .

بحثی پیرامون عدم تحریف قرآن

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ

ما قرآن را نازل کردیم و ما به طور قطع آن را پاسداری می کنیم. (۱)

معروف و مشهور در میان همه دانشمندان شیعه و اهل تسنن این است که هیچ گونه تحریفی در قرآن روی نداده است و قرآنی که امروز در دست ما است ، درست همان قرآنی است که بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده و حتی کلمه و حرفی از آن کم و زیاد نگردیده است .

در میان علمای بزرگ شیعه از قدما و متأخرین از جمله کسانی که به این حقیقت تصریح کرده اند ، دانشمندان زیر را می توان نام برد :

ص: ۹۱

۱ مرحوم شیخ طوسی که به « شیخ الطائفه » معروف است ، او در اول تفسیر معروفش (تبیان) بحث روشن و صریح و قاطعی در این زمینه دارد .

۲ سیدمرتضی که از اعظم علمای امامیه در قرن چهارم هجری است .

۳ رئیس المحدثین مرحوم صدوق محمد بن علی بن بابویه ، او در بیان عقاید امامیه می گوید : « اعتقاد ما این است که هیچ گونه تحریفی در قرآن رخ نداده است » .

۴ مفسر بزرگ مرحوم طبرسی نیز در مقدمه تفسیرش بحث گویایی در این زمینه دارد .

۵ مرحوم کاشف الغطاء که از بزرگان علمای

ص: ۹۲

متأخرین است .

۶ مرحوم محقق یزدی در کتاب «عروه الوثقی» عدم تحریف قرآن را از جمهور مجتهدین شیعه نقل می کند .

۷ و نیز این عقیده از بسیاری از بزرگان دیگر مانند شیخ مفید، شیخ بهایی، قاضی نور الله و سایر محققین شیعه نقل شده است .

بزرگان و محققین اهل سنت نیز غالبا بر همین عقیده اند .

هرچند وقوع تحریف در قرآن از بعضی از محدثین شیعه و اهل سنت که اطلاعات ناقصی درباره قرآن داشته اند، نقل شده که باروشنگری بزرگان دانشمندان دو مذهب این عقیده ابطال و به دست فراموشی سپرده شده است.

تا آن جا که مرحوم سید مرتضی در جواب «المسائل الطرابلسیات» می گوید: «صحت نقل قرآن آن قدر واضح و روشن است که مانند اطلاع ما از

ص: ۹۳

شهرهای معروف دنیا و حوادث بزرگ تاریخی و کتب مشهور و معروف است .

آیا به طور مثال هیچ کس می تواند در وجود شهرهایی همچون مکه و مدینه و یا همچون لندن و پاریس شک کند ، هرچند هرگز به هیچ یک از این شهرها مسافرت نکرده باشد و آیا کسی می تواند مسأله حمله مغول به ایران و یا انقلاب کبیر فرانسه و یا جنگ جهانی اول و دوم را منکر شود ؟

چرا نمی تواند به خاطر این که همه این ها به تواتر به ما رسیده است ، آیات قرآن نیز همین گونه است .

این عجیب نیست که فردی همچون « فخر رازی » که می دانیم در مسائل مربوط به شیعه

ص: ۹۴

حساسیت و تعصب خاصی دارد، در ذیل آیه مورد بحث، بگوید: این آیه (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ) دلیل بر ابطال قول شیعه

است که قائل به تغییر و زیاده و نقصان در قرآن شده اند.

صریحا باید گفت: اگر منظور وجود قول ضعیفی در این زمینه در میان شیعه است، نظیر آن در میان اهل سنت نیز وجود دارد که نه آن ها به آن اعتنا کرده اند و نه ما.

دعوت همه پیشوایان اسلام به قرآن موجود

قابل توجه این که بررسی کلمات پیشوایان بزرگ اسلام نشان می دهد که از همان آغاز اسلام همه یک زبان مردم را به تلاوت و بررسی و عمل به همین قرآن موجود دعوت می کردند و این خود نشان می دهد که این کتاب آسمانی به صورت یک مجموعه دست نخورده در همه قرون از جمله قرون نخستین اسلام بوده است.

سخنان علی در «نهج البلاغه» گواه زنده این مدعا است؛ در خطبه ۱۳۳ می خوانیم: «وَ كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ نَاطِقٌ لَا يَغِيَا لِسَانَهُ وَ بَيَّتْ لَا تُهْدَمُ أَرْكَانُهُ

وَ عِزًّا لَا تُهْزَمُ أَعْوَانُهُ : کتاب خدا در میان شما است، سخنگویی است که هرگز زبانش به کندی نمی گراید و خانه ای است که هیچ گاه ستون هایش فرو نمی ریزد و مایه عزت است آن چنان که یارانش هرگز مغلوب نمی شوند.»

در خطبه ۱۷۶ می فرماید : « وَ اعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِحُ - حُ الَّذِي لَا - يَعْشُ وَالْهَادِي الَّذِي لَا يُضِلُّ ، وَالْمُحَدِّثُ الَّذِي لَا يَكْذِبُ : بدانید که این قرآن نصیحت کننده ای است که هرگز در نصیحت خود غش و خیانت نمی کند و هدایت کننده ای است که هیچ گاه گمراه نمی سازد و گوینده ای است که دروغ نمی گوید . »

و نیز در همین خطبه می خوانیم : « وَ مَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدًا إِلَّا قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ أَوْ نُقْصَانٍ ؛ زِيَادَةٍ فِي هُدًى أَوْ نُقْصَانٍ مِنْ عَمَى : هیچ کس با این قرآن همنشین نمی شود مگر این که از کنار آن با فزونی یا نقصان برمی خیزد ؛ فزونی در هدایت و نقصان از گمراهی . »

در دنباله همین خطبه باز می خوانیم: « إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَعْظَ أَحَدًا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ فَإِنَّهُ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ وَ سَبَبُهُ الْأَمِينُ : خداوند پاک احدی را به مانند این قرآن اندرز نداده است ، چراکه این ریسمان محکم الهی و وسیله مطمئن او است » .

و در خطبه ۱۹۸ می خوانیم: « ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ نُورًا لَا تَطْفَأُ مَصَابِيحُهُ وَ سِرَاجًا لَا يَخْبُوا تَوَقُّدَهُ ... وَ مِنْهَا جَا لَا يُضِلُّ نَهْجُهُ ... وَ فُرْقَانًا لَا يُخَمِّدُ بُرْهَانُهُ : سپس خداوند کتابی بر پیامبرش نازل کرد که نوری است خاموش نشدنی و چراغ پرفروغی است که به تاریکی نمی گراید، طریقه ای است که رهروانش گمراه نمی شوند و مایه جدایی حق از باطل است که برهانش خاموش نمی گردد » .

آیا اگر فرض کنیم دست تحریف به دامن این کتاب آسمانی دراز شده بود ، امکان داشت این گونه به سوی آن دعوت شود ؟ و به عنوان راه و روش و

وسيله جدایی حق از باطل و نوری که هرگز خاموش نمی شود و چراغی که به خاموشی نمی گراید و ریسمان محکم خدا و سبب امین و مطمئن او معرفی گردد؟

اصولاً- پس از قبول خاتمیت پیامبر صلی الله علیه و آله و این که آیین اسلام آخرین آیین الهی است و رسالت قرآن تا پایان جهان برقرار خواهد بود، چگونه می توان باور کرد که خدا این یگانه سند اسلام و پیامبرخاتم را پاسداری نکند؟ آیا تحریف قرآن باجاودانگی اسلام طی هزاران سال و تا پایان جهان مفهومی می تواند داشته باشد؟

روایات ثقلین که با طرق معتبر و متعدد از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده ، خود دلیل دیگری بر اصالت قرآن و محفوظ بودن آن از هرگونه دگرگونی است، زیرا طبق این روایات، پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «من از میان شما می روم و دو چیز گران مایه را برای شما به یادگار می گذارم؛ نخست قرآن و دیگری اهل بیت من است که اگر دست از دامن این

دو بردارید، هرگز گمراه نخواهید شد». آیا این تعبیر در مورد کتابی که دست تحریف به دامان آن دراز شده ، می تواند صحت داشته باشد ؟ علاوه بر همه این ها قرآن به عنوان یک معیار سنجش مطمئن اخبار صدق و کذب به مسلمانان معرفی شده و در روایات زیادی که در منابع اسلامی آمده ، می خوانیم که در صدق و کذب هر حدیثی شک کردید آن را به قرآن عرضه کنید ، هر حدیثی موافق قرآن است ، حق است و هر حدیثی مخالف آن است ، نادرست .

اگر فرضاً تحریفی در قرآن حتی به صورت نقصان رخ داده بود، هرگز ممکن نبود به عنوان معیار سنجش حق از باطل و حدیث درست از نادرست معرفی گردد .

با آیات قرآن در جهت منافع خود، گزینشی رفتار نکنید

وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ و بگو من انداز کننده آشکارم. (۱)

كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ

(ما بر آن ها عذابی می فرستیم) همان گونه که بر «تجزیه گران» (آیات الهی) فرستادیم. (۲)

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ

همان ها که قرآن را تقسیم کردند (آن چه به سودشان بود پذیرفتند و آن چه برخلاف هوس هایشان بود ترک نمودند). (۳)

«عِضِينَ» جمع «عِضَه» به معنی متفرق ساختن است و به هر بخش از

ص: ۱۰۰

۱- ۸۹ / حجر .

۲- ۹۰ / حجر .

۳- ۹۱ / حجر .

چیزی نیز گفته می شود بنابراین « عَضین » یعنی بخش ها و قسمت ها .

آن چه به سودشان بود گرفتند و آن چه به زیانشان بود کنار گذاشتند ، در حقیقت به جای این که کتاب الهی و دستورهایش رهبر و راهنمای آن ها باشد به صورت آلت دست درآوردند و آن را وسیله ای برای رسیدن به مقاصد شومشان ساختند، اگر یک کلمه به نفعشان بود به آن چسبیدند و اگر هزاران کلمه به زیانشان بود کنار گذاشتند .

مقسمین چه اشخاصی هستند ؟

برنامه های الهی بدون شک عموماً حافظ منافع همه انسان ها است ولی در ظاهر و نظر ابتدایی معمولاً بعضی مطابق میل ما است و بعضی برخلاف میل ما است و این جا است که مؤمنان راستین از مدعیان دروغین شناخته می شوند ، گروه اول همه را در بست می پذیرفتند حتی آن جا که ظاهراً به سود آن ها نیست و

ص: ۱۰۱

می گویند: «كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا : همه از ناحیه خدا است» و هیچ گونه تجزیه و تقسیم و تبعیض در میان احکام الهی قایل نیستند .

این افتخار نیست که همچون بعضی از اقوام گذشته نغمه «تُؤْمِنُ بَبَعْضٍ وَ نَكْفُرُ بِبَعْضٍ» ساز کنیم چرا که همه دنیاپرستان همین کار را می کنند ، آن چه معیار شناخت پیروان حق از طرفداران باطل است ، همان تسلیم در مقابل آن بخش از فرمان ها است که با تمایلات و هوس ها و منافع ظاهری ما هماهنگ نیست، این جا است که سره از ناسره و مؤمن از منافق، شناخته می شوند

ص: ۱۰۲

قرآن جوامع را از کثرت به وحدت سوق می دهد

وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

ما قرآن را بر تونازل نکردیم مگر برای این که آن چه را در آن اختلاف دارند برای آن ها تبیین کنی و مایه رحمت است برای گروهی که ایمان دارند. (۱)

این آیه هدف بعثت پیامبران را بیان می کند تا روشن شود که اگر اقوام و ملت ها ، هوی و هوس ها و سلیقه های شخصی خود را کنار بگذارند و دست به دامن راهنمایی پیامبران بزنند، اثری از این گونه خرافه ها ، اختلاف ها و اعمال ضد و نقیض باقی نمی ماند .

قرآن وسوسه های شیطان را از دل آن ها می زداید ، پرده های فریبنده نفس

ص: ۱۰۳

اماره و شیطان صفتان را از چهره حقایق کنار می زند ، خرافات و جنایاتی که در زیر ماسک های فریبنده پنهان شده آشکار می سازد ، اختلافاتی را که در سایه هوی و هوس پدید آمده برمی چیند، به قساوت ها پایان می دهد و نورهدایت و رحمت را در همه جا می پاشد .

آداب ورود به دنیای زیبای قرآن

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

هنگامی که قرآن می خوانی از شر شیطان مطرود شده ، به خدا پناه بر [\(۱\)](#).

منظور تنها ذکر جمله « أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ » نیست ، بلکه تخلُّق به آن شرط است یعنی ذکر این جمله ، مقدمه تحقق حالتی در نفس و جان انسان

ص: ۱۰۴

گردد، حالت توجه به خدا، حالت جدایی از هوی و هوس های سرکشی که مانع فهم و درک صحیح انسان است، حالت بیگانگی از تعصب ها و غرورها و خودخواهی ها و خودمحوری هایی که انسان را وادار می کند که از همه چیز، حتی از سخنان خدا به نفع خواسته های انحرافیش استفاده کند.

و تا چنین حالتی در روح و جان انسان پیدا نشود، درک حقایق قرآن برای او ممکن نیست، بلکه به عکس ممکن است قرآن را با توسل به «تفسیر رأی» وسیله ای قرار دهد برای توجیه خواسته های شرک آلودش.

چهره حقیقت هر قدر آشکار و درخشان باشد تا در برابر دیده بینا قرار نگیرد درک آن ممکن نیست و به تعبیر دیگر برای شناخت حقایق دو چیز لازم است، آشکار شدن چهره حق و دارا بودن وسیله دید و درک.

آیا هرگز نابینا می تواند قرص خورشید را ببیند؟ آیا کران می تواند نغمه های

دلنواز جهان را بشنوند؟ همین گونه کسانی که چشم حق بین ندارند از دیدن چهره حقیقت محروم هستند و آن ها که گوش حق شنو ندارند از شنیدن آیات حق.

چه چیز مانع می شود که انسان قدرت شناخت را از دست دهد؟

بدون شک در درجه اول پیش داوری های غلط، هوی و هوس های نفسانی، تعصب های کورکورانه افراطی و گرفتار بودن در چنگال خودخواهی و غرور و خلاصه هرچیزی که صفای دل و پاکی روح انسان را برهم می زند و رنگ های تیره و تار به آن می دهد، همه این ها مانع درک حقیقت هستند.

جمال یار ندارد حجاب و پرده ولی غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد

تا نفس مبرّا ز نواهی نشود دل آینه نور الهی نشود

ص: ۱۰۶

در حدیث می خوانیم: «لَوْلَا أَنَّ الشَّيَاطِينَ يَحُومُونَ حَوْلَ قُلُوبِ بَنِي آدَمَ لَنَظَرُوا إِلَى مَلَكَوَتِ السَّمَاوَاتِ: اگر شیاطین در اطراف قلوب فرزندان آدم دور نمی زدند آن ها می توانستند ملکوت و باطن آسمان ها را ببینند» .

به همین دلیل نخستین شرط برای رهروان راه حق ، تهذیب نفس و تقوا است ، که بدون آن انسان در ظلمات وهم ، گرفتار و در بیراهه ها سرگردان می شود .

و اگر می بینیم قرآن می گوید: «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ: این آیات الهی مایه هدایت برای پرهیزکاران است» نیز اشاره به همین واقعیت است .

بسیار دیده ایم کسانی را که با تعصب و لجاجت و پیش داوری های فردی یا گروهی به سراغ آیات قرآن می روند و به جای این که حقیقت را از قرآن درک کنند آن چه را خود می خواهند بر قرآن تحمیل می نمایند و به تعبیر دیگر آن چه را که می خواهند در قرآن می جویند ، نه آن چه را که خدا بیان فرموده ، و به جای این که

قرآن مایه هدایتشان شود ، بر انحرافشان می افزاید (البته نه قرآن که هوی و هوس های سرکششان) « أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَرَادَتْهُمْ
ایمانا وَ هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ وَ أَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَرَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ وَ مَاتُوا وَ هُمْ كَافِرُونَ : اما آن ها که ایمان آورده
اند ، آیات قرآن بر ایمانشان می افزاید و شاد می شوند و اما آن ها که در دل هایشان بیماری است پلیدی تازه ای بر پلیدیشان
می افزاید ، از دنیا می روند درحالی که کافرند .» (۱)

بنابراین با صراحت باید گفت منظور از آیه فوق این نیست که تنها به گفتن « أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ » قناعت کنیم ،
بلکه باید این « ذکر » را تبدیل به « فکر » و فکر را تبدیل به « یک حالت درونی » و به هنگام خواندن هر آیه به خدا پناه

ص: ۱۰۸

بریم از این که وسوسه های شیطان حجابی میان ما و کلام حیات بخش او گردد .

از میان تمام صفات شیطان مطرود بودن او مطرح شده است ؟

« رَجِيم » از ماده « رَجَم » به معنی طرد کردن است و در اصل به معنی زدن با سنگ آمده و سپس به معنی طرد کردن استعمال شده است .

در این جا از میان تمام صفات شیطان ، مطرود بودن او مطرح شده و این ما را به یاد استکبارش در مقابل دعوت خداوند به سجود و خضوع در مقابل آدم می افکند ، این استکبار ، سبب شد که میان شیطان و درک حقایق حجابی ، برقرار گردد ، تا آن جا که خود را برتر از آدم بیندارد و بگوید : من از او بهترم ، مرا از آتش و او را از خاک آفریده ای و حتی این سرکشی و غرور سبب شد که به فرمان خدا نیز اعتراض کند ، اعتراضی که مایه کفر و طرد او گردد .

ص: ۱۰۹

قرآن گویا با تعبیر «رَجِيم» می خواهد این واقعیت را تفهیم کند که به هنگام تلاوت قرآن، استکبار و غرور و تعصب را از خود دور کنید تا سرنوشتی همچون شیطان رجیم پیدا نکنید و به جای درک حقیقت در پرتگاه کفر و بی ایمانی سقوط ننمایید .

آداب پنج گانه تلاوت قرآن کریم

همه چیز نیاز به برنامه دارد مخصوصا بهره گیری از کتاب بزرگی همچون قرآن ، به همین دلیل در خود قرآن برای تلاوت و بهره گیری از این آیات آداب و شرایطی بیان شده است :

۱ نخست می گوید : « لا- يَمْسُهُ إِلَّا- الْمُطَهَّرُونَ (۱) قرآن را جز پاکان لمس نمی کنند » این تعبیر ممکن است هم اشاره به پاکیزگی ظاهری باشد که تماس

ص: ۱۱۰

گرفتن با خطوط قرآن باید توأم با طهارت و وضو باشد و هم اشاره به این که درک مفاهیم و محتوای این آیات تنها برای کسانی میسر است که پاک از رذایل اخلاقی باشند، تا صفات زشتی که بر دیده حقیقت بین انسان پرده می افکند، آن ها را از مشاهده جمال حق محروم نگرداند .

۲ به هنگام آغاز تلاوت قرآن باید از شیطان رجیم و رانده شده در گاه حق، به خدا پناه برد، چنان که در آیات فوق خواندیم»
فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ .

در روایتی از امام صادق می خوانیم که در پاسخ این سؤال که چگونه این دستور را عمل کنیم؟ و چه بگوییم؟ فرمود بگو: «
أَسْتَعِذُ بِالسَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» و در روایت دیگری می خوانیم که امام به هنگام تلاوت سوره حمد فرمود: «أَعُوذُ
بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ

يَحْضُرُونَ : به خداوند شنوا و دانا از شیطان رجیم پناه می برم و هم به او پناه می برم از این که نزد من حضور یابند .

این پناه بردن نباید محدود به لفظ و سخن باشد بلکه باید در اعماق روح و جان نفوذ کند به گونه ای که انسان هنگام تلاوت قرآن از خواهی های شیطانی جداگردد و به صفات الهی نزدیک شود ، تا موانع فهم کلام حق از محیط فکر او برخیزد و جمال دلارای حقیقت را به درستی ببیند .

بنابراین پناه بردن به خدا از شیطان هم در آغاز تلاوت قرآن لازم است و هم در تمام مدت تلاوت هرچند به زبان نباشد .

۳ قرآن را باید به صورت «تَرْتِیل» تلاوت کرد، یعنی شمرده و توأم با تفکر

ص: ۱۱۲

« وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً » (۱).

در حدیثی در تفسیر این آیه از امام صادق می خوانیم :

« إِنَّ الْقُرْآنَ لَا يُقْرَأُ هَيْذَرَمَةً وَ لَكِنْ يُرْتَلُ تَرْتِيلاً ، إِذَا مَرَرْتَ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ النَّارِ وَقَفْتَ عِنْدَهَا وَ تَعَوَّذْتَ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ : قرآن را تند و دست و پا شکسته نباید خواند ، بلکه باید به آرامی تلاوت کرد ، هنگامی که به آیه ای می رسی که در آن ذکر آتش دوزخ شده است توقف می کنی (و می اندیشی) و به خدا از آتش دوزخ پناه میبری . »

۴ علاوه بر ترتیل ، دستور به « تَدَبُّرٌ وَ تَفَكُّرٌ » در آیات قرآن داده است

آن جا که می گوید : « أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ : آیا آن ها در قرآن نمی اندیشند ؟ » (۲)

ص: ۱۱۳

۱- ۴ / مُرَّمَل .

۲- ۸۲ / نساء .

در حدیثی می خوانیم که اصحاب و یاران پیامبر صلی الله علیه و آله قرآن را ۱۰ آیه ۱۰ آیه از پیامبر صلی الله علیه و آله می آموختند و ده آیه دوم را فراموشی گرفتند مگر این که آن چه در آیات نخستین بود از علم و عمل بدانند (۱).

و در حدیث دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله می خوانیم: « اَعْرَبُوا الْقُرْآنَ وَالتَّمْسِيءُ وَغَرَائِبُهُ...: قرآن را فصیح و روشن بخوانید و از شگفتی های مفاهیم آن بهره گیرید. » (۲).

و نیز در حدیث دیگر از امام صادق نقل شده: « لَقَدْ تَجَلَّى اللَّهُ لِخَلْقِهِ فِي كَلَامِهِ وَ لَكِنَّهُمْ لَا يُبْصِرُونَ: خداوند خود را در کلامش به مردم نشان داده است،

ص: ۱۱۴

۱- «بحار الانوار»، جلد ۹۲، صفحه ۱۰۶.

۲- «بحار الانوار»، جلد ۹۲، صفحه ۱۰۶.

ولی کوردلان نمی بینند» (۱).

(تنها روشن ضمیران آگاه و اندیشمندان باایمان جمال او را در سخنش مشاهده می کنند).

۵ آن ها که آیات قرآن را می شنوند نیز وظیفه ای دارند، وظیفه شان سکوت کردن است، سکوتی توأم با اندیشه و تفکر: «وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»: هنگامی که قرآن خوانده می شود گوش فرا دهید و خاموش باشید تا مشمول رحمت حق شوید» (۲).

به علاوه در روایات اسلامی دستورهایی درباره تلاوت قرآن با صدای خوب

ص: ۱۱۵

۱- «بحار الانوار»، جلد ۹۲، صفحه ۱۰۷.

۲- ۲۰۴ / اعراف.

از نظر روانی مسلماً تأثیر روی مفاهیم آن می‌گذارد وارد شده است که این جا جای شرح آن نیست. (۱)

قرآن راه مستقیم خوشبختی

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا

این قرآن به راهی هدایت می‌کند که مستقیم‌ترین راه‌ها است و به مؤمنانی که عمل صالح انجام می‌دهند بشارت می‌دهد که برای آن‌ها پاداش بزرگی است. (۲)

« أَقْوَمٌ » از ماده « قیام » گرفته شده است و از آن جا که انسان به هنگامی که

ص: ۱۱۶

۱- برای اطلاع بیشتر به « بحارالانوار »، جلد ۹، صفحه ۱۹۰ به بعد مراجعه فرمایید.

۲- ۹ / اسراء .

می خواهد فعالیت پی گیری انجام دهد قیام می کند و به کار می پردازد از این نظر قیام کنایه از حسن انجام امور و آمادگی برای فعالیت آمده است ، ضمناً « استقامت » که از همین ماده گرفته شده است و « قَیْم » که آن هم از این ماده است به معنی صاف و مستقیم و ثابت و پابرجا است .

واژ آن جا که « أَقْوَمُ » صیغه « افعال تفضیل » است به معنی صاف تر و مستقیم تر و پابرجاتر می آید و به این ترتیب ، مفهوم آیه فوق چنین است که « قرآن به طریقه ای که مستقیم ترین و صاف ترین و پابرجاترین طرف است دعوت می کند » .

صاف و مستقیم از نظر عقایدی که عرضه می کند ، عقایدی روشن ، قابل درک خالی از هرگونه ابهام و خرافات ، عقایدی که دعوت به عمل دارد ، نیروهای انسانی را بسیج می کند و میان انسان و قوانین عالم طبیعت هماهنگی برقرار می سازد. آری قرآن به طریقه و روشی هدایت می کند که در تمام زمینه ها صاف ترین

و مستقیم ترین و ثابت ترین طریقه است .

تعبیر به بشارت در مورد مؤمنان دلیلش روشن است ، ولی در مورد افراد بی ایمان و طغیانگر در حقیقت یک نوع استهزاء است و یا بشارتی است برای مؤمنان که دشمنانشان به چنین سرنوشتی گرفتار می شوند .

نوع گرایی در روش های تربیتی قرآن

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا

ما، در این قرآن انواع بیانات مؤثر را آوردیم تا متذکر شوند، ولی (گروهی از کوردلان) جز بر نفرتشان نمی افزاید. (۱)

« صَرَّفَ » از ماده « تصریف » به معنی تغییر دادن و دگرگون ساختن است و

ص: ۱۱۸

مخصوصا با توجه به این که از باب « تفعیل » است ، معنی کثرت را نیز دربردارد .

و از آن جا که بیانات قرآن در زمینه اثبات توحید و نفی شرک، گاهی فطری، زمانی در شکل تهدید، گاهی تشویق و خلاصه از انواع طرق و فنون مختلف کلام برای آگاه ساختن و بیدار کردن مشرکان استفاده شده است، تعبیر به « صَيَّرْنَا » در مورد آن بسیار مناسب است.

قرآن با این تعبیر می گوید ما از هر دری وارد شدیم و از هر راهی استفاده کردیم تا چراغ توحید را در دل این کوردلان بیفروزیم ، اما گروهی از آن ها آن قدر لجوج و متعصب و سرسخت هستند که نه تنها این بیانات آن ها را به حقیقت نزدیک نمی سازد بلکه بر نفرت و دوری آن ها می افزاید .

در این جا این سؤال به ذهن می رسد که اگر این بیانات گوناگون

نتیجه معکوس دارد، ذکر آن ها چه فایده ای خواهد داشت ؟

پاسخ این سؤال روشن است و آن این که قرآن برای یک فرد یا یک گروه خاص نازل نشده بلکه برای جامعه انسانی است و مسلماً همه انسان ها این گونه نیستند ، بسیار هستند کسانی که این دلایل مختلف را می شنوند و راه حق را باز می یابند ، هر دسته ای از این تشنگان حقیقت از یک نوع بیان قرآن بهره می گیرند و بیدار می شوند و همین اثر ، برای نزول این آیات ، کافی است ، هر چند کوردلانی از آن نتیجه معکوس بگیرند .

ضمناً از این آیه این درس را در زمینه مسایل تربیتی و تبلیغی می توان فراگرفت که باید برای رسیدن به هدف های عالی تربیتی، تنها از یک طریق استفاده نکرد ، بلکه از طرق گوناگون و وسایل مختلف بهره گرفت ، که مردم ذوق ها و استعداد های مختلفی دارند و برای نفوذ در هر یک باید از راهی وارد شد و یکی از

ص: ۱۲۰

فنون بلاغت نیز همین است .

قرآن حجت های خود را از برداشت های علم بیان کرده است

لَا تَفْنَىٰ غَرَائِبُهُ ، وَلَا تَنْقُضِي عَجَائِبُهُ . فِيهِ مَرَابِيعُ النَّعْمِ ، وَ مَصَابِيحُ الظُّلْمِ ، لَا تُفْتَحُ الْخَيْرَاتُ إِلَّا بِمَفَاتِيحِهِ ، وَلَا تُكْشَفُ الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِمَصَابِيحِهِ . قَدْ أَحْمَى حِمَاهُ ، وَ أَرَعَى مَرْعَاهُ . فِيهِ شِفَاءُ الْمُسْتَشْفَى ، وَ كِفَايَةُ الْمُكْتَفَى

نوآوری های آن پایان نگیرد و شگفتی هایش تمام نمی شود .

در قرآن برکات و خیرات چونان سرزمین های پُر گیاه در اوّل بهاران فراوان است . و چراغ های روشنی بخش تاریکی ها فراوان دارد ، که در نیکی ها جز با کلیدهای قرآن باز نشود و تاریکی ها را جز با چراغ های آن روشنایی نمی توان بخشید ، مرزهایش محفوظ و چراگاه هایش

ص: ۱۲۱

را خود نگهبان است، هر درمان خواهی را درمان و هر بی نیازی طلبی را کافی است. (۱)

عَلَيْكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ، «فَأِنَّهُ الْحَبْلُ الْمَتِينُ، وَالتُّورُ الْمُبِينُ»، وَالشِّفَاءُ النَّافِعُ، وَالرِّزْقُ النَّافِعُ، وَالْعِصْمَةُ لِلْمُتَمَسِّكِ، وَالنَّجَاهُ لِلْمُتَعَلِّقِ. لَا يَعْوَجُ فَيْقَامُ، وَلَا يَزِيغُ فَيَسْتَعْتَبُ، «وَلَا تُخْلِقُهُ كَثْرَةُ الرَّدِّ»، وَوُلُوجُ السَّمْعِ. «مَنْ قَالَ بِهِ صَدَقَ وَ مَنْ عَمِلَ بِهِ سَبَقَ»

بر شما باد عمل کردن به قرآن، که ریسمان محکم الهی و نور آشکار و درمانی سودمند است، که تشنگی را فروشانند، نگهدارنده کسی است که به آن تمسک جوید و نجات دهنده آن کس است که به آن چنگ آویزد، کجی ندارد تا راست شود و گرایش به

باطل ندارد تا از آن بازگردانده شود و تکرار و شنیدن پیایی آیات، کهنه اش نمی سازد و گوش از شنیدن آن خسته نمی شود

ص: ۱۲۲

کسی که با قرآن سخن بگوید راست گفته و هر کس بدان عمل کند پشیمان است. (۱)

قرآن هدایت است و درمان

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَجْمًا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءً وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فَيَاذَنَّهُمْ وَقُرْ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ

هر گاه آن را قرآنی عجمی قرار می دادیم، حتما می گفتند: چرا آیاتش روشن نیست؟ آیا قرآن عجمی از پیغمبری عربی درست است؟ بگو: این برای کسانی که ایمان آورده اند هدایت و درمان است، ولی کسانی که ایمان نمی آورند گوش هایشان سنگین است، گویی نابینا هستند و آن را نمی بینند، آن ها همچون کسانی هستند که از راه دور صدا زده می شوند. (۲)

ص: ۱۲۳

۱- «نهج البلاغه»، خطبه ۱۵۶ .

۲- ۴۴ / فصلت .

« أَعْجَمِيَّ » از ماده « عَجْمَه » به معنی عدم فصاحت و ابهام در سخن است و « عَجَم » را به غیر عرب می گویند ، چراکه زبان آن ها را به خوبی نمی فهمند و « أَعْجَم » به کسی گفته می شود که مطالب را خوب ادا نمی کند (خواه عرب باشد یا غیر عرب) .

بنابراین واژه « أَعْجَمِيَّ » همان « أَعْجَم » است که با یاء نسبت توأم شده است .

آن ها بیماردلانی هستند که هر طرحی ریخته شود و هر برنامه ای پیاده گردد به آن ایرادی می کنند و بهانه ای می تراشند ، اگر عربی باشد سحر و افسونش می خوانند و اگر عجمی باشد نامفهومش می شمرنند و اگر مخلوطی از الفاظ عربی و عجمی باشد ، ناموزونش معرفی می کنند .

سپس قرآن خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله می افزاید : « بگو این کتاب آسمانی برای کسانی

که ایمان آورده اند، مایه هدایت و درمان است» (قُلْ هُوَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا هُدًى وَّ شِفَاءً).

« اما کسانی که ایمان نمی آورند، گوش هایشان سنگین است» و آن را درک نمی کنند (وَالَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ فِيْ اٰذَانِهِمْ وَقُرْ) ، « و بر اثر نابینایی آن را نمی بینند» (وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى).

« درست مثل کسانی هستند که آن ها را از راه دور صدا می زنند» : (اُولٰٓئِكَ يُنَادُوْنَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيْدٍ).

و معلوم است چنین کسانی نه می شنوند و نه می بینند .

آری برای پیدا کردن راه و رسیدن به مقصد، تنها وجود نور کافی نیست، چشم بینا نیز لازم است، همچنین برای تعلیم یافتن تنها وجود مبلغ دانشمند و فصیح کفایت نمی کند، گوش شنوایی نیز باید باشد .

در لطافت دانه های باران و تأثیر حیات بخش آن شک نیست، اما « در باغ سبزه

روید و در شوره زار خس» .

آن ها که با روح حق طلبی به سراغ قرآن می آمدند ، هدایت و شفا از آن می یافتند ، بیماری های اخلاقی و روحی آن ها در شفاخانه قرآن درمان می شد ، سپس بار سفر را می بستند و در پرتو نور هدایت قرآن ، با سرعت به سوی کوی دوست حرکت می کردند .

اما لجوجان متعصب و دشمنان حق و حقیقت و آن ها که از قبل تصمیم خودشان را بر مخالفت انبیا گرفته بودند ، چه بهره ای می توانستند از آن بگیرند ؟ آن ها همچون کوران و کرانی بودند که در نقطه دور دستی قرار داشتند ، آن ها گرفتار ناشنوایی و نابینایی مضاعف بودند ، هم از نظر ابرار دید و شنود و هم از نظر بعد مکان .

در این که چگونه قرآن مایه شفا و درمان دردهای جانکاه انسان ها است ، بحث

ص: ۱۲۶

مشروحی ذیل آیه ۸۲ سوره اسراء در جلد ۱۲ تفسیر نمونه صفحه ۲۳۶ به بعد ذکر شده است .

قرآن مایه حیات دل ها و زندگی جان هاست

وَ كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَنْ نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدَى إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

همان گونه که بر پیامبران پیشین وحی فرستادیم بر تونیز روحی را به فرمان خود وحی کردیم، تو پیش از این نمی دانستی کتاب و ایمان چیست؟ (و از محتوای قرآن آگاه نبودی) ولی ما آن را نوری قرار دادیم که به وسیله آن هر کس از بندگان خویش رابخواهیم هدایت می کنیم و تو مسلما به سوی راه مستقیم هدایت می کنی . (۱)

ص: ۱۲۷

تعبیر به « كَذٰلِكَ » (این گونه) ممکن است اشاره به این باشد که تمام انواع سه گانه وحی که در آیه قبل آمده برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تحقق یافت ، گاه مستقیماً با ذات پاک پروردگار ارتباط می یافت و گاه از طریق فرشته وحی و گاه با شنیدن آوازی شبیه امواج صوتی ، چنان که در روایات اسلامی نیز اشاره به همه این ها شده و شرح آن را ذیل آیه گذشته بیان کردیم .

در این که منظور از « رُوح » در این جا چیست ، دو قول در میان مفسران دیده می شود:

نخست این که منظور از آن قرآن مجید است که مایه حیات دل ها و زندگی جان ها است، این قول را غالب مفسران برگزیده اند (۱)

ص: ۱۲۸

۱- « طبرسی » در « مجمع البیان » ، « شیخ طوسی » در « تبیان » .

راغب در مفردات نیز می گوید: « سُمِّيَ الْقُرْآنُ رُوحًا فِي قَوْلِهِ وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا وَذَلِكَ لِكُونَ الْقُرْآنِ سَبِيًّا لِلْحَيَاةِ الْآخِرَوِيَّةِ: قرآن در آیه: وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا... روح نامیده شده، زیرا سبب حیات اخروی است.»

این معنی با قرائن مختلفی که در آیه وجود دارد مانند تعبیر به «كَذَلِكَ» که اشاره به مسأله وحی است و تعبیر به «أَوْحَيْنَا» و همچنین تعبیراتی که درباره قرآن در ذیل همین آیه آمده است، کاملاً سازگار است.

گرچه «روح» در سایر آیات قرآن غالباً به معانی دیگری آمده است، ولی با توجه به قرائن فوق ظاهر این است که روح در این جا به معنی قرآن است.

در تفسیر آیه ۲ سوره نحل: «يُنزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ»

عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» نیز گفتیم که قرآن نشان می دهد «روح» در

آن آیه نیز به معنی «قرآن و وحی و نبوت» است و در حقیقت این دو آیه یکدیگر را تفسیر می کنند .

چگونه «قرآن» به منزله «روح» نباشد، در حالی که در آیه ۲۴ انفال می خوانیم: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ: ای کسانی که ایمان آورده اید، اجابت کنید دعوت خدا و پیامبرش را هنگامی که شما را به سوی چیزی فرا می خواند که مایه حیات شما است.» .

در دنباله آیه می افزاید: «مَا كُنْتُمْ تَدْرُونَ...» .

این لطف خدا بود که شامل حال توشد و این وحی آسمانی بر تو نازل گشت و ایمان به تمام محتوای آن پیدا کردی .

اراده خداوند بر این تعلق گرفته بود که علاوه بر هدایت تو به این کتاب بزرگ آسمانی و تعلیمات آن، بندگان دیگرش را در پرتو این نور

ص: ۱۳۰

آسمانی هدایت کند و شرق و غرب جهان بلکه تمام قرون و اعصار را تا پایان زیر پوشش آن قرار دهد .

بعضی از کج اندیشان چنین پنداشته اند که این جمله نشان می دهد، پیامبر قبل از نبوت ایمان به خدا نداشت، در حالی که معنی آیه روشن است، می گوید : قبل از نزول قرآن ، قرآن را نمی دانستی و به محتوا و تعلیمات آن آگاهی و ایمان نداشتی ، این تعبیر هیچ منافاتی با اعتقاد توحیدی پیامبر و معرفت عالی او و آشنائیش به اصول عبادت و بندگی او ندارد، خلاصه عدم آگاهی به محتوای قرآن مطلبی است و عدم معرفه الله مطلب دیگر .

زندگی شخص پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از دوران نبوت که در کتب تاریخ آمده است ، نیز گواه زنده براین معنی است و از آن روشن تر و بارزتر سخنی است که از امیر مؤمنان علی در « نهج البلاغه » آمده : « وَ لَقَدْ قَرَنَ اللَّهُ بِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله مِنْ لَدُنْ إِنَّ

ص: ۱۳۱

كَانَ فَطِيمًا أَغْظَمَ مَلَمِكٍ مِنْ مَلَائِكَتِهِ ، يَسِيلُكَ بِهِ طَرِيقَ الْمَكَارِمِ وَ مَحَاسِنِ أَخْلَاقِ الْعَالَمِ ، لَيْلَهُ وَ نَهَارُهُ: از همان زمان که رسول خدا صلی الله علیه و آله از شیر باز گرفته شد ، خداوند بزرگ ترین فرشته از فرشتگان را با او قرین ساخت ، تا شب و روز وی را به راه های مکارم و طرق اخلاق نیک سوق دهد « (۱)

در پایان آیه می افزاید : « وَ إِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ » .

نه تنها قرآن نوری برای تو است که نوری برای همگان است و وسیله هدایتی برای جهانیان به سوی صراط مستقیم ، این یک موهبت عظیم الهی است ، برای رهروان راه حق و آب حیات است برای همه تشنه کامان .

همین معنی به تعبیر دیگری در آیه ۴۴ سوره فصلت آمده : « قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ

ص: ۱۳۲

۱- « نهج البلاغه » ، خطبه ۱۹۲ ، خطبه قاصعه .

امَّنُوا هُدًى وَ شِفَاءً وَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ : بگو این کتاب برای کسانی که ایمان آورده اند ، مایه حیات و شفا است و کسانی که به آن ایمان نمی آورند گوشهایشان سنگین است .

قیامی از « اُمُّ الْقُرَى » بر اساس کتاب خدا

وَ كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَ تُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَ فَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ

و این گونه قرآنی عربی (فصیح و گویا) بر تو وحی کردیم، تا ام القری و کسانی را که اطراف آن هستند ، انذار کنی و آن ها را از روزی که همه خلاق در آن روز جمع می شوند و شک و تردید در آن نیست بترسانی، همان روز که گروهی در بهشتند و گروهی در آتش. (۱)

ص: ۱۳۳

درست است که از ذیل آیه یعنی جمله : « فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَ فَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ » استفاده می شود ، که وظیفه پیامبر هم انذار است و هم بشارت ، ولی از آن جا که تأثیر « انذار » در نفوس مخصوصا در افراد نادان و لجوج عمیق تر است ، در آیه ، دو بار فقط روی « انذار » تکیه شده ، با این تفاوت که در مرحله اول سخن از انذارشوندگان است و در مرحله دوم سخن از چیزی است که باید از آن بترسند، یعنی دادگاه قیامت .

روزی که به خاطر اجتماع عموم انسان ها، رسوایش بسیار دردناک و شدید است.

در این جا سؤالی مطرح است و آن این که آیا از جمله « لِنُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا » استفاده نمی شود که هدف از نزول قرآن انذار مردم مکه و اطراف آن است ؟ آیا این تعبیر با جهانی بودن اسلام تضاد ندارد ؟

پاسخ این سؤال با توجه به یک نکته روشن می شود و آن این که : کلمه

« اُمُّ الْقُرَى » که یکی از نام های مکه است ، از دو واژه ترکیب یافته « اُمُّ » که در اصل به معنی اساس و ابتدا و آغاز هر چیزی است و مادر را هم به همین جهت « اُمُّ » می گویند که اساس و اصل فرزندان است.

و « قُرَى » که جمع « قریه » به معنی هر گونه آبادی و شهر است ، اعم از شهرهای بزرگ و کوچک یا روستاها و شواهد زیادی نیز در قرآن بر این معنی وجود دارد .

اکنون ببینیم چرا « مکه » را « اُمُّ الْقُرَى » نامیده اند ؟ (مادر و اصل همه آبادی ها) .

روایات اسلامی تصریح می کند که همه زمین ، نخست زیر آب غرق بود و خشکی ها تدریجاً سر از آب بیرون آوردند (علم امروز نیز این معنی را پذیرفته است).

این روایات می گوید : نخستین نقطه ای که از زیر آب سر برآورد « کعبه بود و سپس خشکی های زمین از کنار آن گسترش یافت که از آن

به عنوان "دَحْوُ الْأَرْضِ" (گسترش زمین) یاد شده است .

باتوجه به این تاریخچه روشن می شود که «مکه» اصل و اساس و آغاز همه آبادی های روی زمین است، بنابراین هرگاه گفته شود «أُمُّ الْقُرَى وَ مَنْ حَوْلَهَا» پیداست که تمام مردم روی زمین را شامل می شود (۱).

از این گذشته می دانیم اسلام تدریجا گسترش یافت :

پیامبر صلی الله علیه و آله نخست مأمور بود بستگان نزدیک خود را انذار کند ، چنان که در آیه ۲۱۴ سوره شعرا می خوانیم: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»، تا هسته بندی اسلام محکم شود و آماده گسترش گردد .

ص: ۱۳۶

۱- این تعبیر در ۹۲ / انعام نیز آمده و توضیح بیشتر در این زمینه در جلد ۵ تفسیر نمونه صفحه ۴۴ درج شده است .

سپس در مرحله دوم پیامبر مأمور شد ، ملت عرب را تبلیغ و انذار کند ، چنان که در آیه ۳ سوره فصلت آمده : « قُرْأَنَا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ : این قرآن است عربی برای قومی که می فهمند و درک می کنند » . و در آیه ۴۴ سوره زخرف نیز آمده است : « وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ : این قرآن مایه تذکر تو و قوم تو است » .

هنگامی که پایه های اسلام در میان این قوم قوی و مستحکم شد، پیامبر صلی الله علیه و آله مأموریت گسترده تری یافت و مأمور انذار جهانیان شد، چنان که در آیه اول سوره فرقان می خوانیم : « تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا : جاوید و پر برکت است خداوندی که قرآن را بر بنده اش نازل کرد تا همه جهانیان را انذار کند » (و آیات فراوان دیگر) .

و به خاطر همین مأموریت بود که پیامبر صلی الله علیه و آله نامه به سران بزرگ جهان آن

روز، در خارج از جزیره عربستان نوشت و کسرها و قیصرها و نجاشی ها را به اسلام دعوت کرد .

و نیز بر اساس همین خط و برنامه بود ، که پیروانش برای تبلیغ اسلام بعد از او به همه جهان گام نهادند و تعالیم اسلام را در دنیا منتشر ساختند .

درمان و نوسازی در پرتو قرآن

وَ نُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا

قرآن را نازل می کنیم که شفا و رحمت برای مؤمنان است و ستمگران را جز خسران (و زیان) نمی افزاید. (۱)

« شفاء » معمولاً درمقابل بیماری ها و عیب ها و نقص ها است ، بنابراین

ص: ۱۳۸

نخستین کاری که قرآن در وجود انسان ها می کند همان پاک سازی از انواع بیماری های فکری و اخلاقی فرد و جامعه است

پس از آن مرحله « رَحْمَت » فرامی رسد که مرحله تخلق به اخلاق الهی و جوانه زدن شکوفه های فضایل انسانی در وجود افرادی است که تحت تربیت قرآن قرار گرفته اند .

به تعبیر دیگر «شِفَاء» اشاره به «پاکسازی» و «رحمت» اشاره به «نوسازی» است و یا به تعبیر فلاسفه و عرفاء اولی به مقام « تَحْلِيَه » اشاره می کند و دومی به مقام « تَحْلِيَه » .

ص: ۱۳۹

چرا ظالمان از قرآن نتیجه معکوس می گیرند ؟

نه تنها در این آیه که در بسیاری دیگر از آیات قرآن می خوانیم دشمنان حق به جای این که از نور آیات الهی دل و جان خود را روشن سازند و تیرگی ها را بزدايند ، بر جهل و شقاوتشان افزوده می شود .

این به دلیل آن است که خمیر مایه وجودشان بر اثر کفر و ظلم و نفاق به شکل دیگری درآمده ، لذا هر جا نور حق را می بینند به ستیز با آن برمی خیزند و این مقابله و ستیز با حق ، بر پلیدی آن ها می افزاید و روح طغیان و سرکشی را در آن ها تقویت می کند .

یک غذای نیروبخش را اگر به عالم مجاهد و دانشمند مبارزی بدهیم از آن نیروی کافی برای تعلیم و تربیت و یا جهاد در راه حق می گیرد ، ولی همین غذای نیروبخش را اگر به ظالم بیدادگری بدهیم از نیروی آن برای ظلم بیشتر استفاده

می کند ، تفاوت در غذا نیست ، تفاوت در مزاج ها و طرز تفکرها است .

و درست به همین دلیل ، برای استفاده از قرآن باید قبلاً آمادگی پذیرش را پیدا کرد و به اصطلاح علاوه بر فاعلیت فاعل ، قابلیت محل نیز شرط است .

نزول دفعی و نزول تدریجی قرآن

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلِهِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ

که ما آن را در شبی پربرکت نازل کردیم ، ما همواره انذارکننده بوده ایم .(۱)

قرآن در طی بیست و سه سال دوران نبوت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نازل شده است و از این گذشته محتوای قرآن ، محتوایی است که ارتباط و پیوند با حوادث مختلف

ص: ۱۴۱

زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان در طول این ۲۳ سال دارد که اگر از آن بریده شود، نامفهوم خواهد بود .

با این حال چگونه قرآن به طور کامل در شب قدر نازل شده است ؟

برای یافتن پاسخ این سؤال باید توجه داشت که از یک سو در آیه می خوانیم: « قرآن، در لیله مبارکه نازل شده است ». از سوی دیگر در آیه ۱۸۵ سوره بقره آمده است : « شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ : ماه رمضان را روزه بدارید ، ماهی که قرآن در آن نازل شده است » .

و از سوی سوم در سوره قدر می خوانیم : « إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ : ما آن را در شب قدر نازل کردیم ». از مجموع این آیات به خوبی استفاده می شود که آن شب مبارکی که در آیه مورد بحث به آن اشاره شده است ، شب قدر در ماه مبارک رمضان می باشد .

ص: ۱۴۲

بر طبق بسیاری از آیات قرآن ، پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از نزول تدریجی قرآن ، از آن آگاهی داشت ، مانند آیه ۱۱۴ سوره طه : « وَ لَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ : پیش از آن که وحی درباره قرآن بر تو نازل شود، نسبت به آن عجله نکن . »

و در آیه ۱۶ سوره قیامت آمده است : « لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ : زبان خود را برای عجله به قرآن ، حرکت مده . »

از مجموع این آیات می توان نتیجه گرفت که قرآن دارای دو نوع نزول بوده است ؛ اول «نزول دفعی» و جمعی که یک جا از سوی خداوند بر قلب پاک پیامبر صلی الله علیه و آله در ماه رمضان و شب قدر نازل گردیده، دوم «نزول تدریجی» که بر حسب شرایط و حوادث و نیازها در طی ۲۳ سال نازل شده است .

شاهد دیگر این سخن این که در بعضی از آیات قرآن ، تعبیر به «انزال»

و در بعضی دیگر تعبیر به «نزول» شده است ، از پاره ای از متون لغت استفاده می شود که « تنزیل » معمولاً در مواردی گفته می شود که چیزی تدریجاً نازل شود و به صورت پراکنده و تدریجی ، اما « انزال » مفهوم وسیعی دارد که هم نزول تدریجی را شامل می شود و هم نزول دفعی را .

و جالب این که در تمام آیات فوق که سخن از نزول قرآن در شب قدر و ماه مبارک رمضان است ، تعبیر به « انزال » شده که با « نزول دفعی » هماهنگ است ، در حالی که در موارد دیگری که سخن از «نزول تدریجی» در میان است، تنها تعبیر به « تنزیل » شده است .

اما این « نزول دفعی » بر قلب پاک پیامبر صلی الله علیه و آله چگونه بوده ؟ آیا به شکل همین قرآن فعلی با آیات و سوره های مختلف بوده ؟ یا مفاهیم و حقایق آن ها به صورت

ص: ۱۴۴

دقیقا روشن نیست ، همین قدر از قرائن فوق می فهمیم که یک بار این قرآن در شب قدر بر قلب پاک پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است و یک بار تدریجی در ۲۳ سال .

و به تعبیر دیگر آن چه از آیات گذشته استفاده کردیم که قرآن دوبار بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده ؛ یک بار « نزول دفعی » در شب قدر و بار دیگر « نزول تدریجی » در طول ۲۳ سال ، منافاتی با حدیثی که از قول امیر المؤمنین علی می گوید : « در شب قدر بر "بیت المعمور" نازل شد »، ندارد، چرا که قلب پیامبر صلی الله علیه و آله از «بیت المعمور»، آگاه است. (۱).

ص: ۱۴۵

۱- «بیت معمور» ، خانه ای است به محاذات خانه کعبه در آسمان ها که عبادتگاه فرشتگان است .

وَقْرَانَا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا

ما قرآنی بر تو نازل کردیم که به صورت آیات جدا از هم می باشد، تا آن را تدریجا و با آرامش بر مردم بخوانی (و جذب دل ها شود) و به طور قطع این قرآن را مانازل کردیم. (۱)

قرآن گرچه نامش کتاب است، ولی همچون کتاب های تألیفی انسان ها نمی باشد که بنشینند و موضوعی را در نظر بگیرند و فصول و ابوابش را تنظیم کنند و به رشته تحریر درآورند، بلکه کتابی است که با حوادث عصر خود یعنی با بیست و سه سال دوران نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با رویدادهایش پیوند و ارتباط ناگسستنی دارد

ص: ۱۴۶

چگونه ممکن است کتابی که با حوادث بیست و سه سال در ارتباط بوده یک جا و در یک روز نازل شود؟

مگر ممکن است همه حوادث ۲۳ سال را در یک روز جمع آوری کرد، تا مسایل مربوط به آن یک جا در قرآن نازل شود؟ علاوه بر این قرآن کتابی است که تنها جنبه تعلیمی ندارد، بلکه حتماً می بایست هر آیه آن پس از نزول اجرا گردد، اگر همه قرآن یک جا نازل می شد باید یک جا هم اجرا بشود و می دانیم که یک جا اجرا شدن امری محال بوده است، چرا که اصلاح یک جامعه سرتاپا فاسد را در یک روز نمی توان انجام داد و کودک بی سواد را نمی توان یک روزه از کلاس اول به دوران دکترا کشاند، به همین دلیل قرآن تدریجاً نازل شد تا به خوبی اجرا گردد و به اصطلاح کاملاً جا بیفتد، دچار هیچ گونه تزلزل نگردد و جامعه نیز قدرت جذب و پذیرش و حفظ آن را داشته باشد.

ص: ۱۴۷

یکی از درس های مهم که آیه فوق به ما می آموزد لزوم برنامه ریزی برای هرگونه انقلاب فرهنگی و فکری و اجتماعی و هرگونه برنامه تربیتی است ، چراکه اگر چنین برنامه ای تنظیم نگردد و در مقاطع مختلف هرکدام به موقع خود پیاده نشود شکست قطعی است ، حتی قرآن مجید یک جا بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل نشد ، هرچند در علم خدا یک جا بود و یک بار در شب قدر مجموعا بر پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه شد ، اما نزول اجرایی آن در طول ۲۳ سال در مقطع های مختلف زمانی و با برنامه ریزی دقیق بود .

این سخن بدین معنی نیز هست که اگر از تلاش های خود در کوتاه مدت نتیجه نگرفتیم ، هرگز نباید یأس و نومیدی به خود راه دهیم و دست از ادامه تلاش و کوشش برداریم . توجه داشته باشیم که غالبا پیروزی های نهایی و کامل در دراز مدّت است .

قرآن به زبان آسان نازل شده است

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا

ما قرآن را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزکاران را به وسیله آن بشارت دهی و دشمنان سرسخت را انذار کنی . (۱)

« لُدٌّ » جمع « أَلْدٌ » به معنی دشمنی است که خصومت شدید دارد و به کسانی گفته می شود که در دشمنی کردن متعصب ، لجوج و بی منطق هستند .

« یَسَّرْنَاهُ » از ماده « تَيسِر » به معنی تسهیل است ، خداوند در این جمله می فرماید : « ما قرآن را بر زبان تو آسان کردیم تا پرهیزکاران را بشارت دهی و دشمنان سرسخت را انذار کنی » این تسهیل ممکن است از جهات مختلف

ص: ۱۴۹

بوده باشد :

۱ از این نظر که قرآن ، عربی فصیح و روانی است که آهنگ آن در گوش ها دل انگیز و تلاوت آن بر زبان ها آسان است .

۲ از نظر این که خداوند آن چنان تسلطی به پیامبرش بر آیات قرآن، داده بود که به آسانی و در همه جا و برای حل هر مشکل، از آن استفاده می کرد و پیوسته بر مؤمنان تلاوت می نمود .

۳ از نظر محتوا که در عین عمیق و پر مایه بودن درک آن سهل و ساده و آسان است ، اصولاً آن همه حقایق بزرگ و برجسته که در قالب این الفاظ محدود با سهولت درک معانی ریخته شده، خود نشانه ای است از آن چه در آیه فوق می خوانیم که بر اثر یک امداد الهی، صورت گرفته است .

در سوره قمر در آیات متعدد این جمله تکرار شده است : « وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ

ص: ۱۵۰

لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ : ما قرآن را برای تذکر و یادآوری آسان کردیم آیا پند گیرنده ای هست .

قرآن به زبان فصیح و گویا نازل شده است

وَ كَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَ صَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحَدِّثُ لَهُمْ ذِكْرًا

و این گونه آن را قرآنی عربی (فصیح و گویا) نازل کردیم و انواع وعیدها (و انذار) را در آن بازگو نمودیم ، شاید آن ها تقوا پیشه کنند ، یا برای آنان تذکری ایجاد نماید (۱)

کلمه « عَرَبِيًّا » گرچه به معنی زبان عربی است ، ولی از دو نظر در این جا اشاره به فصاحت و بلاغت قرآن و رسا بودن مفاهیم آن می باشد .

ص: ۱۵۱

نخست این که : اصولاً زبان عربی به تصدیق زبان شناسان جهان یکی از رساترین لغات و ادبیات آن از قوی ترین ادبیات است . دیگر این که : گاه جمله « صَيْرَفْنَا » اشاره به بیانات مختلفی است که قرآن از یک واقعت دارد ، مثلاً مسأله وعید و مجازات مجرمان را ، گاهی در لباس بیان سرگذشت امت های پیشین و گاهی به صورت خطاب به حاضران و گاهی در شکل ترسیم حال آن ها در صحنه قیامت و گاه به لباس های دیگر بیان می کند .

قرآن بهار دلهاست از آن شفاء بجوید

و تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ ، وَ تَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ ، وَ اسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ ، وَ أَحْسَبُوا تِلَاوَتَهُ فَإِنَّهُ أَنْفَعُ الْقَصَصِ .

و قرآن را بیاموزید ، که بهترین گفتار است و آن را نیک بفهمید که بهار دل هاست .

از نور آن شفا و بهبودی خواهید که شفای سینه های بیمار است . و قرآن را نیکو تلاوت کنید که سودبخش ترین داستانهاست .
(۱)

كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ نَاطِقٌ لَا يَغِيَا لِسَانَهُ ، وَ بَيْتٌ لَا تُهْدَمُ أَرْكَانُهُ ، وَ عِزٌّ لَا تُهْزَمُ أَعْوَانُهُ

کتاب خدا ، قرآن ، در میان شما سخنگویی است که هیچ گاه زبانش از حق گویی کند و

ص: ۱۵۷

خسته و همواره گویاست ؛ خانه ای است که ستون های آن هرگز فرو نمی ریزد ؛ و صاحب عزتی است که یارانش هرگز شکست ندارند.

قرآن شفادهنده ای است که بیماری های وحشت انگیز را بزدايد

نُورًا لَّا تَطْفَأُ مَصَابِيحُهُ ، وَ سِرَاجًا لَّا يَحْبُو تَوَقُّدُوهُ وَ بَحْرًا لَّا يُدْرِكُ قَعْرُهُ ، وَ مِنْهَا جَا لَّا يُضِلُّ نَهْجُهُ ، وَ شُعَاعًا لَّا يُظْلِمُ ضَوْؤُهُ ، وَ فُرْقَانًا لَّا يُخَمِّدُ بُرْهَانَهُ ، وَ تَبْيَانًا لَّا تُهَيِّدُ أَرْكَانَهُ ، وَ شِفَاءً لَّا تُخْشَى أَسْقَامُهُ ، وَ عِزًّا لَّا تُهْزِمُ أَنْصَارُهُ ، وَ حَقًّا لَّا تُخْذَلُ أَعْوَانُهُ . فَهُوَ مَعْدِنُ الْإِيمَانِ وَ بُحْبُوحَتُهُ ، وَ يَنَابِيعُ الْعِلْمِ وَ بُحُورُهُ ، وَ

ص: ۱۵۲

رِيَاضُ الْعَيْدِ وَغُدْرَانُهُ، وَأَشَافِيئُ الْإِسْلَامِ وَبُنْيَانُهُ، وَأَوْدِيَةُ الْحَقِّ وَغِيْطَانُهُ . وَبَحْرٌ لَا يَنْزِفُهُ الْمُسْدُ تَنْزِفُونَ، وَعَيْونٌ لَا يُنْضِ بِهَا الْمَاتِحُونَ، وَمَنَاهِلٌ لَا يَغِيْضُهَا الْوَارِدُونَ، وَمَنَازِلٌ لَا يَضِلُّ نَهْجَهَا الْمُسَافِرُونَ، وَأَعْلَامٌ لَا يَغْمِي عَنْهَا السَّائِرُونَ، وَآكَامٌ لَا يَجُوزُ عَنْهَا الْقَاصِدُونَ . جَعَلَهُ اللَّهُ رِيًّا لِعَطَشِ الْعُلَمَاءِ، وَرَبِيعًا لِقُلُوبِ الْفُقَهَاءِ، وَمَحَاجِّ لَطُرُقِ الصُّلَحَاءِ، وَدَوَاءً لَيْسَ بَعِيدَهُ دَاءٌ، وَنُورًا لَيْسَ مَعَهُ ظُلْمَةٌ (١)، وَحَبْلًا وَثِيقًا عَزُوتُهُ، وَمَعْقَلًا مَنِيْعًا ذِرْوَتُهُ، وَعِزًّا لِمَنْ تَوَلَّاهُ، وَسِلْمًا لِمَنْ دَخَلَهُ، وَهُدًى لِمَنْ اتَّكَمَ بِهِ، وَعُدْرًا لِمَنْ انْتَحَلَهُ، وَبُرْهَانًا لِمَنْ تَكَلَّمَ بِهِ، وَشَاهِدًا لِمَنْ خَاصَمَ بِهِ، وَفَلْجًا لِمَنْ حَاجَّ بِهِ، وَحَامِلًا لِمَنْ حَمَلَهُ، وَمَطِيَّةً لِمَنْ أَعْمَلَهُ، وَآيَةً لِمَنْ تَوَسَّسَ، وَجَنَّةً لِمَنْ اسْتَلَّاهُ، وَعِلْمًا لِمَنْ وَعَى، وَحَدِيثًا لِمَنْ

ص: ١٥٣

١- نهج البلاغه : خطبه ١٩٨، شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد : ١٠/١٩٩ .

قرآن نوری است که خاموشی ندارد ، چراغی است که درخشندگی آن زوال نپذیرد ، دریایی است که ژرفای آن درک نشود ، راهی است که رونده آن گمراه نگردد ، شعله ای است که نور آن تاریک نشود ، جداکننده حق و باطلی است که درخشش برهانش خاموش نگردد ، بنایی است که ستون های آن خراب نشود ، شفادهنده ای است که بیماری های وحشت انگیز را بزدايد ، قدرتی است که یاورانش شکست ندارند و حقی است که یاری کنندگانش مغلوب نشوند .

قرآن ، معدن ایمان و اصل آن است ، چشمه های دانش و دریا های علوم است ، سرچشمه عدالت و نهر جاری عدل است ، پایه های اسلام و ستون های محکم آن است ، نهرهای جاری زلال حقیقت و سرزمین های آن است .

دریایی است که تشنگان آن ، آبش را تمام نتوانند کشید و چشمه ای است که آبش کمی

ندارد، محل برداشتِ آبی است که هرچه از آن بگیرند کاهش نمی یابد، منزلی است که مسافران راه آن را فراموش نخواهند کرد و نشانه هایی است که رونندگان از آن غفلت نمی کنند، کوهسارزیبایی است که از آن نمی گذرند .

خدا قرآن را فرو نشاننده عطش علمی دانشمندان و باران بهاری برای قلب فقیهان و راه گسترده و وسیع برای صالحان قرار داده است . قرآن دارویی است که با آن بیماری وجود ندارد ، نوری است که با آن تاریکی یافت نمی شود ، ریسمانی است که رشته های آن محکم ، پناهگاهی است که قلّه آن بلند و توان و قدرتی است برای آنکه قرآن را برگزیند ، محل امنی است برای هرکس که وارد آن شود ، راهنمایی است تا از او پیروی کند، وسیله انجام وظیفه است برای آنکه قرآن را راه و رسم خود قرار دهد ، برهانی است بر آن کس که با آن سخن بگوید ، عامل پیروزی است برای آن کس که با آن استدلال کند ، نجات دهنده است برای آن کس که حافظ آن باشد و به آن عمل کند و راهبر آن که آن را به کار گیرد و نشانه هدایت

است برای آن کس که در او بنگرد ، سیر نگهدارنده است برای آن کس که با آن خود را بپوشاند و دانش کسی است که آن را به خاطر بسپارد و حدیث کسی است که از آن روایت کند و فرمان کسی است که با آن قضاوت کند . (۱)

وَاللّٰهُ اللّٰهُ فِي الْقُرْآنِ ، لَا يَسْبِقُكُمْ بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ . خدا را ! خدا را ! درباره قرآن ، مبدا دیگران در عمل کردن به دستوراتش از شما پیشی گیرند . (۲)

وَ تَمَسَّكَ بِحَبْلِ الْقُرْآنِ وَ اسْتَنْصَحَهُ ، وَ اِحْلَ حَلَالَهُ ، وَ حَرَّمَ حَرَامَهُ . به ریسمان قرآن چنگ زن و از آن نصیحت پذیر ، حلالش را حلال و حرامش را حرام بشمار . (۳)

ص: ۱۵۶

۱- «نهج البلاغه» ، خطبه ۱۹۸ .

۲- «نهج البلاغه» ، نامه ۴۷ .

۳- «نهج البلاغه» ، نامه ۶۹ .

رابطه قرآن با شب قدر و حیات مادی و معنوی

قابل توجه این که در آیات فوق ، به طور اشاره و در آیات سوره قدر ، باصراحت این معنی آمده است که قرآن در شب قدر نازل شده و چه پر معنی است این سخن !

شبی که مقدرات بندگان و مواهب و روزی های آن ها تقدیر می شود، در چنین شبی قرآن بر قلب پاک پیامبر صلی الله علیه و آله نازل می گردد ، آیا این سخن بدان معنی نیست که مقدرات و سرنوشت شما با محتوای این کتاب آسمانی پیوند و رابطه نزدیک دارد؟

ص: ۱۵۸

آیا مفهوم این کلام، آن نیست که نه تنها حیات معنوی شما که حیات مادی شما نیز با آن رابطه ناگسستگی دارد؟ پیروزی شما بر دشمنان، سربلندی و آزادی و استقلال شما، آبادی و عمران شهرهای شما، همه با آن گره خورده است.

آری در آن شبی که مقدرات، تعیین می شد، قرآن نیز در آن شب نازل گردید.

قرآن در ماه رمضان و برای هدایت «همه مردم» نازل شده است

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ...

ماه رمضان است که قرآن برای راهنمایی مردم و نشانه های هدایت و فرق میان حق و باطل در آن نازل شده (۱)

قرآن با دستورات و قوانین خود روش های صحیح را از ناصحیح

ص: ۱۵۹

جدا کرده و سعادت انسان ها را تضمین نموده و برای همه مردم در هر شرایط سنی و با هر سطح از سواد اسباب هدایت و رشد است .

حروف مقطعه راز عظمت قرآن

قَا وَ الْقُرْآنِ الْمَجِيدِ : ق ، سوگند به قرآن مجید .(۱)

در این جا بار دیگر در آغاز این سوره به بعضی از « حروف مقطعه » برخورد می کنیم و آن حرف « ق » است و چنان که قبلاً نیز گفته ایم یکی از تفسیرهای قابل توجه « حروف مقطعه » این است که « قرآن » با آن همه عظمت از ماده ساده ای همچون حروف « الفبا » تشکیل یافته و این نشان می دهد که ابداعگر و نازل کننده قرآن مجید علم و قدرت بی پایان داشته که از چنین ابزار

ص: ۱۶۰

ساده ای چنان ترکیب عالی آفریده است .

از جمله اموری که گواهی می دهد ، ذکر این حرف از حروف مقطعه برای بیان عظمت قرآن است ، این که بلافاصله بعد از آن سوگند به قرآن مجید یاد کرده ، می فرماید : « قسم به قرآن مجید » (وَالْقُرْآنِ الْمَجیدِ) .

واژه « مجید » از ماده « مجد » به معنی شرافت گسترده است و از آن جا که قرآن ، عظمت و شرافتی بی پایان دارد ، کلمه « مجید » از هر نظر سزاوار آن است ، ظاهرش زیبا ، محتوایش عظیم ، دستوراتش عالی و برنامه هایش آموزنده و حیات بخش است .

ص: ۱۶۱

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ

ما قرآن را برای تذکر آسان ساختیم، آیا کسی هست که متذکر شود؟ (۱)

آری این قرآن هیچ پیچیدگی ندارد و شرایط تأثیر در آن جمع است، الفاظش شیرین و جذاب، تعبیراتش زنده و پرمعنی، اندازها و بشارت هایش صریح و گویا، داستان هایش واقعی و پرمحتوا، دلایلی قوی و محکم، منطقتش شیوا و متین، خلاصه آن چه لازمه تأثیر گذاردن یک سخن است، در آن جمع است و به همین دلیل هر زمان دل های آماده با آن تماس یابد، مجذوب آن می شود و در طول تاریخ اسلام نمونه های عجیب و شگفت انگیزی از تأثیر عمیق قرآن

ص: ۱۶۲

در دل های آماده دیده می شود که شاهد گویای این امر است .

ولی چه می توان کرد هنگامی که نطفه حیاتی یک بذر مرده باشد ، اگر در بهترین زمین ها آن را جای دهند و از آب کوثر زیر نظر بهترین باغبان ها آبیاری کنند ، هرگز نمو نخواهد کرد و گل و گیاهی از آن نمی روید .

چرا مشرکین می گفتند قرآن شعر است ؟

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ

ماهر گز شعر به او نیاموختیم و شایسته او نیست، این (کتاب آسمانی) تنها ذکر و قرآن مبین است. (۱)

چرا پیامبر صلی الله علیه و آله را به شعر و شاعری متهم می کردند، در حالی که او هرگز شعر نسروده بود؟ این به خاطر آن بود که جاذبه و نفوذ قرآن در دل ها برای همه

ص: ۱۶۳

کس محسوس بود و زیبایی های لفظ و معنا و فصاحت و بلاغت آن قابل انکار نبود، حتی خود مشرکان چنان مجذوب آهنگ و بیان قرآن می شدند که گاه شبانه به طور مخفیانه به نزدیکی منزلگاه پیامبر صلی الله علیه و آله می آمدند تا زمزمه تلاوت او را در دل شب بشنوند.

چه بسیار کسانی که با شنیدن چند آیه از قرآن شیفته و دلباخته آن شدند و در همان مجلس اسلام را پذیرفتند و به آغوش قرآن پناه بردند.

این جا بود که برای توجیه این پدیده بزرگ و اغفال مردم از این وحی آسمانی، زمزمه شعر و شاعری پیامبر صلی الله علیه و آله را در همه جا سردادند، که این خود اعترافی بود ضمنی، به نفوذ فوق العاده قرآن.

اما چرا شایسته پیامبر صلی الله علیه و آله نیست که شاعر باشد، به خاطر این که خط «وحی» از خط «شعر» کاملاً جدا است، زیرا:

۱ معمولاً سرچشمه شعر تخیل و پندار است، شاعر بیشتر بر بال و پر خیال سوار می شود و پرواز می کند، در حالی که وحی از مبدأ هستی سرچشمه می گیرد و بر محور واقعیت ها می گردد.

۲ شعرا عواطف متغیّر انسانی می جوشد و دائماً در حال دگرگونی است، در حالی که وحی بیانگر حقایق ثابت آسمانی می باشد.

۳ لطف شعر در بسیاری از موارد در اغراق گویی ها و مبالغه های آن است، تا آن جا که گفته اند: «أَحْسَنُ الشُّعْرِ أَكْذَبُهُ: بهترین شعر دروغ آمیزترین آن است». در حالی که در وحی جز صداقت چیزی نیست.

۴ شاعر در بسیاری از موارد به خاطر زیبایی های لفظ ناچار است خود را تسلیم الفاظ کند و دنباله رو آن باشد و چه بسا حقایقی که در این میان پایمال گردد.

۵ سرانجام به تعبیر زیبایی یکی از مفسران «شعر» مجموعه شوق هایی

است که از زمین به آسمان پرواز می کند، اما «وحی» مجموعه حقایقی است که از آسمان به زمین نازل می گردد و این دو خط کاملاً متفاوت است.

باز در این جا لازم است برای شاعرانی که در خط اهداف مقدسی گام برمی دارند و از عوارض نامطلوب شعر خود را بر کنار می سازند، حساب جداگانه ای باز کنیم و ارزش مقام و هنر آن ها را فراموش نکنیم، ولی به هر حال طبیعت غالب شعر آن است که گفته شد.

قرآن ، شعر و قصه نیست

قرآن کریم کتاب کامل و محکمی است که به دلیل همین استحکام و برهانی بودن و هماهنگی با فطرت و عقل بشر ، هیچ بطلانی در آن راه ندارد و برای همیشه هدایتگر بشر خواهد بود که فرمود : «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ

ص: ۱۶۶

خَلْفَهُ» (۱) اگر درک مطلبی در قرآن دشوار بود، نباید آن را بر تمثیل های خیالی و شعری حمل کرد؛ زیرا خیالبافی شاعرانه با کتاب حکمت سازگار نیست. شاعر خیال پرداز مَدْح و قَدْح او مختالانه است نه عاقلانه در این باره چنین گفته شده: «لا تُؤَاخِ شَاعِرًا فَإِنَّهُ يَمْدُحُكَ بِثَمَنٍ وَ يَهْجُوكَ مَجَانًا» یعنی با خیال پرداز، برادری نکن که وی تو را در برابر بها می ستاید و رایگان هجو می کند.

از تهمت های کافران و دشمنان اسلام به رسول اکرم صلی الله علیه و آله این بود که می گفتند: ره آورد او بافته های شعری و خیالی است، او شاعر است نه حکیم «أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمُنُونِ» (۲) خدای سبحان در برابر این تهمت، صریحا رسول خود را به عنوان حکیم معرفی می کند و بر شاعر نبودن ایشان تأکید

ص: ۱۶۷

۱- ۴۲ / فضلت .

۲- ۳۰ / طور .

می‌ورزد «وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ» (۱) ما به او شعر و خیالبافی نیاموختیم که شعرسازی و خیالبافی شایسته مقام آن حضرت نیست، چه اینکه روح خیال پرداز نمی‌تواند محکم بیندیشد و اندیشه‌های وزین داشته باشد در حالی که قرآن کریم قول وزین و کتاب حکیم است «إِنَّا سَيَّلْنَاكَ قَوْلًا ثَقِيلًا» (۲) کتابی که در صحبت و معیت حق نازل گردید «وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَّلَ» (۳) حقیقت نیز همیشه همراه آن است و جایی برای خیالبافی در آن نمی‌ماند، چنین کتابی هیچ‌گاه اغراق و مبالغه نمی‌کند و هرچه که بگوید از مثل و قصه، برای بیان حقیقت بلند و سنگینی است که آن را در قالب ساده‌ای می‌ریزد تا همگان بفهمند.

ص: ۱۶۸

۱- ۶۹ / یس .

۲- ۵ / مزمل .

۳- ۱۰۵ / اسراء .

تمثیل علاوه بر آنکه دامنه مطلب و سطح آن را مقداری پایین می آورد، سطح فکر شنونده را نیز قدری بالا می برد و از این جهت از آن در قرآن کریم استفاده فراوانی شده است.

قرآن هرگز امر تمثیلی و غیرواقعی را واقعی جلوه نمی دهد و اگر بخواهد امر واقعی اتفاق افتاده را بیان کند، به عنوان قصیه بیان می کند: «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ» (۱) داستان انبیای گذشته را با وحی الهی بیان می کند: «ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ» (۲) یعنی این امر واقعی پیامبران گذشته بود که ما از غیب برای تو بیان می کنیم. قرآن اگر بخواهد معنا و معرفت بلندی را تنزیل کند و در

ص: ۱۶۹

۱- ۳ / یوسف .

۲- ۴۴ / آل عمران.

سطح عموم بیاورد، می فرماید: «وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا» (۱) برای آنها مثلی ذکر کن .

قرآن کریم به دلیل آنکه حق است و حکمت ، هیچ گاه حقّ و باطل و واقعی و غیرواقعی را به هم نمی آمیزد و امثال و تشبیهات را به عنوان امر واقعی و رخ داده، عرضه نمی کند بلکه می فهماند که این سخن تشبیه و تنظیر است نه داستان واقعی. غرض آن است که قرآن کریم ، از مطالب غیر مبرهن منزّه است .

آیا قرآن شعر است؟!

وَ الشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ

(پیامبر شاعر نیست) شعرا کسانی هستند که گمراهان از آنان پیروی می کنند (۱)

خط مشی پیامبر از خط شعرا جدا است ، اکثر شعرا در عالم خیال و پندار حرکت می کنند و او در عالمی مملو از واقع بینی برای نظام بخشیدن به

ص: ۱۷۰

شعراء غالباً طالب عیش و نوشند و در بند زلف و خال یار (مخصوصاً شاعرانی که در آن عصر و در محیط حجاز می زیستند چنان که از نمونه اشعارشان پیدا است) .

آن ها در حقیقت می خواستند مذمت کنند ، اما با این سخن مدح می کردند و این گفتارشان سند زنده ای بود بر نفوذ خارق العاده قرآن در افکار و دل ها .

قرآن درباره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید : « وَ مَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَ مَا يَتَّبِعِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَ قُرْآنٌ مُّبِينٌ لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا : ما شعر به او نیاموختیم و شعر و شاعری شایسته او نیست، بلکه این ذکر و بیداری است و قرآن است آشکار تا افرادی را که روح

حیات در کالبدشان است انداز کند» (۱).

أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ : آیا نمی بینی آن ها در هر وادی سرگردانند؟ (۲)

«یَهِيمُونَ» از ماده «هيام» به معنی راه رفتن بدون هدف است.

آن ها غرق پندارها و تشبیهات شاعرانه خویش هستند، حتی گاهی که قافیه ها آن ها را به این سمت و آن سمت بکشاند، در هر وادی سرگردان می شوند.

آن ها غالباً در بند منطق و استدلال نیستند و اشعارشان از هیجانانگیزان تراوش می کند و این هیجانانگیزان و جهش های خیالی هر زمان، آنان را به وادی دیگری سوق می دهد.

ص: ۱۷۲

۱- ۶۹ / یس .

۲- ۲۲۵ / شعراء .

وَ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ : و سخنانی می گویند که عمل نمی کنند (۱)

به علاوه شاعران معمولاً مردان بزمند نه جنگاوران رزم ، اهل سخند نه عمل .

اما پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سر تا پا عمل است و حتی دشمنان او وی را به عزم راسخ و استقامت عجیبش و اهمیت دادن به جنبه های عملی مسایل می ستایند شاعر کجا و پیامبر اسلام کجا ؟

جامعیت قرآن

فِي الْقُرْآنِ نَبَأُ مَا قَبْلَكُمْ ، وَ خَبْرُ مَا بَعْدَكُمْ ، وَ حُكْمٌ مَا بَيْنَكُمْ .

در قرآن اخبار گذشتگان و آیندگان و احکام موردنیاز زندگی تان وجود دارد . (۲)

ص: ۱۷۳

۱- ۲۲۶ / شعراء .

۲- «نهج البلاغه» ، حکمت ۳۱۳ .

شب پرهیزکاران با تفکر در قرآن سپری می شود

أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ ، تَالِيْنَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ يَرْتُلُونَهَا تَرْتِيلاً . يُحْزِنُونَ بِهِ أَنْفُسَهُمْ وَيَسْتَشِيرُونَ بِهِ دَوَاءَ دَائِهِمْ . فَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَشْوِيقٌ رَكَنُوا إِلَيْهَا طَمَعًا ، وَ تَطَلَّعَتْ نُفُوسُهُمْ إِلَيْهَا شَوْقًا ، وَ ظَنُّوا أَنَّهَا نُصِبَ أَعْيُنِهِمْ . وَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَخْوِيفٌ أَصْغَوْا إِلَيْهَا مَسَامِعَ قُلُوبِهِمْ ، وَ ظَنُّوا أَنَّ زَفِيرَ جَهَنَّمَ وَ شَهيقَهَا فِي أُصُولِ آذَانِهِمْ ، فَهُمْ حَائِنُونَ عَلَى أَوْسَاطِهِمْ ، مُفْتَرِشُونَ لِجِبَاهِهِمْ وَ أَكْفِهِمْ وَ رُكْبِهِمْ ، وَ أَطْرَافِ أَقْدَامِهِمْ ، يَطْلُبُونَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي فَكَاكِ رِقَابِهِمْ .

پرهیزکاران در شب برپا ایستاده مشغول نمازند ، قرآن را جزء جزء و با تفکر و اندیشه می خوانند ، با قرآن جان خود را محزون و داروی درد خود را می یابند .

وقتی به آیه ای برسند که تشویقی در آن است ، با شوق و طمع بهشت به آن روی آورند و با جان پرشوق در آن خیره شوند و گمان می برند که نعمت های بهشت برابر دیدگانشان قرار

دارد . و هرگاه به آیه ای می رسند که ترس از خدا در آن باشد ، گوش دل به آن می سپارند و گویا صدای برهم خوردن شعله های آتش ، در گوششان طنین افکن است ، پس قامت به شکل رکوع خم کرده ، پیشانی و دست و پا بر خاک مالیده و از خدا آزادی خود را از آتش جهنم می طلبند . (۱)

شکایت پیامبر صلی الله علیه و آله از بی توجهی مردم به قرآن

وَ قَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا

پیامبر عرضه داشت : پروردگارا! این قوم من از قرآن دوری جستند. (۲)

این سخن و این شکایت پیامبر صلی الله علیه و آله امروز نیز همچنان ادامه دارد ، که از گروه عظیمی از مسلمانان به پیشگاه خدا شکایت می برد که این قرآن را به دست

ص: ۱۷۵

۱- «نهج البلاغه» ، خطبه ۱۹۳ .

۲- ۳۰ / فرقان .

فراموشی سپردند، قرآنی که رمز حیات است و وسیله نجات، قرآنی که عامل پیروزی و حرکت و ترقی است، قرآنی که مملو از برنامه های زندگی می باشد، این قرآن را رها ساختند و حتی برای قوانین مدنی و جزایشان دست گدایی به سوی دیگران دراز کردند.

بررسی تهمت مشارکت جتیان برای نزول قرآن

وَمَا تَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ : شیاطین و جنیان این آیات را نازل نکردند. (۱)

وَمَا يَتَّبِعِي لَهُمْ وَ مَا يَسْتَطِيعُونَ : و برای آن ها سزاوار نیست و قدرت ندارند. (۲)

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْرُؤُونَ : آن ها از استراق سمع (و شنیدن اخبار آسمان ها) برکنارند . (۳)

ص: ۱۷۶

۱- ۲۱۰ / شعراء .

۲- ۲۱۱ / شعراء .

۳- ۲۱۲ / شعراء .

مشرکین می گفتند : محمّد صلی الله علیه و آله با فردی از جنّ مربوط است و او این آیات را تعلیمش می دهد درحالی که قرآن تأکید می کند این آیات « تنزیل ربّ العالمین » است .

محتوای این کتاب بزرگ که در مسیر حق و دعوت به پاکی و عدالت و تقوی و نفی هرگونه شرک است به خوبی نشان می دهد که با افکار شیطانی و القائنات شیاطین هیچ گونه شباهت ندارد و شیاطین جز شرّ و فسادکاری ندارند و این کتاب خیر و صلاح است بنابراین بررسی محتوای آن به تنهایی بیانگر اصالت آن است به علاوه « آن ها توانایی چنین کاری را ندارند » .

اگر چنین قدرتی می داشتند باید سایر کسانی که در محیط قرآن همانند

« کاهنان » با شیاطین مربوط بودند بتوانند همانند آن را بیاورند ، با این که

ص: ۱۷۷

همگی عاجز ماندند و با عجزشان ثابت کردند که این آیات مافوق توان آن ها است .

به علاوه « کاهنان » خود معترف بودند که بعد از تولد پیامبر صلی الله علیه و آله ، رابطه شیاطینی که با آن ها در ارتباط بودند از اخبار آسمان ها قطع شد « و آن ها از شنیدن (اخبار آسمان) معزول و برکنارند : إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعزُولُونَ » .

از سایر آیات قرآن برمی آید ، شیاطین قبلاً به آسمان ها می رفتند و استراق سمع می کردند و مطالبی را که در میان فرشتگان منعکس بود احیاناً به دوستان خود منتقل می ساختند ، اما با تولد و ظهور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله استراق سمع به کلی قطع شد و آن ارتباط خبری از میان رفت ، این مطلب را خود مشرکان نیز می دانستند و به فرض که مشرکان هم نمی دانستند ، قرآن از آن خبر می داد .

به همین دلیل قرآن در آیات فوق به عنوان یک دلیل روی آن تکیه کرده است .

و به این ترتیب از سه طریق به این اتهام پاسخ گفته شده است: عدم تناسب محتوای قرآن با القائات شیطانی، عدم قدرت شیاطین بر چنین کاری، ممنوع بودن شیاطین از استراق سمع.

پیشگویی عجیب قرآن

عُلبِتِ الرُّومُ : رومیان مغلوب شدند. (۱)

فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ

(و این شکست) در سرزمین نزدیکی رخ داد، اما آن‌ها بعد از مغلوبیت، به زودی غلبه خواهند کرد (۲)

منظور از این «زمین»، زمین روم است، یعنی آن‌ها در نزدیک‌ترین

ص: ۱۷۹

۱- ۲ / روم .

۲- ۳ / روم .

سرحداتشان با ایران گرفتار شکست شدند و این اشاره به اهمیت و عمق این شکست است ، چراکه شکست در نقطه های دوردست و مرزهای بعید ، چندان مهم نیست ، مهم آن است که کشوری در نزدیک ترین مرزهایش به دشمن که از همه جا قوی تر و نیرومندتر است ، گرفتار شکست شود .

بنابراین ذکر جمله « فِی أَدْنَى الْأَرْضِ » اشاره ای خواهد بود به اهمیت این شکست و طبعاً پیشگویی از پیروزی طرف مغلوب ، ظرف چند سال آینده ، واجد اهمیت بیشتری خواهد بود که جز از طریق اعجاز قابل پیش بینی نیست .

سپس اضافه می کند : « وَ هُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ » .

با این که جمله « سَيَغْلِبُونَ » (به زودی غالب می شوند) برای بیان مقصود کافی بود ، ولی مخصوصاً تعبیر « مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ » (بعد از مغلوبیتشان) بر آن افزوده

شده است ، تا اهمیت این پیروزی رومیان آشکارتر گردد ، چراکه غالب شدن یک جمعیت مغلوب آن هم در نزدیک ترین و نیرومندترین مرزهایش ، در یک مدت کوتاه ، غیرمنتظره است و قرآن صریحا از این حادثه غیرمنتظره خبر می دهد .

فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ

در چند سال ، همه کارها از آن خدا است ، چه قبل و چه بعد (از این شکست و پیروزی) و در آن روز مؤمنان خوشحال خواهند شد (۱)

مفهوم تعبیر « بَضْعِ سِنِينَ » حداقل سه و حداکثر نه می باشد .

و اگر می بینید خداوند از آینده خبر می دهد ، به خاطر آن است که « همه چیز و

ص: ۱۸۱

۱- ۴ / روم .

همه کار به دست او است ، چه قبل از پیروزی و چه بعد از پیروزی این قوم شکست خورده « (لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ) .

بدیهی است بودن همه چیز به دست خدا و به فرمان و اراده او ، مانع از اختیار و آزادی اراده ما و تلاش و کوشش و جهاد در مسیر اهداف مورد نظر نیست ، به تعبیر دیگر این عبارت نمی خواهد اختیار را از دیگران سلب کند ، بلکه می خواهد این نکته را روشن سازد که قادر بِالذَّاتِ و مَالِكٌ عَلَى الْإِطْلَاقِ او است و هر کس هر چیزی دارد ، از او دارد .

سپس می افزاید : اگر امروز که رومیان شکست خوردند ، مشرکان خوشحال شدند « در آن روز که رومیان غالب شدند ، مؤمنان خوشحال خواهند شد » (وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ) .

ص: ۱۸۲

چرا خداوند به قرآن سوگند یاد می کند

وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ : سوگند به قرآن حکیم (۱)

خداوند در این آیه «قرآن» را به «حکیم» توصیف می کند، در حالی که حکمت معمولاً صفت شخص زنده و عاقل است، گویی قرآن را موجودی زنده و عاقل و رهبر و پیشوا معرفی می کند که می تواند درهای حکمت را به روی انسان ها بگشاید و به صراط مستقیمی که در آیات بعد به آن اشاره کرده، راهنمایی کند.

البته خداوند نیازی به سوگند ندارد، ولی سوگندهای قرآن همواره دارای دو فایده مهم است: نخست تأکید روی مطلب و دیگر بیان عظمت چیزی که به آن سوگند یاد می شود،

ص: ۱۸۳

إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ : که تو قطعاً از رسولان (خداوند) هستی. (۱)

عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ : بر طریقی مستقیم. (۲)

در این آیه چیزی را که سوگند آیه قبل به خاطر آن بوده است، بازگو می کند، یعنی رسول بودن پیامبر صلی الله علیه و آله آن هم رسالتی که توأم با حقیقت است و بودن پیامبر صلی الله علیه و آله بر صراط مستقیم.

تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ: این قرآنی است که از سوی خداوند عزیز و رحیم نازل شده. (۳)

تکیه روی «عزیز بودن» خداوند برای بیان قدرت او بر چنین کتاب بزرگ شکست ناپذیری است که در تمام طول اعصار و قرون به صورت یک معجزه .

ص: ۱۸۴

۱- ۳ / یس .

۲- ۴ / یس .

۳- ۵ / یس .

جاویدان باقی می ماند و هیچ قدرتی نمی تواند عظمت آن را از صفحه دل ها محو کند .

و تکیه روی «رحیمیت» خداوند برای بیان این حقیقت است که رحمت او ایجاب کرده که چنین نعمت بزرگی را در اختیار انسان ها بگذارد .

در این جا سؤالی مطرح است که مگر می توان حقانیت یک پیامبر یا کتاب آسمانی را با سوگند و تأکید اثبات کرد؟

ولی پاسخ این سؤال در دل آیات فوق نهفته است، زیرا از یک سو قرآن را توصیف به حکیم بودن می کند، اشاره به این که حکمتش بر کسی پوشیده نیست و خود دلیل بر حقانیت خویش است .

دیگر این که پیامبر صلی الله علیه و آله را به ره سپردن بر «صراط مستقیم» توصیف کرده، یعنی محتوای دعوت او خود بیان می کند که مسیر او، مسیر مستقیمی

ص: ۱۸۵

است، سوابق زندگی او نیز نشان می دهد که او طریقی جز طریق مستقیم ندارد.

و ما در بحث های دلایل حقیقت پیامبران به این مطلب اشاره کرده ایم که یکی از بهترین طرق برای پی بردن به حقیقت آن ها این است، که محتوای دعوت آنان دقیقا بررسی شود، هرگاه هماهنگ با فطرت و عقل و وجدان بود و در سطحی قرار داشت که از انسان با نیروی بشری امکان پذیر نیست، به علاوه سوابق زندگی شخص پیامبر چنان بود که نشان می داد، مرد امانت و صداقت است، نه دروغ و مکر و تزویر، این امور قرائن زنده ای می شود براین که او فرستاده خدا است و آیات فوق درحقیقت اشاره ای به هردو مطلب است، بنابراین سوگند و ادعای فوق هرگز بی دلیل نیست.

ازاین گذشته از نظر فنّ مناظره، برای نفوذ در دل های منکران لجوج هرقدر

ص: ۱۸۶

عبارات محکم تر و قاطع تر و توأم با تأکید بیشتر مطرح شود، این افراد را بیشتر تحت تأثیر قرار می دهد.

باز سؤال دیگری مطرح می شود که چرا مخاطب را در این جمله شخص پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داده است، نه مشرکان و نه عموم مردم؟

پاسخ این که: هدف این بوده که تأکید کند تو بر حقی و بر صراط مستقیمی، خواه آن ها بپذیرند و خواه نپذیرند، به همین دلیل در رسالت سنگین خود کوشا باش و از عدم قبول مخالفان کمترین سستی به خود راه مده.

لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ

تا قومی را انذار کنی که پدران آن ها انذار نشدند و لذا آن ها غافلند. (۱)

۶۱ / یس .

ص: ۱۸۷

۱- ۶ / یس .

امیرمؤمنان علی علیه السلام در این زمینه می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الْعَرَبِ يَقْرَأُ كِتَابًا وَلَا يَدَّعِي نُبُوَّةً : خداوند هنگامی محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث ساخت که احدی از عرب کتاب آسمانی نمی خواند و ادعای نبوت نمی کرد». (۱)

هدف از نزول قرآن این بود که مردم غافل را هشیار و خواب زدگان را بیدار سازد و خطراتی که آن هارا احاطه کرده و گناہانی که در آن فرورفته اند و شرک و فسادی که به آن آلوده شده اند، به آن های یادآوری کند، آری قرآن پایه آگاهی و بیداری و کتاب پاک سازی دل و جان است.

ص: ۱۸۸

۱- نهج البلاغه ، خطبه ۳۳ و ۱۰۴ .

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

ما برای مردم در این قرآن از هر نوع مثلی زدیم ، شاید متذکر شوند (۱)

از سرگذشت دردناک ستمگران و سرکشان پیشین ، از عواقب هولناک گناه ، از انواع پندها و اندرزها ، از اسرار خلقت و نظام آفرینش ، از احکام و قوانین مقنن، خلاصه هرچه برای هدایت انسان ها لازم بود ، در لباس امثال برای آن ها شرح دادیم .

باتوجه به این که « مَثَل » در لغت عرب هر سخنی است که حقیقتی را مجسم سازد ، و یا چیزی را توصیف کند ، و یا چیزی را به چیز دیگر تشبیه نماید ، این

ص: ۱۸۹

تعبیر همه حقایق و مطالب قرآن را دربرمی گیرد و جامعیت آن را مشخص می کند .

جنگال آفرینی و سرگرم کردن مردم به منظور منزوی کردن قرآن

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ

کافران گفتند: گوش به این قرآن فراندهید و به هنگام تلاوت آن جنگال کنید تا پیروز شوید. (۱)

در بعضی از روایات آمده است که هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله درمکه صدای خود را به تلاوت قرآن مجید و کلمات شیرین و جذاب و پرمحتوای خداوند بلند می کرد ، مشرکان مردم را از او دور می کردند و می گفتند : سوت و صفیر بکشید و صدا را

ص: ۱۹۰

به شعر بلند کنید تا سخنان او را نشنوند(۱)

این یک روش قدیمی برای مبارزه در برابر نفوذ حق است که امروز نیز به صورت گسترده تر و خطرناک تری ادامه دارد ، که برای منحرف ساختن افکار مردم و خفه کردن صدای منادیان حق و عدالت ، محیط را آن چنان پر از جنجال می کنند ، که هیچ کس صدای آن ها را نشنود و با توجه به این که « وَالْعَوَا » از ماده « لَعُو » معنی گسترده ای دارد و هر گونه کلام بیهوده ای را شامل می شود ، وسعت این برنامه روشن خواهد شد .

گاه با جار و جنجال و سوت و صفیر . گاه با داستان های خرافی و دروغین .

گاه با افسانه های عشقی و هوس انگیز .

ص: ۱۹۱

۱- « تفسیر مراغی » ، جلد ۲۴ ، صفحه ۱۲۵ و « تفسیر روح المعانی » جلد ۲۴ صفحه ۱۰۶ .

گاه از مرحله سخن نیز فراتر رفته ، مراکز سرگرمی و فساد و انواع فیلم های مبتذل و مطبوعات بی محتوای سرگرم کننده و بازی های دروغین سیاسی و هیجان های کاذب و خلاصه هر چیزی که افکار مردم را از محور حق منحرف سازد ، به وجود می آوردند .

و از همه بدتر این که گاه بحث های بیهوده ای در میان دانشمندان یک قوم مطرح می کنند و چنان آن ها را به قیل و قال درباره آن وامی دارند که هر گونه مجال تفکر در مسائل بنیادی از آن ها گرفته شود .

ولی آیامشركان توانستند با این اعمالشان بر قرآن غلبه کنند ؟ نه ، آن ها و شیطنت هایشان بر باد رفت و قرآن روز به روز گسترده تر و پربارتر شد و در سراسر جهان درخشیدن گرفت .

ص: ۱۹۲

چرا قرآن بر یکی از ثروتمندان نازل نشده است؟

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ

و گفتند: چرا این قرآن بر مرد بزرگی (مرد ثروتمندی) از این دو شهر (مکه و طائف) نازل نشده است؟ (۱)

آن ها از یک نظر حق داشتند که سراغ چنین بهانه هایی بروند ، زیرا از دیدگاه آن ها معیار ارزش انسان ها ، مال و ثروت و مقام ظاهری و شهرت آنان بود ، این سبک مغزان تصور می کردند ثروتمندان و شیوخ ظالم قبایل آن ها مقرب ترین مردم در درگاه خدا هستند ، لذا تعجب می کردند که این موهبت نبوت و رحمت بزرگ الهی ، چرا بر یکی از این قماش افراد نازل نشده است ؟ و به عکس بر

ص: ۱۹۳

یتیم و فقیر و تهیدستی به نام محمد صلی الله علیه و آله نازل شده ، این باورکردنی نیست. آری آن نظام ارزشی نادرست چنین استنباطی هم به دنبال داشت و بلای بزرگ جوامع بشری و عامل اصلی انحراف فکری آن ها ، همین نظامات ارزشی غلط است که گاه حقایق را کاملاً واژگون نشان می دهد .

حامل این دعوت الهی باید کسی باشد که روح تقوا سراسر وجودش را پر کرده باشد ، انسانی آگاه ، بااراده ، مصمم ، شجاع ، عادل و آشنا به درد محرومان و مظلومان ، این است ارزش هایی که برای حمل این رسالت آسمانی لازم است ، نه لباس های زیبا و قصرهایی گرانبها و مجلل و انواع زینت ها و تجملات ، مخصوصاً هیچ یک از پیامبران خدا دارای چنین شرایطی نبودند ، مبادا ارزش های اصیل با ارزش های دروغین اشتباه شود .

ص: ۱۹۴

چرا خدا قرآن را به صفت «کریم» یاد می کند

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ : که آن قرآن کریمی است. (۱)

توصیف «قُرْآن» به «کریم» (با توجه به این که «کرم» در مورد خداوند، به معنی احسان و انعام و در مورد انسان ها به معنی دارا بودن اخلاق و افعال ستوده و به طور کلی اشاره به محاسن بزرگ است) اشاره به زیبایی های ظاهری قرآن از نظر فصاحت و بلاغت الفاظ و جمله ها و هم اشاره به محتوای جالب آن است، چراکه از سوی خدایی نازل شده که مبدأ و منشأ هر کمال و جمال و خوبی و زیبایی است.

ص: ۱۹۵

اگر قرآن بر کوه ها نازل می شد، از هم می شکافتند

لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

اگر این قرآن را بر کوهی نازل می کردیم ، می دیدی که در برابر آن خشوع می کند و از خوف خدا می شکافتد و این ها مثال هایی است که برای مردم می زنیم تا در آن بیندیشند .(۱)

« مُتَّصِدِّعٌ » از « صَدَعٌ » به معنی شکافتن اشیاء سفت و محکم است ، مانند آهن و شیشه و اگر به سردرد، « صُدَاعٌ » می گویند، به خاطر این است که گویی می خواهد سر انسان را از هم بشکافتد.

بسیاری از مفسران این آیه را به صورت تشبیه ، تفسیر کرده اند و گفته اند

ص: ۱۹۶

هدف این است که این کوه ها با همه استحکام و صلابتی که دارند ، اگر عقل و احساس می داشتند و این آیات به جای قلب انسان ها بر آن ها نازل می شد ، چنان به لرزه درمی آمدند که از هم می شکافتند ، اما گروهی از انسان های قساوتمند و سنگدل می شنوند و کمتر تغییری در آن ها رخ نمی دهد (جمله « وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَصْرِيبِهَا لِلنَّاسِ » را گواه بر این تفسیر گرفته اند) .

بعضی دیگر آن را بر ظاهرش حمل کرده اند و گفته اند : تمام موجودات این جهان ، از جمله کوه ها برای خود نوعی درک و شعور دارند و اگر این آیات بر آن ها نازل می شد ، به راستی از هم متلاشی می شدند ، گواه این معنی را آیه ۷۴ سوره بقره می دانند که در توصیف گروهی از یهود می گوید : « ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ

اللّٰهُ : سپس دل های شما بعد از این ماجرا سخت شد، همچون سنگ و یا سخت تر ، چراکه پاره ای از سنگ ها می شکافتند و از آن ها نهری جاری می شود و پاره ای از آن ها شکافت برمی دارد و آب از آن تراوش می کند و پاره ای از آن ها از خوف خدا به زیر می افتد .»

وَإِنَّهُ لَتَذِكْرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ : این (قرآن) مسلماً تذکری است برای پرهیزگاران .(۱)

برای آن ها که آماده اند خود را از گناه پاک کنند و راه حق را بپویند ، برای آن ها که جستجوگرند و طالب حقیقت و کسانی که این حد از تقوا را ندارند ، مسلماً نمی توانند از تعلیمات قرآن بهره گیرند .

وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُّكَذِّبِينَ : و ما می دانیم که بعضی از شما آن را تکذیب می کنید .(۲)

ص: ۱۹۸

۱- ۴۸ / حاقه .

۲- ۴۹ / حاقه .

اما وجود تکذیب کننده لجوج هرگز مانع دلیل بر عدم حقانیت آن نخواهد بود ، چراکه پرهیزگاران و طالبان حقیقت از آن متذکر می شوند ، نشانه های حق را در آن می بینند و در راه خدا گام می نهند .

بنابراین همان گونه که برای استفاده از نور یک چراغ پُرفروغ حداقل لازم است انسان چشم خود را باز کند ، برای بهره گیری از نور قرآن نیز باید دیده دل را به روی آن گشود .

وَ إِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ : و این مایه حسرت کافران است . (۱)

امروز آن را تکذیب می کنند ولی فردا که « یَوْمُ الظُّهُورِ » و « یَوْمُ الْبُرُوزِ » و در عین حال « یَوْمُ الْحَسْرَةِ » است ، می فهمند چه نعمت بزرگی را به خاطر لجاجت و

ص: ۱۹۹

عناد از دست داده اند و چه عذاب های دردناکی را برای خود خریده اند ، آن روز که درجات مؤمنان و ذرکات خود را می بینند و با هم مقایسه می کنند ، انگشت حسرت بر دهان می گیرند و دست های خود را از شدت خشم زیر دندان می فشارند « وَ يَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً : به خاطر بیاور روزی را که ظالم هر دو دست خود را از شدت حسرت به دندان می گزد و می گوید : ای کاش با رسول خدا راهی داشتم » (۱)

وَ إِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ : و آن یقین خالص است . (۲)

تعبیر به « حَقُّ الْيَقِينِ » به عقیده بعضی از مفسران از قبیل « اضافه شیء به نفس » است ، زیرا « حق » عین « یقین » است و « یقین » عین « حق » ،

ص: ۲۰۰

۱- ۲۷ / فرقان .

۲- ۵۱ / حاقه .

همان گونه که می‌گوییم «مسجد الجامع» و «یوم الخمیس» و به اصطلاح اضافه، اضافه بیانیه است.

ولی بهتر این است که گفته شود از قبیل اضافه موصوف به صفت است، یعنی قرآن یقینی است خالص و یا به تعبیر دیگر «یقین» دارای مراحل مختلفی است: گاه از دلیل عقلی حاصل می‌شود، مثل این که دودی را از دور مشاهده می‌کنیم و از آن یقین به وجود آتش حاصل می‌شود، درحالی که آتش را ندیده ایم، این را «علم الیقین» گویند.

گاه نزدیک می‌رویم و شعله‌های آتش را با چشم می‌بینیم، در این جا یقین محکم تر می‌شود و آن را «عین الیقین» می‌نامند.

گاه باز هم نزدیک تر رفته و در مجاورت آتش یا داخل آتش قرار می‌گیریم و سوزش آن را با دست خود لمس می‌کنیم، مسلماً این مرحله بالاتری از یقین است

ص: ۲۰۱

که آن را «حق الیقین» می نامند. آیه فوق می گوید: قرآن در چنین مرحله ای از یقین است و با این حال کوردلان آن را انکار می کنند.

اوصاف چهارگانه قرآن برای چهار نوع مخاطب آن

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ: حال که چنین است، به نام پروردگار بزرگت تسبیح گو! (۱)

مضمون دو آیه اخیر با مختصر تفاوتی در آخر سوره واقعه نیز آمده، با این تفاوت که در این جا سخن از «قرآن» است و توصیف آن به «حقّ الیقین»، اما در پایان سوره واقعه، سخن از گروه های مختلف نیکوکاران و بدکاران در قیامت است.

در این آیات، قرآن به چهار وصف توصیف شده است:

ص: ۲۰۲

۱ این نازل شده از سوی ربّ العالمین است .

۲ یادآوری برای متّقین می باشد .

۳ مایه حسرت برای کافران است .

۴ این « حقّ الیقین » است که اولی برای همه مردم ، دومی برای پرهیزکاران، سومی مربوط به کافران و چهارمی مربوط به خاصّان و مقربّان است.

نمونه ای از فرمان های جاویدان قرآن

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ كُفْرًا بِإِلَهِهِمْ وَآبَائِهِمْ وَتَفْتُلُوهُمْ بِمَا كَفَرُوا فَعَلَا يُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا مَبْطُنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

بگو : بیایید آن چه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است ، برایتان بخوانم ؛ این که چیزی را شریک خدا قرار ندهید و به پدر و مادر خود نیکی کنید و فرزندانان را از (ترس) فقر نکشید، ما

ص: ۲۰۳

شما و آن‌ها را روزی می‌دهیم و نزدیک کارهای زشت و قبیح نروید چه آشکار باشد چه پنهان و نفسی را که خداوند محترم شمرده، به قتل نرسانید، مگر به حق (و از روی استحقاق)، این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده تا درک کنید (۱).

این آیه و دو آیه بعد به اصول محرّمات در اسلام اشاره کرده و گناهان کبیره ردیف اول را ضمن بیان کوتاه و پرمغز و جالبی در ده قسمت بیان می‌کند و از آن‌ها دعوت می‌نماید که بیایند و حرام‌های واقعی الهی را بشنوند و تحریم‌های دروغین را کنار بگذارند. نخست می‌گوید: «به آن‌ها بگو: بیایید تا آن‌چه را خدا بر شما تحریم کرده است، بخوانم و بر شما برم (قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ)؛

۱ «این که هیچ چیز را شریک و همتای خدا قرار ندهید» (أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ

ص: ۲۰۴

۱- ۱۵۱ / انعام .

۲ « نسبت به پدر و مادر نیکی کنید » (وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا) .

۳ « فرزندان خود را به خاطر تنگدستی و فقر نکشید » (وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ) .

زیرا روزی شما و آن ها همه به دست ما است و ما همه را روزی می دهیم (نَحْنُ نَزُوقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ) .

۴ « به اعمال زشت و قبیح نزدیک نشوید ، خواه آشکار باشد ، خواه پنهان » ، یعنی نه تنها انجام ندهید بلکه به آن هم نزدیک نشوید (وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ) .

۵ « دست به خون بی گناهان نیالایید و نفوسی را که خداوند محترم شمرده و ریختن خون آن ها مجاز نیست ، به قتل نرسانید ، مگر این که طبق

قانون الهی اجازه قتل آن ها داده شده باشد « (وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ) .

به دنبال این پنج قسمت برای تأکید بیشتر می فرماید : « این ها اموری است که خداوند به شما توصیه کرده تا دریابید و از ارتکاب آن ها خودداری نمایید » (ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ) .

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَأُنَكِّلُ وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ
وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

و به مال یتیم جز به نحو احسن (و برای اصلاح) نزدیک نشوید تا به حد رشد برسد و حق پیمانانه و وزن را به عدالت ادا کنید، هیچ کس را جز به مقدار توانایی تکلیف نمی کنیم و هنگامی که سخنی می گوئید، عدالت را رعایت نمایید، حتی اگر در مورد نزدیکان بوده باشد، این چیزی

است که خداوند شما را به آن سفارش می کند تا متذکر شوید . (۱)

۶ « هیچ گاه جز به قصد اصلاح نزدیک مال یتیمان نشوید تا هنگامی که به حد بلوغ برسند » (وَ لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ) .

۷ کم فروشی نکنید و حق پیمانانه و وزن را باعدالت ادا کنید « (وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ) . و از آن جا که هر قدر انسان دقت در پیمانانه و وزن کند ، باز ممکن است مختصر کم و زیادی صورت گیرد که سنجش آن با پیمانانه ها و ترازوهای معمولی امکان پذیر نیست ، به دنبال این جمله اضافه می کند : « هیچ کس را جز به اندازه توانایی تکلیف نمی کنیم » (لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا) .

ص: ۲۰۷

۱- ۱۵۲ / انعام .

۸ «به هنگام داوری یا شهادت و یا در هر مورد دیگر که سخنی می گوئید ، عدالت را رعایت کنید و از مسیر حق منحرف نشوید ، هر چند در مورد خویشاوندان شما باشد و داوری و شهادت به حق ، به زیان آن ها تمام گردد» (وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى).

۹ « به عهد الهی وفا کنید و آن را نشکنید » (وَ بَعِّهْدِ اللّٰهَ اَوْفُوا).

در این که منظور از « عهد الهی » در این آیه چیست، مفسران احتمالاتی داده اند ، ولی مفهوم آیه ، همه پیمان های الهی را اعم از پیمان های « تکوینی » و « تشریحی » و تکالیف الهی و هر گونه عهد و نذر و قسم را شامل می شود .

و باز برای تأکید در پایان این چهار قسمت ، می فرماید : « این ها اموری است که خداوند به شما توصیه می کند، تا متذکر شوید » (ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَذَكَّرُونَ).

ص: ۲۰۸

وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

و این که این راه مستقیم من است ، از آن پیروی کنید و از راه های مختلف (و انحرافی) پیروی نکنید که شما را از راه حق دور می سازد، این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می کند تا پرهیزکار شوید(۱)

۱۰ « این راه مستقیم من ، راه توحید ، راه حق و عدالت ، راه پاکی و تقوا است، از آن پیروی کنید و هرگز در راه های انحرافی و پراکنده، گام ننهید که شما را از راه خدا منحرف و پراکنده می کند و تخم نفاق و اختلاف را در میان شما می پاشد » (وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ

ص: ۲۰۹

۱- ۱۵۳ / انعام .

سَبِيلِهِ). و در پایان همه این ها برای سومین بار تأکید می کند که این ها اموری است که خداوند به شما توصیه می کند تا پرهیز کار شوید « (ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ).

شروع از توحید و پایان به نفی اختلاف

قابل ملاحظه این که در این دستورات ده گانه ، نخست از تحریم شرک شروع شده است که در واقع سرچشمه اصلی همه مفسد اجتماعی و محرمات الهی است و در پایان نیز با نفی اختلاف که یک نوع شرک عملی محسوب می شود، پایان یافته است. این موضوع اهمیت مسأله توحید را در همه اصول و فروع اسلامی روشن می سازد که توحید تنها یک اصل دینی نیست ، بلکه روح تمام تعلیمات اسلام می باشد .

شاید نیاز به تذکر نداشته باشد که این فرمان های ده گانه اختصاصی به آیین

اسلام ندارد، بلکه در همه ادیان بوده است، اگرچه در اسلام به صورت گسترده تری مورد بحث قرار گرفته است و در حقیقت همه آن ها از فرمان هایی است که عقل و منطق به روشنی آن ها را درک می کند و به اصطلاح از «مستقلات عقلیه» است و لذا در قرآن مجید در آیین انبیای دیگر نیز این احکام کم و بیش دیده می شود. (۱)

جامع ترین آیه اخلاقی در قرآن

حُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ

با آن ها مدارا کن و عذرشان را بپذیر و به نیکی ها دعوت نما و از جاهلان روی بگردان (و با آن ها ستیزه مکن) (۲)

وَإِنَّمَا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

ص: ۲۱۱

۱- ۱۳ / شوری .

۲- ۱۹۹ / اعراف .

و هرگاه وسوسه ای از شیطان به تو رسد به خدا پناه بر، که او شنونده و دانا است. (۱)

« عَفُو » گاهی به معنی مقدار اضافی چیزی آمده و گاهی به معنی حدّ وسط و میانه و گاه به معنی قبول عذر خطاکار و بخشیدن او و گاه به معنی آسان گرفتن کارها. قرائن آیات نشان می دهد که آیه فوق ارتباط با مسائل مالی و گرفتن مقدار اضافی از اموال مردم که بعضی از مفسران گفته اند ندارد، بلکه مفهوم مناسب، همان « آسان گرفتن » و « گذشت » و « انتخاب حدّ وسط و میانه » است. (۲)

« يَنْزَعَنَّكَ » از ماده نَزَعَ به معنی ورود در کاری، به قصد افساد و یا تحریک بر آن است. آیه مورد بحث اشاره به سه قسمت از وظایف رهبران و مبلغان به صورت

ص: ۲۱۲

۱- ۲۰۰ / اعراف .

۲- برای توضیح بیشتر درباره معنی « عفو » به جلد ۲ تفسیر نمونه صفحه ۸۰ مراجعه شود .

خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله شده ، در آغاز می گوید : « در طرز رفتار با مردم سختگیر مباش و با آن ها مدارا کن ، عذرشان را بپذیر و بیش از آن چه قدرت دارند از آن ها مخواه » (خُذِ الْعَفْوَ) . بدیهی است اگر رهبر و مبالغ ، شخص سختگیری باشد به زودی جمعیت از اطراف او پراکنده می شوند و نفوذ خود را در قلوب از دست خواهد داد، همان طور که قرآن مجید می گوید : « وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ : اگر سختگیر و بداخلاق و سنگدل بودی به طور مسلم از گرد تو پراکنده می شدند » . (۱) سپس دومین دستور را به این صورت می دهد : « مردم را به کارهای نیک و آن چه را عقل و خرد، شایسته می شناسد و خداوند آن را نیک معرفی کرده ، دستور ده » (وَ أُمِّرَ بِالْعُرْفِ) . اشاره به این که ترک سختگیری

ص: ۲۱۳

مفهومش مجامله کاری نیست ، بلکه باید رهبران و مبلغان همه حقایق را بگویند و مردم را به سوی حق دعوت کنند و چیزی را فروگذار ننمایند. در مرحله سوم دستور به تحمل و بردباری در برابر جاهلان داده می گوید: « از جاهلان روی بگردان و با آن ها ستیزه مکن » (وَاعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ) . رهبران و مبلغان در مسیر خود با افراد متعصب ، لجوج ، جاهل و بی خبر و افرادی که سطح فکر و اخلاق آن ها بسیار پایین است، روبرو می شوند، از آن ها دشنام می شنوند ، هدف تهمتشان قرار می گیرند ، سنگ در راهشان می افکنند . راه پیروزی بر این مشکل گلاویز شدن با جاهلان نیست ، بلکه بهترین راه تحمل و حوصله ، نادیده گرفتن و نشنیده گرفتن این گونه کارها است و تجربه نشان می دهد برای بیدار ساختن جاهلان و خاموش کردن آتش خشم و حسد و تعصبشان ، این بهترین راه است . در آیه دوم دستور دیگری می دهد که در حقیقت چهارمین وظیفه رهبران و

مبلغان را تشکیل می دهد و آن این که بر سر راه آن ها همواره وسوسه های شیطانی در شکل مقام ، مال ، شهوت و امثال این ها خودنمایی می کند و شیطان و شیطان صفتان می کوشند آن ها را از طریق این وسوسه ها از مسیرشان منحرف سازند و از هدفشان بازدارند .

از امام صادق چنین نقل شده که در قرآن مجید ، آیه ای جامع تر در مسائل اخلاقی از آیه ۱۹۹ سوره اعراف نیست .(۱) بعضی از دانشمندان در تفسیر این حدیث ، چنین گفته اند ، که از اصول فضایل اخلاقی بر طبق اصول قوای انسانی که « عقل » و « غضب » و « شهوت » است در سه قسمت خلاصه می شود . فضای عقلی که نامش « حکمت » است و در جمله وَأُمُرٌ بِالْعُرْفِ (به نیکی ها و

ص: ۲۱۵

۱- « مجمع البیان » ، ذیل آیه .

شایستگی‌ها دستورده (خلاصه شده . و فضایل نفسی در برابر طغیان و شهوت که نامش « عفت » است و در خُذِ الْعَفْوَ خلاصه گردیده . و تسلط بر نفس در برابر قوّه غضبیه که نامش « شجاعت » است ، در (وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ) منعکس گردیده است . حدیث فوق را خواه به صورتی که مفسران گفته اند و در بالا اشاره شد تفسیر کنیم و خواه به صورت شرایط رهبر که ما عنوان کردیم ، تفسیر شود ، این واقعیت را بیان می کند که جمله های کوتاه و فشرده آیه فوق متضمن یک برنامه جامع و وسیع و کلی در زمینه های اخلاقی و اجتماعی است ، به طوری که می توان همه برنامه های مثبت و سازنده و فضایل انسانی را در آن پیدا کرد و به گفته بعضی از مفسران ، اعجاز قرآن در شکل « فشرده گویی » آمیخته با وسعت و عمق معنی ، در آیه فوق کاملاً منعکس است . توجه به این نکته نیز لازم است که مخاطب در آیه گرچه شخص پیامبر صلی الله علیه و آله است ولی همه امت و تمامی

رهبران و مبلغان را شامل می شود. و نیز توجه به این نکته لازم است که در آیات فوق، هیچ مطلبی که مخالف مقام عصمت بوده باشد وجود ندارد، زیرا پیامبران و معصومان هم در برابر وسوسه های شیطان باید خود را به خدا بسپارند و هیچ کس از لطف و حمایت خدا در برابر وساوس شیاطین و نفس بی نیاز نیست، حتی معصومان. در بعضی از روایات نقل شده هنگامی که آیه فوق نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله از جبرئیل درباره آن توضیح خواست (که چگونه با مردم مدارا و ترک سختگیری کند) جبرئیل گفت: نمی دانم باید از آن که می داند سؤال کنم، سپس بار دیگر بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و گفت: « يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكَ أَنْ تَعْفُوا عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَ تُعْطَى مِنْ حَرَمِكَ وَ تَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ : ای محمد! خداوند به تو دستور می دهد از آن ها که به تو ستم کرده اند (به هنگامی که قدرت پیدا کردی انتقام نگیری و) گذشت نمایی و

به آن ها که تو را محروم ساخته اند، عطا کنی و به آن ها که از تو بریده اند پیوند برقرار سازی» (۱)

قرآن سالاری در کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله

در غزوه احد زمانی که جمع زیادی از مسلمانان به درجه رفیع شهادت نایل شدند، مقرر شده بود گروهی را با هم در گور به خاک بسپارند. از پیامبر گرامی نقل شده است که فرمودند: «أَنْظُرُوا أَكْثَرَهُمْ جَمَعًا لِلْقُرْآنِ فَاجْعَلُوهُ إِمَامًا صَاحِبَهُ فِي الْقَبْرِ: (۲) نگاه کنید ببینید کدامیک از اینها بیشتر قرآن جمع کرده است، قرآن بیشتر نزدش است، او را مقدم بردوستش قرار دهید». نوع نگرش پیامبر و ائمه این بوده است که هر کس بیشتر حامل

قرآن است و بیشتر به قرآن عمل می کند، فضیلت دارد. در آخرت هم همین معیار است.

ص: ۲۱۸

۱- «مجمع البیان»، ذیل آیه .

۲- کنز العمال : ۲۹۸۹۰ ، ۲۳۱۸ ، ۲۲۷۸ ، ۲۳۴۴ ، ۲۳۴۵ .

در نام های قرآن و معانی آن

خدای تعالی این کتاب را در قرآن به چند نام بر خواند: «قرآن» ش خواند و «فرقان» و «کتاب» و «ذکر» و «تنزیل» و «حدیث» و «موعظه» و «تذکره» و «ذکری» و «حُکْم» و «حکمت» و «حکیم» «مُهَيِّمِن» و «شِفَاء» و «هُدَى» و «هادی» و «صراط مستقیم» و «نور» و «حَبِیل» و «رحمه» و «روح» و «قصص» و «حق» و «بیان» و «تبیان» و «بصائر» و «فصل» و «مبارک» و «نجوم» و «مجید» و «عزیز» و «کریم» و «عظیم» و «سراج منیر» و «بشیر و نذیر» و «عَجَب» و «قَیْم» و «مبین» و «نعمه» و «عَلِی» .

۱ «قرآن» فی قوله تعالی : إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَتْلُو عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ : این قرآن برای بنی اسرائیل بیان می کند (۱) .. و فی قوله : شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ

ص: ۲۱۹

الْقُرْآنُ...: ماه رمضان است که قرآن در آن نازل شده، (۱) و امثال او بسیار است .

مفسران خلاف کردند در معنی . عبدالله عباس می گوید : مصدر «قَرَأَ يَقْرَأُ» است ، چون : رُجِحَانُ وَ نُقْصَانُ وَ خُسْرَانُ . و معنی اتباع بود و معنی تلاوت هم این باشد برای آنکه خواننده تتبع حروف می کند .

۲ «فرقان» فی قوله تعالى : تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ: زوال ناپذیراست و پربرکت است کسی که قرآن را بر بنده اش نازل کرد (۲)... ، و در معنی این خلاف کردند ، برخی می گویند : برای آنش فرقان می خوانند که متفرق فرو آمد ، چنانکه حق تعالی فرمود : «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ...: ما

قرآنی بر تو نازل کردیم که به صورت آیات جدا از هم می باشد ، تا آن را تدریجا و با آرامش

ص: ۲۲۰

۱- ۱۸۵ / بقره.

۲- ۱ / فرقان.

بر مردم بخوانی (۱)، قولى ديگر آن است كه : براى آن كه جداكننده است از ميان حق و باطل و حلال و حرام و وعد و وعيد و مؤمن و كافر و غير آن .

عِكْرَمَه و سُدى گفتند : براى آنكه سبب نجات است . و «فرقان» ، به معنى نجات آمده است ، فى قوله تعالى : «وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ...» : و (نيز به خاطر آوريد) هنگامى را كه به موسى كتاب و وسيله تشخيص حق از باطل را داديم ، (۲) و فى قوله تعالى : «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا...» : اگر از (مخالفت فرمان) خدا پرهيزيد براى شما وسيله اى براى جدايى حق از باطل قرار مى دهد (۳) اَى نَجَاةً و مَخْرَجًا .

۳ «كتاب» فى قوله تعالى : الْآمَاء . ذَلِكَ الْكِتَابُ... الْمَاء . اين كتاب باعظمتى است (۴) و

ص: ۲۲۱

۱- ۱۰۶ / اسراء.

۲- ۵۳ / بقره.

۳- ۲۹ / انفال.

۴- ۱ و ۲ / بقره.

این لفظ نیز مصدر است ، «کالقیام و الصیام» .

و «کتاب» حجت باشد فی قوله تعالی : فَأَتُوْا بِکِتَابِکُمْ ... : کتابتان را بیاورید ، (۱) اَیْ بِحُجَّتِکُمْ . و کتاب به معنی اجل آید فی قوله تعالی : وَ مَا أَهْلَکْنَا مِنْ قَرْیَةٍ اِلَّا وَ لَهَا کِتَابٌ مَّعْلُوْمٌ : ما (اهل) هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم ، مگر این که اجل معین (و زمان تغییرناپذیری) داشتند ، (۲) اَیْ اَجَلٌ . و «کتاب» به معنی حکم آید فی قول النبی صلی الله علیه و آله : سَأُقْضَى بَیْنَکُمْ بِکِتَابِ اللّٰهِ ، اَیْ بِحُکْمِ اللّٰهِ ، اَیْ بِحُکْمِ اللّٰهِ و «کتاب» به معنی مکاتبت سید باشد بنده اش را ، فی قوله تعالی : وَ الَّذِیْنَ یَبْتَغُوْنَ الْکِتَابَ

مِمَّا مَلَکَتْ اَیْمَانُکُمْ فَکَاتِبُوْهُمْ ...: و بردگانی از شما که تقاضای مکاتبه (قرارداد مخصوص

ص: ۲۲۲

۱- ۱۵۷ / صفات.

۲- ۴ / حجر.

برای آزاد شدن) را دارند ، با آن ها قرار داد ببندید، (۱).

۴ «ذکر» فی قوله تعالی : « وَ هَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ ...: و این (قرآن) ذکر مبارکی است ، (۲) و قوله : إنا نحن نزلنا الذكر ...: ما قرآن را نازل کردیم (۳) و این را دو معنی باشد : یکی «یاد گزود» ، یعنی خدای تعالی به این قرآن یاد می دهد بندگان خود را آن چه خیر و صلاح ایشان در آن است . دوم آنکه : معنی ذکر «شرف» باشد ، كما قال تعالی : وَ إِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَ لِقَوْمِكَ ... (۴)، اِنِّی شَرَفُّ لَكَ .

۵ «تنزیل» فی قوله تعالی : تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ : این چیزی است که

ص: ۲۲۳

۱- ۳۳ / نور.

۲- ۵۰ / انبیاء.

۳- ۹ / حجر .

۴- ۴۴ / زخرف.

از سوی پروردگار عالمیان نازل شده (۱)، و آن مصدر «نَزَلَ» باشد.

۶ «حدیث» فی قوله تعالى: اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ... خداوند بهترین سخن را نازل کرده (۲) و حدیث ضِدَّقَدِيم باشد.

۷ «موعظه» فی قوله تعالى: قَدْ جَاءَ تَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ...: اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده و درمان آن چه در سینه ها است. (۳)

۸ «تذکره» فی قوله تعالى: وَإِنَّهُ لَتَذْكُرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ: این مسلمانان تذکری است برای

پرهیزگاران (۴) و این مصدر «ذَكَرَ» باشد.

۹ «ذِکْرَى» فی قوله تعالى: وَذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ: و

ص: ۲۲۴

۱- ۸۰ / واقعه و ۴۳ / حاقه.

۲- ۲۳ / زمر.

۳- ۵۷ / یونس.

۴- ۴۸ / حاقه.

پیوسته تذکر ده ، زیرا تذکر برای مؤمنان سودمند است . (۱) و این نیز مصدر «ذکر» باشد .

۱۰ «حُكْم» فی قوله تعالی : وَ كَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا: همان گونه (که به پیامبران پیشین کتاب آسمانی دادیم) بر تو نیز فرمان روشن و صریحی نازل کردیم (۲)

۱۱ «حکمت» فی قوله تعالی : حِكْمَةٌ بِالْعَهَّةِ ... این آیات ، حکمت بالغه الهی است ، (۳) و قوله تعالی : وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ: و آن چه را در خانه های شما از آیات خداوند و حکمت و دانش خوانده می شود یاد کنید (۴)

۱۲ «حکیم» فی قوله تعالی: یس ، وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ: یس. سوگند به قرآن حکیم (۵)

ص: ۲۲۵

۱- ۵۵ / ذاریات.

۲- ۳۷ / رعد.

۳- ۵ / قمر.

۴- ۳۴ / احزاب.

۵- ۱ و ۲ / یس.

۱۳ «مُهَيِّمِن» فی قوله تعالى : وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ [بِالْحَقِّ] مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ مُهَيِّمِنًا عَلَيْهِ ... و این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم ، در حالی که کتب پیشین را تصدیق می کند و حافظ و نگاهبان آن ها است (۱)، اَى حَفِيظًا وَ قِيلَ : امينا

۱۴ «شِفَاء» فی قوله تعالى : قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ : اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده و درمان آن چه در سینه ها است و هدایت و رحمت برای مؤمنان . (۱)

۱۵ «هُدَى» فی قوله تعالى : هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ : مایه هدایت پرهیزکاران است (۲)، اَى بَيَانٌ وَ لُطْفٌ .

ص: ۲۲۶

۱- ۴۸ / مائده.

۲- ۵۷ / یونس.

۱۶ «هادی» فی قوله : يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ : که به راه راست هدایت می کند (۱)

۱۷ «صراطِ مستقیم» فی قوله تعالى : اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ: ما را به راه راست هدایت فرما؛ (۲) مراد قرآن است به قول ابن مسعود رَضِيَ اللهُ عَنْهُ .

۱۸ «نور» فی قوله تعالى : وَاتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ ...: و از نوری که با او نازل شده ، پیروی کردند (۳) برای آتش نور خوانند که به او راه بزند در ظلمات شک و شرک ، چنان که به نور راه بزند در ظلمات شب .

۱۹ «حَبْل» فی قوله تعالى : وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا ...: و

همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام و هرگونه وسیله وحدت) چنگ زنید (۴) برای آتش

ص: ۲۲۷

۱- ۲ / بقره.

۲- ۲ / جن.

۳- ۶ / فاتحه الكتاب.

۴- ۱۰۳ / آل عمران.

حبل خواند که هر که دست در او زنداز غرق نجات یابد .

۲۰ «رَحْمَهُ» فی قوله تعالى : وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ : و مایه هدایت و رحمت برای مؤمنان است، یعنی رَحْمَةً مِنَ اللّهِ تَعَالَى .

۲۱ «رُوح» فی قوله تعالى : وَ كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا ...:همان گونه که بر پیامبران پیشین وحی فرستادیم بر تو نیز روحی را به فرمان خود وحی کردیم(۱) برای آنش «روح» خواند که ، قوام اسلام بدوست ، چنانکه ، قوام تن به روح باشد .

۲۲ «قَصَّهُ» فی قوله تعالى : نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ صِ ...: ما بهترین سرگذشت را بر تو بازگو کردیم(۲) واصل کلمه، «مِنْ قِصَّةٍ أَتْرَهُ إِذَا اتَّبَعَهُ» بود .

ص: ۲۲۸

۱- ۵۲ / شوری.

۲- ۵۲ / شوری.

۲۳ «حق» فی قوله تعالی: وَ إِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ: و آن یقین خالص است (۱)، برای آنش حق خواند که درست و حقیقت است. و قولی دیگر آنکه؛ حق ضدّ باطل بود و چون ضدّ باطل بود، مُحیل و مزیل باطل بود، چنانکه گفت: بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ...: بلکه ما حق را بر سر باطل می‌کوبیم تا آن را هلاک سازد و به این ترتیب باطل محو و نابود می‌شود (۲) اَيُّ ذَاهِبٌ زَائِلٌ.

۲۴ «بیان»: هذا بَيَانٌ لِلنَّاسِ: این بیانی است برای عموم مردم (۳)

۲۵ «تبیان» فی قوله تعالی: وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ ؕ...: و ما این

کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است (۴) این کلمه مصدر «تَبَيَّنَ» باشد.

ص: ۲۲۹

۱- ۵۱ / حاقه

۲- ۱۸ / انبیاء.

۳- ۱۳۸ / آل عمران

۴- ۸۹ / نحل.

۲۶ «بصائر» فی قوله تعالى : هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ...: این وسیله بینایی از طرف پروردگارتان (۱) و «بصائر» جمع بصیرت باشد برای آنکه بدو مستبصر شوند .

۲۷ «فصل»، فی قوله تعالى: إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ: که این یک سخن حق است (۲)، ای فاصِلٌ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ.

۲۸ «مبارک»، فی قوله تعالى: وَهَذَا ذِكْرٌ مُبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ: که این یک سخن حق است. (۳)

۲۹ «نجوم»: فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ: سوگند به جایگاه ستارگان و محل طلوع و غروب آن ها (۴)، برای آتش نجوم خواند که نجم نجم فرود آمد، آیه از پس آیه و

سوره از پس سوره.

ص: ۲۳۰

۱- ۲۰۳ / اعراف.

۲- ۱۳ / طارق.

۳- ۵۰ / انبیاء.

۴- ۷۵ / واقعه.

۳۰ «مجید»، قوله تعالى: قَا وَ الْقُرْآنِ الْمَجِيدِ : ق، سو گند به قرآن مجید(۱)، اَيُّ الشَّرِيفِ .

۳۱ «عزیز»، قوله تعالى: وَ اِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيْزٌ ...: و این کتابی است قطعا شکست ناپذیر(۲) و این دو معنی دارد: یکی آن که گرامی است و دوم آن که غالب است.

۳۲ «کریم»: اِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيْمٌ: که آن قرآن کریمی است (۳)

۳۳ «عظیم»: وَ لَقَدْ اَتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيْمَ: ما به تو.

ص: ۲۳۱

۱- ۱ / ق.

۲- ۴۱ / فَصَّلَتْ.

۳- ۷۷ / وَاَقَعَهُ.

سوره حمد و قرآن عظیم دادیم . (۱)

۳۴ «سراج منیر»، فی قوله تعالى : وَ دَاعِيَا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُنِيرًا:

و تورا دعوت کننده به سوی الله به فرمان او قرار دادیم و چراغ روشنی بخش . (۲)

۳۵ «بشیر و نذیر» فی قوله جَلَّ وَعَزَّ: بَشِيرًا وَ نَذِيرًا فَاعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ: قرآنی که بشارت دهنده و بیم دهنده است ، ولی اکثر آنان روی گردان شدند (۳) الایه.

۳۶ «عَجَب»، فی قوله جَلَّ وَ عَلِي : اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا

۱. ۸۷ / حجر. پس از بیان این مطلب به حسب ظاهر و مطابق روال کلام تعبیر «سراج منیر» به عنوان نامی از نام های قرآن مجید و استشهاد مفسریه آیه : «وَ دَاعِيَا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُنِيرًا (۴۶ / احزاب) باید می آمد، لکن این معنی در اساس و همه نسخه بدل ها نیست. .

ص: ۲۳۲

۱- ۴۶ / احزاب.

۲- ۴ / فصلت.

عَجَبًا: جمعی از «جن» به سخنانم گوش فراداده اند، سپس گفته اند: ما قرآن عجیبی شنیده ایم. (۱)

۳۷ «قِيمِ»، وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا، قِيمًا: هیچ گونه کژی در آن قرار ندارد. کتابی که ثابت و مستقیم. (۲)

۳۸ «نعمه»، فی قوله جَلَّ وَعَزَّ: وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ: و نعمت های پروردگارت را بازگو کن. (۳)

۳۹ «مُبِين»، فی قوله عَزَّوَعَلَا: الْآرْتِلَکَايَاتُ الْکِتَابِ الْمُبِينِ: الرآن آیات کتاب آشکاراست. (۴)

۴۰ «عَلِيٌّ»، فی قوله تعالی: وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْکِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَکِيمٌ: و آن در

کتاب اصلی (لوح محفوظ) نزد ما است ، که بلند پایه و حکمت آموز است . (۵)

(۶)

ص: ۲۳۳

۱- ۱ / جن.

۲- ۱ و ۲ / کهف.

۳- ۱۱ / ضحی.

۴- ۱ / یوسف.

۵- ۴ / زخرف.

۶- رَوْضُ الْجَنَانِ وَ رَوْحُ الْجَنَانِ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ ، ابوالفتح رازی ، جلد ۱ و ۲ ، صفحه ۱۷ .

كِتَابَ رَبِّكُمْ فِيكُمْ : مُبَيِّنًا حَلَالَهُ وَ حَرَامَهُ ، وَ فَرَائِضَهُ وَ فَضَائِلَهُ ، وَ نَاسِخَهُ وَ مَنْسُوخَهُ ، وَ رُخْصَهُ وَ عَزَائِمَهُ ، وَ خَاصَّهُ وَ عَامَّهُ ، وَ عِبْرَهُ وَ أَمْثَالَهُ ، وَ مَرْسَلَهُ وَ مَحْدُودَهُ ، وَ مُحْكَمَهُ وَ مُتَشَابِهَهُ ، مُفَسِّرًا مُجْمَلَهُ ، وَ مُبَيِّنًا غَوَامِضَهُ ، بَيْنَ مَا أُخُوذَ مِيثَاقُ عِلْمِهِ ، وَ مُوسِّعًا عَلَى الْعِبَادِ فِي جَهْلِهِ ، وَ بَيْنَ مُثَبَّتٍ فِي الْكِتَابِ فَرِضُهُ وَ مَعْلُومٍ فِي السُّنَنِ نَسِخُهُ ، وَ وَاجِبٍ فِي السُّنَنِ أَخْذُهُ ، وَ مُرَخِّصٍ فِي الْكِتَابِ تَرْكُهُ ، وَ بَيْنَ وَاجِبٍ بِوَقْتِهِ ، وَ زَائِلٍ فِي مُسْتَقْبَلِهِ

کتاب پروردگار میان شماست ، که بیان کننده حلال و حرام ، واجب و مستحب ، ناسخ و منسوخ ، مباح و ممنوع ، خاص و عام ، پندها و مثل ها ، مطلق و مقید ، محکم و متشابه می باشد. عبارات مجمل خود را تفسیر و نکات پیچیده خود را روشن

می کند؛ از واجباتی که پیمان شناسایی آن را گرفت و مستحباتی که آگاهی از آنها لازم نیست .

قسمتی از احکام دینی در قرآن واجب شمرده شد که ناسخ آن در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله آمده، (۱) و بعضی از آن ، در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله واجب شده که در کتاب خدا ترک آن مجاز بوده است؛ بعضی از واجبات، وقت محدودی داشته که در آینده از بین رفته است. (۲)

(۳)

ص: ۲۳۵

-
- ۱- مانند آیه ۱۵ سوره نساء: «فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّيَهُنَّ الْمَوْتُ: زنان بدکاره را در خانه ها زندانی کنید تا بمیرند) این حکم برداشته شده و طلاق و رجم جای آن را گرفته است .
 - ۲- مانند دستور نماز خواندن به طرف بیت المقدس که موقتی بود و با آیه ۱۴۴ بقره حکم آن برداشته شده و نماز به سوی کعبه واجب گردید (فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ)
 - ۳- «نهج البلاغه»، خطبه ۱ .

تفسیر جوان (برگرفته از تفسیر نمونه آیه الله مکارم شیرازی)، محمد بیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد های ۱ تا ۲۷.

تفسیر بیان (برگرفته از تفسیر مجمع البیان طبرسی)، محمد بیستونی،

انتشارات فراهانی، چاپ اول،

قرآن شناسی جوان، محمد بیستونی، انتشارات بیان جوان، چاپ اول.

سخنرانی های قرآنی، دبیرخانه نمایشگاه قرآن کریم، انتشارات قلمرو، چاپ اول، جلد ۱.

اصول کافی، ثقة الاسلام کلینی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام.

بیان (در علوم و مسائل کلی قرآن)، حضرت آیه الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی (ره)، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.

نهج البلاغه ، محمد دشتی ، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی ، چاپ سوم.

پرتویی از قرآن، سید محمود طالقانی، انتشارات شرکت سهامی انتشار، جلد اول.

رَوْضُ الْجَنَانِ وَ رَوْحُ الْجَنَانِ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ ، ابوالفتح رازی ، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی ، چاپ اول ، جلد اول.

تفسیر موضوعی قرآن کریم (قرآن در قرآن)، آیه الله جوادی آملی،

مرکز نشر اسراء، چاپ اسوه .

طبقات مفسران ، شیعه جلد اول .

بحار الانوار ، جلد ۹۲ .

پژوهشی در تاریخ قرآن .

میزان الحکمه ، محمد محمدی ری شهری ، انتشارات دارالحدیث ، چاپ چهارم .

صحیفه سجاده امام زین العابدین علیه السلام ، ترجمه : محمد مهدی رضایی،

ناشر : نشر جمال ، قم .

ص: ۲۳۸

قرآن، معجزه جاویدان ●●● ۷

قرآن بالاترین معجزه الهی است ●●● ۱۰

سند زنده ای بر اعجاز قرآن ●●● ۱۵

چرا پیامبران به معجزه نیاز دارند؟ ●●● ۱۹

جلوه تازه ای از اعجاز قرآن ●●● ۲۱

از کجا بدانیم که مثل قرآن را نیاورده اند؟ ●●● ۳۰

فهرست مطالب

موضوع صفحه

مبارزه طلبی (تحدّی) قرآن ●●● ۳۳

« تحدّی » دلیل معجزه بودن قرآن است ●●● ۳۵

ویژگی های پنج گانه قرآن کریم ●●● ۳۹

قرآن پرده های غفلت و فراموشی را می شکافد ●●● ۴۱

قرآن فصل الخطاب اختلافات ●●● ۴۳

فاسقین هرگز به قرآن ایمان نمی آورند ●●● ۴۶

تدبّر در قرآن ●●● ۴۸

الف تدبر و اهمیت آن ●●● ۴۸

ص: ۲۴۰

ب تدبیر و تلاوت راستین ●●● ۵۱

قرآن را همراه با تفکر و تأمل بخوانید ●●● ۵۲

هدف نهایی قرآن، عمل به محتوای آن است ●●● ۵۵

قرآن باید در متن زندگی همه مردم حضور داشته باشد ●●● ۵۷

اعجاز قرآن از دریچه خبرهای غیبی ●●● ۵۹

انسجام و نفوذ فوق العاده آیات قرآن ●●● ۶۲

هدف نهایی از نزول قرآن ●●● ۶۸

منظور از آیات محکم و متشابه چیست؟ ●●● ۷۰

فهرست مطالب

موضوع صفحه

رسالت و پیام جهانی قرآن ●●● ۷۷

(۲۴۱)

به هنگام شنیدن تلاوت قرآن خاموش باشید ●●● ۸۰

عظمت و حقانیت دعوت قرآن ●●● ۸۵

قرآن انسان ها را از ظلمت ها به سوی نور سوق می دهد ●●● ۸۸

بحثی پیرامون عدم تحریف قرآن ●●● ۹۱

دعوت همه پیشوایان اسلام به قرآن موجود ●●● ۹۵

با آیات قرآن در جهت منافع خود ، گزینشی رفتار نکنید ●●● ۱۰۰

ص: ۲۴۲

مقتسمین چه اشخاصی هستند؟ ●●● ۱۰۱

قرآن جوامع را از کثرت به وحدت سوق می دهد ●●● ۱۰۳

آداب ورود به دنیای زیبای قرآن ●●● ۱۰۴

از میان تمام صفات شیطان مطرود بودن او مطرح شده است؟ ●●● ۱۰۹

آداب پنج گانه تلاوت قرآن کریم ●●● ۱۱۰

قرآن راه مستقیم خوشبختی ●●● ۱۱۶

تنوع گرایی در روش های تربیتی قرآن ●●● ۱۱۸

قرآن حجت های خود را از برداشت های علم بیان کرده است ●●● ۱۲۱

قرآن هدایت است و درمان ●●● ۱۲۳

قرآن مایه حیات دل ها و زندگی جان هاست ●●● ۱۲۷

قیامی از « اُمُّ الْقُرَى » بر اساس کتاب خدا ●●● ۱۳۳

درمان و نوسازی در پرتو قرآن ●●● ۱۳۸

چرا ظالمان از قرآن نتیجه معکوس می گیرند؟ ●●● ۱۴۰

نزول دفعی و نزول تدریجی قرآن ●●● ۱۴۱

برنامه ریزی برای تعلیم و تربیت ●●● ۱۴۶

قرآن به زبان آسان نازل شده است ●●● ۱۴۹

قرآن به زبان فصیح و گویا نازل شده است ●●● ۱۵۱

قرآن شفادهنده ای است که بیماری های وحشت انگیز را بزدايد ●●● ۱۵۲

قرآن بهار دلهاست از آن شفاء بجوید ●●● ۱۵۷

رابطه قرآن با شب قدر و حیات مادی و معنوی ●●● ۱۵۸

قرآن در ماه رمضان و برای هدایت «همه مردم» نازل شده است ●●● ۱۵۹

فهرست مطالب

موضوع صفحه

حروف مقطعه راز عظمت قرآن ●●● ۱۶۰

ارتباط با قرآن برای همگان به سادگی فراهم است ●●● ۱۶۲

چرا مشرکین می گفتند قرآن شعر است؟ ●●● ۱۶۳

قرآن ، شعر و قصه نیست ●●● ۱۶۶

آیا قرآن شعر است؟! ●●● ۱۷۰

جامعیت قرآن ●●● ۱۷۳

شب پرهیزکاران با تفکر در قرآن سپری می شود ●●● ۱۷۴

ص: ۲۴۶

شکایت پیامبر صلی الله علیه و آله از بی توجهی مردم به قرآن ●●● ۱۷۵

بررسی تهمت مشارکت جتّیان برای نزول قرآن ●●● ۱۷۶

پیشگویی عجیب قرآن ●●● ۱۷۹

چرا خداوند به قرآن سوگند یاد می کند ●●● ۱۸۳

فلسفه مثال های قرآنی ●●● ۱۸۹

جنگال آفرینی و سرگرم کردن مردم به منظور منزوی کردن قرآن ●●● ۱۹۰

چرا قرآن بر یکی از ثروتمندان نازل نشده است؟ ●●● ۱۹۳

چرا خدا قرآن را به صفت «کریم» یاد می کند ●●● ۱۹۵

اگر قرآن بر کوه ها نازل می شد، از هم می شکافتند ●●● ۱۹۶

اوصاف چهارگانه قرآن برای چهار نوع مخاطب آن ●●● ۲۰۲

نمونه ای از فرمان های جاویدان قرآن ●●● ۲۰۳

شروع از توحید و پایان به نفی اختلاف ●●● ۲۱۰

جامع ترین آیه اخلاقی در قرآن ●●● ۲۱۱

قرآن سالاری در کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله ●●● ۲۱۸

در نام های قرآن و معانی آن ●●● ۲۱۹

ویژگی های قرآن در کلام علی علیه السلام ●●● ۲۳۴

جلد ۲

اشاره

ص: ۱

إِلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ

رَسُولِ اللَّهِ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ إِلَى مَوْلَانَا

وَ مَوْلَى الْمُؤَحَّدِينَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى بَضْعِهِ

الْمُصْطَفَى وَ بِهِجِهِ قَلْبِهِ سَيِّدِهِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ إِلَى سَيِّدِي

شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّبْطَيْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ إِلَى الْأَنْبِيَاءِ الْكُتُبِ

الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ وَوَلَدِ الْحُسَيْنِ سَيِّمًا بِقِيَّتِهِ اللَّهُ فِي الْأَرْضِينَ وَ وَارِثِ عُلُومِ

الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ، الْمُعَدِّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ وَ الْمُدْخِرِ لِأَحْيَاءِ الْفَرَانِضِ وَ مَعَالِمِ الدِّينِ ،

الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمَانِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ فَيَا مُعَزَّ

الْأَوْلِيَاءِ وَيَا مُذَلَّ الْأَعْدَاءِ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ قَدَّمَسْنَا

وَ أَهْلَنَا الضَّرَّ فِي غَيْبَتِكَ وَ فِرَاقِكَ وَ جُنْنَا بِيضَاعِهِ

مُزْجَاهِ مِنْ وَوَلَائِكَ وَ مَحَبَّتِكَ فَوُفِّ لَنَا الْكَيْلَ مِنْ مَنَّكَ وَ

فَضْلِكَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا بِنَظَرِهِ رَحْمَةً مِنْكَ

إِنَّا نَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

(٤)

بسم الله الرحمن الرحيم

هر زمانی را زبانی است یعنی در بستر زمان خواسته هایی نو نو پدید می آید که مردم آن دوران خواهان آنند. با وسایل صنعتی و رسانه های بی سابقه خواسته ها مضاعف می شود و امروز با اختلاف تمدن ها و اثرگذاری هریک در دیگری آرمان های گوناگون و خواسته های متنوع ظهور می یابد بر متفکران دوران و افراد دلسوز خودساخته در برابر این هنجارها فرض است تا کمر خدمت را محکم ببندند و این خلأ را پر کنند همان گونه که علامه امینی با الغدیرش و علامه طباطبایی با المیزانش. در این میان نسل جوان را باید دست گرفت و بر سر سفره این پژوهشگران نشانند و رشد داد. جناب آقای دکتر محمد بیستونی رئیس هیئت مدیره مؤسسه قرآنی تفسیر جوان به فضل الهی این کار را بعهدہ گرفته و آثار ارزشمند مفسران را با زبانی ساده و بیانی

شیرین، پیراسته از تعقیدات در اختیار نسل جوان قرار داده علاوه بر این آنان را به نوشتن کتابی در موضوعی که منابع را در اختیارشان قرار داده دعوت می کند. از

(۵)

مؤسسه مذکور دیدار کوتاهی داشتیم، از کار و پشتکار و هدفمند بودن آثارشان اعجاب و تحسینم شعله ور شد، از خداوند منان افاضه بیشتر و توفیق افزونی برایشان خواستارم. به امید آنکه در مراحل غیرتفسیری هم از معارف اسلامی درهای وسیعی برویشان گشاده شود.

آمین رب العالمین .

۲۱ ربیع الثانی ۱۴۲۵

۲۱ خرداد ۱۳۸۳

ابوالقاسم خزعلی

(۶)

ص: ۶

آینده نگری امیرمؤمنان در ارتباط با بی توجهی مردم به قرآن

إِنَّهُ سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِي زَمَانٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ أَخْفَى مِنَ الْحَقِّ ، وَ لَا أَظْهَرَ مِنَ الْبَاطِلِ ، وَ لَا أَكْثَرَ مِنَ الْكَذِبِ عَلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ ؛ وَ لَيْسَ عِنْدَ أَهْلِ الزَّمَانِ سِوَالْعَهْرِ أَبُوْرَ مِنَ الْكِتَابِ إِذَا تَلَى حَقَّ تِلَاوَتِهِ ، وَ لَا أَنْفَقَ مِنْهُ إِذَا حُرِّفَ عَنْ مَوَاضِعِهِ . وَ لَا فِي الْبِلَادِ شَيْءٌ أَنْكَرَ مِنَ الْمَعْرُوفِ ، وَ لَا أَعْرَفَ مِنَ الْمُنْكَرِ ! فَقَدْ نَبَذَ الْكِتَابَ حَمَلْتُهُ ، وَ تَنَاسَاهُ حَفَظْتُهُ :

فَالْكِتَابُ يَوْمَئِذٍ وَ أَهْلُهُ طَرِيدَانِ مَنْفِيَانِ ، وَ صَاحِبَانِ مُضِيَّ طَجِبَانِ فِي طَرِيقٍ وَاحِدٍ لَا يُؤْوِيهِمَا مُؤْوٍ . فَالْكِتَابُ وَ أَهْلُهُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ فِي النَّاسِ وَ لَيْسَا فِيهِمْ ، وَ مَعَهُمْ وَ لَيْسَا مَعَهُمْ ! لِأَنَّ الضَّلَالَةَ لَا تُوَافِقُ الْهُدَى ، وَ إِنِ اجْتَمَعَا . فَاجْتَمَعَ الْقَوْمُ عَلَى الْفُرْقَةِ ، وَ افْتَرَقُوا عَلَى الْجَمَاعَةِ ، كَمَا أَنَّهُمْ أَيْمَةُ الْكِتَابِ وَ لَيْسَ الْكِتَابُ إِمَامَهُمْ ، فَلَمْ يَبْقَ عِنْدَهُمْ مِنْهُ إِلَّا اسْمُهُ ، وَ لَا يَعْرِفُونَ إِلَّا خَطُّهُ وَ زَبْرَهُ . وَ مِنْ قَبْلُ مَا مَثَّلُوا

قرآن شناسی (۷)

ص:۷

بِالصَّيْحَانِ كَمَلِّ مَثَلِهِ ، وَ سَيِّئُوا صِدْقَهُمْ عَلَى اللَّهِ فَرِيَةً ، وَ جَعَلُوا فِي الْحَسَنِهِ عُقُوبَةَ السَّيِّئِهِ . وَ إِنَّمَا هَلَكَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَمْ بِطُولِ
آمَالِهِمْ وَ تَعْتِيبِ آجَالِهِمْ ، حَتَّى نَزَلَ بِهِمُ الْمَوْعُودُ الَّذِي تُرَدُّ عَنْهُ الْمَعْدِرَةُ ، وَ تُرْفَعُ عَنْهُ التَّوْبَةُ ، وَ تَحُلُّ مَعَهُ الْقَارِعَةُ وَ النُّقْمَةُ . (۱)

همانا پس از من روزگاری بر شما فراخواهد رسید که چیزی پنهان تر از حق ، و آشکارتر از باطل ، و فراوان تر از دروغ به خدا و پیامبرش نباشد . و نزد مردم آن زمان کالایی زیانمندتر از قرآن نیست اگر آن را درست بخوانند و تفسیر کنند و متاعی پرسودتر از قرآن یافت نمی شود آنگاه که آن را تحریف کنند و معانی دلخواه خود را رواج دهند .

در شهرها چیزی ناشناخته تر از معروف و شناخته تر از منکر نیست ، حاملان قرآن ، آن را

(۸) قرآن شناسی

ص: ۸

واگذاشته و حافظان قرآن، آن را فراموش می کنند، پس در آن روز قرآن و پیروانش از میان مردم رانده و مهجور می گردند و هر دو غریبانه در یک راه ناشناخته سرگردانند و پناهگاهی میان مردم ندارند.

پس قرآن و پیروانش در میان مردمنده اما گویا حضور ندارند؛ با مردمنده ولی از آنها بریده اند، زیرا گمراهی و هدایت هرگز هماهنگ نشوند گرچه کنار یکدیگر قرار گیرند.

مردم در آن روز، در جدایی و تفرقه هم داستان، و در اتحاد و یگانگی پراکنده اند، گویی آنان پیشوای قرآن بوده و قرآن پیشوای آنان نیست، پس از قرآن جز نامی نزدشان باقی نماند و آنان جز خطی را از قرآن شناسند و در گذشته نیکوکاران را کیفر داده و سخن راست آنان را بر خدا دروغ پنداشتند و کار نیکشان را پاداش بد دادند.

و همانا آنان که پیش از شما زندگی می کردند، به خاطر آرزوهای دراز و پنهان بودن زمان اجل ها، نابود گردیدند، تا ناگهان مرگ و عده داده شده بر سرشان فرود آمد، مرگی که عذرها را

قرآن شناسی (۹)

ص: ۹

نپذیرد و درهای باز توبه را ببندد و حوادث سخت و مجازات های پس از مردن را به همراه آورد. (۱)

ارزش پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن

أَرْسَلَهُ عَلَىٰ حِينِ فَتْرِهِ مِنَ الرُّسُلِ ، وَ طُولِ هَجْعِهِ مِنَ الْأُمَمِ ، وَ انْتِقَاضِ مِنَ الْمَيْرَمِ ؛ فَجَاءَهُمْ بِتَضِيدِ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ ، وَ النُّورِ الْمُقْتَدِي بِهِ . ذَلِكُ الْقُرْآنُ فَاسِيَّتُنْطِقُوهُ ، وَ لَنْ يَنْطِقَ ، وَ لَكِنْ أُخْبِرُكُمْ عَنْهُ : أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمَ مَا يَأْتِي ، وَ الْحَدِيثَ عَنِ الْمَاضِي ، وَ دَوَاءَ دَائِكُمْ ، وَ نَظْمَ مَا بَيْنَكُمْ .

خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله را هنگامی فرستاد که پیامبران حضور نداشتند و امت ها در خواب غفلت بودند و رشته های دوستی و انسانیت از هم گسسته بود . پس پیامبر صلی الله علیه و آله به میان خلق آمد در حالی که کتاب های پیامبران پیشین را تصدیق

(۱۰) قرآن شناسی

ص: ۱۰

کرد و با «نوری» هدایتگر انسان ها شد که همه باید از آن اطاعت نمایند و آن ، نور قرآن کریم است .

از قرآن بخواهید تا سخن گوید ، که هرگز سخن نمی گوید ، اما من شما را از معارف آن خبر می دهم ، بدانید که در قرآن علم آینده و حدیث روزگاران گذشته است ، شفا دهنده دردهای شما و سامان دهنده امور فردی و اجتماعی شما است . (۱)

إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَنْزَلَ كِتَابًا هَادِيًا بَيِّنَ فِيهِ الْخَيْرَ وَالشَّرَّ؛ فَخُذُوا نَهْجَ الْخَيْرِ تَهْتَدُوا، وَاصْبِرُوا عَنْ سَمِّ الشَّرِّ تَقْصِدُوا .

همانا خداوند بزرگ کتابی هدایتگر فرستاد ، نیکی و بدی ، خیر و شر را آشکارا در آن

قرآن شناسی (۱۱)

ص: ۱۱

۱- «نهج البلاغه» ، خطبه ۱۵۸ .

بیان فرمود . پس راه نیکی در پیش گیرید ، که هدایت شوید و از شرّ و بدی پرهیز کنید تا در راه راست قرار گیرید . (۱)

درمان خود را از قرآن بخواهید

وَاعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِحُ الَّذِي لَا يُعْشَى ، وَ الْهَادِي الَّذِي لَا يُضِلُّ ، وَ الْمُحَدِّثُ الَّذِي لَا يَكْذِبُ . وَ مَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدٌ إِلَّا قَامَ عَنْهُ بَزِيَادَةٍ أَوْ نُقْصَانٍ : زِيَادَةٍ فِيهِدِي ، أَوْ نُقْصَانٍ مِنْ عَمِي . وَاعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ عَلِيَّاحِدٍ بَعْدَ الْقُرْآنِ مِنْ فَاقِهِ ، وَ لَا لِأَحَدٍ قَبْلَ الْقُرْآنِ مِنْ غَنِيِّ ؛

فَاسْتَشْفُوهُ مِنْ أَدْوَائِكُمْ ، وَاسْتَعِينُوا بِهِ عَلَى لَائِعِوَائِكُمْ ، فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ : وَ هُوَ الْكُفْرُ وَ النَّفَاقُ ، وَ الْغِيٌّ وَ الضَّلَالُ ، فَاسْأَلُوا اللَّهَ بِهِ ، وَ تَوَجَّهُوا إِلَيْهِ

(۱۲) قرآن شناسی

ص: ۱۲

بِحُبِّهِ ، وَ لَا- تَسْأَلُوا بِهِ خَلْقَهُ ، إِنَّهُ مَا تَوَجَّهَ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِمِثْلِهِ . وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ شَافِعٌ مُشَفَّعٌ ، وَ قَائِلٌ مُصَدِّقٌ ، وَ أَنَّهُ مَنْ شَفَعَ لَهُ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفَّعَ فِيهِ ، وَ مَنْ مَحَلَّ بِهِ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صُدِّقَ عَلَيْهِ ، فَإِنَّهُ يُنَادِي مُنَادٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ؛

«الْأ- إِنَّ كُلَّ حَارِثٍ مُبْتَلَى فِي حَرْثِهِ وَ عَاقِبِهِ عَمَلِهِ ، غَيْرَ حَرْثِهِ الْقُرْآنُ» . فَكُونُوا مِنْ حَرْثِهِ وَ اتَّبَاعِهِ ، وَ اسْتَدِلُّوهُ عَلَى رَبِّكُمْ ، وَ اسْتَنْصِحُوهُ عَلَى أَنْفُسِكُمْ ، وَ اتَّهَمُوا عَلَيْهِ آرَاءَكُمْ ، وَ اسْتَعْشُوا فِيهِ أَهْوَاءَكُمْ .

آگاه باشید ! همانا این قرآن پند دهنده ای است که نمی فریبد و هدایت کننده ای است که گمراه نمی سازد و سخنگویی است که هرگز دروغ نمی گوید . کسی با قرآن همنشین نشد مگر آن که بر او افزود یا از او کاست ، در هدایت او افزود و از او کوردلی و گمراهی اش کاست .

آگاه باشید کسی با داشتن قرآن ، نیازی ندارد و بدون قرآن بی نیاز نخواهد بود.

پس درمان خود را از قرآن بخواهید و در سختی ها از قرآن یاری بطلبید ، که در قرآن

قرآن شناسی (۱۳)

ص: ۱۳

درمان بزرگ‌ترین بیماری‌ها یعنی کفر و نفاق و سرکشی و گمراهی است، پس به وسیله قرآن خواسته‌های خود را از خدا بخواهید و با دوستی قرآن به خدا روی آورید و به وسیله قرآن از خلق خدا چیزی نخواهید، زیرا وسیله‌ای برای تقرّب بندگان به خدا، بهتر از قرآن وجود ندارد.

آگاه باشید، که شفاعت قرآن پذیرفته و سخنش تصدیق می‌گردد، آن کس که در قیامت، قرآن شفاعتش کند بخشوده می‌شود و آن کس که قرآن از او شکایت کند محکوم است، در روز قیامت ندادهنده‌ای بانگ می‌زند که: [\(۱\)](#) «آگاه باشید امروز هر کس گرفتار بذری است که کاشته و عملی است که انجام داده، جز اعمال منطبق با قرآن».

پس شما در شمار عمل‌کنندگان به قرآن باشید، از قرآن پیروی کنید، با قرآن خدا را بشناسید و خویشتن را با قرآن اندرز دهید و رأی و نظر خود را برابر قرآن متّهم کنید و

۱. اشاره به علم: اسکاتولوژی Eschatology (واپسین شناسی، معادشناسی).

(۱۴) قرآن شناسی

خواسته‌های خود را با قرآن نادرست بشمارید. [\(۲\)](#)

ص: ۱۴

۱- اشاره به علم: اسکاتولوژی Eschatology (واپسین شناسی، معادشناسی)

۲- «نهج البلاغه»، خطبه ۱۷۶.

قرآن بهار دل ها و سرچشمه علم است

إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَعِظْ أَحَدًا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ ، فَإِنَّهُ «حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ» ، وَ سَيِّبُهُ الْأَمِينُ ، وَ فِيهِ رَيِّعُ الْقَلْبِ ، وَ يَنَابِيعُ الْعِلْمِ ، وَ مَا لِلْقَلْبِ جَلَاءٌ غَيْرُهُ ، مَعَ أَنَّهُ قَدْ ذَهَبَ الْمُتَذَكَّرُونَ ، وَ بَقِيَ النَّاسُونَ أَوْ الْمُتَنَاسُونَ .

همانا خداوند سبحان کسی را به چیزی چون قرآن پند نداده است ، که قرآن ریسمان استوار خدا و وسیله ایمنی بخش است .

در قرآن بهار دل و چشمه های دانش است ، برای قلب جلایی جز قرآن نتوان یافت ، به

قرآن شناسی (۱۵)

ص: ۱۵

خصوص در جامعه ای که بیداردلان در گذشته و غافلان و تغافل کنندگان حضور دارند. (۱)

قرآن حجّت خدا بر مردم است

فَالْقُرْآنُ أَمْرٌ زَاجِرٌ، وَ صَامِتٌ نَاطِقٌ . حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ .

أَخَذَ عَلَيْهِ مِيثَاقَهُمْ، وَارْتَهَنَ عَلَيْهِمْ أَنْفُسَهُمْ. أَتَمَّ نُورَهُ وَ أَكْمَلَ بِهِ دِينَهُ، وَ قَبِضَ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ قَدْ فَرَعَ إِلَى الْخَلْقِ مِنْ أَحْكَامِ الْهُدَى بِهِ . فَعَظَّمُوا مِنْهُ سُبْحَانَهُ مَا عَظَّمَ مِنْ نَفْسِهِ

قرآن فرماندهی بازدارنده و ساکتی گویا و حجّت خدا بر مخلوقات است . خداوند پیمان

۱. «نهج البلاغه»، خطبه ۱۷۶ .

(۱۶) قرآن شناسی

عمل کردن به قرآن را از بندگان گرفته و آنان را در گرو دستوراتش قرار داده است .

نورانیت قرآن را تمام و دین خود را به وسیله آن کامل فرمود و پیامبرش را هنگامی از

ص: ۱۶

۱- «نهج البلاغه»، خطبه ۱۷۶ .

جهان برد که از تبلیغ احکام قرآن فراغت یافته بود ، پس خدا را آنگونه بزرگ بشمارید که خود بیان داشته است . (۱)

قرآن ، برترین نعمت خداوند

خدای سبحان در سوره مبارکه «الرَّحْمَن» فهرستی از موجودات جهان آفرینش و مجموعه ای از نعمت های مادی و معنوی خود را بیان می فرماید ؛ از دنیا و آخرت ، از انسان و فرشته و جنّ ، از آفرینش انسان و سیر کمالی او ، از بهشت و سعادت های ابدی و از نعمت های ظاهری و باطنی و

در صدر این سوره و پس از ذکر صفت «رحمّانیت» خداوند ، سخن از تعلیم قرآن به انسان در میان آمده است . «الرَّحْمَنُ . عَلَّمَ الْقُرْآنَ . خَلَقَ الْإِنْسَانَ . عَلَّمَهُ

قرآن شناسی (۱۷)

ص: ۱۷

البیان» (۱) این آیات نورانی نشانگر این نکته است که قرآن کریم، اولین و مهم ترین و پربارترین نعمت الهی است؛ زیرا انسان، تنها در سایه تعلیم خداوند و دریافت و تلقی قرآن، به کمال نهایی خویش می رسد و تا قرآن نباشد، کسی به مقام انسانیّت راه نمی یابد.

هدف قرآن، عاقل ساختن انسان

این نکته را نیک باید دانست که تعالیم قرآن برای عالم نمودن تنها نیست، بلکه برای عاقل ساختن انسان هاست. قرآن کریم می فرماید: «وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ» (۲) یعنی ما این مثل های حکیمانه و دقیق را برای مردم می آوریم ولی غیر از افراد عالم کسی این مثل ها را تعقل نمی کند. این بیان

(۱۸) قرآن شناسی

ص: ۱۸

۱- ۱ تا ۴ / رحمن.

۲- ۴۳ / عنکبوت.

نورانی نشان می دهد که علم ، سرمایه و فکر ، ابزار کار و عاقل شدن ، هدف است .

عالم شدن سخت نیست ولی عاقل شدن دشوار است و تمام تلاش دین برای این است که انسان را پس از عالم شدن ، عاقل کند و «عاقل» کسی است که معارف الهی را خوب بفهمد و آن فهمیده ها را نیز خوب معتقد شود و در مقام عمل هم خوب عمل کند . اگر قرآن کریم مثلی می زند و نکته ای می گوید تنها برای اندیشیدن و عالم شدن نیست بلکه برای آن است که انسان را در عمل هدایت کند ، امراض او را شفا دهد و او را تا دروازه بهشت برساند و به سلامت و سرور و بهجت همیشگی نایل کند.

قرآن شناسی (۱۹)

ص: ۱۹

خدای سبحان رسول الله صلی الله علیه و آله را مستقیماً تحت ولایت خود معرفی کرده ، می فرماید : «إِنَّ وَلِيَّيَ اللّٰهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ» (۱) این آیه کریمه حاوی چند مطلب است : اول آنکه می فرماید : خدا ولی رسول الله است «إِنَّ وَلِيَّيَ اللّٰهُ» دوم آنکه همان خدایی ولی رسول الله است که قرآن را نازل فرموده «الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ» و سوم آنکه خداوند متولی صالحین است «وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ» . با توجه به این سه نکته می فهمیم که راه اینکه خدا ولی انسان باشد ، آن است که انسان ، صالح بشود و تا صالح نگردیم تحت ولایت الله نخواهیم بود و خدا هم تولى ما را نخواهد پذیرفت و بهترین راه صلاح هم أنس با قرآن است. این

(۲۰) قرآن شناسی

ص: ۲۰

جمله که می فرماید: ولّی رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله ، خدایی است که قرآن را نازل کرده ، از باب تعلیق حکم بر وصف می باشد که مشعر به علیّت است ؛ یعنی اگر کسی به قرآن عمل کند صالح می شود و اگر خداوند بخواهد ولی کسی بشود ، از راه قرآن ولایت و تدبیر او را اعمال می کند .

به همین دلیل می فرماید: «فَأَقْرَأْ مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» (۱) آن مقدار که برای شما میسر است قرآن تلاوت کنید و با این کتاب الهی مأنوس باشید . حتی اگر معنای بعضی از آیات و سوره برای شما روشن نشد ، نگویید خواندن بدون ادراک چه اثری دارد . چون قرآن، کلام آدمی نیست که اگر کسی معنایش را نداند خواندنیش بی ثمر باشد؛ بلکه نوری الهی است که خواندن آن به تنهایی عبادت است گرچه

ص: ۲۱

به معنایش آگاهی نداشته باشیم .

۱. ۲۰ / مزمل.

قرآن شناسی (۲۱)

قرآن جبل الهی است که انس با آن و تدبّر در آن و ایمان و عمل به آن ، انسان را بالا می برد و به مقام صالحین ، ملحق می سازد تا مستقیماً تحت ولایت الله قرار گیرد . اگر انسان مشمول ولایت الله بود تمام امورش را خدا اداره می کند و در آن مقام ، دیگر هیچ راهی برای وسوسه و رخنه اهریمن نیست . خدا او را از تمام تیرگی ها و تاریکی ها نجات می دهد و او را نورانی می سازد «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» . (۱) چنین شخصی در بین امت با نور حرکت می کند یعنی در حالی که حرکت و بصیرت و سیره اش روشن و روشنگر است «وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ» . (۲)

(۲۲) قرآن شناسی

ص: ۲۲

۱- ۲۵۷ / بقره.

۲- ۱۲۲ / انعام.

قرآن، پایان بخش اختلاف مذموم

قرآن کریم برای از بین بردن اختلاف های مذموم و ایجاد جامعه ای مترقی و متکامل و متعالی ، علاوه بر ارائه جهان بینی و هدف و اصول مشترک و تأکید بر پیروی مردم از رهبری واحد ، در آیات فراوانی همگان را بشارت و انذار می دهد تا دست از اختلاف های عملی که نشأت گرفته از هواهای نفسانی است ، بردارند . قرآن کریم می کوشد تا با تقویت بعد معنوی و انسانی افراد بشر ، آنان را از حیوانیت دور سازد و خواسته های نفسانی آنان را که منشأ اختلاف و نزاع و تراحم است ، تعدیل و کنترل کند .

اولین شعار رسول اکرم صلی الله علیه و آله هنگام ورود به مدینه و پیش از ساختن مسجد و پرداختن به امور عمرانی ، درباره اخوت دینی بود که فرمود : «تَأخُوا فِي اللَّهِ

قرآن شناسی (۲۳)

ص: ۲۳

أَخَوَيْنِ أَخَوَيْنِ» (۱). یعنی همه شما دو به دو در راه خدا برادر یکدیگر شوید. آن حضرت صلی الله علیه و آله با ایجاد عقد اخوت بین مؤمنین و بین خود و حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و نیز بین دو قبیله «اوس» و «خزرج» اتحاد و هماهنگی را تحقق بخشید. این شعار، در آغاز تأسیس حکومت مطرح شد و زمانی که حکومت اسلامی در سال های هشتم و نهم در مدینه مستحکم گردید و جریان فتح مکه پیش آمد و مسلمانان توانستند بر شبه جزیره عربستان فایق آیند، آن حضرت در حجّه الوداع و در آخر عمر شریف خویش نیز سخن از حفظ وحدت را به میان

(۲۴) قرآن شناسی

آورد و آن خطبه معروف و وحدت آموز را ایراد فرمودند: «الْمُسْلِمُونَ إِخْوَةٌ

ص: ۲۴

۱- أَخِي النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله يَبِينُ أَصْحَابِهِمِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ أَخَوَيْنِ أَخَوَيْنِ (بخار، جلد ۳۸، صفحه ۳۶۶).

تَتَكَافَى دِمَائُهُمْ وَهُيْمَ يَدُ عَلِيٍّ مِّنْ سِوَاهُمْ يَسْتَعِي بِعِذْمَتِهِمْ أَدْنَاهُمْ» (۱). یعنی مسلمانان با هم برادرند ، خونهایشان همسان یکدیگر است . و خون هیچ کس ارزشمندتر از خون دیگری نیست . پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله براساس همین اخوت ایمانی ، خود و حضرت علی علیه السلام را دو پدر مؤمنان و امت اسلامی معرفی می کند که «انا و علی ابوا هذه الأمة» (۲). چه اینکه قرآن نیز همه مؤمنان را فرزندان حضرت خلیل الرحمن علیه السلام می داند «مَلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمِيكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ» (۳).

قرآن شناسی (۲۵)

قرآن کریم همه مؤمنان را برادران ایمانی یکدیگر می داند و دستور می دهد که

ص: ۲۵

۱- بحار ، جلد ۷۰ ، صفحه ۲۴۲ .

۲- همان ، جلد ۱۶ ، صفحه ۹۵ ، ح ۲۹ .

۳- ۱۰ / حجرات .

برای حفظ این وحدت ایمانی ، هرکسی در اصلاح میان برادران دینی بکوشد و کدورت ها و اختلافات را بزدايد «أَنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ» (۱). نظارت عمومی و ولایت مشترک در حدّ امر به معروف و نهی از منکر ، یکی از اصولی است که قرآن بر آن تأکید می ورزد تا در پرتو آن اختلافات و انحرافات مؤمنان پیش از آنکه به مسأله قضا و داوری در محاکم رسمی برسد و به اجرای حدود یا تعزیرات منتهی گردد ، با وساطت و دخالت مؤمنان دیگر حلّ شود .

قرآن در یکی از آیات نورانی خود در این زمینه ، از شدیدترین لحن گفتاری برای هشدار نسبت به خطر اختلاف و ضرورت امر به معروف و نهی از منکر استفاده می کند : «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ

(۲۶) قرآن شناسی

ص: ۲۶

۱- ۱۰ / حجرات .

يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ . وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (۱) در آیه اول می فرماید : برای رستگاری جامعه اسلامی لازم است فریضه دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر اجرا شود و در آیه دوم می فرماید : و شما مانند کسانی نباشید که حق برای آنان آشکار شد ولی باز هم تفرقه و اختلاف کردند که برای آنان عذاب بزرگی مهیا شده است . خدای سبحان در چند آیه پس از این دوباره بر ضرورت امر به معروف و نهی از منکر برای حفظ وحدت و انسجام مطلوب جامعه می فرماید : «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» (۲). شما نیکوترین امتی هستید که برای اصلاح جامعه

قرآن شناسی (۲۷)

ص: ۲۷

۱- ۱۰۴ و ۱۰۵ / آل عمران .

۲- ۱۱۰ / آل عمران .

بشری قیام کردند؛ مردم را به نیکوکاری وادار می سازید و از بدکاری باز می دارید و به خداوند ایمان می آورید .

قرآن، کتاب حکیم

خدای سبحان قرآن را «کتاب حکیم» می نامد و به آن سوگند یاد می کند «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَاعْبُدُوهُ وَاسْتَقِيمُوا سُبُوحًا مُقَدَّسًا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ مِنْهُ ضَرْبٌ أَوْ مَخِرٌ وَلَا حِجَابٌ لِنُورِهِ الْيَوْمَ الْحَمِيدُ» (۱) کلمه حکمت با همه صورت های گوناگونش ، بیانگر معنای استواری و استحکام است . مثلاً در یک «قضیه» مادامی که محمول برای موضوع ثابت نشده باشد ، حکمی صورت نگرفته و ذهن انسان در نوسان و اضطراب است ؛ نمی داند آیا این محمول به این موضوع ربط دارد یا نه و از این جهت محکم

۱. ۱ و ۲ / یس .

(۲۸) قرآن شناسی

نیست . ولی پس از حکم و قضا ، «قضیه» می شود و پیوند مزبور در آن هنگام

ص: ۲۸

۱- ۱ و ۲ / یس .

محکم خواهد بود . یک نظام اجتماعی ، سیاسی زمانی که برنامه اساسی ندارد ، دچار هرج و مرج است ولی وقتی که دارای برنامه درست و نظم و حساب و کتابی باشد ، می گویند در اینجا برنامه حق حکومت می کند . کلمه «محکمه» ، «حکمت» و مانند آن ، نشانگر معنای استواری و غیرقابل زوال است .

خدای متعال که قرآن را کتاب حکیم می نامد ، برای آن است که قرآن به موقع سخن می گوید، خوب سخن می گوید ، سخن خوب می گوید و در کنارش برهان و دلیل می آورد . سخنی که برهان ندارد محکم نیست ، متزلزل و فروریختنی است . قرآن چنان از استحکام برخوردار است که به هیچ وجه نمی توان آن را از پای در آورد ؛ هم با علم حصولی و برهانی و هم با علم شهودی و حضور مشاهدات صحیح همراه است و چون دربردارنده حکمت نظری مانند الهیات و حکمت عملی مانند فقه ، اخلاق و حقوق است ، به عنوان حکمت معرفی شده است : «ذَلِكُمْ مِمَّا

قرآن شناسی (۲۹)

ص: ۲۹

در چهارمین سوره از سور حوامیم درباره منشأ نزول قرآن چنین آمده: «حَمَّاءٌ . وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ . إِنْآ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ . وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَمَدِينًا لَعَلِّي حَكِيمٌ» . (۲) خدای سبحان سوگند می خورد به کتاب مبین که خود روشن است و روشنگر همه حقایق . وقتی این کتاب تنزل یافت ، به کسوت لفظ درآمد و جامه لغت را دربر کرد ، عربی مبین است ولی در مقام بالا- و «لدن» و «ام الكتاب» که صحبت از لفظ نیست ، آنجا حکیم است ، کتابی است علی و بلند . علو قرآن در کنار حکمت آن و حکمت قرآن در کنار اعتلای آن ظهور کرده و به صورت قرآن درآمد و هر انسانی که با قرآن علی حکیم مأنوس شود به مقدار

(۳۰) قرآن شناسی

ص: ۳۰

۱- ۳۹ / اسراء .

۲- ۴۱ / زخرف .

اُنس با آن، از علوّ و حکمت برخوردار می شود و با روحی بلند و جانی حکیم، به اندازه خود مظهر خدای علیّ حکیم خواهد شد و می تواند روح اعتلا و حکمت را در جامعه احیا کند و روحیه ذلّت پذیری، حسیض گرایی، سفاهت پروری و اشاعه جهل را مرتفع سازد.

قرآن، همیشه تازه جاودان

قرآن کریم که به گفته خود، کتابی جهان شمول است و اختصاصی به زمان و مکان، نژاد، آداب و سنن خاص ندارد «ذکری لِلْعَالَمِينَ» (۱) و «نَذِيرًا لِلْبَشَرِ» (۲) است لازمه این کلیت و دوام و نیز نیازمندی همیشگی بشر به آن، این است که هیچ گاه گرد کهنگی بر آن ننشیند و همیشه تازه باشد.

قرآن شناسی (۳۱)

ص: ۳۱

۱- ۹۰ / انعام.

۲- ۳۶ / مدثر.

از آنجا که قرآن برای تبیین حقایق عالم آمده و حقایق حاکم بر آن ، ثابت و غیر متغیر است و از سوی دیگر چون برای هدایت فطرت انسان ها آمده و این فطرت تبدیل و دگرگونی نمی پذیرد . «فَطَرَتَ اللّٰهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللّٰهِ»(۱)، پس قرآن هیچ گاه کهنه و مندرس نمی گردد . معنای ثبات جهان از آغاز تا انجام و معنای ثبات فطرت انسان ها در هر عصر و نسلی آن است که قوانین جهان تغییرپذیر نیست یعنی طبیعت و ماده به سوی کمال خویش در حرکتند و فطرت انسان ، همواره خواهان کمال و نیازمند رهبری است و قرآن کریم در این میان ، رابط علمی و فرهنگی فطرت انسان با حقیقت جهان خارج و با خالق هستی بخش جهان است .

(۳۲) قرآن شناسی

ص: ۳۲

۱- ۳۰ / روم.

خدای سبحان محتوا و شکل و قالب معجزه ختمیه خود، قرآن را به گونه ای تنظیم کرده که همیشه سفره و مآدبه ای باشد تا همگان در هر عصری بر سر آن بنشینند و از نعمت های معرفتی آن استفاده برند. تاریخ قرآن و تفسیر و معارف اسلامی نشان می دهد که به برکت قرآن کریم در هر زمانی، معارف جدیدی به روی متفکران گشوده شده و میوه های بهشتی معرفتش در هر عصری پرسش های فراوانی را پاسخ داده است و صاحب نظران مستعد را تغذیه می کند.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد که چرا قرآن با تکرار و درس و نشر جز تازگی اثر دیگری نمی پذیرد؟ آن حضرت فرمود: «لِإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَجْعَلْهُ لِرِمَازٍ دُونَ زَمَانٍ وَلَا لِإِنْسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِکْلٌ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ

قرآن شناسی (۳۳)

ص: ۳۳

إلى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (۱) یعنی تازگی قرآن برای آن است که خدای تبارک و تعالی آن را برای زمان موقت یا مردم خاصی نفرستاده و چون همیشگی و همگانی است ، در هر زمان، جدید است و در نزد هر مردمی تا روز قیامت شیرین و پرجذبه است.

امام باقر علیه السلام نیز از باب تشبیه معقول به محسوس ، همیشگی بودن قرآن را به همواره بودن دو اختر فروزان آفتاب و ماه تشبیه می سازد: «يَجْرِيكُمَا يَجْرِي الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ» (۲) یعنی قرآن همانند دو اختر پرفروغ خورشید و ماه ، همیشه در جریان است و زندگی انسان ها را تا پایان دنیا روشن می سازد .

(۳۴) قرآن شناسی

ص: ۳۴

۱- بحار ، جلد ۸۹ ، صفحه ۱۵ .

۲- بحار ، جلد ۸۹ ، صفحه ۹۴ و ۹۷ .

چون قرآن مجید به منظور هدایت همگان تنزل یافته است ، همه انسان هایی که در پهنه زمین و گستره زمان بسر می برند ، از نور رهنمود آن برخوردار خواهند شد و در فهم معارف قرآن، نه فرهنگ خاصی معتبر است که بدون آن ، نیل به اسرار قرآن میسر نباشد و نه تمدن مخصوصی مانع است ، که با وجود آن ، بهره مندی از الطاف قرآن میسر نگردد ؛ نه عریّت شرط راهیابی به حقایق قرآن است و نه عجمیت مانع رسیدن به ذخایر معرفتی آن . قرآن ، نذیر عالمین و هادی همه انسان هاست از این رو زبان آن نیز آشنای فطرت همگان است .

اگر کتابی جهان شمول و جاودانه باشد ، باید به گونه ای با جهانیان سخن بگوید که همگان از فهم آن نصیبی داشته باشند و هیچ کس بهانه نارسایی زبان یا ناآشنایی آن را خار راه سلوک و صعود خود نبیند و از پیمودن مسیر سعادت

قرآن شناسی (۳۵)

ناامید نشود. تنها زبانی که جهان گسترده بشریت را هماهنگ می کند، زبان فطرت است که فرهنگ مشترک انسان ها است؛ فطرتی خدا آشنا که آفریدگار جهان، ثبات و صیانت آن را برای همگان در همیشه تاریخ تأمین فرموده است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ». (۱)

نشانه فطری بودن زبان قرآن و مشترک بودن فرهنگ جهان شمول آن را می توان در گردهمایی دلپذیر سلمان فارسی و صهیب رومی و بلال حبشی و اویس قرنی و عمّار عربی، در ساحت قدس پیامبر جهانی، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله مشاهده کرد. آن حضرت صلی الله علیه و آله با شعار «بُعِثْتُ إِلَى الْأَحْمَرِ وَالْأَسْوَدِ وَالْأَبْيَضِ» (۲)

(۳۶) قرآن شناسی

ص: ۳۶

۱- ۳۰ / روم .

۲- بحار، جلد ۱۶، صفحه ۳۷۷.

شهره و مقتدای همگان شد و این نبود مگر آنکه در پیشگاه وحی ، که ظهور تام وحدت حق است ، کثرت صورت ها ، محکوم وحدت سیرت است و تعدد زبان ها و نژادها و اقالیم و عادات و رسوم و ... مقهور اتحاد درونی است که : «متحد ، جان های مردان خداست» .

آنان که برای رنگ و نژاد و لهجه و دیگر عوارض زوال پذیر ، اصالت قایل می شوند ، خود همانند جماد و گیاه و جانورند که جز عوارض ظاهری و صوری ، تفاوتی اساسی با اجرام مادی یا احشام دامی ندارند و در این میان ، تنها عالمان خدا ترسند که فطرت پذیرش سروش وحی الهی را پاس نهاده اند و در راه آن گام برداشته و به هدف خود رسیده اند . چنین وارستگی ، دارای فصل ممیز انسانی هستند و با خشیت عالمانه برخاسته از فطرتشان ، عامل وحدت دیگرانند و گرنه

قرآن شناسی (۳۷)

ص:۳۷

دلباختگان به مظاهر رنگارنگ طبیعت دنیا که «الَّيْنُ مَشْهًا وَ قَاتِلٌ سَيِّمَهَا»^(۱) است ، از یکدیگر پراکنده اند که : «جان شیران و سگان از هم جداست» .

علمی که اکنون در دنیا هست ، چه علوم عقلی و چه علوم نقلی ، هریک در رشته خاصی تدوین شده و برای گروه مخصوصی سودمند است همه کس زبان این علوم را نمی فهمد و از آن بهره مند نمی شود مخاطبان هر رشته از رشته های صنعت و کشاورزی و ... و فقه و اصول و ... افراد محدودی هستند که اصطلاحات و زبان آن رشته را می دانند و عموم مردم از آنها بهره مند نیست ولی کتابی که

۱. نهج البلاغه ، نامه ۶۸ .

(۳۸) قرآن شناسی

برای بشریت است ، باید دو خصوصیت داشته باشد : اول آنکه برای همه قابل فهم باشد و دوم اینکه برای همه سودمند باشد .

ص: ۳۸

۱- نهج البلاغه ، نامه ۶۸ .

علوم مختلف بشری مانند میوه های متنوعی هستند که هرکس تمایل به برخی از آنها دارد ولی قرآن کریم چنین نیست بلکه مانند آب است . آب چیزی نیست که موجود زنده ای بگوید من به آب نیاز ندارم . آب ، عامل حیات بشر است و همگی آن را خوب می شناسند و به سادگی از آن بهره مند می شوند .

قرآن که مدّعی است من برای بشریت آمده ام ، باید به گونه ای باشد که همگان آن را بفهمند و برای همگان سودمند باشد به طوری که هیچ بشری بی نیاز از آن نباشد . خواه کسانی که تفاوت در جنس داشته باشند مثل زن و مرد و خواه آنان که تفاوت در سنّ دارند ، مانند جوان و پیر و خواه افرادی که تفاوت های حرفه ای بر آنان سایه افکنده باشد ، چون طبیب و کاسب و کشاورز و یا تفاوت های نژادی و اقلیمی ، مانند سیاه ، سفید ، سرخ ، شرقی ، غربی ، شمالی و جنوبی ؛ آنها را ظاهراً از یکدیگر جدا کرده است . قرآن کریم اگرچه برای تنزل در این عالم نیاز به

قرآن شناسی (۳۹)

ص:۳۹

زبان خاص دارد که همان عربی فصیح و مبین است ولی زبان و فرهنگ آن ، همان زبان و فرهنگ فطرت است و همگان آن را می فهمند و تنها در این صورت می تواند جهانی باشد . اگر فرهنگ قرآن ، فرهنگ یک نژاد و گروه خاص می بود هیچ گاه نمی توانست بشری و جهانی باشد .

خدای سبحان ، قرآن کریم را به عنوان یادآوری آسان معرفی می کند : «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ» (۱) یعنی این کتاب را برای یاد حق ، آسان قرار دادیم پس آیا کسی هست که بدان متذکر شود ؟ قرآن آسان ترین و بهترین و نزدیک ترین راه برای انس با خدا در دل و نام خدا بر لب است . آسانی قرآن به دلیل آشنایی پیام آن با دل و جان انسان است نه آنکه کتابی سبک و بی مغز باشد

(۴۰) قرآن شناسی

ص: ۴۰

چنانکه فرمود: «إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا» (۱) قرآن کریم قولی ثقیل و سنگین و پرمغز است ولی در عین حال، به دلیل هماهنگی و آشنایی با فطرت انسان فهمیدن آن و بهره مندی از آن برای همگان آسان است.

جمع بین این دو خصوصیت که هم ثقیل و سنگین و پرمحتوا باشد و هم آسان و روان و همه فهم، از ویژگی های اعجاز قرآن است، وزین بودن مستلزم دشوار بودن نیست چنانکه آسان بودن مستلزم سبک سری و تهی مغزی نخواهد بود و سرّ اجتماع دو صفت آسانی و وزین بودن آن است که این دو صفت متقابل هم نیستند تا جمع آنها ممکن نباشد.

قرآن شناسی (۴۱)

ص: ۴۱

۱- ۵ / مَزْمَل .

فضیلت قرآن از دیدگاه عترت

اهمیت قرآن از دیدگاه پیامبر رحمت و آزادی صلی الله علیه و آله

در فضیلت قرآن احادیث فراوانی از آنان نقل گردیده ، علامه مجلسی آن ها را در جلد ۱۹ بحارالانوار (۱) جمع آوری نموده است که ما قسمتی از آن احادیث را در اینجا می آوریم :

رجوع به قرآن راه رهایی از فتنه هاست

حارث همدانی می گوید : وارد مسجد شدم ، گروهی را دیدم که دور هم نشسته در پاره ای از احادیث به بحث، مجادله و گفت و گوهایی بی فایده پرداخته اند. سپس به حضور امیرمؤمنان علیه السلام بار یافتم و جریان را به سمع وی رسانیدم و آن حضرت

(۴۲) قرآن شناسی

ص: ۴۲

۱- طبع قدیم مطابق جلدهای ۸۹ ، ۹۰ طبع جدید .

فرمود: واقعا چنین روشی را اتخاذ نموده اند؟ گفتیم: آری. آن گاه علی علیه السلام گفت:

حارث! من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: دیری نباید که فتنه ها برپا گردد. عرضه داشتم یا رسول الله! راه رهایی از این فتنه ها چیست؟ فرمود: قرآن کتاب خدا، کتابی که راه حل اختلاف و کشمکش های شما در آن است، کتابی که می تواند حق و باطل را به آسانی از هم جدا و روشن سازد، حقیقتی که هزل و شوخی به آن راه ندارد، کتابی که هر جبار و ستمگری آن را به دور اندازد؛ خداوند کمر او را می شکند و بر خاک مذلت و هلاکتش می نشاند و هر کس هدایت را در غیر آن بجوید به ضلالت و گمراهی می افتد. آن همان ریسمان محکم الهی است که ارتباط انسان با خدایش بدان بسته است و آن همان کتاب حکمت آمیز و راه مستقیم است و آن همان کتابی است که امیال و هوس های بشری و دست اهریمنان، نمی تواند او را تغییر دهد.

قرآن شناسی (۴۳)

ص: ۴۳

در اثر همان کتاب است که زبان‌ها از اشتباه مصون مانده، گفت و گوه‌های باطل و بی‌فایده پایان می‌پذیرد. دانشمندان از خواندن و تفکر در آن سیر نمی‌شوند. با گذشت اعصار و قرون، کهنه و فرسوده نخواهد شد، کتابی که عجایب و مزایای آن بی‌پایان است. این قرآن همان گفتار است که وقتی جنیان آن را شنیدند دل‌باخته آن گردیدند و بی‌اختیار گفتند: «أَنَا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا، يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ»؛ یعنی ما قرآن اعجاب‌انگیزی می‌شنویم که به سوی سعادت رهبری می‌کند.

هر کس با قرآن سخن بگوید گفتارش درست خواهد بود و هر کس طبق آن حکومت و قضاوت کند، به عدالت قضاوت نموده است و هر کس عمل خود را با آن تطبیق کند به اجر و پاداش نیک خواهد رسید، هر کس مردم را به سوی آن دعوت نماید. به راه راست و مستقیمی هدایت نموده است.

آن گاه علی علیه السلام خطاب به حارث همدانی فرمود:

(۴۴) قرآن شناسی

ص: ۴۴

«خَذْهَا يَا أَعْوَرُ» ؛ یعنی ، ای اعور این حدیث را از من به یادگار بگیر ! (۱)

از امام باقر علیه السلام نقل گردیده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : هر کس در هر شب ده آیه از قرآن بخواند ، در آن شب از غافلان و آنان که از پروردگارشان بی خبرند ، نوشته نمی شود و هر کس پنجاه آیه از قرآن بخواند در آن شب در لیست آشنایان و یادکنندگان خدا ثبت می گردد . هر کس صد آیه تلاوت نماید از عبادت کنندگان و هر کس دویست آیه بخواند نام وی در صف خاشعین و افرادی که در پیشگاه پروردگارشان اظهار بندگی و تواضع کنند ، خواهد آمد و هر کس

۱. «كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ نَبَأٌ مَا قَبْلَكُمْ وَ خَبْرٌ مَا بَعْدَكُمْ وَ حُكْمٌ مَا بَيْنَكُمْ وَ هُوَ الْفَضْلُ وَ لَيْسَ بِالْهَزْلِ...» سنن دارمی ، ۲/۴۳۵ ؛ صحیح ترمذی ، ۱۱/۳۰ با مختصر تفاوت در الفاظ ؛ بحارالانوار ، ۹/۷ نقل از تفسیر عیاشی .

قرآن شناسی (۴۵)

ص: ۴۵

۱- «كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ نَبَأٌ مَا قَبْلَكُمْ وَ خَبْرٌ مَا بَعْدَكُمْ وَ حُكْمٌ مَا بَيْنَكُمْ وَ هُوَ الْفَضْلُ وَ لَيْسَ بِالْهَزْلِ...» سنن دارمی ، ۲/۴۳۵ ؛ صحیح ترمذی ، ۱۱/۳۰ با مختصر تفاوت در الفاظ ؛ بحارالانوار ، ۹/۷ نقل از تفسیر عیاشی .

سیصد آیه از قرآن بخواند از سعادت‌مندان و هرکس پانصد آیه تلاوت کند از کوشش کنندگان در عبادت و پرستش خدا نوشته خواهد شد. و اگر کسی هزار آیه از قرآن بخواند به مانند کسی خواهد بود که طلای ناب و خالص فراوان و بی شماری در راه خدا بذل و احسان نموده است. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: قرآن برنامه سعادت و زندگی انسان هاست که از طرف پروردگارشان برای آنان تنظیم شده است، مرد مسلمان کسی است که برنامه خود را مورددقت قرار دهد و هر روز حداقل پنجاه آیه از آن تلاوت کند. (۲)

باز فرمود: چه مانعی دارد، تاجری که در بازار به داد و ستد مشغول و

(۴۶) قرآن شناسی

ص: ۴۶

۱- اصول کافی، کتاب فضیلت قرآن؛ وسائل الشیعه، چاپ جدید ۴/۸۳۹.

۲- همان.

سرگرم است ، آن گاه که به خانه اش برمی گردد قبل از آنکه به خواب و استراحت پردازد ؛ سوره ای از قرآن تلاوت نماید تا در برابر هر آیه که می خواند ، ده حسنه و پاداش برای او نوشته شود و ده گناه از گناهانش محو گردد . (۱)

باز فرمود: بر شما باد قرائت و خواندن زیرا مراتب و درجات کاخ های بهشتی به عدد آیات قرآن است و در روز قیامت به خوانندگان قرآن گفته می شود که قرآن بخوانید و به مرتبه بالاتری اوج بگیرید و قرآن خوان هر آیه ای را که تلاوت می کند به مرتبه بالاتری اوج می گیرد . (۲)

۱. همان .

۲. همان .

قرآن شناسی (۴۷)

ص: ۴۷

۱- همان .

۲- همان .

انس بن مالک از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود:

۱. «أَهْلُ الْقُرْآنِ هُمْ أَهْلُ اللَّهِ وَ خَاصَّتُهُ» (۱)

قرآن پژوهان و عمل کنندگان به قرآن، بندگان خاص بارگاه خدایند.

۲. «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ»

برترین عبادت و پرستش خداوند، خواندن قرآن و تدبیر و خردورزیدن در آن است.

۳. «الْقُرْآنُ غِنَى لَا غِنَى دُونَهُ وَ لَا فَقْرَ بَعْدَهُ»

قرآن، سرمایه پایان ناپذیر و بی نیازی پیوسته ای است که با آن نیازمندی

(۴۸) قرآن شناسی

ص: ۴۸

نخواهد بود و بدون آن ثروت و بی نیازی نشاید.

۴. «حَمَلَهُ الْقُرْآنَ الْمُخْصُوصُونَ بِرَحْمَةِ اللَّهِ، الْمُعَلَّمُونَ كَلَامَ اللَّهِ، الْمُقَرَّبُونَ إِلَى اللَّهِ، مَنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ، وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَ اللَّهُ...»

مهر و بخشایش خدا، خاص قرآن پژوهان و عمل کنندگان به دستورات آن است؛ آنان که آیات خدا را به بندگانش می آموزند و مقرّبان بارگاه اویند. کسی که آنان را دوست بدارد، خدای را دوست داشته و کسی که با آنان دشمنی ورزد، با خدا دشمنی ورزیده است. خدای پر مهر، گرفتاریهای این جهان را از شنونده آیات قرآن و گرفتاریهای آن جهان را از تلاوت کننده پراخلاص قرآن برطرف می سازد. هان ای بدوش کشندگان پرچم قرآن! و عمل کنندگان به دستورات آن! خویشتن را دوست خدا سازید و با گرامی داشتن کتاب او، مهر وی را به خود جلب کنید و به قرآن احترام بگذارید تا خدا مهرشمارا در دلهای شایستگان بیفزاید.

۵. همچنین «مکحول» آورده است که :

قرآن شناسی (۴۹)

ص: ۴۹

ابوذر نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: «هان ای پیام آور خدا! می ترسم قرآن را فراگیرم؛ آنگاه بدان عمل نکنم. چه کنم؟» پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ او فرمود: «خدای پرمهر، قلبی را که قرآن در آن جای گیرد، گرفتار عذاب و کیفر نمی کند»:

جاء أَبُو ذَرٍّ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ «يَا رَسُولَ اللهِ! إِنِّي أَخَافُ أَنْ أَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَ لَا أَعْمَلُ بِهِ». فَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «لَا يُعَذِّبُ اللهُ قَلْبًا أَشْكَنَهُ الْقُرْآنُ».

۶. و نیز آورده است که فرمود:

«لَا يُتَّبَعِي لِحَامِلِ الْقُرْآنِ أَنْ يَرَى أَنَّ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ أَغْنَى مِنْهُ وَ لَوْ مَلَكَ الدُّنْيَا بِرُحْبِهَا».

قرآن پژوه و عمل کننده به قرآن نباید چنین پندارد که در سراسر گیتی کسی هست که از وی بی نیازتر و ثروتمندتر است؛ گرچه آن سرمایه دار، دنیا را با تمامی گستردگی اش همه را به کف آورد و بدان فرمانروا شود.

(۵۰) قرآن شناسی

ص: ۵۰

۷. و نیز عبدالله بن عباس آورده است که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمود:

«أَشْرَافُ أُمَّتِي حَمَلَةُ الْقُرْآنِ وَ أَصْحَابُ اللَّيْلِ» (۱)

شرافتمندترین چهره های امت من، عمل کنندگان به قرآن و شب زنده داران اند.

۸. همچنین ابن مسعود آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ مَأْدِبُهُ اللَّهُ، فَتَعَلَّمُوا مِنْ مَأْدِبَتِهِ مَا اسْتَطَعْتُمْ...» (۲)

این قرآن، خوان رنگین و لبریز از نعمتهای خداست؛ پس آنچه می توانید از آن فراگیرید. این کتاب پرشکوه ریسمان خدا، نور آشکار و روشنگر او، و شفابخش و سودرسان از جانب اوست. قرآن نگاهدارنده کسی است که براستی به آن چنگ زند. قرآن نجات بخش خود و جامعه ای است که از آن پیروی کند. قرآن برنامه ای درست و بحق است؛ و هیچگاه انحراف

قرآن شناسی (۵۱)

ص: ۵۱

۱- أَلْخِصَالُ : ۷/۲۱ .

۲- كُنزُ الْعَمَالِ ۲۳۵۶ .

نمی‌جوید تا نیاز به راه آوردن داشته باشد. شکفتیهای آن پایان نمی‌پذیرد و با نگرش متفکرانه بسیار بر آن، از طراوت و تازگی آن کاسته نمی‌شود. از این رو آن را بسیار و با تدبّر فراوان تلاوت کنید؛ چرا که خدای پرمهریر تلاوت هر حرفی از آن، ده پاداش بسیار ارزشمند به شما خواهد داد ...

۹. و نیز حارث بن اعور از امیر مؤمنان علیه السلام در این مورد آورده است که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: «سَتَكُونُ فِتْنٌ ...»

هان! بهوش باشید که تاریکیها و فتنه‌هایی سر راه شما خواهد بود.

به او گفتم: «راه نجات و وسیله‌رهایی چیست؟» فرمود:

«كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ خَبْرٌ مَا قَبْلَكُمْ وَ نَبَأٌ مَا بَعْدَكُمْ وَ حُكْمٌ مَا بَيْنَكُمْ...»

کتاب پرشکوه خدا، تنها وسیله نجات است؛ همان کتابی که سرگذشت پیشینیان و سرنوشت آیندگان و مقررات شایسته برای زندگی شما در آن است.

(۵۲) قرآن شناسی

ص: ۵۲

هان! بدانید که این قرآن، جداسازنده حق از باطل است و بسیار جدی است، اندیشه‌ها با آن هدایت می‌شود؛ و دانشوران از آن سیراب و بی‌نیاز نمی‌شوند. از بسیاری نگرش بر آن و مطالعه فراوان، طراوتش به کهنگی نمی‌گراید و شکفتیهایش پایان نمی‌پذیرد. کتابی است که هر زورگویی آن را کنار نهد، خدای سرنگونش سازد، و هر کس که رشد و هدایت را از کتابی جز آن بجوید، گمراهش کند.

قرآن، ریسمان استوار و راه درست و بی‌انحراف خداست؛ از این رو هر کس به آن عمل کند، پاداشی شکوهمند خواهد داشت؛ هر که مطابق مقررات آن داوری کند، به عدالت داوری کرده است؛ و هر کس مردم را به سوی آن فراخواند، درحقیقت آنها را به راه نجات و نیک‌بختی و راه درست خدا فراخوانده است.

۱۰. همچنین عاصم بن حمزه از امیر مؤمنان علیه السلام و آن حضرت از پیامبر صلی الله علیه و آله آورده است که فرمود: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ حَتَّى يَسْتَضَهِّرَهُ وَ يَحْفَظَهُ أَدْخَلَهُ اللَّهُ»

قرآن شناسی (۵۳)

ص: ۵۳

الْجَنَّةَ وَشَفَعَهُ فِي عَشْرِهِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ ...»

هر کس قرآن را به گونه ای با تدبّر بخواند که آن را حفظ شود، خداوند او را به بهشت پطرأوت زیبا درخواهد آورد و شفاعت او را در مورد ده تن از خاندانش که سزاوار کیفر باشند، خواهد پذیرفت.

۱۱. از رسول اکرم علیه السلام نقل کرده اند که فرمود :

«يُقَالُ لِصَاحِبِ الْقُرْآنِ إِقْرَأْ وَارْقَ وَرَتِّلْ كَمَا كُنْتَ تُرَتِّلُ فِي الدُّنْيَا فَإِنَّ مَنْزِلَكَ عِنْدَ آخِرِ آيَةٍ تَقْرَأُهَا.» (۱)

در روز رستاخیز، به تلاوت کننده و همنشین و عمل کننده به قرآن ندا می دهند که آیات قرآن را بخوان و اوج بگیر؛ و آن را به آرامی تلاوت کن، همانگونه که در دنیا تلاوت

(۵۴) قرآن شناسی

ص: ۵۴

۱- کنز العمال : ۲۳۳۰ ، ۲۳۳۱ ، ۲۳۶۸ .

می کردی؛ چرا که مقام شکوهمند تو در آخرین آیه ای است که تلاوت می کنی.

۱۲. و نیز از آن قرآن شناس بزرگ آورده اند که فرمود:

«مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَرَأَى أَنَّ أَحَدًا أُعْطِيَ أَفْضَلَ مِمَّا أُعْطِيَ فَقَدْ حَقَّرَ مَا عَظَّمَهُ اللَّهُ...»

هر که قرآن را بخواند و به آن عمل کند و با داشتن چنین نعمت گرانی پندارد که به کسی نعمتی برتر از او ارزانی شده است، چنین کسی نعمت گرانی را که خدا شکوهمند ساخته، کوچک پنداشته و آنچه را خدا کوچک شمرد، بزرگ و ارزشمند پنداشته است.

۱۳. همچنین از آن گرانمایه عصرها نقل کرده اند که فرمود:

«مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَكَانَ مَا اسْتَدْرَجَتِ النَّبُوَّةُ بَيْنَ جَنْبَيْهِ إِلَّا أَنَّهُ لَا يُوحَى إِلَيْهِ.» (۱)

آن کس که قرآن را بدرستی قرائت و تلاوت و بدان عمل می کند، چنان است که گویی

قرآن شناسی (۵۵)

ص: ۵۵

مقام والای رسالت در سینه و دو سوی پهلویش قرار گرفته است و فقط به او وحی نمی شود.

۱۴. و نیز فرمود:

«حَمَلَهُ الْقُرْآنُ فِي الدُّنْيَا عُرْفَاءَ أَهْلِ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.» (۱)

در روز رستاخیز، عمل کنندگان به قرآن و قرآن پژوهان، دانایان و عارفان اهل بهشت خواهند بود.

آنچه آمد، روایاتی چند بعنوان نمونه و بسان قطره ای از دریای موج و بیکرانه بود که بدانها بسنده شد.

شهرین حَوْشَب روایت کند از رسول صلی الله علیه و آله که او گفت: فَضْلُ الْقُرْآنِ عَلَى سَائِرِ الْكَلَامِ كَفَضْلِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ (۲)، گفت: فضل قرآن بر دیگر کلام ها چنان است که فضل خدای تعالی بر خلقانش. دیگر آنس بن مالک روایت کند از رسول صلی الله

(۵۶) قرآن شناسی

ص: ۵۶

۱- کنز العُمَال : ۲۲۸۹ ، ۲۲۸۸ ، ۲۲۹ .

۲- البحار : ۷۷/۱۱۴/۸ و ۹۲/۱۹/۱۸ .

علیه و آله و سلم که گفت: الْقُرْآنُ غِنَى لَآءِ غِنَى دُونَهُ وَ لَآءِ فَقْرٍ بَعِيدَهُ (۱) گفت: قرآن توانگری است که بالای آن توانگری نیست و پس از آن درویشی نیست.

عبدالله مسعود روایت کند از رسول صلی الله علیه و آله و سلم که گفت: إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ مَا يُدَبُّهُ اللَّهُ فَتَعَلَّمُوا مَا يُدَبُّهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ (۲)، إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ وَ هُوَ النُّورُ الْمُبِينُ وَ الشِّفَاءُ النَّافِعُ ، فَاقْرَؤْهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَأْجُرُكُمْ عَلَى تِلَاوَتِهِ بِكُلِّ حَرْفٍ عَشْرَ حَسَنَاتٍ أَمَا إِنِّي لَأَقُولُ «الم» حَرْفٌ وَ لَكِنَّ «الف» وَ «لام» وَ «میم» ثَلَاثُونَ حَسَنَةً ، گفت: این قرآن مهمانی خداست ، بیاموزید از مهمانی خدای تعالی چندان که توانی ، این قرآن حبل خداست و نوری روشن است و شفای سودمند ، بخوانید که خدای تعالی شما را مزد دهد بر هر حرفی ده

قرآن شناسی (۵۷)

ص: ۵۷

۱- البحار: ۹۲/۱۹/۱۸ .

۲- البحار: ۹۲/۱۹/۱۸ .

حسنة نمی گویم «الم» یک حرف است و لکن سه حرف است ، تا ثوابش سی حسنه بود .

ابوالدرداء ، روایت می کند از رسول صلی الله علیه و آله و سلم که گفت : الْقُرْآنُ أَفْضَلُ كُلِّ شَيْءٍ دُونَ اللَّهِ تَعَالَى فَمَنْ وَقَرَ الْقُرْآنَ فَقَدِ وَقَرَ اللَّهَ وَ مَنْ لَمْ يُوقِرِ الْقُرْآنَ فَقَدِ اسْتِخْفَ بِحُرْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى ، حُرْمَةُ الْقُرْآنِ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى كَحُرْمَةِ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ ، گفت : قرآن فاضل ترین همه چیز است فرود خدای تعالی ، هر که قرآن را حرمت دارد ، خدای عزوجل را حرمت داشته باشد و هر که حرمت قرآن ندارد ، استخفاف کرده باشد به حرمت خدای تعالی . حرمت قرآن بر خدای تعالی ، چون حرمت پدر است بر فرزند .

خبری دیگر ، بعضی زنان رسول صلی الله علیه و آله روایت کنند که گفت : حَمَلَهُ الْقُرْآنِ هُمُ

(۵۸) قرآن شناسی

ص: ۵۸

الْمُحْفُونَ بِرَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى الْمَلْبَسُونَ بِنُورِ اللَّهِ (۱) الْمَعْلَمُونَ كَلَامَ اللَّهِ مَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهُ وَمَنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ .
يَقُولَ اللَّهُ تَعَالَى: يَا حَمَلَةَ الْقُرْآنِ تَحَبَّبُوا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِتَوْفِيرِ كِتَابِهِ يَزِدْكُمْ حُبًّا وَ يُحَبِّبْكُمْ إِلَى خَلْقِهِ ، يُدْفَعُ عَنْ مُسَدِّمِ الْقُرْآنِ شَرُّ
الدُّنْيَا وَيُدْفَعُ عَنْ تَالِيِ الْقُرْآنِ بَلْوَى الْأَخْرَهَ وَ لِمُسْتَمِعِ آيِهِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى خَيْرٌ مِنْ ثَبِيرِ ذَهَبًا وَ لِتَالِيِ آيِهِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى
خَيْرٌ مِمَّا تَحْتَ الْعَرْشِ إِلَى تُخُومِ الْأَرْضِ السُّفْلَى ، كَفَتِ : رَسُولَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ : حَامِلَانَ الْقُرْآنِ كَرْدٌ بَرٌّ كَرْدٌ اِيْشَانِ
رَحْمَتِ خَدَايِ تَعَالَى كَرَفْتَهَ بُوْدُ وَ لِبَاسِ اِيْشَانِ نُوْرِ خَدَايِ تَعَالَى بُوْدُ وَ اَمُوخْتِكَا نِ كَلَامِ خَدَايِ تَعَالَى بَاشَنْدُ ، دَشْمَنْ

قرآن شناسی (۵۹)

ایشان دشمن خدای بود و دوست ایشان دوست خدای بود . خدای تعالی ایشان را

ص: ۵۹

۱- جامع الأخبار : ۱۱۵/۲۰۲ .

گوید: ای حاملان قرآن! دوستی کنی با من به حرمت داشتِ شما کتاب مرا، من دوستی شما بیفزایم و شما را دوست داشته گردانم به خلقان خود.

آنگاه گفت: از شنونده قرآن شرّ دنیا بگردانند و از خواننده قرآن بلاى آخرت بگردانند و شنونده آیتی را از قرآن به قیامت ثواب بیشتر از کوه ثبیر و بهتر زر بدهند و خواننده آیتی از قرآن ثواب بیشتر بود که از زیر عرش تا به هفتم زمین. (۱)

از امام صادق او از رسول خدا «قَالَ: الْقُرْآنُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ وَ تَبْيَانٌ مِنَ الْعَمَى وَ اسْتِقَالَةٌ مِنَ الْعَثْرَةِ، وَ نُورٌ مِنَ الظُّلْمَةِ، وَ ضِيَاءٌ مِنَ الْأَخْدَابِ، وَ عَضِيمَةٌ مِنَ الْهَلَكَةِ، وَ رُشْدٌ مِنَ الْغَوَايَةِ، وَ بَيَانٌ مِنَ الْفِتَنِ، وَ بَلَاغٌ مِنَ الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ وَ فِيهِ كَمَالٌ دِينِكُمْ وَ مَا عَدَلَ أَحَدٌ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا إِلَى النَّارِ.

(۶۰) قرآن شناسی

ص: ۶۰

۱- . رَوْضُ الْجَنَانِ وَ رَوْحُ الْجَنَانِ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ ، ابوالفتح رازی ، جلد ۱ و ۲ ، صفحه ۱۷ .

فرمود: قرآن هدایتی است که از گمراهی و بیان، روشنی است که از کوره راهی، میرهاند موجب رهائی از لغزش است، نوری است که تاریکی، پرتوی است که از پیش آمدها نجات می بخشد. دستگیر از هلاکت است، رشدی است که از حیرت زدگی و بیانی است که از فتنه ها بیرون می برد. رساننده از دنیا به سوی آخرت است. در قرآن تمام و کمال آئین شماس است. احدی از قرآن سرنیچد مگر آنکه بسوی آتش بیچد (۱)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّكُمْ فِي دَارٍ هُدًى وَ أَنْتُمْ عَلَى ظَهْرِ سَفَرٍ وَ السَّيْرُ بِكُمْ سَرِيعٌ وَ قَدْ رَأَيْتُمُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ يُبْلِيَانِ كُلَّ جَدِيدٍ وَ يُقَرَّبَانِ كُلَّ بَعِيدٍ وَ يَأْتِيَانِ بِكُلِّ مَوْعُودٍ ، فَأَعِدُّوا الْجِهَازَ لِتَبَعْدِ الْمَجَازِ . قَالَ فَقَامَ

۱. رَوْضُ الْجَنَانِ وَ رَوْحُ الْجَنَانِ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ ، ابوالفتح رازی ، جلد ۱ و ۲ ، صفحه ۱۷ .

قرآن شناسی (۶۱)

ص: ۶۱

۱- . رَوْضُ الْجَنَانِ وَ رَوْحُ الْجَنَانِ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ ، ابوالفتح رازی ، جلد ۱ و ۲ ، صفحه ۱۷ .

الْمَقْدَادُيْنِ الْأَسْوَدِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ : وَمَا دَارُ الْهُدْنَةِ ؟ قَالَ دَارُ بِلَاءٍ وَانْقِطَاعٍ فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشَفِّعٌ وَ مَاحِلٌ مُصَيِّدٌ وَمَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَمَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ سَاقَهُ إِلَى النَّارِ وَهُوَ الدَّلِيلُ يَدُلُّ عَلَى خَيْرِ سَبِيلٍ وَهُوَ كِتَابٌ فِيهِ تَفْصِيلٌ وَبَيَانٌ وَتَحْصِيلٌ ، وَهُوَ الْفَضِيلُ لَيْسَ بِالْهَزْلِ وَ لَهُ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ ، فَظَاهِرُهُ حُكْمٌ وَ بَاطِنُهُ عِلْمٌ ، ظَاهِرُهُ أَنْيَقُ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ : لَهُ نُجُومٌ وَ عَلَى نُجُومِهِ نُجُومٌ لَا تُحْصَى عَجَائِبُهُ وَ لَا تُبْلَى غَرَائِبُهُ فِيهِ مَصَابِيحُ الْهُدَى وَ مَنَارُ الْحِكْمَةِ وَ دَلِيلٌ عَلَى الْمَعْرِفَةِ لِمَنْ عَرَفَ الصِّفَةَ فَلْيَجِلْ جَالِ بَصِيرَةٍ وَ لِيُبْلِغِ الصِّفَةَ نَظْرَهُ ، يَنْجُ مِنْ عَطْبٍ وَ يَتَخَلَّصُ مِنْ نَشَبٍ فَإِنَّ التَّفَكُّرَ حَيَاةَ قَلْبِ الْبَصِيرِ ، كَمَا يَمْشِي الْمُسْتَنِيرُ فِي الظُّلُمَاتِ بِالنُّورِ ، فَعَلَيْكُمْ بِحُسْنِ

(۶۲) قرآن شناسی

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای مردم شما اکنون در دنیا و خانه سازش و صلح هستید و شما در سر راه سفر هستید بشتاب شما را خواهند برد و شما می نگرید که شب و روز و خورشید و ماه هر تازه ای را کهنه کنند هر دوری را نزدیک سازند و هر وعده ای را بسر رسانند، پس اسباب و وسائل زیادی فراهم کنید برای اینکه گذرگاه درازی در پیش است. فرمود: پس مقداد بن اسود برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا خانه سازش یعنی چه؟ فرمود: خانه ای که رساننده

قرآن شناسی (۶۳)

است (انسانی را به گور رساند، یا در آن خانه کردار نیک ذخیره شود برای رسیدن به منزل های آخرت) و جداکننده (یعنی انسان را از علائق دنیا جدا کند)

ص: ۶۳

پس هرگاه آشوب‌ها چون شب‌تار شما را فراگرفت به قرآن رو آورید (و بدان چنگ زنید) زیرا آن است شفیع که شفاعت‌ش پذیرفته است (درباره کسی که بدان عمل کند) و گزارش دهنده است از بدی‌ها که گفته‌اش (درباره آن کس که بدان عمل نکرده) تصدیق شده است، هر که آن را پیشوای خود کرد به بهشتش رهبری کند و هر که (از آن پیش‌افتد) و آن را پشت سر خود قرار دهد به دوزخش کشاند و قرآن راهنمائی است که به بهترین راه‌ها راهنمایی کند و کتابی است که در آن است تفصیل و بیان و تحصیل (به دست آوردن حقایق) و آن است جداکننده (میان حق و باطل) شوخی و سرسری نیست برای آن ظاهری است و باطنی، پس ظاهرش حکم و دستور است و باطنش علم و دانش، ظاهرش جلوه و زیبایی دارد و باطنش ژرف و عمیق است، ستارگانی دارد و ستارگانش هم ستارگانی دارد (آنچه ترجمه شده بنا بر نسخه ای «نجوم» است و در برخی از نسخه‌ها «تخوم»)

(۶۴) قرآن شناسی

ص: ۶۴

است و آن به معنای پایان هر چیزی است) شگفتی هایش به شماره درنیاید و عجائبش کهنه نگردد، در آن است چراغ های هدایت و جایگاه نور حکمت و راهنمای معرفت است برای آنکس که بشناسید صفات را (مجلسی "ره" گوید: یعنی صفاتی که موجب مغفرت است یا صفت شناسائی و استنباط را) پس باید شخص تیزبین دقت نظر کند و دقت نظر را تا به درک صفت آن ادامه دهد که نجات بخشد آنکس را که به هلاکت افتاده و رهائی بخشد آن را که راه رهائی ندارد، زیرا اندیشیدن است که زندگانی دل بینا است، چنانچه آنکه جویای روشنی است در تاریکی ها به وسیله نور راه را پیماید، بر شما باد که نیکو برهید و کم انتظار برید.

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّكُمْ فِي زَمَانٍ هُدَيْنَهُ وَأَنْتُمْ عَلَى ظَهْرِ سَيِّئٍ وَالسَّيْرُ بِكُمْ سَيْرِيْعٌ وَقَدْ رَأَيْتُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ يُبْلِيَانِ كُلَّ جَدِيدٍ وَ

قرآن شناسی (۶۵)

ص: ۶۵

يُقَرَّبِينَ كُلَّ بَعِيدٍ وَيَأْتِيَانِ بِكُلِّ مَوْعِدٍ وَوَعِيدٍ، فَأَعِدُّوا الْجِهَازَ لِبُعْدِ الْمَفَازِ .

رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت : ای مردم ، شما در زمان صلح و آرامش هستید و بر مرکب سفر سوارید و شتابان شما را به پیش می برد . شاهد بوده اید که شب و روز و خورشید و ماه ، هر نوری را کهنه می کنند و هر دوری را نزدیک می گردانند و هر وعده و وعیدی را به انجام می رسانند . پس ، برای پیمودن این صحرای دور و دراز زاد و توشه فراهم آورید .

فَقَامَ الْمُقَدَّادُ بْنُ الْأَسْوَدِ الْكِنْدِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، فَمَا تَأْمُرُنَا نَعْمَلُ ؟ فَقَالَ : أَنْهَا دَارُ بَلَاءٍ وَابْتِلَاءٍ وَانْقِطَاعٍ وَفَنَاءٍ فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْأُمُورُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشَفِّعٌ وَ مَاجِلٌ مُصَدِّقٌ وَ مَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ مَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ سَاقَهُ إِلَى النَّارِ وَ هُوَ الدَّلِيلُ يَدُلُّ عَلَى السَّبِيلِ وَ هُوَ كِتَابٌ فِيهِ تَفْصِيلٌ وَ بَيَانٌ وَ تَحْصِيلٌ ، وَ هُوَ الْفَصْلُ لَيْسَ بِالْهَزْلِ وَ لَهُ

(۶۶) قرآن شناسی

ص: ۶۶

ظَهَرَ وَ بَطْنٌ ، فَظَاهِرُهُ حُكْمٌ وَ بَاطِنُهُ عِلْمٌ ، فَظَاهِرُهُ وَثِيقٌ وَ بَاطِنُهُ لَهُ تُخُومٌ وَ عَلَى تُخُومِهِ تُخُومٌ ، لَا تُحْصَى عَجَائِبُهُ وَ لَا تُبْلَى غَرَائِبُهُ فِيهِ
مَصَابِيحُ الْهُدَى وَ مَنَارُ الْحِكْمَةِ وَ دَلِيلُ الْمَعْرِفَةِ لِمَنْ عَرَفَ النَّصِيحَةَ ، فَلْيُؤَخِّرْ رَجُلٌ بَصِيرَةً ، وَ لِيُبْلِغِ النَّصِيحَةَ نَظْرَةً ، يَنْجُ مِنْ عَطْبٍ وَ
يَتَخَلَّصَ مِنْ نَسَبٍ فَأَنَّ التَّفَكُّرَ حَيَاةَ قَلْبِ الْبَصِيرِ ، كَمَا يَمْشِي الْمُسْتَنِيرُ ، وَ النُّورُ يُحَسِّنُ التَّخَلُّصَ وَ يُقَلِّلُ التَّرْبِصَ . (١)

مقداد بن اسود کندی برخاست و عرض کرد : ای رسول خدا ! می فرماید چه کنیم ؟ فرمود : دنیا سرای بلا و ابتلا و به سر
آمدن و نیست شدن است . پس ، هر گاه کارها همچون پاره های شب تار بر شما تاریک و شبهه ناک شد ، به قرآن روی
آورید ؛ زیرا قرآن شفیعی است که شفاعتش پذیرفته است و شاکی و

قرآن شناسی (٦٧)

ص: ٦٧

١- نوادر الزاوندی : ٢١ ، ٢٢ و كَشْفُ الْغُمَّةِ : ٢/١٩٩ .

خصمی است که شکایتش قبول می شود . هرکه قرآن را فرمایش خود قرار دهد ، او را به سوی بهشت کشاند و هرکه آن را پشت سر خویش نهد ، به سوی دوزخش کشاند . قرآن راهنمایی است که راه را نشان می دهد ، قرآن کتاب تفصیل و روشنگری و تحصیل (حقایق) است . جداکننده میان حق و باطل است و شوخی بردار نیست . ظاهری دارد و باطنی ، ظاهرش حکم و دستور خداست و باطنش علم خدای متعال . پس ، ظاهر آن محکم و استوار است و باطنش مرزها دارد و مرزهایش مرزها دارد . شگفتی هایش بی شمار است و عجایب و غرایبش کهنه و تمام نمی شود . چراغ های هدایت و پرتوگاه های حکمت در قرآن است . برای کسی که انصاف داشته باشد راهنمای به سوی معرفت و شناخت است . پس ، باید آدمی دقت نظر کند و انصاف را پیش چشمش آرد ، تا از هلاکت رهایی یابد و از تنگنا به درآید ؛ زیرا که اندیشیدن ، مایه حیات دل شخص بینا و با

بصیرت است، همچنان که آدمی به نور چراغ در تاریکی هاراه می پیماید و نیکومی رهد و کم (در شبهات و تاریکی ها) منتظر می ماند .

(۶۸) قرآن شناسی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَنَا أَوَّلُ وَآخِرُ عَلَى الْعَرْشِ الْجَبَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَكِتَابُهُ وَاهْلُ بَيْتِي ثُمَّ أُمَّتِي ، ثُمَّ أَسْأَلُهُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ وَبِأَهْلِ بَيْتِي .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : من نخستین کسی هستم که روز قیامت بر خدای عزیز جبار وارد شوم با کتابش و اهل بیتم ، سپس امتم (وارد شوند) پس از ایشان بپرسم چه کردید با کتاب خدا و اهل بیت من ؟

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَا مَعْشَرَ قُرَاءِ الْقُرْآنِ اتَّقُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيمَا حَمَلْتُمْ مِنْ كِتَابِهِ فَإِنِّي مَسْئُولٌ وَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ إِنِّي مَسْئُولٌ عَنْ تَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ وَآمَّا أَنْتُمْ فَتَسْأَلُونَ عَمَّا حَمَلْتُمْ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّتِي .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده : ای گروه قرآن خوانان از خدای عزوجل بپرهیزید در

قرآن شناسی (۶۹)

ص: ۶۹

آنچه از کتاب خود به شما داده است زیرا که من مسئولم و شما هم مسئول هستید ، من از رساندن و تبلیغ رسالت مسئولم و شما از آنچه از قرآن و سنت من دربردارید مسئول هستید .

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : نُورُوا بُيُوتَكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَ لَا تَتَّخِذُوهَا قُبُورًا كَمَا فَعَلَتِ الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى، صَلُّوا فِي الْكِنَائِسِ وَ الْبَيْعِ وَ عَطَّلُوا بُيُوتَهُمْ فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا كَثُرَ فِيهِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ كَثُرَ خَيْرُهُ وَ اتَّسَعَ أَهْلُهُ وَ أَضَاءَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ نُجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود : خانه های خود را به تلاوت قرآن روشن کنید و آنها را گورستان نکنید چنانچه یهود و نصاری کردند ، در کلیساها و عبادتگاه های خود نماز کنند ، ولی خانه های خویش را معطل گذارده اند (و در آنها عبادتی انجام ندهند) زیرا که هرگاه در خانه بسیار تلاوت قرآن شد خیر و برکتش

(۷۰) قرآن شناسی

ص: ۷۰

زیاد شود و اهل آن به وسعت رسند و آن خانه برای اهل آسمان درخشندگی دارد چنانچه ستارگان آسمان برای اهل زمین می درخشند .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ قَرَأَ عَشْرَ آيَاتٍ فِي لَيْلِهِ لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ وَ مَنْ قَرَأَ خَمْسِينَ آيَةً كُتِبَ مِنَ الذَّاكِرِينَ وَ مَنْ قَرَأَ مِائَةَ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْقَانِتِينَ وَ مَنْ قَرَأَ مِائَتَيْ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْخَاشِعِينَ وَ مَنْ قَرَأَ ثَلَاثَ مِائَةٍ كُتِبَ مِنَ الْفَائِزِينَ وَ مَنْ قَرَأَ خَمْسِينَ مِائَةَ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْمُجْتَهِدِينَ وَ مَنْ قَرَأَ أَلْفَ آيَةٍ كُتِبَ لَهُ قِنْطَارٌ مِنْ تِبْرِ الْقِنْطَارِ خَمْسَةُ عَشَرَ أَلْفَ مِثْقَالٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ الْمِثْقَالُ أَرْبَعَةُ عَشْرُونَ قِيرَاطًا أَصْعَرُهَا مِثْلُ جَبَلِ أُحُدٍ وَ أَكْبَرُهَا مَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده : هر کس در یک شب ده آیه از قرآن بخواند از غافلین نوشته نشود و هر کس پنجاه آیه بخواند در زمره ذاکرین نوشته شود و هر کس صد آیه بخواند در زمره قانتین نوشته شود و هر که دویست آیه بخواند از

قرآن شناسی (۷۱)

ص: ۷۱

خاشعین نوشته شود و هر که سیصد آیه بخواند از فائزین نوشته شود و هر که پانصد آیه بخواند از جمله مجتهدین نوشته شود و هر که هزار آیه بخواند برای او (ثواب انفاق) یک قنطار از طلا نوشته شود و قنطار پانزده هزار مثقال طلا است ، که هر مثقالی بیست و چهار قیراط است که کوچک ترین آنها به اندازه کوه احد و بزرگ ترین آنها به اندازه آنچه میان زمین و آسمان است .

رسول الله صلی الله علیه و آله : لا خیر فی العیش الا لمستمع واع او عالم ناطق . ایها الناس ، انکم فی زمان هیدنه ، و ان السیر بکم سیریع ، و قد رأیتهم اللیل و النهار یلبیان کل جدید ، و یقربان کل بعید ، و یأتیان بکل موعود ، فاعدوا الجهاد لبعد المضمار .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در زیستن خیری نیست ، مگر برای شنونده فهمیده یا دانای گویا . ای مردم ! شما در زمان آرامش و صلح هستید و شما را به شتاب می برند . شاهدید که (گذر) شب و روز ، هر نوی را کهنه می کند و هر دوری را نزدیک

(۷۲) قرآن شناسی

ص: ۷۲

می گرداند و هر وعده ای را به سر می آورد . پس ، برای میدان مسابقه دور و درازی که در پیش دارید ، آماده کوشش گردید .

فَقَالَ الْمِقْدَادُ : يَا نَبِيَّ اللَّهِ ، مَا الْهُدْيُ ؟ قَالَ : بَلَاءٌ وَ انْقِطَاعٌ فَإِذَا التَّبَسَّتِ الْأُمُورُ عَلَيْكُمْ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشَفِّعٌ وَ مَاحِلٌ مُصَيِّدٌ وَ مَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ مَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ قَادَهُ إِلَى النَّارِ وَ هُوَ الدَّلِيلُ إِلَى خَيْرِ سَبِيلٍ وَ هُوَ الْفِضْلُ لَيْسَ بِالْهَزْلِ ، لَهُ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ ، فَظَاهِرُهُ حِكْمٌ وَ بَاطِنُهُ عِلْمٌ ، عَمِيقٌ بَحْرُهُ لَا تُحْصَى عَجَائِبُهُ ، وَ لَا يَشْبَعُ مِنْهُ عُلَمَاؤُهُ وَ هُوَ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ ، وَ هُوَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ ... فِيهِ مَصَابِيحُ الْهُدَى وَ مَنَارُ الْحِكْمَةِ وَ دَالٌّ عَلَى الْحُجَّةِ. (۱)

مقداد عرض کرد : ای پیامبر خدا ! آرامش و صلح یعنی چه ؟ فرمود :

قرآن شناسی (۷۳)

ص: ۷۳

۱- کنز العمال : ۴۰۲۷ ، راجع البحار : ۹۲/۱۷/۱۶ و ۷۷/۱۳۴/۴۶ .

(دنیا سرای) آزمایش و سپری شدن است . پس ، هرگاه کارها همچون پاره های شب تار بر شما مشتبه و مبهم گشت ، به قرآن روی آورید . که آن شفیع است که شفاعتش پذیرفته است و شاکی و خصمی است که شکایتش قبول می شود . هرکه آن را فرمایش خود قرار دهد ، او را به سوی بهشت کشاند و هرکه پشت سر خود قرارش دهد ، او را به دوزخ کشاند . قرآن راهنمای به سوی بهترین راه راست . جداکننده (میان حق و باطل) است و شوخی نیست . ظاهری دارد و باطنی ، ظاهرش حکم و دستور است و باطنش دانشی ژرف . شگفتی های دریایش بی شمار است و دانایانش از آن سیر نمی شوند . قرآن ریسمان محکم خداست ، قرآن راه راست است ... در قرآن است چراغ های هدایت و پرتوگاههای حکمت و قرآن راهنمای به حجت و برهان است .

الحارثُ الأعورُ : دَخَلْتُ عَلَى امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَقُلْتُ : يَا

(۷۴) قرآن شناسی

ص: ۷۴

امیر المؤمنین، اِنَّا اِذَا كُنَّا عِنْدَكَ سَيِّعِنَا الَّذِي نَسُدُّ (نَسُدُّ) بِهِ دِينَنَا ، وَاِذَا خَرَجْنَا مِنْ عِنْدِكَ سَيِّعِنَا اَشْيَاءَ مُخْتَلِفَةً مَغْمُوسَةً ، لَانْدَرِي مَا هِيَ ؟ قَالَ : اَوْ قَدْ فَعَلُوها ؟ قُلْتُ : نَعَمْ .

قَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ : اَتَانِي جَبْرَائِيلُ فَقَالَ : يَا مُحَمَّدُ ؛ سَيِّكُونُ فِي اُمَّتِكَ فِتْنَةً . قُلْتُ : فَمَا الْمَخْرُجُ مِنْهَا ؟ فَقَالَ : كِتَابُ اللَّهِ ، فِيهِ بَيَانٌ مَا قَبْلَكُمْ مِنْ خَبْرٍ وَخَبْرٌ مَا بَعْدَكُمْ ، وَحُكْمٌ مَا بَيْنَكُمْ . (۱)

حارث اعور : خدمت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام رسیدم و عرض کردم : یا امیر المؤمنین ، ما وقتی در حضور شما هستیم ، سخنانی می شنویم که با آنها دین خود را استوار می گردانیم . اما وقتی از خدمت شما می رویم ، مطالب گوناگون تاریکی می شنویم که نمی دانیم چیستند (با سخنان شبهه انگیزی رو به

قرآن شناسی (۷۵)

ص: ۷۵

۱- تفسیر العیاشی : ۱/۳/۲ و (ص ۶/۱۱ ، انظر تمام الحدیث).

رو می شویم). حضرت فرمود: این حرف ها را می زنند؟ عرض کردم: آری.

فرمود: شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمد! به زودی در میان امت فتنه ای پدید خواهد آمد. من گفتم: راه نجات از آن، چیست؟ گفت: کتاب خدا، که در آن خبرهای پیش از شما و بعد از شما و حکم آنچه میان شماست، بیان شده است.

رسولُ اللهِ صلی الله علیه و آله لَمَّا قِيلَ لَهُ: أُمَّتُكَ سَيَتَفَتَنُ، فَسُئِلَ: مِمَّا الْمَخْرُجُ مِنْ ذَلِكَ؟: كِتَابُ اللَّهِ الْعَزِيزُ، الَّذِي لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ، تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ، مَنْ ابْتَغَى الْعِلْمَ فِي غَيْرِهِ أَضَلَّهُ اللَّهُ. (۱)

چون به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفته شد: به زودی امت تو گرفتار فتنه خواهد شد،

(۷۶) قرآن شناسی

ص: ۷۶

۱- تفسیر العیاشی: ۱/۳/۲ و (ص ۶/۱۱، انظر تمام الحدیث).

(پس پرسیدند) راه خلاص از آن چیست؟ فرمود: کتاب گرامی خدا، همان که باطل نه از پیش رو و نه از پشت سرش بدو راه نیابد، فرود آمده، از سوی حکیمی ستوده است. هر که علم را در جز قرآن بجوید، خداوند گمراهش کند.

رسول الله صلی الله علیه و آله: کَلَامِي لَا يَنْسَخُ كَلَامَ اللَّهِ، وَ كَلَامُ اللَّهِ يَنْسَخُ بَعْضُهُ بَعْضًا. (۱)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سخن من، سخن خدا را نسخ نمی کند. اما سخن خدا، سخن مرا نسخ می کند و سخن خدا بعضی از آن، بعضی دیگر را نسخ می کند.

رسول الله صلی الله علیه و آله: أَنْ الْقُرْآنَ لِيُصَدِّقَ بَعْضُهُ بَعْضًا، فَلَا تُكْذِبُوا بَعْضَهُ بِبَعْضٍ. (۲)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قرآن، قسمتی از آن قسمت دیگرش را تصدیق می کند. پس،

قرآن شناسی (۷۷)

ص: ۷۷

۱- کنز العمال : ۲۹۶۱ .

۲- کنز العمال : ۲۸۶۱ .

شما برخی از آن را به وسیله برخی دیگرش ، تکذیب نکنید (نگویید این آیه با فلان آیه نمی خواند و ناسازگار است) .

قرآن پیشوا و رحمت است

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتِهِ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كَتَبُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً : آیا کسی که از جانب پروردگارش بر حجّتی روشن است و شاهدی از (خویشان) او پیرو آن است و پیش از وی (نیز) کتاب موسی پیشوا و رحمت بوده است (دروغ می بافد) ؟ [\(۱\)](#)

رسولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : عَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ ، فَاتَّخِذُوهُ إِمَامًا وَقَائِدًا . [\(۲\)](#)

بر شما باد به قرآن ، آن را پیشوا و فرمانده خود کنید .

(۷۸) قرآن شناسی

ص: ۷۸

۱- ۱۷ / هود .

۲- کنز العُمَال : ۴۰۲۹ .

قرآن ثروتی است که بدون آن توانگری نباشد

رسول الله صلى الله عليه وآله: الْقُرْآنُ غِنَى، لَا فَقْرَ بَعْدَهُ، وَلَا غِنَى دُونَهُ. (۱)

قرآن ثروتی است که با وجود آن فقری نیست و بدون آن توانگری نه.

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أُعْطِيَ الْقُرْآنَ فَظَنَّ أَنَّ أَحَدًا أُعْطِيَ أَكْثَرَ مِمَّا أُعْطِيَ فَقَدْ عَظَّمَ صَغِيرًا وَصَغَّرَ كَبِيرًا. (۲)

به هر کس (نعمت دانستن) قرآن داده شود و با این حال گمان کند که به دیگری نعمتی بالاتر و بیشتر از این نعمت او داده شده است، بی گمان کوچکی را بزرگ شمرده و بزرگی را کوچک.

قرآن شناسی (۷۹)

ص: ۷۹

۱- کنز العمال: ۲۳۰۷.

۲- معانی الأخبار: ۲۷۹.

قرآن نیکوترین سخن است

رسولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَنْ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللهِ ، وَ خَيْرُ الْهُدَى هُدَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَ شَرُّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا . (۱)

نیکوترین سخن ، کتاب خداست و بهترین روش ، روش محمد صلی الله علیه و آله است و بدترین امور (در دین)، بدعتهاست .

رسولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَصْدَقُ الْقَوْلِ وَ أَبْلَغُ الْمَوْعِظَةِ وَ أَحْسَنُ الْقَصَصِ كِتَابُ اللهِ . (۲)

راست ترین سخن و رساترین اندرز و بهترین داستان ،

ص: ۸۰

۱- البحار : ۷/۱۲۲/۲۳ .

۲- الفقيه : ۴/۴۰۲/۵۸۶۸ .

کتاب خداست.

(۸۰) قرآن شناسی

رسول الله صلى الله عليه وآله : فَضْلُ الْقُرْآنِ عَلَى سَائِرِ الْكَلَامِ كَفَضْلِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ .

برتری قرآن بر دیگر سخنان ، همچون برتری خدا بر خلق خود است.

قرآن شفادهنده بزرگترین بیماری هاست

رسول الله صلى الله عليه وآله : الْقُرْآنُ هُوَ الدَّوَاءُ . (۱)

قرآن شناسی (۸۱)

ص: ۸۱

رسول الله صلى الله عليه وآله : مَنْ أَرَادَ عِلْمَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فَلْيُتَوِّرِ الْقُرْآنَ. (۱)

(۲)

هر که خواهان علم پیشینیان و آیندگان ، از اول تا به آخر دنیا است ، در قرآن کاوش و تأمل کند .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنْ أَرَدْتُمْ عَيْشَ السُّعْدَاءِ وَمَوْتَ الشُّهَدَاءِ وَالنَّجَاةَ يَوْمَ الْحَسْرَةِ وَالظُّلْمَ يَوْمَ الْحُرُورِ وَالْهُدَى يَوْمَ الضَّلَالَةِ فَادْرُسُوا الْقُرْآنَ ؛ فَإِنَّهُ كَلَامُ الرَّحْمَنِ وَحِرْزٌ مِنَ الشَّيْطَانِ وَرُجْحَانٌ فِي الْمِيزَانِ . (۳)

اگر زندگی نیک بختان و مردن شهیدان و نجات در روز حسرت و داشتن سایه

۱. فلیثور القرآن : ای لینقر عنه و یفکر فی معانیه و تفسیره و قراءته . (النهایه : ۱/۲۲۹) .

(۸۲) قرآن شناسی

ص: ۸۲

۱- کنز العمال : ۲۴۵۴ .

۲- کنز العمال : ۲۴۵۴ .

۳- البحار : ۹۲/۱۹/۱۸ .

در روز سوزان و هدایت در روز گمراهی را می خواهید، قرآن را یاد بگیرید؛ زیرا که قرآن، سخن خدای مهربان و مایه حفظ از شیطان و سنگینی ترازو(ی اعمال) است .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَا مُعَاذُ ، إِنْ أُرِدْتُمْ عَيْشَ السُّعْدَاءِ وَ مِيتَةَ الشُّهَدَاءِ وَ النِّجَاةَ يَوْمَ الْحَشْرِ وَ الْأَمْنَ يَوْمَ الْخَوْفِ وَ النُّورَ يَوْمَ الظُّلُمَاتِ وَ الظِّلَّ يَوْمَ الْحَرُورِ وَ الرِّئَى يَوْمَ الْعَطَشِ وَ الْوِزْنَ يَوْمَ الْخِفَّةِ وَ الْهُدَى يَوْمَ الضَّلَالَةِ فَادْرُسِ الْقُرْآنَ ؛ فَإِنَّهُ ذِكْرُ الرَّحْمَنِ وَ حِرْزٌ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ رُجْحَانٌ فِي الْمِيزَانِ . (۱)

ای معاذ! اگر زندگی سعادت‌مندان را می خواهی و مردن شهیدان را و نجات در روز محشر را و امنیت در روز ترس را و روشنایی در روز تاریکی ها را و سایه

قرآن شناسی (۸۳)

ص: ۸۳

۱- کتَبُ الْعَمَالِ : ۲۴۹۳ .

در روز سوزان را و سیرابی در روز تشنگی را و سنگینی در روز سبکی (ترازوی اعمال) را و هدایت در روز گمراهی را ، پس قرآن را نیک بیاموز ؛ زیرا که آن یاد خدای رحمان است و نگهدارنده از شیطان و مایه سنگینی میزان (اعمال) .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ. (۱)

بهترین شما ، کسی است که قرآن را بیاموزد و (به دیگران) آموزش دهد .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : خَيْرُكُمْ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَاقْرَأَهُ. (۲)

بهترین شما، کسی است که قرآن را بخواند و خواندن آن را به دیگران یاد دهد.

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَقَالُ لِصَاحِبِ الْقُرْآنِ إِذَا دَخَلَ الْجَنَّةَ ؛ اقْرَأْ وَاصْعَدْ ، فَيَقْرَأُ وَ

(۸۴) قرآن شناسی

ص: ۸۴

۱- البحار : ۹۲/۱۸۶/۲ .

۲- كنز العَمَال : ۲۳۵۱ ، ۲۳۵۴ .

يَصْعَدُ بِكُلِّ آيَةٍ دَرَجَةً حَتَّى يَقْرَأَ آخِرَ شَيْءٍ مَعَهُ مِنْهُ . (۱)

کسی که قرآن می داند ، چون وارد بهشت شود به او می گویند : «بخوان و بالا رو» و او می خواند و با هر آیه ای یک درجه (در بهشت) صعود می کند ، تا آنکه آخرین آیه ای را که از قرآن می داند می خواند .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : عَلَيْكُمْ بِتَعَلُّمِ الْقُرْآنِ وَكَثْرَةِ تِلَاوَتِهِ . (۲)

بر شما باد، آموختن قرآن و بسیار خواندن آن .

قرآن شناسی (۸۵)

ص: ۸۵

۱- کنز العُملال : ۲۳۳۰ ، ۲۳۳۱ ، ۲۳۶۸ .

۲- کنز العُملال : ۲۳۳۰ ، ۲۳۳۱ ، ۲۳۶۸ .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ عَلَّمَ رَجُلًا الْقُرْآنَ فَهُوَ مَوْلَاهُ، لَا يَخْذُلُهُ وَلَا يَسْتَأْثِرُ عَلَيْهِ. (۱)

هر کس به مردی قرآن بیاموزد، مولای اوست و آن مرد نباید او را تنها و بی یار گذارد و خود را بر وی ترجیح دهد.

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ عَلَّمَ عَبْدًا آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَهُوَ مَوْلَاهُ، لَا يَبْغِي لَهُ أَنْ يَخْذُلَهُ وَلَا يَسْتَأْثِرَ عَلَيْهِ، فَإِنْ هُوَ فَعَلَهُ فَصَمَّ عُرْوَةً مِنْ عُرَى الْإِسْلَامِ. (۲)

هر کس آیه ای از کتاب خدا به بنده ای بیاموزد، مولای اوست و شایسته نیست که آن بنده، او را تنها و بی یاور گذارد و خود را بر او ترجیح دهد؛ که اگر چنین

(۸۶) قرآن شناسی

ص: ۸۶

۱- ۴۰۲۵، ۲۳۸۲، ۲۳۸۴، ۲۳۲۰، ۲۳۷۵، ۲۳۸۶.

۲- ۴۰۲۵، ۲۳۸۲، ۲۳۸۴، ۲۳۲۰، ۲۳۷۵، ۲۳۸۶.

کند ، حلقه ای از حلقه های اسلام را پاره کرده است .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَيَتَدَارَسُونَهُ بَيْنَهُمْ إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ ، وَغَشِيَتْهُمْ الرَّحْمَةُ ، وَخَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ ، وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ . (۱)

هیچ گروهی در خانه ای از خانه های خدا برای تلاوت کتاب خدا و مباحثه آن جمع نشدند ، مگر اینکه آرامش بر آنان فرود آمد و رحمت فرایشان گرفت و فرشتگان آنان را در میان گرفتند و خداوند در میان کسانی که نزدش هستند ، از آنان یاد کرد .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَلَا مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ وَعَمِلَ بِمَا فِيهِ فَأَنَا لَهُ سَائِقٌ إِلَى

قرآن شناسی (۸۷)

ص: ۸۷

بدانید که هر کس قرآن را بیاموزد و به دیگران آموزش دهد و به آنچه در آن است عمل کند، من جلودار و راهنمای او به سوی بهشت هستم .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ عَلَّمَ وَلَدًا لَهُ الْقُرْآنَ قَلَدَهُ اللَّهُ قِلَادَةً يُعْجَبُ مِنْهَا الْأَوَّلُونَ وَ الْآخِرُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (۲)

هر کس به فرزند خود قرآن را آموزش دهد ، خداوند گردنبندی به گردن او آویزد که در روز قیامت همگان از آن شگفت زده شوند .

(۸۸) قرآن شناسی

ص: ۸۸

۱- کنز العُملال : ۴۰۲۵ ، ۲۳۸۲ ، ۲۳۸۴ ، ۲۳۲۰ ، ۲۳۷۵ ، ۲۳۸۶ .

۲- کنز العُملال : ۴۰۲۵ ، ۲۳۸۲ ، ۲۳۸۴ ، ۲۳۲۰ ، ۲۳۷۵ ، ۲۳۸۶ .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ قَبْلَ أَنْ يَحْتَلِمَ فَقَدْ أُوتِيَ الْحُكْمَ صَبِيًّا. (۱)

هر کس پیش از بلوغ قرآن بخواند ، در کودکی به او حکمت داده شده است .

ترغیب به حفظ کردن قرآن

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ أَعْطَاهُ اللَّهُ مَحِيفًا كَتَابَهُ فَظَنَّ أَنَّ أَحَدًا أُعْطِيَ أَفْضَلَ مِمَّا أُعْطِيَ فَقَدْ غَمَطَ أَفْضَلَ النُّعْمَةِ . (۲)

هر کس که خدا نعمت حفظ کتاب خود را به او عطا کند و آن کس گمان کند که به دیگران نعمتی بزرگ تر از این نعمت او داده شده است ، بی گمان

قرآن شناسی (۸۹)

ص: ۸۹

۱- کنز العُمَال : ۴۰۲۵ ، ۲۳۸۲ ، ۲۳۸۴ ، ۲۳۲۰ ، ۲۳۷۵ ، ۲۳۸۶ .

۲- کنز العُمَال : ۴۰۲۵ ، ۲۳۸۲ ، ۲۳۸۴ ، ۲۳۲۰ ، ۲۳۷۵ ، ۲۳۸۶ .

نسبت به بزرگ ترین نعمت تحقیر و ناسپاسی روا داشته است .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا تَعْرُتُكُمْ هَذِهِ الْمَصَاحِفُ الْمُعَلَّقَةُ ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُعَذِّبُ قَلْبًا وَعَى الْقُرْآنَ . (۱)

این مصحف های آویزان ، شما را گول نزد . خدای متعال قلبی را که جایگاه قرآن باشد ، عذاب نمی کند .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ الَّذِي لَيْسَ فِي جَوْفِهِ شَيْءٌ مِّنَ الْقُرْآنِ كَالْبَيْتِ الْخَرِبِ . (۲)

کسی که در اندرونش چیزی از قرآن نیست ، همانند خانه ای ویران است .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَعَلِّي عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَعْلَمُكَ دُعَاءً لَا تَنْسَى الْقُرْآنَ ، قُلْ :

اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِتَرْكِ مَعَاصِيكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي ، وَارْحَمْنِي مِنْ تَكْلِيفِ مَا لَا

(۹۰) قرآن شناسی

ص: ۹۰

۱- کنز العُمَال : ۴۰۲۵ ، ۲۳۸۲ ، ۲۳۸۴ ، ۲۳۲۰ ، ۲۳۷۵ ، ۲۳۸۶ .

۲- کنز العُمَال : ۴۰۲۵ ، ۲۳۸۲ ، ۲۳۸۴ ، ۲۳۲۰ ، ۲۳۷۵ ، ۲۳۸۶ .

يَعِينِي ، وَاَرْزُقْنِي حُسْنَ النَّظْرِ فِيمَا يُرْضِيكَ ، وَاَلْزِمْ قَلْبِي حِفْظَ كِتَابِكَ كَمَا عَلَّمْتَنِي ، وَاَرْزُقْنِي أَنْ أَتْلُوهُ عَلَى النَّحْوِ الَّذِي يُرْضِيكَ عَنِّي . اللَّهُمَّ تَوَزَّ بِكِتَابِكَ بَصِيرِي ، وَاشْرَحْ بِهِ صَدْرِي ، وَاطْلُقْ بِهِ لِسَانِي ، وَاَسْتَعْمِلْ بِهِ بَدَنِي ، وَقَوِّنِي بِهِ عَلَى ذَلِكَ ، وَاَعِنِّي عَلَيْهِ ، أَنَّهُ لَا يُعِينُ عَلَيْهِ إِلَّا أَنْتَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ . (۱)

به علی علیه السلام فرمود : دعایی به تو می آموزم که قرآن را فراموش نکنی ، بگو : بارخدایا! به من رحمت آر که تا زنده هستم ، هیچ گاه نافرمانی تو نکنم و به من رحمت آر که در چیزهای بیهوده ، به زحمت نیفتم و نیک اندیشی در آنچه که تو را خشنود می کند ، روزیم فرما و حفظ کردن کتابت را آن گونه که به من آموختی با قلبم ملازم و همراه گردان و تلاوت آن را به گونه ای که تو را از من خشنود گرداند،

قرآن شناسی (۹۱)

ص: ۹۱

روزیم فرما . بارخدا یا! به وسیله کتابت دیده (بصیرت) مرا روشن گردان و سینه ام را فراخ ساز و زبانم را باز و گویا کن و پیکرم را در راه آن به کار گیر و در این باره با قرآن نیرویم بخش و بر آن کمکم فرما ، که در این زمینه جز تو کسی کمک نکند . معبودی جز تو نیست .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ دَعَائِهِ : اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِتَرْكِ مَعْصِيَتِكَ أَبِيدًا مَا أَبْقَيْتَنِي ، وَارزُقْنِي حُسْنَ النَّظْرِ فِيمَا يُرِضُكَ عَنِّي ، وَالْزِمْ قَلْبِي حِفْظَ كِتَابِكَ كَمَا عَلَّمْتَنِي ، وَاجْعَلْنِي أَتْلُوهُ عَلَى النَّحْوِ الَّذِي يُرِضُكَ عَنِّي . اللَّهُمَّ نَوِّزْ بِكِتَابِكَ بَصِيرِي ، وَاشْرَحْ بِهِ صَدْرِي ، وَفَرِّحْ بِهِ قَلْبِي ، وَاطْلُقْ بِهِ لِسَانِي ، وَاسْتَعْمِلْ بِهِ بَدَنِي ، وَقَوِّنِي عَلَى ذَلِكَ ، فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ . (۱)

(۹۲) قرآن شناسی

ص: ۹۲

۱- قرب الإسناد : ۵/۱۶ .

از دعای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بارخدایا! به من رحمت آر که تا زنده هستم ، هیچگاه نافرمانی تو نکنم و نیک اندیشی در هر آنچه که تو را خشنود می سازد ، روزیم فرما و حفظ کردن کتابت را بدان گونه که به من آموختی ، با دلم ملانزم و همراه گردان و چنان کن که قرآن را آن گونه که تو را از من خشنود می گرداند ، تلاوت کنم . بارخدایا! دیده (بصیرت) مرا به کتابت روشن نما و به وسیله آن سینه ام را فراخ گردان و دلم را با آن شاد ساز و زبانم را به آن باز و گویا کن ، بدنم را در راه آن به کار گیر و در این زمینه نیرویم بخش ؛ زیرا که هیچ حرکت و قدرتی جز به وسیله تو نیست .

قرآن شناسی (۹۳)

ص: ۹۳

تشویق به مرور کردن قرآن در ذهن

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : تَعَاهَدُوا هَذَا الْقُرْآنَ ؛ فَإِنَّهُ وَحْيِي فَلَهُ أَسْرَعُ تَفْصِيًّا مِنْ صُدُورِ الرِّجَالِ مِنَ الْإِبِلِ مِنْ عَقْلِهَا ، وَ لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ : نَسِيْتُ آيَةَ كَيْتٍ وَ كَيْتٍ ، بَلْ نُسِّيَ . (۱)

از این قرآن نگهداری کنید ؛ زیرا که قرآن رمنده است و از این رو از سینه های مردان زودتر می گریزد ، تا شتر از زانو بندش و هیچ گاه فردی از شما نگوید ، فلان و بهمان آیه را از یاد برده ام ، بلکه از یاد(ش) برده شده است .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : بِئْسَ مَا لِأَحَدِكُمْ أَنْ يَقُولَ نَسِيْتُ آيَةَ كَيْتٍ وَ كَيْتٍ ، بَلْ هُوَ نُسِّيَ . اِسْتَذْكُرُوا الْقُرْآنَ ، فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَهُوَ أَشَدُّ تَفْصِيًّا مِنْ صُدُورِ

(۹۴) قرآن شناسی

ص: ۹۴

الرَّجَالِ مِنَ النَّعَمِ مِنْ عُقُلِهَا . (۱)

خوب نیست ، که فردی از شما بگوید فلان و بهمان آیه را از یاد بردم ، (چنین نیست) بلکه از یاد(ش) برده شده است . قرآن را (در ذهن خود مرور و) یادآوری کنید؛ زیرا سوگند به آن که جانم در دست اوست ، قرآن از سینه های مردان زودتر می رهد ، تا شتر از زانوبندش .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَثَلُ الْقُرْآنِ إِذَا عَاهِدَ عَلَيْهِ صَاحِبُهُ فَقَرَأَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ كَمَثَلِ رَجُلٍ لَهُ إِبِلٌ فَإِنْ عَقَلَهَا حَفِظَهَا ، وَ إِنْ أَطْلَقَ عِقَالَهَا ذَهَبَتْ فَكَذَلِكَ الْقُرْآنُ . (۲)

حکایت قرآن ، هرگاه که حافظ آن شب و روز قرآن را بخواند و بدین وسیله آن را (در ذهن خود) نگه دارد، حکایت مردی است که شتری دارد ؛ اگر زانوی آن را

قرآن شناسی (۹۵)

ص: ۹۵

۱- کنز العُعمال : ۲۸۵۰ ، ۲۸۴۹ ، ۲۸۵۴ .

۲- کنز العُعمال : ۲۸۵۰ ، ۲۸۴۹ ، ۲۸۵۴ .

ببندد نگهش می دارد و اگر زانو بندش را باز کند، شتر می رود. قرآن نیز چنین است.

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فِي دَفْنِ شُهَدَاءِ غَزْوَةِ أُحُدٍ: انظُرُوا أَكْثَرَهُمْ جَمْعًا لِلْقُرْآنِ فَاجْعَلُوهُ أَمَامَ صَاحِبِهِ فِي الْقَبْرِ.

در هنگام خاکسپاری شهدای احد، فرمود: ببینید، کدام یک از آنها قرآن را بیشتر جمع آوری کرده است، آن را در قبرش پیش روی او قرار دهید.

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ جَمَعَ الْقُرْآنَ مَنَّعَهُ اللَّهُ بِعَقْلِهِ حَتَّى يَمُوتَ (۱)

هر که قرآن را جمع آوری کند، خداوند او را تا زمانی که بمیرد از خردش بهره مند سازد.

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حَامِلُ الْقُرْآنِ حَامِلُ رَأْيِهِ الْإِسْلَامَ، مَنْ أَكْرَمَهُ فَقَدْ أَكْرَمَ اللَّهَ، وَ

(۹۶) قرآن شناسی

ص: ۹۶

مَنْ أَهَانَهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ. (۱)

قرآن دان ، پرچمدار اسلام است . هرکه او را گرامی دارد ، بی گمان خدا را گرامی داشته است و هرکه او را خوار شمارد ، لعنت خدای عزوجل بر او باد .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : حَمَلَهُ الْقُرْآنُ هُمْ الْمُعَلَّمُونَ كَلَامَ اللَّهِ ، وَ الْمُتَتَّبِعُونَ نُبُوْرَ اللَّهِ ، مَنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ ، وَ مَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ . (۲)

قرآن دانان ، آموزگاران کلام خدا و پوشیده در نور خدا هستند . هرکه با آنان دوستی کند ، بی گمان با خدا دوستی کرده است و هرکه با آنان دشمنی ورزد ، هر آینه با خدا دشمنی ورزیده است .

قرآن شناسی (۹۷)

ص: ۹۷

۱- کنز العُعمال : ۲۸۵۰ ، ۲۸۴۹ ، ۲۸۵۴ .

۲- کنز العُعمال : ۲۸۵۰ ، ۲۸۴۹ ، ۲۸۵۴ .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : وَفَدَا إِلَى الْيَمَنِ ، فَأَمَرَ عَلَيْهِمْ أَمِيرًا مِنْهُمْ وَهُوَ أَصْغَرُهُمْ ، فَمَكَثَ أَيَّامًا لَمْ يَسِرْ ... فَقَالَ لَهُ
رَجُلٌ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَتَوَمَّرُهُ عَلَيْنَا وَهُوَ أَصْغَرُنَا؟ فَذَكَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قِرَاءَتَهُ الْقُرْآنَ . (۱)

هیأتی را به یمن فرستاد و از میان آنها ، کم سال ترین فرد را به ریاستشان برگزید . چند روزی گذشت و آن هیأت راهی نشد ... مردی به پیامبر عرض کرد : ای رسول خدا ! او را که از همه ما سنش کمتر است ، رئیس ما کرده ای ؟ پیامبر (در بیان علت این کار) قاری قرآن بودن او را یادآور شد .

(۹۸) قرآن شناسی

ص: ۹۸

۱- کنز العُمَال : ۴۰۲۰ .

آن چه که زینده قرآن دان است

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِذْ خَرَجَ ذَاتَ يَوْمٍ وَهُوَ يُنَادِي بِأَعْلَى صَوْتِهِ : يَا حَامِلَةَ الْقُرْآنِ ، أُكْرِمُكَ بِالْبُكَاءِ إِذَا ضَحِكْتَ الْبَطَّالُونَ ، وَقُمَّ بِاللَّيْلِ إِذَا نَامَ النَّائِمُونَ ، وَصُمَّ إِذَا أَكَلَ الْآكِلُونَ ، وَاعْفُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ ، وَلا تَحْقِقْهُ فِيمَنْ يَحْقِقُ ، وَلا تَجْهَلْ فِيمَنْ يَجْهَلُ (۱).

روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به میان مردم آمد و با صدای بلند فریاد زد: ای قرآن دان! آن گاه که هرزگان می خندند ، تو با گریه دیدگان خویش را سرمه کن و شبها که خفتگان در خوابند ، تو (برای عبادت) برخیز و آن گاه که خورندگان می خورند، تو روزه بدار و از کسی که به تو ستم کرده است ، در گذر و با کسی که به تو دشمنی و کینه می ورزد ، کینه موز و با کسی که نسبت به تو جاهلانه رفتار

قرآن شناسی (۹۹)

ص: ۹۹

می کند ، جاهلانه رفتار مکن .

آنچه که زبیده قرآن دان نیست

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا يَنْبَغِي لِصَاحِبِ الْقُرْآنِ أَنْ يَحِدَّ مَعَ مَنْ حِدَّ ، وَ لَا يَجْهَلَ مَعَ مَنْ يَجْهَلُ وَ فِي جُوفِهِ كَلَامُ اللَّهِ
(۱).

برای ملازم قرآن شایسته نیست با کسی که نسبت به او تندی کرده است، تندی کند و کسی که در اندرونش کلام خداست، با کسی که (نسبت به وی) رفتار جهالت آمیز می کند ، جاهلانه رفتار نمی کند .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَيْسَ يَنْبَغِي لِحَامِلِ الْقُرْآنِ أَنْ يَسْتَفْهَهُ فِيمَنْ يَسْفَهُهُ أَوْ يَغْضَبَ فِيمَنْ يَغْضَبُ ، أَوْ يَحْتَدُّ فِيمَنْ يَحْتَدُّ وَ لَكِنْ يَعْفُو وَ يَصْفَحُ لِفَضْلِ الْقُرْآنِ . (۲)

(۱۰۰) قرآن شناسی

ص: ۱۰۰

۱- کنز العمال : ۴۱۹۸ ، ۲۳۴۷ ، ۲۳۴۹ .

۲- کنز العمال : ۴۱۹۸ ، ۲۳۴۷ ، ۲۳۴۹ .

برای قرآن دان ، شایسته نیست که در مقابل رفتار سفاقت آمیز دیگران با خود ، سفیهانه رفتار کند، یا بر کسی که بر او خشم می گیرد ، خشم گیرد ، یا بر کسی که به او پرخاش می کند، پرخاش نماید . بلکه از برکت (وجود) قرآن (در خود) گذشت می کند و می بخشد .

تشویق به تلاوت قرآن

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ : همانا کسانی که کتاب خدا را تلاوت می کنند و نماز را به پای می دارند و از آنچه روزیشان کرده ایم ، در نهان و آشکار ، انفاق می کنند ، امید به تجارتی بسته اند که هرگز کساد نمی شود» (۱)

۱. ۲۹ / فاطر .

ص: ۱۰۱

۱- ۲۹ / فاطر .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَنْ يُحَدِّثَ رَبَّهُ فَلْيَقْرَأِ الْقُرْآنَ. (۱)

هرگاه فردی از شما دوست داشته باشد که با پروردگارش سخن بگوید ، قرآن بخواند .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَصَدُّ كَمَا يَصَدُّ الْحَدِيدُ. قِيلَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَمَا جَلَاؤُهَا؟

قَالَ : تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ . (۲)

این دل ها نیز همانند آهن زنگار می بندد. عرض شد: ای رسول خدا، صیقل دهنده دل ها چیست ؟ فرمود: تلاوت قرآن .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : عَلَيْكَ بِقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ ؛ فَإِنَّ قِرَاءَتَهُ كَفَّارَةٌ لِلذُّنُوبِ ، وَ سَتْرٌ فِي

۱- کنز العُمال : ۲۲۵۷ ، ۲۴۴۱ .

۲- کنز العُمال : ۲۲۵۷ ، ۲۴۴۱ .

النار، و أمانٌ مِنَ العذابِ (۱).

بر تو باد ، خواندن قرآن ؛ زیرا خواندن آن کفاره گناهان است و پرده ای در برابر آتش و موجب ایمنی از عذاب .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله : إِذَا قَرَأَ الْقَارِئُ الْقُرْآنَ فَأَخْطَأَ أَوْ لَحَنَ أَوْ كَانَ أَعْجَمِيًّا كَتَبَهُ الْمَلَكُ كَمَا أُنزِلَ (۲).

هرگاه قاری ، قرآن بخواند و دچار خطا یا لحن (اشتباه اعرابی) شود و یا قاری غیرعرب باشد ، فرشته برای او به همان صورتی که نازل شده است بنویسد .

قرآن شناسی (۱۰۳)

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله : يَا بُنَيَّ ، لَا تَغْفُلْ عَن قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ ؛ فَإِنَّ الْقُرْآنَ يُحْيِي الْقَلْبَ ، وَ

ص: ۱۰۳

۱- البحار : ۹۲/۱۷/۱۸ .

۲- كنز العَمَال : ۲۲۸۴ ، ۴۰۳۲ ، ۲۳۴۷ ، ۲۳۴۹ .

يَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ. (۱)

فرزندم! از خواندن قرآن غافل مباش؛ زیرا که قرآن دل را زنده می کند و از فحشا و زشتکاری و ستم و گناه بازمی دارد.

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَقَدْ اسْتَدْرَجَ النُّبُوَّةَ مِنْ جَنَبِيهِ، غَيْرَ أَنَّهُ لَا يُوحَى إِلَيْهِ. (۲)

کسی که قرآن بخواند، پیامبری از دو پهلویش بالا رود، منتها به او وحی نمی شود.

(۱۰۴) قرآن شناسی

ص: ۱۰۴

۱- کنز العُمَال: ۲۲۸۴، ۴۰۳۲، ۲۳۴۷، ۲۳۴۹.

۲- کنز العُمَال: ۲۲۸۴، ۴۰۳۲، ۲۳۴۷، ۲۳۴۹.

خواندن قرآن با صدای خوش

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ حُسْنَ الصَّوْتِ زِينَةٌ لِلْقُرْآنِ. (۱)

صدای خوش، زیور قرآن است.

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِكُلِّ شَيْءٍ حِلْيَةٌ وَحِلْيَةُ الْقُرْآنِ الصَّوْتُ الْحَسَنُ. (۲)

هر چیزی زیوری دارد و زیور قرآن صدای خوش است.

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: زَيَّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ. (۳)

قرآن را با صداهای (خوش) خود، زینت بخشید.

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَمَّا سُئِلَ عَنْ أَحْسَنِ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ: مَنْ إِذَا

قرآن شناسی (۱۰۵)

ص: ۱۰۵

۱- البحار: ۹۲/۱۹۰/۲.

۲- كنز العُمال: ۲۷۶۸.

۳- البحار: ۹۲/۱۹۰/۲ و ص ۱۹۵/۱۰.

سَمِعَتْ قِرَاءَتَهُ رَأَيْتَ أَنَّهُ يَخْشَى اللَّهَ. (۱)

در پاسخ به این سؤال که چه کسی قرآن را از همه خوشتر می خواند ، فرمود : کسی که هرگاه قرآن خواندن او را بشنوی ، ترس و خشیت از خدا را در او ببینی .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ مِنْ أَحْسَنِ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ الَّذِي إِذَا سَمِعْتُمُوهُ يَقْرَأُ حَسِبْتُمُوهُ يَخْشَى اللَّهَ. (۲)

از جمله خوش صداترین مردم در قرائت قرآن ، کسی است که وقتی بشنوی قرآن می خواند گمان بری که از خدا می ترسد .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : حَسِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ ؛ فَإِنَّ الصَّوْتَ الْحَسَنَ يَزِيدُ

(۱۰۶) قرآن شناسی

ص: ۱۰۶

۱- البحار : ۹۲/۱۹۰/۲ و ص ۱۹۵/۱۰ .

۲- الترغيب و الترهيب : ۲/۳۶۴/۹ .

قرآن را با صدای خوش بخوانید ؛ زیرا صدای زیبا ، بر زیبایی قرآن می افزاید .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : فِي قَوْلِهِ تَعَالَى : يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ : يَتَّبِعُونَهُ حَقَّ اتِّبَاعِهِ . (۲)

درباره آیه «آن را تلاوت می کنند آن گونه که حق تلاوت آن است» ، فرمود : (یعنی) از آن چنان که باید و شاید ، پیروی می کنند .

قرآن شناسی (۱۰۷)

ص: ۱۰۷

۱- کنز العُمَال : ۲۷۶۵ .

۲- . الدر المثنور : ۱/۲۷۲ .

۱ تمیز کردن دهان

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : نَظَّفُوا طَرِيقَ الْقُرْآنِ ، قِيلَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، وَ مَا طَرِيقُ الْقُرْآنِ ؟ قَالَ : أَفْوَاهُكُمْ ، قِيلَ : بِمَاذَا ؟ قَالَ : بِالسَّوَاكِ ؟ (۱)

گذرگاه قرآن را نظافت کنید . عرض شد : ای رسول خدا ، گذرگاه قرآن چیست؟ فرمود: دهانهایتان؛ عرض شد: باچه تمیزش کنیم؟ فرمود: بامسواک زدن.

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ أَفْوَاهَكُمْ طُرُقُ الْقُرْآنِ ، فَطَيَّبُوهَا بِالسَّوَاكِ ؟ (۲)

همانها دهان های شما گذرگاه های قرآن است . پس آنها را با مسواک زدن ، خوشبو کنید .

(۱۰۸) قرآن شناسی

ص: ۱۰۸

۱- البحار : ۹۲/۲۱۳/۱۱ .

۲- کنز العمال : ۲۷۵۱ ، ۲۷۵۲ .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : طَيَّبُوا أَفْوَاهَكُمْ ؛ فَإِنَّ أَفْوَاهَكُمْ طَرِيقُ الْقُرْآنِ . (١)

دهانهایتان را ، خوشبو کنید ؛ زیرا که دهان های شما ، گذرگاه قرآن است .

٢ ترتیل (روشن و شمرده خواندن)

ترتیل (روشن و شمرده خواندن)

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : فِي قَوْلِهِ تَعَالَى : «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا» : بَيِّنُهُ تَبْيَانًا ، وَلَا تَنْثُرُهُ نَثْرَ الْبَقْلِ ، وَلَا تَهَيِّدُهُ هَيْدَ الشُّعْرِ ، قَفُوا عِنْدَ عَجَائِبِهِ ، حَرِّكُوا بِهِ الْقُلُوبَ ، وَلَا يَكُنْ هُمْ أَحَدِكُمْ آخِرَ السُّورَةِ . (٢)

درباره آیه «و رتل القرآن ترتیلاً» فرمود : قرآن را روشن و شمرده بخوان و آن را مانند تخم علف پاش مده و همچون شعر به شتاب و بریده و بریده بخوان . در شکفتیهایش درنگ کنید ، دل ها را با آن به تپش و حرکت درآورید و همه

قرآن شناسی (١٠٩)

ص: ١٠٩

١- کنز العمال : ٢٧٥١ ، ٢٧٥٢ .

٢- نوادر الزاوندی : ٣٠ .

کوشش شما این نباشد که سوره را به آخر برسانید .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَيضًا : بَيِّنَةٌ تَبَيَّنَا ، وَ لَا تَهْدِيهِ هَيْدَ الشُّعْرِ ، قَفُّوا عِنْدَ عَجَائِبِهِ ، جَرُّوا بِهِ الْقُلُوبَ ، وَ لَا يَكُنْ هُمُّ أَحَدِكُمْ آخِرَ السُّورَةِ . (۱)

نیز درباره همین آیه ، فرمود : قرآن را روشن و شمرده بخوانید و مانند شعر تند و بریده بریده بخوانید ، در مطالب شگفت انگیزش تأمل کنید و دل ها را با آن بیشتر زیند و تمام سعی شما این نباشد که سوره را به آخر رسانید .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَنِّي لَأَعْجَبُ كَيْفَ لَا أُشِيبُ إِذَا قَرَأْتُ الْقُرْآنَ ! (۲)

من در شگفتم که وقتی قرآن می خوانم ، چگونه مویم سفید نمی شود .

(۱۱۰) قرآن شناسی

ص: ۱۱۰

۱- کنز العمال : ۴۱۱۷ .

۲- البحار : ۱۶/۲۵۸/۴۲ .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : اِقْرَؤُوا الْقُرْآنَ بِالْحُزْنِ ؛ فَإِنَّهُ نَزَلَ بِالْحُزْنِ . (۱)

قرآن را با آواز حزين بخوانيد ؛ زيرا كه آن با صوت حزين نازل شده است .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : اِقْرَؤُوا الْقُرْآنَ وَابْكُوا ، فَإِنْ لَمْ تَبْكُوا فَتَبَاكُوا ، لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَتَعَنَّ بِالْقُرْآنِ . (۲)

قرآن را بخوانيد و گريه كنيد و اگر گريه تان نمي آيد ، خود را به گريه بنزيد . از ما نيست كسي كه قرآن را با صوت خوب نخواند .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا مِنْ عَيْنٍ فَاضَتْ مِنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ إِلَّا قَرَّتْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۳)

قرآن شناسی (۱۱۱)

ص: ۱۱۱

۱- كنز العَمَال : ۲۷۷۷ ، ۲۷۹۴ ، ۲۸۲۴ ، ۴۱۴۳ .

۲- كنز العَمَال : ۲۷۷۷ ، ۲۷۹۴ ، ۲۸۲۴ ، ۴۱۴۳ .

۳- كنز العَمَال : ۲۸۲۸ .

هیچ دیده ای نیست که از خواندن قرآن اشکش سرازیر نشود ، مگر اینکه روز قیامت روشن شود .

رسول الله صلی الله علیه و آله لَمَّا سُئِلَ عَنْ أَحْسَنِ النَّاسِ قِرَاءَةً : إِذَا سَمِعَتْ قِرَاءَتَهُ رَأَيْتَ أَنَّهُ يَخْشَى اللَّهَ . (۱)

در پاسخ به این سؤال که خوش خوان ترین قرآن چه کسی است ، فرمود : کسی که هرگاه قرآن خواندنش را بشنوی ، فکر کنی که از خدا می ترسد .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا يَفْقَهُ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي أَقَلِّ مِنْ ثَلَاثٍ . (۲)

کسی که قرآن را در کمتر از سه (روز) بخواند ، (در آن) فقیه و دانا نمی شود .

(۱۱۲) قرآن شناسی

ص: ۱۱۲

۱- کنز العمال : ۲۷۷۷ ، ۲۷۹۴ ، ۲۸۲۴ ، ۴۱۴۳ .

۲- کنز العمال : ۲۷۷۷ ، ۲۷۹۴ ، ۲۸۲۴ ، ۴۱۴۳ .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : فِيمَا قَالَ لِابْنِ عُمَرَ : إِقْرَأِ الْقُرْآنَ فِي كُلِّ شَهْرٍ ، قَالَ : قُلْتُ : إِنِّي أَجِدُ قُوَّةً ، قَالَ : إِقْرَأْهُ فِي عِشْرِينَ لَيْلَةً ، قَالَ : قُلْتُ : أَنِّي أَجِدُ قُوَّةً ، قَالَ : فَاقْرَأْهُ فِي عَشْرِ لَيَالٍ ، قَالَ : إِنِّي أَجِدُ قُوَّةً ، قَالَ : فَاقْرَأْهُ فِي سَبْعٍ وَلَا تَزِدْ عَلَيَّ ذَلِكَ (۱)

در سخنانی به پسر عمر فرمود: قرآن را در یک ماه بخوان. ابن عمر می گوید: عرض کردم: من می توانم در کمتر از این مدت بخوانم. فرمود: در بیست شب بخوان. می گوید: عرض کردم: می توانم در کمتر از این مدت هم بخوانم. فرمود: در ده شب بخوان. عرض کرد: می توانم در کمتر از این هم بخوانم. فرمود: در هفت شب بخوان و از این جلوتر مرو.

قرآن شناسی (۱۱۳)

ص: ۱۱۳

۱- كَثْرَةُ الْعَمَالِ : ۲۸۱۵ .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ اسْتِخْفَافًا بِالَّذِينَ ... وَ أَنْ تَتَّخِذُوا الْقُرْآنَ مَزَامِيرًا. (۱)

نگرانی من برای شما این است که دین را سبک شمارید ... و قرآن را با ساز و آواز بخوانید .

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ رَوَاحَةَ : نَهَانَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يَقْرَأَ أَحَدُنَا الْقُرْآنَ وَ هُوَ جُنُبٌ. (۲)

عبدالله بن رواحه : رسول خدا صلی الله علیه و آله ما را نهی فرمود ، از اینکه فردی از ما در حال جنابت قرآن بخواند .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ يَتَأَكَّلُ بِهِ النَّاسَ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

(۱۱۴) قرآن شناسی

ص: ۱۱۴

۱- البحار : ۹۲/۱۹۴/۸ .

۲- كنز العمال : ۴۲۰۱ .

و وَجْهُهُ عَظِيمٌ لَيْسَ عَلَيْهِ لَحْمٌ. (۱)

کسی که قرآن خواندن را وسیله امرار معاش خود از مردم قرار دهد ، روز قیامت در حالی بیاید که چهره اش اسکلتی بدون گوشت است .

کسی که قرآن لعنتش می کند

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : رَبُّ تَالِ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ يَلْعَنُهُ. (۲)

ای بسا قرآن خوانی ، که قرآن لعنتش می کند .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَيْسَ الْقُرْآنُ بِالتَّلَاوَةِ وَلَا الْعِلْمِ بِالرِّوَايَةِ ، وَلَكِنَّ الْقُرْآنَ بِالْهِدَايَةِ وَالْعِلْمَ بِالدَّرَايَةِ . (۳)

قرآن شناسی (۱۱۵)

ص: ۱۱۵

۱- کنز العمال : ۲۸۴۳ .

۲- البحار : ۹۲/۱۸۴/۱۹ .

۳- کنز العمال : ۲۴۶۲ .

قرآن نه به تلاوت کردن است و نه به دانستن روایت آن ، بلکه قرآن به هدایت است و فهمیدن آن .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : اقْرَأِ الْقُرْآنَ مَا نَهَاكَ ، فَإِنْ (فَإِذَا) لَمْ يَنْهَكَ فَلَسْتَ تَقْرَؤُهُ . (۱)

تا زمانی که قرآن تو را (از گناهان) بازمی دارد ، قرآن بخوان ، زیرا اگر تو را بازنداشت (در حقیقت) آن را نخوانده ای .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الْغُرَبَاءُ فِي الدُّنْيَا أَرْبَعَةٌ : قرآنٌ فِي جَوْفِ ظَالِمٍ ، وَ مَسْجِدٌ فِي نَادِي قَوْمٍ لَا يُصَلِّي فِيهِ ، وَ مُصْحَفٌ فِي بَيْتٍ لَا يُقْرَأُ فِيهِ ، وَ رَجُلٌ صَالِحٌ مَعَ قَوْمٍ سَوِيٍّ . (۲)

(۱۱۶) قرآن شناسی

غریبان دنیا چهارنفرند : قرآنی که در اندرون ستمگر است ، مسجدی که در

ص: ۱۱۶

۱- کُنز العُمَال : ۲۷۷۶ ، ۲۸۴۵ .

۲- کُنز العُمَال : ۲۷۷۶ ، ۲۸۴۵ .

محلّه ای باشد و مردم در آن نماز نخوانند ، مصحفی که در خانه ای باشد و خوانده نشود و مرد پرهیزگاری که در میان مردمانی بد به سر می برد .

قاریان نابکار

مصباح الشَّرِيعَةِ : قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَكْثَرُ مُنَافِقِي أُمَّتِي قُرَاؤُهَا . (۱)

مصباح الشَّرِيعَةِ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : بیشتر منافقان اُمّت من ، قاریان آن هستند (منظور کسانی هستند که قرآن می خوانند ولی برخلاف آن رفتار می کنند) .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ فِي جَهَنَّمَ رَحَاءً مِنْ حَدِيدٍ تُطْحَنُ بِهَا رُؤُوسُ الْقُرَّاءِ ، وَالْعُلَمَاءِ الْمُجْرِمِينَ . (۲)

قرآن شناسی (۱۱۷)

ص: ۱۱۷

۱- کنز العُمَال : ۲۷۷۶ ، ۲۸۴۵ .

۲- مصباح الشَّرِيعَةِ : ۳۷۳ .

در دوزخ آسیابی آهنی است ، که با آن سرهای قاریان و علمای گنهکار آرد می شود .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ لِلدُّنْيَا وَزَيَّنَّهَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ. (۱)

هرکس قرآن را برای دنیا و زیور آن فراگیرد ، خداوند بهشت را بر او حرام گرداند .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : قُرَاءُ الْقُرْآنِ ثَلَاثَةٌ : رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَاتَّخَذَهُ بِضَاعَةً فَاسْتَحْرَمَهُ (۲) الْمُلُوكَ وَاسْتَمَالَ بِهِ النَّاسَ ، وَ رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَأَقَامَ حُرُوفَهُ وَضَيَّعَ حُدُودَهُ ، كَثُرَ هَوْلًا مِنْ قُرَاءِ الْقُرْآنِ لَأَكْثَرَهُمْ اللَّهُ تَعَالَى ! وَ رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ

(۱۱۸) قرآن شناسی

ص: ۱۱۸

۱- . البحار : ۷۷/۱۰۰/۱ .

۲- فی لسان المیزان : «فَاسْتَحْرَجَ بِهِ الْمُلُوكَ» . (کما فی هامش المصدر).

فَوَضَعَ دَوَاءَ الْقُرْآنِ عَلَى دَاءِ قَلْبِهِ فَأَسِيَهَرَ بِهِ لَيْلَهُ وَأُظْمَأَ بِهِ نَهَارَهُ ، فَهَوْلَاءِ يَدْفَعُ اللَّهُ بِهِمُ الْبَلَاءَ وَيُرِيْلُ (١) مِنَ الْأَعْدَاءِ وَيُنزِلُ غَيْثَ السَّمَاءِ ، فَوَاللَّهِ لَهُوْلَاءِ مِنَ الْقُرَاءِ أَعَزُّ مِنَ الْكِبْرِيتِ الْأَحْمَرِ . (٢)

قاریان قرآن سه گونه اند : مردی که قرآن می خواند و آن را وسیله ای برای تقرب به شاهان و جلب توجه مردم قرار می دهد و مردی که قرآن می خواند و الفاظ و کلماتش را برپا می دارد و معانیش را فرو می گذارد . این دسته از قاریان قرآن تعدادشان زیاد است و خدا امثال آنها را زیاد نکند و مردی که قرآن می خواند و دارو و مرهم قرآن را بر روی درد دل خویش می نهد . شبش را

قرآن شناسی (١١٩)

ص: ١١٩

١- فی المنتخب : «یدیل» . (کما فی هامش المصدر ، و هو الاظهر).

٢- کنز العمال : ٢٨٨٢ .

با آن به بیداری می گذرانند و روزش را با آن به تشنگی سپری می کند . اینانند که خداوند به برکت وجودشان ، بلا را می گردانند و دشمنان را از میان می برد و باران آسمان را فرو می فرستد ؛ به خدا سوگند که این قاریان از کبریت احمر کمیاب ترند .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ يُرِيدُ بِهِ السُّمْعَةَ وَالتَّمَّاسَ شَيْءٍ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَوَجْهُهُ عَظِيمٌ لَيْسَ عَلَيْهِ لَحْمٌ ... وَ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ لَمْ يَعْمَلْ بِهِ حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى فَيَقُولُ : «رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى...» . (۱)

هرکه برای شهرت طلبی و رسیدن به چیزی قرآن بخواند ، در روز قیامت با چهره ای استخوانی و بی گوشت ، خدای عزوجل را دیدار کند ... و هرکه

(۱۲۰) قرآن شناسی

ص: ۱۲۰

۱- ثواب الأعمال : ۳۳۷/۱ .

قرآن بخواند و به آن عمل نکند ، خداوند در روز قیامت او را کور محشور گرداند ، پس بگوید : «پروردگارا ! چرا مرا کور محشور کردی ...» .

گوش دادن به قرآن

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَلَا مَنْ اشْتَقَ إِلَى اللَّهِ فَلَيْسَتْ مَعَهُ كَلِمَةُ اللَّهِ . (۱)

هان ! هر که مشتاق خداست ، پس ، به کلام خدا گوش دهد .

رسول الله صلى الله عليه وآله : مَنْ اسْتَمَعَ آيَةَ مِنَ الْقُرْآنِ خَيْرٌ لَهُ مِنْ ثَبِيرٍ ذَهَبًا ، وَالثَّبِيرُ اسْمُ جَبَلٍ عَظِيمٍ بِالْيَمَنِ . (۲)

هر که یک آیه از قرآن گوش کند ، برایش بهتر از ثبیری از طلاست ؛ ثبیر نام

قرآن شناسی (۱۲۱)

ص: ۱۲۱

۱- کنز العمال : ۲۴۷۲ .

۲- البحار : ۹۲/۲۰/۱۸ .

کوه بزرگی در یمن است .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يُدْفَعُ عَنْ قَارِيِ الْقُرْآنِ بَلَاءُ الدُّنْيَا وَ يُدْفَعُ عَنْ مُسْتَمِعِ الْقُرْآنِ بَلَاءُ الْآخِرَةِ . (۱)

از قاری قرآن ، بلای دنیا دور می شود و از شنونده قرآن ، بلای آخرت .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ اسْتَمَعَ إِلَى آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ كُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ مُضَاعَفَةٌ ، وَ مَنْ تَلَا آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ كَانَتْ لَهُ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (۲)

هر که به یک آیه از کتاب خدا گوش دهد ، برایش ثوابی دو چندان نوشته شود و هر که یک آیه از کتاب خدا تلاوت کند ، روز قیامت آن آیه نوری برای او باشد .

(۱۲۲) قرآن شناسی

ص: ۱۲۲

۱- کنز العمال : ۴۰۳۱ ، ۲۳۱۶ .

۲- کنز العمال : ۴۰۳۱ ، ۲۳۱۶ .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ آيَةً إِلَّا لَهَا ظَهْرٌ وَبَطْنٌ ، وَكُلُّ حَرْفٍ حَدٌّ ، وَكُلُّ حَدٍّ مُطَّلَعٌ . (۱)

خدای عزوجل هیچ آیه ای نازل نکرد ، مگر اینکه آن را ظاهری است و باطنی و هر حرفی حدی است و هر حدی مقطعی .

قرآن شناسی (۱۲۳)

ص: ۱۲۳

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : قَالَ اللَّهُ «جَلَّ جَلَالُهُ» : مَا آمَنَ بِي مَنْ فَسَّرَ بِرَأْيِهِ كَلَامِي. (۱)

به من ایمان نیاورده است، کسی که سخن مرا براساس رأی خودش تفسیر کند.

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بَعِيرٍ عِلْمٌ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ. (۲)

هر که ندانسته درباره قرآن سخن بگوید ، جایگاهش آتش است .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ تَكَلَّمَ فِي الْقُرْآنِ بِرَأْيِهِ فَأَصَابَ فَقَدْ أَخْطَأَ. (۳)

هر که در قرآن مطابق نظر خود سخن بگوید و سخنش درست هم باشد ، باز خطا کرده است .

(۱۲۴) قرآن شناسی

ص: ۱۲۴

۱- البحار : ۹۲/۱۰۷/۱ و ص ۱۱۰/۱۱ .

۲- كنز العمال : ۲۹۵۸ .

۳- البحار : ۹۲/۱۱۱/۲۰ .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بَغَيْرِ مَا عَلِمَ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُلْجَمًا بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ. (١)

هر که در باب قرآن ندانسته چیزی بگوید ، روز قیامت در حالی آورده شود که لگامی از آتش بر او زده شده است .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَكْثَرُ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي رَجُلٌ يَتَأَوَّلُ الْقُرْآنَ يَضَعُهُ عَلَى غَيْرِ مَوَاضِعِهِ . (٢)

بیشترین چیزی که بعد از خود برای امتم از آن می ترسم ، مردی است که قرآن را تاویل نابجا کند .

قرآن شناسی (١٢٥)

ص: ١٢٥

١- البحار : ٩٢/١١١/٢٠ .

٢- منيه المرید : ٣٦٩ .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ عَلَى خَمْسَةِ وُجُوهِ : حَلَالٍ ، وَحَرَامٍ ، وَ مُحْكَمٍ ، وَ مُتَشَابِهٍ ، وَأَمْثَالٍ . فَاعْمَلُوا بِالْحَلَالِ ، وَدَعُوا الْحَرَامَ ، وَاعْمَلُوا بِالْمُحْكَمِ ، وَدَعُوا الْمُتَشَابِهَ ، وَاعْتَبِرُوا بِالْأَمْثَالِ . (۱)

قرآن ، بر پنج وجه نازل شده است : حلال و حرام و محکم و متشابه و مثل ها . پس به حلال عمل کنید و از حرام باز ایستید و محکم را به کار بندید و با متشابه کاری نداشته باشید و از مثل ها عبرت گیرید .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَنْزَلَ الْقُرْآنَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرُفٍ : آمِرٍ ، وَ زَاجِرٍ ، وَ تَرْغِيبٍ ، وَ تَرْهِيْبٍ ، وَ حَيْدَلٍ ، وَ قَصِصٍ ، وَ مَثَلٍ . (۲)

(۱۲۶) قرآن شناسی

ص: ۱۲۶

۱- البحار : ۹۲/۱۸۶/۳ .

۲- كنز العَمَال : ۳۰۹۶

قرآن، بر هفت حرف نازل شده است: امر و نهی و ترغیب کردن و ترساندن و جدل و داستان و مثل.

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْقُرْآنُ ذُو وُجُوهِ، فَأَحْمِلُوهُ عَلَى أَحْسَنِ وُجُوهِهِ. (۱)

قرآن، وجوه گوناگون دارد. پس آن را بر بهترین وجوهش حمل (و معنا) کنید.

ام القرآن

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» أُمُّ الْقُرْآنِ وَ أُمُّ الْكِتَابِ وَالسَّبْعُ الْمَثَانِي. (۲)

سوره حمد، ام القرآن و ام الكتاب و سبع المثانی است.

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» سَبْعُ آيَاتٍ، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

قرآن شناسی (۱۲۷)

ص: ۱۲۷

۱- کنز العمال : ۲۴۶۹ .

۲- الدر المنثور : ۱/۱۲ .

لَرَحِيمٍ» إِحْدَاهُنَّ وَهِيَ السَّبْعُ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنُ الْعَظِيمُ ، وَهِيَ أُمُّ الْقُرْآنِ. (۱)

سوره حمد ، هفت آیه است ، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» یکی از آن هفت آیه می باشد . سوره حمد ، سبع المثانی و قرآن عظیم و امّ القرآن است .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لِسَعِيدِ بْنِ الْمُعَلَّى إِذَا دَعَاهُ وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ فَلَمْ يُجِبْهُ : أَلَمْ يَقُلِ اللَّهُ : «اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ» !؟

سعید بن معلی را که در حال نماز بود صدازد اما او جواب نداد . رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: مگر خداوند نفرموده است: «هرگاه خدا و رسول شما را صدا زدند ، جواب بدهید» ؟

ثُمَّ قَالَ : لِأَعْلَمَنَّكَ أَعْظَمَ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ ، فَأَخَذَ

(۱۲۸) قرآن شناسی

ص: ۱۲۸

بِيَدِي ، فَلَمَّا أَرَدْنَا أَنْ نَخْرُجَ قُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنَّكَ قُلْتَ : لَأَعْلَمَنَّكَ سُورَةَ فِي الْقُرْآنِ ؟ قَالَ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» هِيَ سَبْعُ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنُ الْعَظِيمُ الَّذِي أُوتِيَتْهُ . (١)

سپس فرمود : پیش از آنکه مسجد را ترک کنی، با عظمت ترین سوره قرآن را به تو می آموزم. پس ، دستم را رفت و چون نزدیک در مسجد رسیدیم ، عرض کردم : ای رسول خدا ، شما فرمودید که : با عظمت ترین سوره قرآن را به تو می آموزم . حضرت فرمود : «الحمد لله رب العالمين» (سوره حمد) همان سبع المثانی و قرآن عظیمی است ، که به من داده شده است .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِي التَّوْرَةِ وَلَا فِي الْأَنْجِيلِ وَلَا فِي الزَّبُورِ وَلَا

قرآن شناسی (١٢٩)

ص: ١٢٩

فی الفرقانِ مِثْلَ أُمِّ الْقُرْآنِ (۱)

خداوند نه در تورات و نه در انجیل و نه در زبور و نه در فرقان ، همانند امّ القرآن نازل نکرده است .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ قَرَأَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ الزَّبُورَ وَ الْفُرْقَانَ . (۲)

هر که فاتحه کتاب را بخواند، چنان است که تورات و انجیل و زبور و فرقان را.

(۱۳۰) قرآن شناسی

ص: ۱۳۰

۱- الدر المنثور: ۱/۱۳ .

۲- الدر المنثور: ۱/۱۶

عظیم ترین ، عدالت خواهانه ترین ، ترس آورترین و امیدبخش ترین آیه

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَعْظَمُ آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ آيَةُ الْكُرْسِيِّ وَ أَعْدَلُ آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» إِلَى آخِرِهَا

و أَخَوْفُ آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ . وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» .

وَ أَرْجَى آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ»(۱)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : با عظمت ترین آیه قرآن ، آیه الکرسی است . عدالتخواهانه ترین آیه قرآن آیه «همانا خداوند به عدل و احسان

قرآن شناسی (۱۳۱)

ص: ۱۳۱

۱- کنز العمال : ۲۵۳۹ .

فرمان می دهد ...» ، است .

ترس آورترین آیه قرآن ، این آیه است : «پس هر کس همسن ذره ای خوبی کند ، آن را می بیند و هر کس همسن ذره ای بدی کند ، آن را می بیند» . و امیدبخش ترین آیه قرآن ، این آیه است : «بگو : ای بندگان من که بر خویشتن ستم کردید ، از رحمت خدا نومید نشوید» .

قرآن از دیدگاه فاطمه زهرا علیها السلام

أَنْتُمْ عِبَادُ اللَّهِ نُصِبَ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ ، وَ حَمَلَهُ دِينَهُ وَ وَحْيِهِ ، وَ أَمَنَّا بِاللَّهِ عَلَى أَنْفُسِنَا ، وَ بَلَّغَاؤُهُ إِلَى الْأُمَّمِ ، زَعِيمٌ حَقٌّ لَهُ فَيْكُم ، وَ عَهْدٌ قَدَمُهُ إِلَيْكُمْ ، وَ بَقِيَّتُهُ اسْتِخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ ، كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ ، وَ الْقُرْآنُ الصَّادِقُ ، وَ النُّورُ السَّاطِعُ ، وَ الضِّيَاءُ اللَّامِعُ ، بَيْنَهُ بَصَائِرُهُ ، مُنْكَشِفَةٌ سَرَائِرُهُ ، مُتَجَلِّئَةٌ ظَوَاهِرُهُ ، مُغْتَبِطٌ بِهِ أَشْيَاعُهُ ، قَائِدٌ إِلَى الرِّضْوَانِ أَتْبَاعُهُ ، مُؤَدِّ إِلَى النِّجَاهِ اسْتِمَاعُهُ ، بِهِ تُنَالُ حُجُجٌ

(۱۳۲) قرآن شناسی

ص: ۱۳۲

اللَّهِ الْمُنَوَّرَهُ ، وَ عَزَائِمُهُ الْمَفْسَّرَهُ ، وَ مَحَارِمُهُ الْمُحَيَّرَهُ ، وَ بَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ ، وَ بَرَاهِينُهُ الْكَافِيَّةُ ، وَ فَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ ، وَ رُخْصَةُ الْمَوْهُوبَةُ ، وَ شَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ .

شما ای مردم ، مخاطبین خداوند در امر و نهی او و نیز حمل کنندگان دین و وحی الهی و معتمدین او در میان خودتان و همچنین رساننده پیام او به امت ها هستید .

آنکه به حق رهبری می کند بسوی خدا در میان شما است .

و این عهدی است که از پیش با شما بسته شده و باقی مانده ای است (از حجج الهی) که جانشین قرار داد بر شما و آن کتاب گویای خداوند است ، قرآنی که راست می گوید و نوری که روشنی می بخشد و شعاعی درخشان دارد ، آن هم با دلیل ها و برهان های واضح و محتوا و باطنی آشکار ، بطوری که ظهور آن

قرآن شناسی (۱۳۳)

ص: ۱۳۳

جلوه گر است و پیروی از آن انسان را به رضوان خداوند هدایت می کند و شوائی از آن انسان را به سرمنزل نجات می رساند

آری ، به قرآن دستیابی به حجت های نورانی الهی و واجبات بیان شده و محرمات نهی شده و ادله روشن و برهان های رسا و مستحبات فضیلت بخش و نیز مباحات (که در عمل به آنها انسان مختار است) و (بالاخره) شریعت الهی که بصورت کتاب (در اختیار بندگانش قرار گرفته) میسر می شود .

كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ ، أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ ، وَأَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ ، وَ أَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ ، وَ زَوَاجِرُهُ لَائِحَةٌ ، وَ أَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ ، وَ قَدْ خَلَقْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ ، أَرَعَبَهُ عَنْهُ تُرِيدُونَ ؟ أَمْ بَغَيْرِهِ تَحْكُمُونَ ؟ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا ، وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ .

کتاب خدا پیش روی شما است و ابعاد آن ظاهر و گویا است و احکامش (چون

(۱۳۴) قرآن شناسی

ص: ۱۳۴

نور) می درخشد و شعارهایش چشم را خیره می کند و نهیب های پرهیزدهنده آن مرتبا هشدار می دهند و اوامر قرآن همه واضح و روشن است ، اما شما جای او را پشت سر خود قرار دادید (در حالی که قرآن امام شما بود) .

آیا اراده بی مهری و بی رغبتی به قرآن را دارید و حکومت غیر او را پذیرفتید .

ظالمینی که جز قرآن را امام خود قرار دهند بد جانشینی انتخاب کردند و هر کس دینی جز اسلام انتخاب کند از او قبول نشده و در آخرت از زیانکاران است .

از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در خطبه فدکیه ، می فرمایند : «كِتَابُ اللَّهِ بَيِّنَةٌ بَصَائِرُهَا : روشنگریهای کتاب خدا آشکار است» ، «آيَاتُ مُنْكَشَفَةٌ سِرَائِرُهَا : آیات و نشانه هایی است که درونشان آشکار است» ، «مُتَجَلِّیَةٌ ظَوَاهِرُهُ : ظواهر قرآن دارای جلوه است» ، «مُدِيمَا لِلْبُرِّيَّةِ اسْتِمَاعُهُ : بر خلق شنیدن و استماع آن بادوام است» ؛ یعنی دائم

قرآن شناسی (۱۳۵)

ص: ۱۳۵

باید در این فعل باشند ؛ «قَاتِلُوا إِلَى الرُّضْوَانِ أَتْبَاعَهُ : پیروی کنندگان از این قرآن را به رضوان ، رضایت حق و به بهشت می کشد» ، «مُؤَدِّيَا إِلَى النَّجَاهِ أَشْيَاعُهُ : پیروان خود را به نجات و فوز هدایت می کند» ، «فِيهِ تَبْيَانٌ حُجَّجِ اللّٰهِ الْمُتَبَيِّرُ : در قرآن روشنگری است برای حجت ها و براهین الهی» ، «وَمَحَارِمِهِ الْمُحَرَّمَاتُ : در قرآن روشنگری شده است که چه چیزهایی حرام است» ، «وَفَضَائِلِهِ الْمُؤَدِّيَّةُ : فضیلت های مدون الهی در قرآن مستتر است» ، «وَجَمَلِهِ الْكَافِيَةُ : جملات و عباراتی که بشر را کفایت کند ، در قرآن هست» ، «وَرُخْصِهِ الْمَوْعُودَةُ : آن مواردی که خدای تعالی به بشر رخصت داده است ، در قرآن مستتر است» ، «وَشَرَائِعِهِ الْمَكْتُوبَةُ : شرایع و عباداتی که فرض و واجب شده ، در قرآن است» ، «وَبَيِّنَاتِهِ الطَّالِبَةُ» .

(۱۳۶) قرآن شناسی

ص: ۱۳۶

الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَفْضَلُ الذِّكْرِ الْقُرْآنُ، بِهِ تُشْرَحُ الصُّدُورُ وَ تَسْتَنِيرُ السَّرَائِرُ. (۱)

بهترین ذکر (و سخن) قرآن است؛ با قرآن است، که سینه ها فراخ می شود و درون ها روشن می گردد.

الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَتَجَلَّى لَهُمْ سُبْحَانَهُ فِي كِتَابِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونُوا رَأَوْهُ بِمَا أَرَاهُمْ مِنْ قُدْرَتِهِ . (۲)

خداوند سبحان، قدرت خویش را در کتابش نمایان ساخت و بدین سان خویشان را به بندگانش، بی آنکه او را ببینند، نشان داد.

قرآن شناسی (۱۳۷)

ص: ۱۳۷

۱- غررالحکم .

۲- نهج البلاغه : خطبه ۱۴۷ ، شرح نهج البلاغه لابن ابي الحديد : ۹/۱۰۳ .

الإمام عليّ عليه السلام : القرآن أفضل الهدايتين (١).

قرآن ، برترین دو هدایت (کننده) است

الإمام عليّ عليه السلام : كتابُ اللهِ تُبَصِّرُونَ بِهِ ، وَ تَنْطِقُونَ بِهِ ، وَ تَسْمَعُونَ بِهِ ، وَ يَنْطِقُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ ، وَ يَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ ، وَ لَا يَخْتَلِفُ فِي اللَّهِ ، وَ لَا يُخَالِفُ بِصَاحِبِهِ عَنِ اللَّهِ . (٢)

امام علی علیه السلام این کتاب خداست که با آن (حق را) می بینید و می گوید و می شنوید و قسمتی از آن قسمت دیگرش را ، گویا می سازد و برخی از آن ، بر برخی دیگر گواهی می دهد و درباره خدا (حق و احکام او یا جذب خلق به سوی خدا) اختلافی ندارد و پیرو خود را از خدا ، جدا نمی سازد .

(١٣٨) قرآن شناسی

ص: ١٣٨

١- غررالحکم : ١٦٦٤ .

٢- نهج البلاغه ، خطبه ١٣٣ .

الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّ أَحْسَنَ الْقَصَصِ وَ أْبْلَغَ الْمَوْعِظَةِ وَ أَنْفَعَ التَّذَكُّرِ كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ (١)

بهترین داستان و رساترین اندرز و سودمندترین پند ، کتاب خدای عزوجل است .

الإمام عليّ عليه السلام: تَعَلَّمُوا كِتَابَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ؛ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَ أْبْلَغُ الْمَوْعِظَةِ ، وَ تَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ ، وَ اسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ ، وَ أَحْسِنُوا تِلَاوَتَهُ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْقَصَصِ . (٢)

کتاب خدای تبارک و تعالی را بیاموزید ؛ زیرا که آن نیکوترین سخن و رساترین اندرز است و قرآن را بفهمید ؛ زیرا که آن بهار دلهاست و از

قرآن شناسی (١٣٩)

ص: ١٣٩

١- الکافی : ٨/١٧٥/١٩٤ .

٢- تحف العقول : ١٥٠ .

نور آن شفا جویید ؛ زیرا که آن شفابخش بیماری های سینه هاست و آن را نیکو تلاوت کنید ؛ زیرا که آن بهترین ، داستان است .

قرآن همیشه نواست

الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَمَّا سَمِعَ ضَجَّةَ أَصْحَابِهِ فِي الْمَسْجِدِ وَ هُمْ يَقْرَءُونَ الْقُرْآنَ : طَوَّبِي لِهَؤُلَاءِ ، كَانُوا أَحَبَّ النَّاسِ إِلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ . (١)

هنگامی که صدای یاران خود را در مسجد که به خواندن قرآن بلند بود شنید ، فرمود : خوشا به حالشان ، اینان ، محبوب ترین مردم نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند

الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ ، وَ يُحَسِّنَ أَدَبَهُ ، وَ

(١٤٠) قرآن شناسی

يُعَلِّمُهُ الْقُرْآنَ . (٢)

ص: ١٤٠

١- كُنزُ الْعَمَالِ : ٤٠٢٥ ، ٢٣٨٢ ، ٢٣٨٤ ، ٢٣٢٠ ، ٢٣٧٥ ، ٢٣٨٦ .

٢- نَهْجُ الْبَلَاغَةِ : الْحِكْمَةُ ٣٩٩ .

از جمله حقوق فرزند بر پدر، این است که نامی نیکو براوینهد و به خوبی تربیتش کند و قرآن را به او بیاموزد.

پادشاه قرآن دانان

الإمامُ عليُّ عليه السلام : اقْرؤوا القرآنَ واسْتَظْهِرُوهُ ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُعَذِّبُ قَلْبًا وَعَاءَ الْقُرْآنِ. (۱)

قرآن را بخوانید و آن را حفظ کنید ؛ زیرا خدای متعال دلی را که ظرف قرآن است ، عذاب نمی کند .

قرآن شناسی (۱۴۱)

ص: ۱۴۱

۱- جامع الأخبار : ۱۱۵/۲۰۵ .

الإمام عليّ عليه السلام : لِقَاحُ الإِيْمَانِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ. (١)

بارور شدن ایمان به تلاوت قرآن است .

الإمام عليّ عليه السلام : مَنْ أُنِسَ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ لَمْ تُوحِشْهُ مُفَارَقَةُ الإِخْوَانِ. (٢)

هر که به تلاوت قرآن انس گیرد ، جدایی برادران او را به وحشت تنهایی نیندازد .

الإمام عليّ عليه السلام عِنْدَ خَتْمِهِ الْقُرْآنَ : اللَّهُمَّ اشْرَحْ بِالْقُرْآنِ صَدْرِي ، وَاسْتَعْمِلْ بِالْقُرْآنِ بَدَنِي ، وَنَوِّرْ بِالْقُرْآنِ بَصْرِي ، وَاطْلِقْ بِالْقُرْآنِ لِسَانِي ، وَاعِنِّي عَلَيْهِ مَا أَبْقَيْتَنِي ، فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلاَّ بِكَ .

پس از ختم قرآن ، این دعا را می خواند : بارخدایا! سینه ام را با قرآن فراخ

(١٤٢) قرآن شناسی

ص: ١٤٢

١- غررالحکم: ٧٦٣٣ .

٢- غررالحکم : ٨٧٩ .

گردان و بدنم را با (احکام) قرآن به کار گیر و دیده ام را با قرآن روشنایی بخش و زبانم را با قرآن باز و گویا کن و تا زنده ام، مرا برای عمل به قرآن یاری فرما، که حرکت و قدرتی جز به وسیله تو نیست .

حق تلاوت

الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِلَى اللَّهِ أَشْكُو مِنْ مَعْشَرٍ يَعِيشُونَ جُهَالًا وَيَمُوتُونَ ضَلَالًا ، لَيْسَ فِيهِمْ سِلْعَةٌ أَبْوَرُ مِنَ الْكِتَابِ إِذَا تَلَى حَقَّ تِلَاوَتِهِ ، وَلَا سِلْعَةٌ أَنْفَقَ بَيْعًا وَلَا أَعْلَى ثَمَنًا مِنَ الْكِتَابِ إِذَا حُرِّفَ عَنْ مَوَاضِعِهِ ! (۱)

به خدا شکایت می برم ، از جماعتی که نادان می زیند و گمراه می میرند . آن گاه که کتاب خدا چنان که باید و حق آن است ، تلاوت شود ، در میان

قرآن شناسی (۱۴۳)

ص: ۱۴۳

۱- نهج البلاغه : خطبه ۱۷ ، شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد : ۱/۲۸۴ .

آنان کلاهی بی رونق تر از آن نیست و آن گاه که معانیش تحریف شود متاعی با رونق تر و پربهاتر از آن ، برایشان وجود ندارد .

الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَيْنَ الْقَوْمُ الَّذِينَ دُعُوا إِلَى الْإِسْلَامِ فَتَبَلَّغُوا وَقَرَأُوا الْقُرْآنَ فَأَحْكَمُوهُ؟ (١)

کجايند آن مردمی که به اسلام فراخوانده شدند و آن را پذيرفتند و قرآن را خواندند و استوارش گردانيدند ؟

الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَوْهَ عَلَيَّ إِخْوَانِي الَّذِينَ تَلَّوْا الْقُرْآنَ فَأَحْكَمُوهُ ، وَتَدَبَّرُوا الْفَرَضَ فَأَقَامُوهُ ، أَحْيَاوُ السُّنَّةَ وَأَمَاتُوا الْبِدْعَةَ ، دُعُوا لِلْجِهَادِ فَأَجَابُوا ، وَوَثِقُوا بِالْقَائِدِ فَاتَّبَعُوهُ ! (٢)

(١٤٤) قرآن شناسی

ص: ١٤٤

١- نهج البلاغه : خطبه ١٢١ و ١٨٢ .

٢- نهج البلاغه : خطبه ١٢١ و ١٨٢ .

دریغ و دردا، بر آن برادران من که قرآن را تلاوت کردند و استوارش گردانیدند و درباره فرایض، اندیشیدند و آن‌ها را برپا داشتند و سنت (پیامبر) را زنده نگه داشتند و بدعت را میراندند. به جهاد فراخوانده شدند و اجابت کردند و به رهبر خویش اطمینان کردند و از او پیروی نمودند.

الإمامُ عليُّ عليه السلام : مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَمَاتَ فَدَخَلَ النَّارَ فَهُوَ مَمَّنْ كَانَ يَتَّخِذُ آيَاتِ اللَّهِ هُزُؤًا. (۱)

هر که قرآن خوان باشد و بمیرد و (با این حال) به دوزخ رود، او از کسانی بوده که آیات خدا را به ریشخند می گرفته است.

قرآن شناسی (۱۴۵)

ص: ۱۴۵

۱- نهج البلاغه : حکمت ۲۲۸.

الإمامُ عليٌّ عليه السلام : أَلَا لَا خَيْرَ فِي قِرَاءِهِ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ ، أَلَا لَا خَيْرَ فِي عِبَادِهِ لَيْسَ فِيهَا تَفَقُّهُ . (۱)

بدانید که در قرآن خواندنی که با تدبیر همراه نباشد ، خیری نیست ؛ بدانید که در عبادتی که با فهم و اندیشه توأم نباشد ، خیری نیست .

الإمامُ عليٌّ عليه السلام : تَدَبَّرُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ وَاعْتَبِرُوا بِهِ ، فَإِنَّهُ أْبْلَغُ الْعِبَرِ . (۲)

در آیات قرآن تدبیر کنید و از آن عبرت آموزید ؛ زیرا که قرآن رساترین پندها و عبرتهاست.

(۱۴۶) قرآن شناسی

ص: ۱۴۶

۱- البحار: ۹۲/۲۱۱/۴ و ص ۲۱۶/۲۲ .

۲- غررالحکم: ۴۴۹۳ .

الإمام علي عليه السلام لإياس بن عامر: يا أبا عكٍّ، إنَّكَ إنْ بَقِيَتْ فَسَيَتَقْرَأُ الْقُرْآنَ ثَلَاثَهُ أَصْنَافٍ: صِنْفٌ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَ صِنْفٌ لِلدُّنْيَا، وَ صِنْفٌ لِلْجَدَالِ، فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ مِمَّنْ يَقْرَأُهُ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَافْعَلْ. (١)

به ایاس بن عامر فرمود: ای مرد عکّی، اگر زنده بمانی، خواهی دید که قرآن خوانان سه گروهند: گروهی برای خدای عزوجل می خوانند، گروهی برای دنیا و گروهی برای ستیزه کردن و تو اگر توانستی از کسانی باشی که برای خدای عزوجل قرآن می خوانند، چنین باش.

الإمام علي عليه السلام: مِنْ كِتَابٍ لَهُ إِيمَعَاوِيَةَ: فَعَدَوْتَ عَلَيَّ الدُّنْيَا تَأْوِيلَ الْقُرْآنِ. (٢)

قرآن شناسی (١٤٧)

ص: ١٤٧

١- كُنْزُ الْعَمَالِ: ٤١٩٢.

٢- نَهْجُ الْبَلَاغَةِ: نَامَةٌ ٥٥.

در نامه ای به معاویه ، می فرماید : با تأویل قرآن ، در پی دنیا تاختی .

الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي تَوْصِيْفِ عِتْرَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمْ : هُمْ أَرْمَهُ الْحَقُّ ، وَ أَعْلَامُ الدِّينِ ، وَ أَلْسِنَةُ الصِّدْقِ ، فَأَنْزَلُوهُمْ بِأَحْسَنِ مَنَازِلِ الْقُرْآنِ ، وَرَدُّوهُمْ وَرُودَ الْهَيْمِ الْعِطَاشِ . (۱)

در وصف عترت پیامبر صلوات الله عليهم ، می فرماید : آنان زمام های حق هستند (شما را به سوی حق می کشانند) و نشانه های دین و زبان های راستی و راستگویی . پس آنان را در بهترین منزلگاه های قرآن فرود آورید و همچون اشتران تشنه به سوی آنها بشتابید .

الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْزَلَ الْقُرْآنَ عَلَى سَبْعَةِ أَقْسَامٍ ، كُلُّ

(۱۴۸) قرآن شناسی

ص: ۱۴۸

۱- نهج البلاغه : خطبه ۸۷ .

مِنْهَا شَافٍ كَافٍ ، وَهِيَ : أَمْرٌ ، وَزَجْرٌ ، وَتَرْغِيبٌ ، وَتَرْهِيْبٌ ، وَحَيْدَلٌ ، وَمَثَلٌ ، وَقَصَصٌ ، وَفِي الْقُرْآنِ نَاسِخٌ وَمَنْسُوخٌ وَ
مُحَكَّمٌ وَمُتَشَابِهٌ ، وَخَاصٌّ وَعَامٌّ ، وَمُقَدَّمٌ وَمُؤَخَّرٌ ، وَعَزَائِمٌ وَرُخَصٌ ، وَحَالِلٌ وَحَرَامٌ ، وَفَرَائِضٌ وَأَحْكَامٌ ، وَمُنْقَطِعٌ وَ
مَعطُوفٌ ، وَمُنْقَطِعٌ غَيْرُ مَعطُوفٍ ، وَحَرْفٌ مَكَانَ حَرْفٍ وَمِنْهُ مَا لَفْظُهُ خَاصٌّ ، وَمِنْهُ مَا لَفْظُهُ عَامٌّ مُحْتَمِلُ الْعُمُومِ ، وَمِنْهُ مَا لَفْظُهُ
وَاحِدٌ وَمَعْنَاهُ جَمْعٌ ، وَمِنْهُ مَا لَفْظُهُ جَمْعٌ وَمَعْنَاهُ وَاحِدٌ ، وَمِنْهُ مَا لَفْظُهُ مَاضٍ وَمَعْنَاهُ مُسْتَقْبَلٌ ، وَمِنْهُ مَا لَفْظُهُ عَلَى الْخَبَرِ وَمَعْنَاهُ
حِكَايَةٌ عَنْ قَوْمٍ آخَرَ ، وَمِنْهُ مَا هُوَ بَاقٍ مُحَرَّفٌ عَنْ جِهَتِهِ ، وَمِنْهُ مَا هُوَ عَلَى خِلَافٍ تَنْزِيلِهِ ، وَمِنْهُ مَا تَأْوِيلُهُ فِي تَنْزِيلِهِ ، وَمِنْهُ مَا
تَأْوِيلُهُ قَبْلَ تَنْزِيلِهِ ، وَمِنْهُ مَا تَأْوِيلُهُ بَعْدَ تَنْزِيلِهِ . وَمِنْهُ آيَاتٌ بَعْضُهَا فِي سُورَةٍ وَتَمَامُهَا فِي سُورَةٍ أُخْرَى ، وَمِنْهُ آيَاتٌ نِصْفُهَا مَنْسُوخٌ
وَنِصْفُهَا مَتْرُوكٌ عَلَى حَالِهِ ، وَمِنْهُ آيَاتٌ مُخْتَلِفَةُ اللَّفْظِ مُتَّفِقَةُ الْمَعْنَى ، وَمِنْهُ آيَاتٌ مُتَّفِقَةُ اللَّفْظِ مُخْتَلِفَةُ الْمَعْنَى ، وَ

قرآن شناسی (۱۴۹)

ص: ۱۴۹

مِنْهُ آيَاتٌ فِيهَا رُخْصَةٌ وَإِطْلَاقٌ بَعْدَ الْعَزِيمَةِ ، لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ أَنْ يُؤْخَذَ بِرُخْصَةٍ كَمَا يُؤْخَذُ بِعَزَائِمِهِ . وَمِنْهُ رُخْصَةٌ صَاحِبُهَا فِيهَا بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ أَخَذَ وَإِنْ شَاءَ تَرَكَهَا ، وَمِنْهُ رُخْصَةٌ ظَاهِرُهَا خِلَافُ بَاطِنِهَا يُعْمَلُ بِظَاهِرِهَا عِنْدَ التَّقِيَّةِ وَلَا يُعْمَلُ بِبَاطِنِهَا مَعَ التَّقِيَّةِ ، وَمِنْهُ مُخَاطَبَةٌ لِقَوْمٍ وَالْمَعْنَى لآخِرِينَ ، وَمِنْهُ مُخَاطَبَةٌ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَعْنَاهُ وَقَعَ عَلَى أُمَّتِهِ ، وَمِنْهُ لَا- يُعْرَفُ تَحْرِيمُهُ إِلَّا بِتَحْلِيلِهِ ، وَمِنْهُ مَا تَأْلِفُهُ وَتَنْزِيلُهُ عَلَى غَيْرِ مَعْنَى مَا أَنْزَلَ فِيهِ .

وَمِنْهُ رَدٌّ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَاحْتِجَاجٌ عَلَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالرَّادِقَةِ وَالذَّهْرِيَّةِ وَالشُّنُوبِيَّةِ وَالْقَدْرِيَّةِ وَالْمُجَبَّرَةَ وَعَبْدَهُ الْأَوْثَانَ وَعَبْدَهُ النَّيرَانَ ، وَمِنْهُ احْتِجَاجٌ عَلَى النَّصَارَى فِي الْمَسِيحِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَمِنْهُ الرَّدُّ عَلَى الْيَهُودِ ، وَمِنْهُ الرَّدُّ عَلَيَّمَنْ زَعَمَ أَنَّ الْإِيمَانَ لَا يَزِيدُ وَلَا يَنْقُصُ وَأَنَّ الْكُفْرَ كَذَلِكَ ، وَمِنْهُ رَدٌّ عَلَى مَنْ زَعَمَ أَنَّ لَيْسَ

(١٥٠) قرآن شناسی

ص: ١٥٠

بَعْدَ الْمَوْتِ وَ قَبْلَ الْقِيَامَةِ ثَوَابٌ وَ عِقَابٌ . (۱)

خدای تبارک و تعالی، قرآن را بر هفت قسم نازل فرموده است که هر بخشی از آن شفا دهنده و کفایت کننده است . این هفت قسم عبارتند از : امر و نهی و ترغیب و ترساندن و جدل و مَثَل و داستان . در قرآن آیات ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و خاص و عام و مقدم و مؤخر و واجبات و رخصت ها و حلال و حرام و فرایض و احکام و منقطع و معطوف و منقطع نامعطوف و حرفی به جای حرف دیگر ، وجود دارد .

بعضی از کلمات قرآن ، لفظش خاص است و بعضی لفظش

۱. البحار : ۹۳/۴ و (ص ۱۱ انظر تمام الکلام) و ۹۲/۳۸۲/۱۵ و ص ۳۸۳/۱۹ و ح ۲۱.

قرآن شناسی (۱۵۱)

ص: ۱۵۱

۱- البحار : ۹۳/۴ و (ص ۱۱ انظر تمام الکلام) و ۹۲/۳۸۲/۱۵ و ص ۳۸۳/۱۹ و ح ۲۱.

عام است و عمومیت را می‌رساند و برخی لفظش مفرد است و معنایش جمع و برخی لفظش جمع است و معنایش مفرد . برخی لفظش ماضی است و معنایش مستقبل . برخی لفظش خبری است و معنایش حکایت از قومی دیگر . بعضی از آنها باقی است و از جهت و معنای اصلیش (به معنای دیگر) برگردانده شده است . بعضی از آنها معنایی خلاف تنزیلش دارد و برخی تأویل و تنزیلش یکی است و بعضی تأویلش پیش از تأویل آن است و بعضی تأویلش بعد از تنزیلش .

در قرآن آیاتی هست که قسمتی از آن ، در سوره ای است و دنباله آن در سوره ای دیگر ، آیاتی هست که نصفش منسوخ است و نصفش به حال خود باقی است (و نسخ نشده) ، بعضی از آیات آن الفاظشان متفاوت اما معنایشان با هم یکسان است ، آیاتی هم هست که لفظشان یکسان ، اما معنایشان متفاوت است . بعضی آیات ناظر به رخصت است و بعد از قطعیت ، دست باز گذاشته شده است ؛ زیرا خداوند عزوجل دوست دارد که همان گونه که به واجبات و احکام قطعیش

(۱۵۲) قرآن شناسی

ص: ۱۵۲

عمل می شود به اجازات و رخصتهایش نیز عمل شود .

بعضی از قرآن ، رخصت است و شخص مکلف آزاد است اگر خواست آنها را انجام دهد و اگر خواست ترک کند . بعضی از آن رخصتی است که ظاهرش برخلاف باطنش می باشد ، به ظاهر آن به گاه تقیه عمل می شود ولی به باطن آن حتی از باب تقیه هم نمی توان عمل کرد . بعضی از قسمت های قرآن خطابش به عده ای است ولی مقصود دیگران هستند . برخی از آن مخاطبش پیامبر صلی الله علیه و آله است، اما متعلقش امت او هستند . بعضی از قسمت های آن هست که حرام شمردنش جز با حلال شمردن آن شناخته نمی شود و قسمت هایی هم در قرآن هست که تألیف و تنزیل آن بر غیر معنایی است که درباره آن نازل شده است .

بعضی از قسمت های قرآن ، هست که پاسخ خدای متعال و حجت آوری او بر همه ملحدان و زندیقان و دهریه و ثنویه و قدریه و جبریه و بت پرستان و

قرآن شناسی (۱۵۳)

ص: ۱۵۳

آتش پرستان ، است و قسمت هایی از آن ، احتجاج بر ضد ترسایان (و اعتقادشان) درباره مسیح علیه السلام است و قسمت هایی از آن ردّ بر یهود و قسمت هایی از آن پاسخ به کسانی است که می گویند، نه ایمان قابل افزایش و کاهش است نه کفر. قسمت هایی از آن نیز در پاسخ به کسانی است که خیال می کنند بعد از مرگ و پیش از قیامت پاداش و کیفری در کار نیست .

آیات محکم و متشابه

الإمامُ عليُّ عليه السلام : لَمَّا سُئِلَ عَنِ تَفْسِيرِ الْمُحْكَمِ وَ الْمُتَشَابِهِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ : أَمَّا الْمُحْكَمُ الَّذِي لَمْ يَنْسَحْهُ شَيْءٌ مِنْ الْقُرْآنِ فَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ : «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ» وَإِنَّمَا هَلَكَ النَّاسُ فِي الْمُتَشَابِهِ لِأَنَّهُمْ لَمْ يَقِفُوا عَلَى مَعْنَاهُ وَ لَمْ يَعْرِفُوا حَقِيقَتَهُ ، فَوَضَّ عُمَا لَهُ تَأْوِيلَاتٍ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ بَأْرَائِهِمْ وَ اسْتَعْنَوْا بِذَلِكَ عَنِ مَسْأَلِهِ

(۱۵۴) قرآن شناسی

ص: ۱۵۴

الأوصياء... و أمّا المُتَشَابِهُ مِنَ الْقُرْآنِ فَهُوَ الَّذِي اِنْحَرَفَ مِنْهُ ، مُتَّفِقُ اللَّفْظِ مُخْتَلِفُ الْمَعْنَى ، مِثْلُ قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ : «يُضِلَّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ» فَنَسَبَ الضَّلَالَةَ إِلَى نَفْسِهِ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ ، وَ هَذَا ضَلَالُهُمْ عَن طَرِيقِ الْجَنَّةِ بِفِعْلِهِمْ ، وَ نَسَبَهُ إِلَى الْكُفَّارِ فِي مَوْضِعٍ آخَرَ وَ نَسَبَهُ إِلَى الْإِصْنَامِ فِي آيَةٍ أُخْرَى . (١)

در پاسخ به سؤال از معنای محکم و متشابه در کتاب خدای عزوجل ، فرمود : محکم آن آیه ای است که چیزی از قرآن آن را نسخ نکرده است ؛ این است سخن خدای عزوجل که می فرماید : «اوست کسی که کتاب را بر تو نازل کرد . برخی از آن آیاتی محکمند که آنها ام کتابند و برخی دیگر متشابهند» . مردم ، در آیات

قرآن شناسی (١٥٥)

ص: ١٥٥

١- البحار: ٩٣/٤ و (ص ١١ انظر تمام الكلام) و ٩٢/٣٨٢/١٥ و ص ٣٨٣/١٩ و ح ٢١.

متشابه به هلاکت درافتاده اند؛ زیرا معنای آن‌ها را نفهمیدند و حقیقت آنها را نشناختند. از این رو، با آرای شخصی خود آنها را تأویل و توجیه کردند و بدین سان خود را از رجوع به اوصیاء و پرسیدن از آنها بی‌نیاز دانستند ...

اما متشابه قرآن، آن است که از آن منحرف شده است. لفظش یکی و معنایش متفاوت است، مانند این سخن خدای عزوجل: «خدا هر که را بخواهد گمراه می‌کند و هر که را خواهد هدایت می‌کند». در این جا گمراه کردن را به خودش نسبت داده است و این گمراه کردن آنها از راه بهشت است به سبب افعال و اعمال خودشان. در جایی دیگر گمراهی را به کفار نسبت داده و در آیه ای دیگر به بت‌ها منتسب کرده است.

(۱۵۶) قرآن شناسی

ص: ۱۵۷

الإمامُ عليُّ عليه السلام لعبدالله بن العباس لما بعثه للاحتجاج على الخوارج: لا تُخاصِمُهُم بالقرآن؛ فإنَّ القرآنَ حَمَلٌ ذو وُجوهٍ ، تقولُ و يقولونَ ، و لكنَّ حاجِبُهُم (خاصِمُهُم) بالسُّنَّةِ ، فإنَّهُم لن يجدوا عنها مَحِيصًا. (١)

هنگامی که عبدالله بن عباس را برای گفتگو با خوارج و اقامه حجت بر آنان فرستاد ، به او فرمود : با آنان به وسیله قرآن ستیزه مکن ؛ زیرا قرآن وجوه گوناگونی دارد . تو چیزی می گویی و آنها چیزی می گویند ، بلکه با آنان به وسیله سنت احتجاج کن ؛ زیرا که آنان در برابر سنت راه گریزی (و توجیهی) ندارند .

عِكْرَمَةُ : سَمِعْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ يُحَدِّثُ عَنِ الْخَوَارِجِ الَّذِينَ أَنْكَرُوا الْحُكْمَةَ

قرآن شناسی (١٥٧)

ص: ١٥٧

فَاعْتَرَلُوا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ، قَالَ : فَاغْتَرَلَ مِنْهُمْ إِثْنَا عَشَرَ أَلْفًا فَدَعَانِي عَلِيُّ فَقَالَ : اذْهَبْ إِلَيْهِمْ فَخَاصِمَهُمْ وَأَدْعُهُمْ إِلَى الْكِتَابِ وَ الشُّنَّةِ ، وَ لَا تُحَاجَّهُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ ذُو وُجُوهِ ، وَ لَكِنْ خَاصِمَهُمْ بِالشُّنَّةِ . (۱)

عکرمه : شنیدم که ابن عباس درباره خوارج ، همانان که حکمیت را نپذیرفتند از علی بن ابی طالب جدا شدند ، سخن می گوید . او گفت : دوازده هزار نفر از خوارج از سپاه علی کناره گرفتند ؛ علی مرا فراخواند و فرمود : نزد ایشان برو و آنان را به کتاب و سنت فراخوان و به وسیله قرآن با آنان احتجاج نکن ؛ زیرا قرآن وجوه گوناگون دارد ، بلکه به وسیله سنت (پیامبر) با ایشان بحث کن .

امیرمؤمنان علیه السلام که صحیفه جان رابه نورقرآن نورباران ساخته است، می فرماید:

(۱۵۸) قرآن شناسی

ص: ۱۵۸

«وَأَنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَا تَفْنَى عَجَائِبُهُ وَلَا تَنْقُضِي غَرَائِبُهُ وَلَا تُكْشِفُ الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِهِ» . (۱)

قرآن ظاهری زیبا و شگفت انگیز و درونی پرمایه و عمیق دارد. اسرار نهفته و شگفتیهای آن پایان ناپذیر است و نوآوریهای آن هرگز به کهنگی نمی گراید و تیرگیهای جهل و بیداد، جز به کمک آن زدوده نمی شود .

قرآن از دیدگاه امام حسن علیه السلام

الإمام الحسنُ عليه السلام : إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ فِيهِ مَصَابِيحُ النُّورِ وَشِفَاءُ الصُّدُورِ فَلْيَجْلُ جَالٍ بِضَوْئِهِ وَلْيَلْجِمِ الصِّفَةَ قَلْبُهُ ، فَإِنَّ التَّفَكِيرَ حَيَاةَ الْقَلْبِ الْبَصِيرِ كَمَا يَمْشِي الْمُسْتَنِيرُ فِي الظُّلُمَاتِ بِالنُّورِ .

قرآن شناسی (۱۵۹)

ص: ۱۵۹

۱- نهج البلاغه : خطبه ۱۸ .

براستی که در این قرآن، چراغ های روشنایی (بخش) و شفای سینه ها (و بیماری های دلها) است. پس، جلادهنده، باید که به نور آن (دیده دل خویش را) جلا-دهد و قلبش را بدان صفت لگام زند؛ زیرا که تلقین (قرآن) مایه حیات دل شخص با بصیرت است، همچنان که آدمی در تاریکی ها، با کمک نور راه خود را می پیماید.

الإمام الحسن عليه السلام: اِعْلَمُوا عِلْمًا يَقِينًا أَنْكُمْ ... لَنْ تَتْلُوا الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي حَرَفَهُ، فَإِذَا عَرَفْتُمْ ذَلِكَ عَرَفْتُمْ الْبِدْعَ وَالتَّكْلِيفَ. (۱)

یقین بدانید که شما ... کتاب خدا را هرگز، چنان که باید و شاید، تلاوت نخواهید کرد، مگر آن گاه که بشناسید چه کسی آن را تحریف می کند؛

(۱۶۰) قرآن شناسی

ص: ۱۶۰

زیرا که هرگاه آن را شناختید ، بدعت ها و توجیهاات متکلفانه را می شناسید .

قرآن از دیدگاه امام حسین علیه السلام

أُثْنِي عَلَى اللَّهِ أَحْسَنَ الثَّنَاءِ وَأَحْمَدَهُ عَلَى السَّيِّئِ وَالضَّرَاءِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ عَلَيَّ أَنْ أَكْرَمْتَنَا بِالنَّبُوَّةِ وَجَعَلْتَ لَنَا سِيْرًا مَعَا
وَأَبْصَارًا وَأَوْفَيْتَهُ وَعَلَّمْتَنَا الْقُرْآنَ وَفَقَّهْتَنَا فِي الدِّينِ فَأَجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ .

حمد و سپاس خدا را ، به بهترین وجه می گویم که ما را با نبوت و پیامبری گرامی داشت و ما را فقیه و عالم در دین نمود و
قرآن را به ما تعلیم داد پس خدایا ما را از شاکرین واقعی قرار ده .

قرآن شناسی (۱۶۱)

ص: ۱۶۱

امام زین العابدین علیه السلام در صحیفه سجادیه می فرماید: وَ جَعَلْتُهُ نُورًا نَهْتَدِي مِنْ ظُلْمِ الضَّلَالَةِ وَ الْجَهَالَةِ بِاتِّبَاعِهِ ، وَ شِفَاءً لِمَنْ أَنْصَتَ بِفَهْمِ التَّصْدِيقِ إِلَى اسْتِمَاعِهِ ، وَ مِيزَانَ قَبِيضٍ لَا يَحِيفُ عَنِ الْحَقِّ لِسَانُهُ ، وَ نُورَ هُدًى لَا يَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِينَ بُرْهَانُهُ ، وَ عَلَّمَ نَجَاهًا لَا يَضِلُّ مَنْ أَمَّ قَصْدَ سُنَّتِهِ ، وَ لَا تَنَالُ أَيْدِي الْهَلَكَاتِ مَنْ تَعَلَّقَ بِعُرْوَةِ عِصْمَتِهِ .

قرآن را نوری قرار داده ای که با پیروی از آن ، از تیرگی های گمراهی و نادانی به راه می آییم ؛ و درمانی برای آن کس که از روی اندیشه و باور به آن گوش سپارد ؛ و ترازوی عدلی که زبانه اش از حق به سوی دیگر میل نکند ؛ و نور هدایتگری که پرتو برهانش پیش چشم بینندگان خاموش نگردد؛ و نشانه نجات بخشی که هر کس آهنگ پیروی آن کند ، گمراه نشود و هر کس به ریسمان

(۱۶۲) قرآن شناسی

ص: ۱۶۲

عصمت آن درآویزد ، دست هلاکت به دامنش نرسد .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَ اِحْطُطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقَلَ الْأَوْزَارِ ، وَ هَبْ لَنَا حُسْنَ شَمَائِلِ الْأَبْرَارِ ، وَ أَقْفُ بِنَا آثَارَ الَّذِينَ قَامُوا لَكَ
بِهَ آثَارَ اللَّيْلِ وَ اطْرَافَ النَّهَارِ حَتَّى تُطَهِّرَنَا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ بَطَّهْرِهِ ، وَ تَقْفُو بِنَا آثَارَ الَّذِينَ اسْتِضَاءُوا بِنُورِهِ ، وَ لَمْ يُلْهِهِمُ الْأَمَلُ عَنِ
الْعَمَلِ فَيَقْطَعَهُمْ بِخُدَعِ غُرُورِهِ .

خدایا ، بر محمد و خاندانش درود فرست و به حرمت قرآن ، سنگینی بار گناهان را از دوش ما بردار و خواهی پسندیده نیکان
را به ما ارزانی کن و ما را پی سپار کسانى قرار ده که برای تو در نیمه های شب، در آغاز و انجام روز، قرآن می خوانند و آن
را به پای می دارند ، تا به پاکی آن ما را از هر ناپاکی بری سازی و به راه کسانى ببری که با نور قرآن روشنی یافته اند و
آرزوها مانع کارهای نیک ایشان نشده است تا به فریب و نیرنگ بازشان دارد .

قرآن شناسی (۱۶۳)

ص: ۱۶۳

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظُلْمِ اللَّيَالِي مُنَسَاً وَ مِنْ نَزَعَاتِ الشَّيْطَانِ وَ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِسَا ، وَ لِاقْدَامِنَا عَنْ نَقْلِهَا إِلَى الْمَعَاصِي حَابِسَا ، وَ لِأَلْسِنَتِنَا عَنْ الْخَوْضِ فِي الْبَاطِلِ مِنْ غَيْرِ مَا آفَهُ مُخْرِسَا ، وَ لِجَوَارِحِنَا عَنْ اِقْتِرَافِ الْاِثَامِ زَاجِرَا ، وَ لِمَا طَوَّتِ الْغَفْلَةُ عَنَّا مِنْ تَصْفُوحِ الْاِعْتِبَارِ نَاشِرَا ، حَتَّى تُوصَلَ اِلَى قُلُوبِنَا فَهَمَّ عَجَائِبِهِ ، وَ زَوَاجِرِ اُمْتَالِهِ الَّتِي ضَعُفَتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِي عَلَى صَلَاتِهَا عَنْ اِحْتِمَالِهِ .

خدایا ، بر محمد و خاندانش درود فرست و چنان کن که قرآن در تاریکی شب ها مونس ما باشد و ما را از تحریکات شیطان و اندیشه های وسوسه آلود در امان دارد و پاهایمان را از رفتن به سوی گناهان مانع شود و زبان ها را از گفتن ناحق و نادرست بی آنکه آفتی بینند لال گردانند و اعضا و جوارح ما را از آلوده گشتن به گناه بازدارد و ما را از نگرستن به دیده عبرت در امور ، که دست

(۱۶۴) قرآن شناسی

ص: ۱۶۴

بی خبری پوشیده داشته است ، آگاه ساز ، تا فهم شگفتی های قرآن و مثل های هشداردهنده آن که کوه های استوار ، با همه سرسختی ، از حمل آن ناتوان اند به دل هایمان راه یابد .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَ أَدِم بِالْقُرْآنِ صِلَاحَ ظَاهِرِنَا ، وَاحْجُبْ بِهَ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ عَنِ صِحَّهِ ضَمَائِرِنَا ، وَاعْسِلْ بِهَ دَرَنَ قُلُوبِنَا وَعَلَائِقَ أَوْزَارِنَا ، وَاجْمَعْ بِهَ مُنْتَشِرَ أُمُورِنَا ، وَارْوِ بِهَ فِي مَوْقِفِ الْعُرْضِ عَلَيْكَ ظَمَأَ هَوَاجِرِنَا ، وَ اكْسِنَا بِهَ حُلَلَ الْأَمَانِ يَوْمَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ فِي نُشُورِنَا .

خدایا ، بر محمد و خاندانش درود فرست و با قرآن همیشه ظاهر ما را آراسته بدار و اندیشه های وسوسه آلود را از دست یافتن به خلوص باطن ما منع نما و آلودگی دل های ما و علاقه ما به گناهان را برطرف ساز و آشفتگی کارهای ما را بسامان کن و در گرمگاه روز رستاخیز ، عرضه اعمال ، سوز تشنگی ما را به آب

قرآن شناسی (۱۶۵)

ص: ۱۶۵

رحمت قرآن فرو بنشان و در روز «هراسِ بزرگ» که از گورها برانگیخته شویم ، بر تن ما جامه های امن ببوشان .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَهُوِّنْ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَى أَنْفُسِنَا كَرْبَ السِّيَاقِ ، وَجَهْدَ الْأَنِينِ ، وَتَرَادُفَ الْحَشَارِحِ إِذَا بَلَغَتِ
النُّفُوسُ التَّرَاقِيَّ «وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ» (۱) وَتَجَلَّى مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجْبِ الْعُيُوبِ ، وَرَمَاهَا عَن قَوْسِ الْمَنَايَا بِأَسْيِهِمْ وَحَشَّهِ
الْفِرَاقِ ، وَدَافَ لَهَا مِنْ دُعَافِ الْمَوْتِ كَأَسَا مَسْمُومَةٍ الْمَدَاقِ ، وَدَنَا مِنَّا إِلَى الْآخِرَةِ رَحِيلٌ وَانْطِلَاقٌ ، وَصَارَتِ الْأَعْمَالُ قَلَائِدَ فِي
الْأَعْنَاقِ ، وَكَانَتِ الْقُبُورُ هِيَ الْمَأْوَى إِلَى مِيقَاتِ يَوْمِ التَّلَاقِ .

خدایا ، بر محمد و خاندانش درود فرست و از برکت قرآن ، سختی جان کندن

(۱۶۶) قرآن شناسی

ص: ۱۶۶

۱- ۲۷ / قیامت .

و رنج ناله کردن و به شماره افتادن نَفَس ها را هنگام مرگ بر ما آسان کن ؛ «آن گاه که جان ها به گلوگاه می رسد و کسی می گوید : کیست آن که افسون کند و شفا بخشد؟» پس فرشته مرگ برای گرفتن جان وی از پرده های غیب چهره بنماید و از کمان مرگ ، تیرهای وحشت فراق به سوی او پرتاب کند و برایش جامی از زهر مرگ ، که طعم شرنگک دارد ، به هم آمیزد و زمان کوچیدن و روان شدن ما به جهان دیگر نزدیک و نزدیک تر شود و کارهای ما همچون گردنبند بر گردن ما بسته باشد و تا روزیدار [=رستاخیز] گورها منزلگاه های ما گردند. (۱)

الإمامُ زَيْنُ العابدِينِ عليه السلامَ عِنْدَ خَتْمِهِ الْقُرْآنَ : اللَّهُمَّ فَإِذَا أَفْذَنَّا الْمَعُونَةَ عَلَى تِلَاوَتِهِ وَ سَيَّهَلَّتْ جَوَابِي أَلَسْتِنَا بِحُسْنِ عِبَارَتِهِ فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَرَعَاهُ حَقًّا

قرآن شناسی (۱۶۷)

ص: ۱۶۷

۱- صحیفه سجادیه امام زین العابدین علیه السلام ترجمه : محمدمهدی رضایی ، ناشر : نشر جمال ، قم .

رِعَايَتِهِ ، وَ يَدِينُ لَكَ بِاعْتِقَادِ التَّسْلِيمِ لِمُحْكَمِ آيَاتِهِ . (۱)

پس از ختم قرآن ، می گفت : بارخدایا ! اکنون که در تلاوت قرآن به ما کمک عطا فرمودی و به سبب نیکویی عبارت و بیان آن ، سختی و درشتی (فصیح نبودن) زبان های ما را نرم و آسان کردی ، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آن گونه که حق و سزاوار است رعایت می کنند (و به کار می بندند) و با اعتقاد به تسلیم در برابر آیات محکم آن ، تو را اطاعت می نمایند .

الإمامُ زينُ العابدين عليه السلام : آياتُ القرآنِ خزائنُ العِلْمِ ، فكلُّما فَتَحْتَ خِزانَهُ فَيَنبَغِي لَكَ أَنْ تَنْظُرَ فِيهَا . (۲)

(۱۶۸) قرآن شناسی

ص: ۱۶۸

۱- الصحيفه السجديه : ۱۵۸ الدعاء ۴۲ .

۲- البحار : ۹۲/۲۱۱/۴ و ص ۲۱۶/۲۲ .

آیه های قرآن گنجینه های دانش هستند . پس ، هرگاه گنجینه ای گشوده شد ، شایسته است که در آن نظرافکنی .

الإمامُ زينُ العابدين عليه السلام : كتابُ اللَّهِ عزَّوجلَّ على أربعِ أشياء : على العبارةِ والإشارةِ ، واللَّطائفِ ، والحقائقِ . فالعبارةُ للعوامِّ ، والإشارةُ للخواصِّ ، واللَّطائفُ للأولياءِ والحقائقُ للأنبياءِ . (١)

کتاب خدای عزوجل بر چهار چیز است : عبارت (ظاهر) ، اشاره ، لطایف و حقایق . عبارت ، برای عامه مردم است ، اشاره برای خواص ، لطایف برای اولیاء و حقایق برای انبیاء .

قرآن شناسی (۱۶۹)

ص: ۱۶۹

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ ، عَنْ سُفْيَانَ الْحَرِيرِيِّ عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ سَعِيدِ الْخَفَّافِ ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : يَا سَعِيدُ تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّ الْقُرْآنَ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَحْسَنِ صُورِهِ نَظَرَ إِلَيْهَا الْخَلْقُ وَالنَّاسُ صُفُوفٌ عِشْرُونَ وَمِائَةٌ أَلْفٍ صَفٌّ ، ثَمَانُونَ أَلْفَ صَفٍّ أُمُّهُ مُحَمَّدٌ وَارْبَعُونَ أَلْفَ صَفٍّ مِنْ سَائِرِ الْأُمَمِ فَيَأْتِي عَلَى صَفِّ الْمُسْلِمِينَ فِي صُورِهِ رَجُلٌ فَيَسَلُّمْ فَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ ثُمَّ يَقُولُونَ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ إِنَّ هَذَا الرَّجُلَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ نَعْرِفُهُ بِنَعْتِهِ وَصِفَتِهِ غَيْرَ أَنَّهُ كَانَ أَشَدَّ اجْتِهَادًا مِنَّا فِي الْقُرْآنِ فَمِنْ هُنَاكَ أُعْطِيَ مِنَ الْبُهَاءِ وَالْجَمَالِ وَالنُّورِ مَا لَمْ نُعْطَهُ ثُمَّ يُجَاوِزُ حَتَّى يَأْتِيَ عَلَى صَفِّ الشُّهَدَاءِ فَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ [الشُّهَدَاءُ] ثُمَّ يَقُولُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الرَّبُّ الرَّحِيمُ إِنَّ هَذَا الرَّجُلَ مِنَ الشُّهَدَاءِ نَعْرِفُهُ بِسِمَّتِهِ وَصِفَتِهِ غَيْرَ أَنَّهُ مِنْ شُهُدَاءِ الْبَحْرِ فَمِنْ

(١٧٠) قرآن شناسی

ص: ١٧٠

هُنَاكَ أُعْطِيَ مِنَ الْبَهَاءِ وَالْفَضْلِ مَا لَمْ نُعْطَهُ ؛ قَالَ : فَيَتَجَاوَزُ حَتَّى يَأْتِيَ [عَلَى] صَفِّ شُهَدَاءِ الْبَحْرِ فِي صُورِهِ شَهِيدٍ فَيَنْظُرُ إِلَيْهِ شُهَدَاءُ الْبَحْرِ فَيَكْثُرُ تَعْجِبُهُمْ وَيَقُولُونَ : إِنَّ هَذَا مِنْ شُهَدَاءِ الْبَحْرِ نَعْرِفُهُ بِسَمْتِهِ وَصِفَتِهِ غَيْرَ أَنَّ الْجَزِيرَةَ الَّتِي أُصِيبَ فِيهَا كَانَتْ أَعْظَمَ هَوْلًا مِنَ الْجَزِيرَةِ الَّتِي أَصَبْنَا فِيهَا فَمِنْ هُنَاكَ أُعْطِيَ مِنَ الْبَهَاءِ وَالْجَمَالِ وَالنُّورِ مَا لَمْ نُعْطَهُ ، ثُمَّ يُجَاوِزُ حَتَّى يَأْتِيَ صِيفَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ فِي صُورِهِ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ فَيَنْظُرُ النَّبِيُّونَ وَالْمُرْسَلُونَ إِلَيْهِ فَيَسْتَدُّ لِدَلِكِ تَعْجِبُهُمْ وَيَقُولُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ إِنَّ هَذَا النَّبِيَّ مُرْسَلٌ نَعْرِفُهُ بِسَمْتِهِ وَصِفَتِهِ غَيْرَ أَنَّهُ أُعْطِيَ فَضْلًا كَثِيرًا قَالَ : فَيَجْتَمِعُونَ فَيَأْتُونَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَيَسْأَلُونَهُ وَيَقُولُونَ : يَا مُحَمَّدُ مَنْ هَذَا ؟ فَيَقُولُ لَهُمْ : أَوْ مَا تَعْرِفُونَهُ ؟ فَيَقُولُونَ مَا نَعْرِفُهُ هَذَا مِمَّنْ لَمْ يَغْضَبِ اللَّهُ عَلَيْهِ ، فَيَقُولُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : هَذَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ فَيَسْأَلُ ثُمَّ يُجَاوِزُ حَتَّى يَأْتِيَ عَلَى صَفِّ الْمَلَائِكَةِ فِي سُورِهِ مَلِكٌ مُقَرَّبٌ

قرآن شناسی (۱۷۱)

ص: ۱۷۱

فَتَنْظُرُ إِلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ فَيَسْتَأْذِنُ تَعْجُبُهُمْ وَيَكْبُرُ ذِكْرَكَ عَلَيْهِمْ لِمَا رَأَوْا مِنْ فَضْلِهِ وَيَقُولُونَ : تَعَالَى رَبُّنَا وَتَقَدَّسَ إِنَّ هَذَا الْعَبْدَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ نَعْرِفُهُ بِسَمِيَّتِهِ وَصِفَتِهِ غَيْرَ أَنَّهُ كَانَ أَقْرَبَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَقَامًا فَمِنْ هُنَاكَ أَلْبَسَ مِنَ النُّورِ وَالْجَمَالِ مَا لَمْ نَلْبَسْ ، ثُمَّ يُجَاوِزُ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى رَبِّ الْعِزَّةِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَيَخِرُّ تَحْتَ الْعَرْشِ فَيُنَادِيهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا حُجَّتِي فِي الْأَرْضِ وَكَلَامِي الصَّادِقَ النَّاطِقَ اذْفَعْ رَأْسَكَ وَسَلِّ تَعْطُ وَاشْفَعْ تُشَفِّعْ فَيَرْفَعُ رَأْسَهُ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : كَيْفَ رَأَيْتَ عِبَادِي ؟ فَيَقُولُ : يَا رَبِّ مِنْهُمْ مَنْ صَانَنِي وَحَافِظَ عَلَيَّ وَ لَمْ يُضَيِّعْ شَيْئًا وَ مِنْهُمْ مَنْ ضَيَّعَنِي وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّي وَ كَذَّبَ بِي وَ أَنَا حُجَّتُكَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ ، فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي وَ اِرْتِفَاعَ مَكَانِي لِأُثْبِتَنَّ عَلَيْكَ الْيَوْمَ أَحْسَنَ الثَّوَابِ وَ لَأَعَاقِبَنَّ عَلَيْكَ الْيَوْمَ أَلِيمَ الْعِقَابِ قَالَ : فَيَرْجِعُ الْقُرْآنُ رَأْسَهُ فِي صُورِهِ أُخْرَى ، قَالَ : فَقُلْتُ لَهُ : يَا أَبَا جَعْفَرٍ فِي أَيِّ صُورِهِ

(١٧٢) قرآن شناسی

ص: ١٧٢

يَرْجِعُ؟ قَالَ: فِي صُورِهِ رَجُلٌ شَاحِبٌ مُتَغَيِّرٌ يُبَصِّرُهُ أَهْلُ الْجَمْعِ فَيَأْتِي الرَّجُلَ مِنْ شَيْعَتِنَا الَّذِي كَانَ يَعْرِفُهُ وَ يُجَادِلُ بِهِ أَهْلَ الْخِلَافِ فَيَقُومُ بَيْنَ يَدَيْهِ فَيَقُولُ: مَا تَعْرِفُنِي؟ فَيَنْظُرُ إِلَيْهِ الرَّجُلُ فَيَقُولُ: مَا أَعْرِفُكَ يَا عَبْدَ اللَّهِ، قَالَ: فَيَرْجِعُ فِي صُورَتِهِ الَّتِي كَانَتْ فِي الْخَلْقِ الْأَوَّلِ وَيَقُولُ: مَا تَعْرِفُنِي؟ فَيَقُولُ: نَعَمْ، فَيَقُولُ الْقُرْآنُ: أَنَا الَّذِي أَسْهَرْتُ لَيْلَكَ وَأَنْصَبْتُ عَيْشَكَ سَمِعْتَ الْأَذَى وَرُجِمْتَ بِالْقَوْلِ فِيَّ، أَلَا- وَإِنَّ كُفْلَ تَاجِرٍ قَدِ اسْتَوْفَى تِجَارَتَهُ وَأَنَا وَرَاءَكَ الْيَوْمَ، قَالَ: فَيَنْطَلِقُ بِهِ إِلَى رَبِّ الْعِزَّةِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَيَقُولُ: يَا رَبِّ يَا رَبِّ عَيْدِكَ وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ قَدْ كَانَ نَصَبًا فِيَّ، مُوَاطِبًا عَلَيَّ، يُعَادِي بِسَبَبِي وَ يُحِبُّ فِيَّ وَ يُبْغِضُ؛ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: أَدْخِلُوا عِبْدِي جَنَّتِي وَ اكْسُوهُ حِلَّةً مِنْ حَامِلِ الْجَنَّةِ وَ تَوَجَّوهُ بِتَاجٍ، فَإِذَا فَعَلَ بِهِ ذَلِكَ عَرَضَ عَلَى الْقُرْآنِ فَيُقَالُ لَهُ: هَلْ رَضِيتَ بِمَا صُنِعَ بِوَلِيِّكَ؟ فَيَقُولُ: يَا رَبِّ إِنِّي اسْتَقَلُّ هَذَا لَهُ فَرْدُهُ مَزِيدَ الْخَيْرِ كُلِّهِ، فَيَقُولُ: وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي وَ عُلُوِّي

قرآن شناسی (۱۷۳)

ص: ۱۷۳

وَأَرْتَفَاعِ مَكَانِي لِأَنْحَلْنَ لَهُ الْيَوْمَ خَمْسَةَ أَشْيَاءَ مَعَ الْمَزِيدِ لَهُ وَ لِمَنْ كَانَ بِمَنْزِلَتِهِ إِلَّا إِنَّهُمْ شَبَابٌ لَا يَهْرُمُونَ وَ أَصِحَاءٌ لَا يَسْقُمُونَ وَ
أَغْنِيَاءٌ لَا يَفْتَقِرُونَ وَ فَرِحُونَ لَا يَحْزَنُونَ وَ أَحْيَاءٌ لَا يَمُوتُونَ . ثُمَّ تَلَاهِيهِ الْآيَةَ «لَا يَدُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَى» قَالَ قُلْتُ :
جُعِلَتْ فِدَاكَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ وَ هَلْ يَتَكَلَّمُ الْقُرْآنُ فَتَبَسَّمَ ثُمَّ قَالَ : رَحِمَ اللَّهُ الضُّعَفَاءَ مِنْ شِيعَتِنَا إِنَّهُمْ أَهْلٌ تَسْلِيمٍ ثُمَّ قَالَ : نَعَمْ يَا سَعْدُ وَ
الصَّلَاةُ تَتَكَلَّمُ وَ لَهَا صُورَةٌ وَ خَلْقٌ تَأْمُرُ وَ تَنْهَى ، قَالَ سَعْدُ : فَتَغَيَّرَ لِدَلِيلِكَ لَوْنِي وَ قُلْتُ : هَذَا شَيْءٌ لَا اسْتَطِيعُ [أَنَا] اتِّكَلُّمُ بِهِ فِي النَّاسِ
فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ : وَ هَلِ النَّاسُ إِلَّا شِيعَتُنَا فَمَنْ لَمْ يَعْرِفِ الصَّلَاةَ فَقَدْ أَنْكَرَ حَقَّنَا ثُمَّ قَالَ : يَا سَعْدُ أَسْمِعْكَ كَلَامَ الْقُرْآنِ ؟ قَالَ سَعْدُ :
فَقُلْتُ : بَلَى صَيَّرَ اللَّهُ عَلَيَّكَ فَقَالَ : «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ لَمَّا ذُكِرَ اللَّهُ أَكْبَرُ» فَالْتَهَى كَلَامٌ وَ الْفَحْشَاءُ وَ الْمُنْكَرُ
رِجَالٌ وَ نَحْنُ ذِكْرُ اللَّهِ وَ نَحْنُ أَكْبَرُ .

سعد خفاف گوید : حضرت باقر علیه السلام فرمود : ای سعد قرآن را بیاموزید زیرا

(۱۷۴) قرآن شناسی

ص: ۱۷۴

قرآن در بهترین صورت ها که مردم دیده اند روز قیامت بیاید و مردم در یکصد و بیست هزار صف هستند ، که هشتاد هزار آن صف ها از امت محمد است و چهل هزار صف از امت های دیگر ، پس به صورت مردی در برابر صف مسلمانان درآید و آنها به وی نظر کنند و گویند : معبودی جز خدای بردبار و کریم نیست ، همانا این مردی از مسلمانان است که به سیما و صفت او را بشناسیم جز اینکه او درباره قرآن کوشاتر از ما بوده و از این رو درخشندگی و زیبایی و روشنی بیشتری به او داده شده که به ما داده نشده ، سپس از آنها بگذرد تا در برابر صف شهیدان قرار گیرد ، شهداء بر او نظر کنند و گویند : معبودی جز خدای پروردگار مهربان نیست ، این مرد از شهیدان است که ما او را به سیما و صفت بشناسیم جز اینکه او از شهیدان در دریا است و به همین دلیل به او زیبایی و برتری داده اند و به ما نداده اند ؛ فرمود : پس بگذرد تا بصورت شهیدی در برابر صف شهیدان دریا

رسد؛ پس آنان به او نگاه کنند و شگفت آنها بسیار گردد و گویند: این از شهیدان در دریا است که ما او را به علامت و صفت بشناسیم جز اینکه آن جزیره که این (مرد) در آن شهید شده هولناک تر از جزیره ای است که ما در آن گرفتار شدیم و روی این جهت است که به او درخشندگی و زیبایی و روشنی بیشتری از ما داده اند؛ پس از آنان نیز بگذرد تا به صف پیمبران و مرسلین رسد در صورت یک پیمبر مرسل، پس پیمبران و مرسلین به او نگاه کنند و تعجبشان از دیدن او بسیار گردد و گویند: معبودی جز خدای بردبار کریم نیست به راستی این پیمبر مرسلی است که ما او را بنشانی و وصفش بشناسیم جز اینکه به او برتری بسیاری داده شده.

فرمود: پس همگی گرد آیند و خدمت رسول خدا آیند و از او پرسند و گویند: ای محمد این کیست به آنها فرماید: آیا او را نمی شناسید؛ گویند: ما او را

شناسیم (جز اینکه معلوم است که) او از آنهاست که خدا بر او خشم نکرده ، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرماید : این حجت خدا است بر خلقش پس سلام کند و بگذرد تا به صف فرشتگان رسد بصورت فرشته ای ، پس فرشتگان به او نظر افکنند و سخت درشگفت روند و چون برتری او را ببینند بر آنها گران آید و گویند : پروردگار ما متعالی و مقدس است این بنده ای است از فرشتگان که او را بنشانی و وصفش بشناسیم جز اینکه او از نظر مقام و مرتبه نزدیک ترین فرشتگان است نزد خدای عزوجل و از این نظر نور و جمالی دارد که ما نداریم ، پس بگذرد تا به درگاه رب العزه تبارک و تعالی رسد و پای عرش به سجده درافتد . خدای تعالی او را ندا کند : ای حجت من در زمین و ای سخن راست و گویایم سربردار و بخواه تا به تو داده شود و شفاعت کن تا شفاعت پذیرفته شود ، پس سربردارد و خدای تبارک و تعالی به او فرماید : بندگان مرا (نسبت به خود) چگونه دیدی ؟ عرض کند:

قرآن شناسی (۱۷۷)

ص: ۱۷۷

بار پروردگارا برخی از ایشان مرا نگهداری کرد و محفوظ داشت و چیزی از مرا ضایع نکرد و برخی از ایشان مرا ضایع کرد و حق مرا (بر خود) سبک شمرد و مرا تکذیب کرد با اینکه من حجت تو بر تمامی بندگانت بودم؟ پس خدای تبارک و تعالی فرماید: به عزت و جلال خودم و مکانت والایم سوگند امروز بهترین ثواب را به تو دهم و دردناک ترین کیفر را به خاطر تو بکنم.

فرمود: پس قرآن در صورت دیگری برگردد، (سعد خفاف) گوید: من عرض کردم: در چه صورتی باز گردد ای اباجعفر؟ فرمود: در صورت مردی رنگ پریده و متغیر که اهل محشر او را ببینند، پس بیاید نزد مردی از شیعیان ما که او رامی شناخته و بدان با مخالفین بحث می کرده و در برابرش بایستد و به او بگوید: مرا نمی شناسی؟ آن مرد به او نگاه کند و گوید: ای بنده خدا من تو را نشناسم پس بدان صورت که در خلقت اولیه بوده است باز گردد و گوید: مرا نشناسی؟ گوید:

(۱۷۸) قرآن شناسی

ص: ۱۷۸

چرا، پس قرآن گوید: منم که تو را به شب بیداری کشیدم و در زندگیت تو را به تعب افکندم، درباره من ناهنجار شنیدی و رانده در گفتار شدی، آگاه باش که همانا هر تاجری سود خود را دریافت کند و من امروز پشتیبان و پشت سرت هستم فرمود: پس او را به سوی پروردگار تبارک و تعالی برد و گوید: پروردگارا پروردگارا بنده تو است و تو به او داناتری که رنجکش درباره من بود و مواظب بر من بود، به خاطر من (با دشمنانم) دشمنی می کرد و دوستی و خشمش درباره من بود، پس خدای عزوجل فرماید: بنده ام را وارد بهستم کنید و از جامه های بهستی به او بیوشانید و تاج بر سرش نهید و چون با او چنین کنند او را به قرآن نشان دهند و گویند: آیا به آنچه درباره دوست رفتار شد خشنود شدی؟ گوید: بار پروردگارا من این را کم شمرم خیر را درباره اش افزون کن خداوند فرماید: به عزت و جلال و ارتفاع مقامم سوگند امروز به او و هر که در پایه اوست پنج چیز و

قرآن شناسی (۱۷۹)

ص: ۱۷۹

افزون کنم ، آگاه باش که ایشان جوانانی باشند که پیر نشوند و تندرستانی باشند که بیمار نگردند و توانگرانی باشند که نادار نشوند و خرسندانی باشند که غمگین نشوند و زنده هایی باشند که نمیرند ، سپس (امام باقر علیه السلام) این آیه را خواند : «نچشند در آن مرگ را جز همان مرگ نخستین» (۵۶ / دخان) . (سعد) گوید : عرض کردم : فدایت کردم ای اباجعفر آیا قرآن نیز سخن گوید ؟ حضرت لبخندی زد و فرمود : خدا رحمت کند شیعیان ساده دل ما را که اهل تسلیم هستند (و به سخنان ما گردن نهند) سپس فرمود : آری ای سعد نماز هم سخن گوید و صورتی و خلقتی دارد ، فرمان می دهد ، قدغن می کند ، سعد گوید : از این سخن رنگ من گشت و گفتم : این (دیگر) چیزی است که من نمی توانم میان مردم بگویم ؟ حضرت باقر علیه السلام فرمود : آیا مردم جز همان شیعیان ما هستند پس هر که نماز را نشناسد حق ما را منکر شده سپس فرمود : ای سعد من کلام قرآن را (هم اکنون)

(۱۸۰) قرآن شناسی

ص: ۱۸۰

بگوش تو برسانم؟ سعد گوید: عرض کردم: بلی رحمت خدا بر شما باد، فرمود: «همانا نماز بازمی دارد از فحشاء (ناشایست) و منکر (ناپسند) و هر آینه ذکر (یاد) خدا بزرگتر است» (۴۵ / عنکبوت) پس نهی (که همان بازداشتن می باشد) سخن است و فحشاء و منکر مردانی هستند و مائیم ذکر خدا و ما بزرگتریم.

الإمامُ الباقرُ عليه السلام: مَنْ دَخَلَ عَلَى إِمَامٍ جَائِرٍ فَقَرَأَ عَلَيْهِ الْقُرْآنَ يُرِيدُ بِذَلِكَ عَرَضًا مِنْ عَرَضِ الدُّنْيَا لِعِنِّ الْقَارِئِ بِكُلِّ حَرْفٍ عَشْرَ لَعْنَاتٍ وَلِعِنِّ الْمُسْتَمِعَ بِكُلِّ حَرْفٍ لَعْنَةً. (۱)

هر کس نزد پیشوایی ستمگر برود و به قصد رسیدن به مال و منالی از دنیا برای او قرآن بخواند، قاری درازای هر حرفی که می خوانده لعنت می شود و شنونده برای

قرآن شناسی (۱۸۱)

ص: ۱۸۱

۱- الاختصاص: ۲۶۲.

هر حرفی یک لعنت .

الإمامُ الباقرُ عليه السلام : إِنَّ للقرآنِ بَطْنَ ، و للبطنِ بَطْنَ ، و لَهُ ظَهْرٌ ، و للظَّهْرِ ظَهْرٌ ، ... و لیسَ شیءٌ أبَعِدَ من عُقولِ الرِّجالِ مِنْ تفسیرِ القرآنِ ، إِنَّ الآیةَ لَتُكُونُ أَوَّلَها فی شیءٍ و آخِرُها فی شیءٍ ، و هُوَ کلامٌ مُتَّصِلٌ یَتَصَرَّفُ علی وُجوهٍ . (۱)

همانا قرآن باطنی دارد و باطنش نیز باطنی دارد . و ظاهری دارد و ظاهرش نیز ظاهری دارد ... از دسترس خرد مردان چیزی دورتر از تفسیر قرآن نیست ؛ (زیرا) آیه قرآن آغازش درباره چیزی است و پایانش درباره چیزی دیگر . قرآن گفتاری پیوسته است که به شکل ها و معانی گوناگون حمل می شود .

الإمامُ الباقرُ عليه السلام : لِقَتَادَةَ بِنِ دِعَامَةَ : یا قَتَادَةُ ، أَنْتَ فقیهُ أَهلِ البصرِ ؟ فقال :

(۱۸۲) قرآن شناسی

ص: ۱۸۲

هكذا يزعمون ، فقال أبو جعفر عليه السلام : بلغني أنك تفسر القرآن ، قال له قتاده : نعم ، فقال أبو جعفر عليه السلام : يعلم تفسره أم بجهل؟ قال: لا، يعلم إلى أن قال يا قتاده، إنما يعرف القرآن من خوطب به . (١)

به قتاده بن دعامة فرمود : ای قتاده ! توفقیه بصریان هستی ؟ عرض کرد : این طور خیال می کنند . امام باقر فرمود : شنیده ام که تفسیر قرآن می گویی . قتاده عرض کرد : آری . امام باقر علیه السلام فرمود : از روی علم تفسیرش می کنی یا از روی ناآگاهی ؟ عرض کرد : نه ، از روی علم تا آنجا که فرمود ای قتاده ! قرآن را در حقیقت کسی می شناسد ، که مخاطب آن بوده است .

عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : يَجِيئُ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَحْسَنِ مَنْظُورٍ

قرآن شناسی (۱۸۳)

ص: ۱۸۳

۱- الكافي : ۸/۳۱۱/۴۸۵ .

إِلَيْهِ صُورَةٌ فَيُمَرُّ بِالْمُسْلِمِينَ فَيَقُولُونَ : هَذَا الرَّجُلُ مِنَّا ، فَيَجَاوِزُهُمْ إِلَى النَّبِيِّنَ فَيَقُولُونَ : هُوَ مِنَّا ، فَيَجَاوِزُهُمْ إِلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ فَيَقُولُونَ : هُوَ مِنَّا ؛ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى رَبِّ الْعِزَّةِ عَزَّوَجَلَّ فَيَقُولُ : يَا رَبُّ فَلَانُ بْنُ فَلَانٍ أَظْمَأْتُ هَوَاجِرَهُ وَاسْتَهَرْتُ لَيْلَهُ فِي دَارِ الدُّنْيَا وَفُلَانُ بْنُ فَلَانٍ لَمْ أَظْمِئْ هَوَاجِرَهُ وَ لَمْ أُسْهِرْ لَيْلَهُ فَيَقُولُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى : أَدْخَلْتُهُمُ الْجَنَّةَ عَلَى مَنْزِلِهِمْ فَيَقُومُ فَيَتَّبِعُونَهُ ، فَيَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ : اقْرَأُوا وَارْقَهُ قَالَ : فَيَقْرَأُ وَ يَرْقَى حَتَّى يَبْلُغَ كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ مَنْزِلَتَهُ الَّتِي هِيَ لَهُ فَيَنْزِلُهَا .

حضرت باقر علیه السلام فرمود : روز قیامت قرآن به بهترین صورت بیاید و بر مسلمین گذر کند آنها گویند: این مرد از ما است، از آنان بگذرد و نزد پیمبران آید ، آنها نیز گویند : از ما است ، از آن ها نیز بگذرد و نزد فرشتگان مقرب آید آنان هم گویند:از ما است، تا اینکه به درگاه پروردگارت عزت رسد و بگوید: پروردگار افلانکس پسر فلانکس را من در دنیاروزهای گرمش را به تشنگی کشانده و شب هایش را به

(۱۸۴) قرآن شناسی

ص: ۱۸۴

بیداری و فلان کس پسر فلانکس را نه روزهایش را به تشنگی بردم و نه شبش را به بیداری، پس خدای تبارک و تعالی فرماید: آنان را به بهشت برودر جایگاه های خودشان جای ده ، پس قرآن برخیزد و آنان نیز دنبالش بروند و به هر مؤمنی بگوید : قرآن بخوان و بالا برو ، حضرت فرمود : پس هر کدام قرآن می خوانند و بالا می روند تا هر مردی از آنها به منزلی که برای او مقرر شده برسد و در آن فرود آید .

قرآن از دیدگاه امام صادق علیه السلام

قال أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ الْعَزِيزَ الْجَبَّارَ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ كِتَابَهُ وَهُوَ الصِّادِقُ الْبَارُّ ، فِيهِ خَبْرُكُمْ وَخَبْرُ مَنْ قَبْلَكُمْ وَخَبْرُ مَنْ بَعْدَكُمْ وَخَبْرُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَوْ آتَاكُمْ مَنْ يُخْبِرُكُمْ عَنْ ذَلِكَ لَتَعَجَّبْتُمْ. (۱)

قرآن شناسی (۱۸۵)

ص: ۱۸۵

۱- الکافی : ۲/۵۹۹/۳ و ۱/۶۰/۶ .

حضرت صادق علیه السلام فرمود: همانا خدای عزیز و جبار کتابش را بر شما فرود فرستاده و او است راستگو و نیک خواه، در آن کتاب است آگاهی از شما و آنانکه پیش از شما بودند و آنانکه پس از شمایند و آگاهی از آسمان و زمین و اگر کسی نزد شما آید و از آنها به شما آگاهی دهد هر آینه شما در شکفت شوید.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ فِيهِ مَنَارُ الْهُدَى وَ مَصَابِيحُ الدُّجَى فَلْيَجْلُ جَالٍ بَصِيرَةً وَ يَفْتَحْ لِلضِّيَاءِ نَظْرَهُ فَإِنَّ التَّفَكُّرَ حَيَاةَ قَلْبِ الْبَصِيرِ، كَمَا يَمْشِي الْمُسْتَنِيرُ فِي الظُّلُمَاتِ بِالنُّورِ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: همانا این قرآن (کتابی) است که در آن است جایگاه نور هدایت و چراغ های شب تار، پس شخص تیزبین باید که در آن دقت کند و برای پرتوش نظر خویش را بگشاید، زیرا که اندیشه کردن زندگانی دل بینا است، چنانکه آنکه جویای روشنی است در تاریکی ها به سبب نور راه پیماید.

(۱۸۶) قرآن شناسی

ص: ۱۸۶

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَانَ فِي وَصِيَّتِهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَصْحَابَهُ : اِعْلَمُوا أَنَّ الْقُرْآنَ هُدَى النَّهَارِ وَ نُورُ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ عَلَى مَا كَانَ مِنْ جَهْدِ وَفَاقِهِ .

امام صادق علیه السلام فرمود : در سفارش امیرالمؤمنین علیه السلام به یارانش بود که: بدانید همانا قرآن راهبر روز است و پرتوافکن شب تار اگرچه (آنکس که درصدد راهنمایی شدن و کسب نورش باشد) در سختی و نداری باشد . (زیرا فقر و فاقه او را از آن باز ندارند بلکه رغبتشان را در این باره افزون کنند از فیض ره) .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ : شَكَا رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَجَعًا فِي صَدْرِهِ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : اِسْتَشْفِ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ : «وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ» .

حضرت صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام حدیث کند که مردی از درد سینه به پیغمبر صلی الله علیه و آله شکایت کرد ، حضرت صلی الله علیه و آله فرمود : به وسیله قرآن شفا بجوی زیرا

قرآن شناسی (۱۸۷)

ص: ۱۸۷

خدای عزوجل فرماید: «(و این قرآن) شفاء است برای آنچه در سینه ها است» (۱).

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا وَاللَّهِ لَا يَرْجِعُ الْأَمْرُ وَالْخِلَافَةُ إِلَى آلِ أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرُ أَبَدًا وَلَا إِلَى بَنِي أُمَيَّةَ أَبَدًا وَلَا فِي وُلْدِ طَلْحَةَ وَالزُّبَيْرِ أَبَدًا وَذَلِكَ أَنَّهُمْ تَبَيَّنُوا الْقُرْآنَ وَابْتَلَوْا السُّنَنَ وَعَطَّلُوا الْأَحْكَامَ، وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الْقُرْآنُ هُدًى مِنَ الضَّلَالَةِ وَتَبْيَانٌ مِنَ الْعَمَى وَاسْتِيقَالَةٌ مِنَ الْعُتْرَةِ وَتُورٌ مِنَ الظُّلْمَةِ وَضِيَاءٌ مِنَ الْأَحْدَاثِ وَعَضِيمَةٌ مِنَ الْهَلَكَةِ وَرُشْدٌ مِنَ الْغَوَايَةِ وَبَيَانٌ مِنَ الْفِتَنِ وَبَلَاغٌ مِنَ الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ وَفِيهِ كَمَالُ دِينِكُمْ وَمَا عَدَلَ أَحَدٌ عَنِ الْقُرْآنِ إِلَّا إِلَى النَّارِ.

امام صادق علیه السلام فرمود: نه به خدا سوگند این امر خلافت هرگز در دودمان ابوبکر و عمر بازنگردد و نه هرگز در بنی امیه و نه در فرزندان طلحه و زبیر

(۱۸۸) قرآن شناسی

ص: ۱۸۸

بازآید ، برای آنکه اینان قرآن را به یکسو نهادند و سنتها را باطل کردند و احکام (الهی) را تعطیل کرده (و مهمل گذاردند) .

و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : قرآن راهنمای گمراهی است و بینائی از هر کوری است و سبب گذشت از لغزش ها است و روشنی در هر تاریکی است و در پیشامدها (و بدعت ها) پرتوی است و نگاهدارنده از هر هلاکتی است و ره جوئی در هر گمراهی است و بیان کننده هر فتنه و اشتباهی است و انسانی را از دنیا (ی پست به سعادت های) آخرت رساند و در آن است کمال دین شما و هیچکس از قرآن روگردان نشود جز بسوی دوزخ .

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ : سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : إِنَّ الْقُرْآنَ زَاجِرٌ وَآمِرٌ : يَأْمُرُ بِالْجَنَّةِ وَ يَرْجُرُ عَنِ النَّارِ .

ابوبصیر گوید : شنیدم حضرت صادق علیه السلام می فرمود : همانا قرآن بازدارنده

قرآن شناسی (۱۸۹)

ص: ۱۸۹

و فرمان دهنده است . به بهشت فرمان دهد و از دوزخ بازدارد .

الإمام الصادق عليه السلام : ما من أمرٍ يخْتَلِفُ فيه اثنانِ إلا وُلَّهُ أصلُ في كتابِ اللهِ عزَّ وجلَّ ، و لكن لا تَبْلُغُهُ عُقولُ الرِّجالِ . (۱)

هیچ موضوعی نیست که دو نفر در آن اختلاف نظر پیدا کنند ، مگر اینکه ریشه آن در کتاب خدای عزوجل هست ، اما خردهای مردم به آن نمی رسد.

الإمام الصادق عليه السلام : مَنْ نَسِيَ سُوْرَةَ مِنَ الْقُرْآنِ مُثِّلَتْ لَهُ فِي صُوْرِهِ حَسِيْنَةٌ وَ دَرَجَةٌ رَفِيْعَةٌ ، فَإِذَا رَأَاهَا قَالَ : مَنْ أَنْتِ ؟ مَا أَحْسَنَكَ ! لَيْتَكَ لِي ! فَتَقُولُ : أَمَا تَعْرِفُنِي ؟ أَنَا سُوْرَةُ كَذَا وَ كَذَا ، لَوْ لَمْ تَنْسَنِي لَرَفَعْتُكَ إِلَى هَذَا الْمَكَانِ . (۲)

هرکس سوره ای از قرآن را فراموش کند ، آن سوره (در بهشت) به صورتی

(۱۹۰) قرآن شناسی

ص: ۱۹۰

۱- الکافی : ۲/۵۹۹/۳ و ۱/۶۰/۶ .

۲- ثواب الأعمال : ۲۸۳/۱ .

زیبا و درجه ای رفیع در برابرش مجسم می شود و چون او را ببیند ، گوید : تو کیستی ؟ چقدر زیبایی ! کاش از آن من بودی .
جواب دهد : مرا نمی شناسی ؟ من فلان و بهمان سوره هستم . اگر مرا فراموش نکرده بودی ، تو را به این مکان بالا می آوردم .

الإمامُ الصَّادقُ عليه السلام : كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ ، وَ كَانَ السَّقَاوُونَ يَمْرُونَ فَيَقْفُونَ بِأَبِهِ يَسْمَعُونَ قِرَاءَتَهُ ، وَ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا . (۱)

علی بن الحسین صلوات الله علیه قرآن را از همه مردم خوش تر می خواند . به طوری که وقتی سقاها از در خانه حضرت می گذشتند ، می ایستادند و به صدای

قرآن شناسی (۱۹۱)

ص: ۱۹۱

۱- الکافی : ۲/۶۱۶/۱۱ وح ۱۰ .

قرآن خواندن ایشان گوش می کردند . حضرت باقر علیه السلام ، نیز خوش آوازترین مردم بود .

الإمام الصادق عليه السلام : ما بعث الله عزوجل نبيا إلا حسن الصوت. (۱)

خداوند عزوجل هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر این که خوش آواز بود .

الإمام الصادق عليه السلام في قوله تعالى : الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ : يُرْتَلُونَ آيَاتِهِ وَيَتَفَهَّمُونَ مَعَانِيَهُ ، وَيَعْمَلُونَ بِأحكامِهِ ، وَيَرْجُونَ وَعْدَهُ ، وَيَخْشَوْنَ عَذَابَهُ ، وَيَتَمَثَّلُونَ قَصِيصَهُ ، وَيَعْتَبِرُونَ أمثاله ، وَيَأْتُونَ أوامره ، وَيَجْتَنِبُونَ نواهيه . ما هو والله بحفظ آياته و سرد حروفه ، و تلاوه سوره و درس اعشاره و اخماسه ، حفظوا حروفه و اضعوا حدوده ، و إنما هو

(۱۹۲) قرآن شناسی

ص: ۱۹۲

۱- الكافي : ۲/۶۱۶/۱۱ وح ۱۰ .

تَدَبَّرُ آيَاتِهِ ، يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى : كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ . (۱)

درباره آیه «کسانی که به آنان کتاب دادیم ، آن را تلاوت می کنند آن گونه که حق تلاوت آن است» ، فرمود : آیاتش را روشن و شمرده می خوانند ، سعی می کنند معانیش را بفهمند ، احکام و فرامینش را به کار می بندد ، به وعده اش امیدوارند ، از عذابش می ترسند ، از داستانهایش سرمشق می گیرند ، از مثلهایش پند می گیرند ، امرهایش را به جا می آورند و از نهی هایش دوری می کنند . به خدا سوگند که حق تلاوت قرآن به حفظ آیات و پشت سر هم خواندن حروف و کلماتش و تلاوت سوره ای و مطالعه حواشی و هوامش آن ، نیست . حروف و کلماتش را حفظ می کردند و حدود و معانیش را فرو گذاشتند ، بلکه به تدبّر و تأمل در آیات

قرآن شناسی (۱۹۳)

ص: ۱۹۳

۱- تنبیه الخواطر : ۲/۲۳۶ .

آن است؛ خدای متعال می فرماید: «کتابی است خجسته که سوی تو فرو فرستادیم، تا در آیات آن تدبّر کنند».

۴ پناه بردن به خدا

پناه بردن به خدا

الإمامُ الصّادقُ عليه السلام : أَعْلِقُوا أَبْوَابَ الْمَعْصِيَةِ بِالْإِسْتِعَاذَةِ ، وَافْتَحُوا أَبْوَابَ الطَّاعَةِ بِالتَّسْمِيَةِ . (۱)

درهای معصیت را با استعاذه (گرفتن جمله «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم») ببندید و درهای طاعت را با تسمیه (گفتن جمله «بسم الله الرحمن الرحیم») بگشایید .

الإمامُ الصّادقُ عليه السلام : لَمَّا سُئِلَ عَنِ التَّعَوُّذِ عِنْدَ افْتِتَاحِ كُلِّ سُورَةٍ : نَعَمْ ، فَتَعَوُّذُ

(۱۹۴) قرآن شناسی

ص: ۱۹۴

بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، وَذَكَرَ أَنَّ الرَّجِيمَ أَخْبَثُ الشَّيَاطِينِ . (۱)

در پاسخ به سؤال از استعاذه در هنگام شروع هر سوره ای ، فرمود : آری ، از شیطان رجیم که پلیدترین شیاطین است ، به خدا پناه بر .

الإمامُ الصَّادِقُ عليه السلام : لَمَّا سُئِلَ عَنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ فِي لَيْلِهِ : لَا يُعْجِبُنِي أَنْ تَقْرَأَهُ فِي أَقَلِّ مِنْ شَهْرٍ . (۲)

در پاسخ به سؤال از ختم کردن قرآن در یک شب ، فرمود : خوش ندارم که آن را در کمتر از یک ماه بخوانی .

الإمامُ الصَّادِقُ عليه السلام : الْقُرْآنُ ثَلَاثَةٌ : قَارِئٌ قَرَأَ (الْقُرْآنَ) لَيْسْتَدِرُّ بِهِ الْمُلُوكَ وَ يَسْتَطِيلُ بِهِ عَلَى النَّاسِ فِذَاكَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ ، وَ قَارِئٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَحَفِظَ حُرُوفَهُ وَ

قرآن شناسی (۱۹۵)

ص: ۱۹۵

۱- تفسیر العیاشی : ۲/۲۷۰/۶۸ .

۲- الکافی : ۲/۶۱۷/۱ .

ضَيِّعَ حُدُودَهُ فِذَاكَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ، وَ قَارِئُ قَرَأَ (الْقُرْآنَ) فَهُوَ يَعْمَلُ بِمُحْكَمِهِ وَ يُؤْمِنُ بِمُتَشَابِهِهِ وَ يُقِيمُ فَرَائِضَهُ وَ يُحِلُّ حَلَالَهُ وَ يُحَرِّمُ حَرَامَهُ فَهَذَا مِمَّنْ يُنْقِذُهُ اللَّهُ مِنْ مُضَلَّاتِ الْفِتَنِ وَ هُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ يُشَفَّعُ فِيْمَنْ شَاءَ . (۱)

قاریان سه گونه اند: قاریی که قرآن می خواند، تا بدان وسیله از شاهان به نوایی برسد و بر مردم فخر و بزرگی فروشد، چنین کسی از دوزخیان است. قاریی که قرآن می خواند و حروف و کلماتش را حفظ می کند، اما معانیش را رها می کند. این نیز از دوزخیان است و قاریی که قرآن می خواند و به آیات محکم آن عمل می کند و به آیات متشابهش ایمان می آورد و فرایضش را به جا می آورد و

(۱۹۶) قرآن شناسی

ص: ۱۹۶

۱- الخصال : ۱۴۳/۱۶۵ .

حلالش را حلال و حرامش را حرام می‌شمارد؛ این قاری از کسانی است که خداوند او را از گمراهی های فتنه نجات می‌دهد و از بهشتیان است و درباره هر که خواهد، شفاعت می‌کند.

الإمامُ الصَّادقُ عليه السلام : إِنَّ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَعَلَّمُ الْقُرْآنَ لِيُقَالَ : فَلَانُ قَارِئٌ ! وَ مِنْهُمْ مَنْ يَتَعَلَّمُهُ فَيَطْلُبُ بِهِ الصَّوْتِ فَيَقَالُ : فَلَانُ حَسَنُ الصَّوْتِ ! وَ لَيْسَ فِي ذَلِكَ خَيْرٌ ، وَ مِنْهُمْ مَنْ يَتَعَلَّمُهُ فَيَقُومُ بِهِ فِي لَيْلِهِ وَ نَهَارِهِ ، لَا يُبَالِي مَنْ عِلِمَ ذَلِكَ وَ مَنْ لَمْ يَعْلَمْهُ . (۱)

برخی از مردم قرآن را فرامی‌گیرند، برای اینکه بگویند فلانی قاری است. برخی آن را می‌آموزند، تا با صدای خوش بخوانند و مردم بگویند فلانی صوتی

قرآن شناسی (۱۹۷)

ص: ۱۹۷

خوش دارد . در این ها خیری نیست (کارشان ارزشی ندارد) . برخی هم قرآن را فرامی گیرند و شب و روزشان را با آن به سر می برند و اهمیتی نمی دهند که کسی این مطلب را می داند یا نمی داند .

آداب گوش دادن به قرآن

قُلْ اٰمَنُوْا بِهٖ اَوْ لَا تُؤْمِنُوْا اِنَّ الَّذِيْنَ اُوْتُوْا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهٖ اِذَا يُتْلٰى عَلَيْهِمْ يَخِرُّوْنَ لِلْاَذْقَانِ سُجَّدًا . وَ يَقُوْلُوْنَ سُبْحٰنَ رَبِّنَا اِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُوْلًا . وَ يَخِرُّوْنَ لِلْاَذْقَانِ يَبْكُوْنَ وَ يَزِيْدُهُمْ حُشُوْعًا : بگو : به آن ایمان بیاورید یا ایمان نیاورید ، همانا کسانی که پیش از آن علم داده شده اند ، هرگاه (قرآن) بر آنان تلاوت شود، به چانه ها به خاک سجده می افتند و می گویند : منزّه است پروردگار ما ، همانا وعده پروردگار ما شدنی است . و به چانه ها به

(۱۹۸) قرآن شناسی

ص: ۱۹۸

خاک می افتند (و) می گیرند و بر کرنش آنها افزوده می شود». (۱)

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَ مِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَ مِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْرَائِيلَ وَ مِمَّنْ هَدَيْنَا وَ اجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَ بُكْيًا : آنان کسانی از پیامبران بودند که خداوند برایشان نعمت ارزانی داشت : از فرزندان آدم بودند و از کسانی که همراه نوح (بر کشتی) سوار کردیم و از فرزندان ابراهیم و اسرائیل و از کسانی که (آنان را) هدایت نمودیم و برگزیدیم (و) هرگاه آیات (خدای) رحمان بر آنان خوانده می شد ، سجده کنان و گریان به خاک می افتادند» .

الإمامُ الصَّادِقُ عليه السلام : لَمَّا سَأَلَهُ زُرَّارَةُ عَنْ وُجُوبِ الْأَنْصَاتِ وَ الْإِسْتِمَاعِ عَلَى مَنْ ي

قرآن شناسی (۱۹۹)

ص: ۱۹۹

سَمِعَ الْقُرْآنَ : نَعَمْ ، إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ عِنْدَكَ فَقَدْ وَجِبَ عَلَيْكَ الْإِسْتِمَاعُ وَالْأَنْصَاتُ. (۱)

در پاسخ سؤال زراره از وجوب خاموش ماندن و گوش دادن بر کسی که قرآن را می شنود، فرمود: آری، هرگاه قرآن در حضور تو خوانده شد، واجب است که گوش کنی و خاموش مانی .

الإمام الصادق عليه السلام : مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَأَصَابَ لَمْ يُوجِزْ ، وَ إِنْ أَخْطَأَ كَانَ إِثْمُهُ عَلَيْهِ . (۲)

کسی که قرآن را به رأی خود تفسیر کند و تفسیرش درست باشد ، مأجور نیست و اگر نادرست باشد ، گناهِش به گردن اوست .

(۲۰۰) قرآن شناسی

ص: ۲۰۰

۱- البحار : ۹۲/۲۲۲/۷ و ص ۲۲۱/۳ .

۲- البحار : ۹۲/۱۰۷/۱ و ص ۱۱۰/۱۱ .

الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ وَايَاتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ قُطْبَ الْقُرْآنِ ، وَ قُطْبَ جَمِيعِ الْكُتُبِ ، عَلَيْهَا يَسْتَدِيرُ مُحْكَمُ الْقُرْآنِ ، وَ بِهَا نَوَّهَتْ الْكُتُبُ (١) وَ يَسْتَبِينُ الْإِيمَانُ . (٢)

خداوند ولایت ما ، اهل بیت ، راقطب قرآن و قطب همه کتاب ها(ی آسمانی) قرار داده است ، که قرآن محکم بر گرد آن می چرخد و به وسیله آن ولایت ، کتاب ها(ی الهی) عظمت می یابد و ایمان روشن و آشکار می شود .

الإمام الصادق عليه السلام : لَمَّا سُئِلَ عَنِ الْمُحْكَمِ وَ الْمُتَشَابِهِ :

قرآن شناسی (٢٠١)

ص: ٢٠١

١- في البحار : ٩٢/٢٧/٢٩ «و بها يوهب الكتب».

٢- تفسير العياشي : ١/٥/٩ .

الْمُحْكَمُ مَا نَعْمَلُ بِهِ ، وَ الْمُتَشَابَهُ مَا اشْتَبَهَ عَلَي جَاهِلِهِ . (۱)

در پاسخ به سؤال از محکم و متشابه ، فرمود : محکم آن آیه ای است که به آن عمل می کنیم و متشابه آیه ای است که بر کسی که از آن شناخت ندارد متشبه می شود .

الإمام الصادق عليه السلام أيضا : الْمُحْكَمُ مَا يُعْمَلُ بِهِ ، وَ الْمُتَشَابَهُ الَّذِي يُشْبَهُ بَعْضُهُ بَعْضًا . (۲)

نیز در پاسخ به همین پرسش ، فرمود : محکم آن است که بدان عمل می شود و متشابه آن است که برخی از آن با برخی دیگر ، شبیه است .

(۲۰۲) قرآن شناسی

ص: ۲۰۲

۱- البحار: ۹۳/۴ و (ص ۱۱ انظر تمام الكلام) و ۹۲/۳۸۲/۱۵ و ص ۳۸۳/۱۹ و ح ۲۱.

۲- البحار: ۹۳/۴ و (ص ۱۱ انظر تمام الكلام) و ۹۲/۳۸۲/۱۵ و ص ۳۸۳/۱۹ و ح ۲۱.

الإمام الصادق عليه السلام : إن القرآن فيه مُحْكَمٌ و مُتَشَابِهٌ ، فَأَمَّا الْمُحْكَمُ فَنُؤْمِنُ بِهِ وَ نَعْمَلُ بِهِ وَ نَدِينُ بِهِ ، وَ أَمَّا الْمُتَشَابِهُ فَنُؤْمِنُ بِهِ وَ لَا نَعْمَلُ بِهِ. (١)

همانا در قرآن محکمی است و متشابهی . به آیات محکم ، ایمان داریم و بدانها عمل می کنیم و به آیات متشابه ایمان داریم ولی به کارشان نمی بندیم .

اشارت های قرآن

الإمام الصادق عليه السلام : نَزَلَ الْقُرْآنُ بِ«إِيَّاكَ أَعْنَى وَاسْمَعِي يَا جَارَهُ». (٢)

قرآن مطابق ضرب المثل «به در می گویم که دیوار بشنود» ، نازل شده است .

الإمام الصادق عليه السلام : مَا عَاتَبَ اللَّهُ نَبِيَّهُ فَهُوَ يَعْنِي بِهِ مَنْ قَدْ مَضَى فِي الْقُرْآنِ

قرآن شناسی (٢٠٣)

ص: ٢٠٣

١- البحار: ٩٣/٤ و (ص ١١ انظر تمام الكلام) و ٩٢/٣٨٢/١٥ و ص ٣٨٣/١٩ و ح ٢١.

٢- الكافي: ٢/٦٣١/١٤ .

مِثْلُ قَوْلِهِ: «و لولا أَنْ تَبْتِنَاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكُنْ إِلَيْهِمْ شَيْئاً قَلِيلاً» عَنِ بَدَلِكَ غَيْرُهُ. (۱)

هرچه خدای عزوجل به پیامبرش عتاب فرموده ، مقصود از آن دیگران است ، مانند این سخن خداوند که : «اگر نبود که ما تو را استوار گردانیدیم ، نزدیک بود که به سوی آنها اندکی متمایل شوی» ، مقصود از این کلام (و عتاب) غیر پیامبر است .

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الدَّوَابَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَلَاثَةٌ : دِيْوَانٌ فِيهِ النَّعْمُ وَ دِيْوَانٌ فِيهِ الْحَسَنَاتُ وَ دِيْوَانٌ فِيهِ السَّيِّئَاتُ فَيَقَابَلُ بَيْنَ دِيْوَانِ النَّعْمِ وَ دِيْوَانِ الْحَسَنَاتِ فَتَسْتَعْرِقُ النَّعْمُ عَامَّةَ الْحَسَنَاتِ وَ يَبْقَى دِيْوَانُ السَّيِّئَاتِ فَيُدْعَى بِأَنَّ آدَمَ الْمُؤْمِنِ لِلْحِسَابِ فَيَتَقَدَّمُ الْقُرْآنُ أَمَامَهُ فِي أَحْسَنِ صُورِهِ فَيَقُولُ : يَا رَبِّ أَنَا الْقُرْآنُ

۱. تفسیر العیاشی : ۱/۱۰/۵ .

(۲۰۴) قرآن شناسی

ص: ۲۰۴

۱- تفسیر العیاشی : ۱/۱۰/۵ .

وَ هَذَا عَبْدُكَ الْمُؤْمِنُ قَدْ كَانَ يُتَعَبُ نَفْسَهُ بِتِلَاوَتِي وَ يُطِيلُ لَيْلَهُ بِتَزْتِيلِي وَ تَفِيضُ عَيْنَاهُ إِذَا تَهَجَّدَ فَأَرْضِيهِ كَمَا أَرْضَانِي قَالَ : فَيَقُولُ
الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ : عَبْدِي ابْسُطْ يَمِينَكَ فَيَمْلَأُهَا مِنْ رِضْوَانِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ وَ يَمْلَأُ شِمَالَهُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ ، ثُمَّ يُقَالُ : هَذِهِ الْجَنَّةُ مُبَاحَةٌ
لَكَ فَاقْرَأْ وَ اضْعُدْ فَإِذَا قَرَأَ آيَةَ صَعِدَ دَرَجَةً .

حضرت صادق علیه السلام فرمود : دفترها در روز قیامت سه دفتر است : دفتری که نعمت ها در آن ثبت شده و دفتری که کارهای نیک در آن است و دفتری که کارهای بد در آن ثبت است ، پس هر دفتر نعمت ها را با دفتر کارهای نیک برابر کنند و نعمت ها همه کارهای نیک را فراگیرد و در خود فرو برد و دفتر کارهای بد بجا ماند پس آدمیزاده مؤمن را برای حساب بخوانند و قرآن در بهترین صورتی پیش رویش درآید و گوید : بار پروردگارا من قرآنم و این بنده مؤمن تو است که خود را برای خواندن من به تعب می انداخت و شب خود را با آهنگ خوش و هموار

قرآن شناسی (۲۰۵)

ص: ۲۰۵

خواندن من دراز می کرد و دیدگانش در هنگام نماز شب اشک ریزان بود ، چنانچه مرا خشنود ساختی او را هم خشنود کن ، فرمود : پس خدای عزیز جبار فرماید : ای بنده من دست راست را باز کن و خداوند آن را از رضوان خود و دست چپش را از رحمت خود پر کند ، سپس به او گفته شود : این بهشت برای تو مباح است پس قرآن بخوان و بالا برو ، پس هرگاه یک آیه بخواند یک درجه بالا برود .

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَوْ مَاتَ مَنْ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَمَا اسْتَيْوَحَشْتُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنُ مَعِيَ . (۱) وَ كَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَرَأَ «مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ» يُكْرِّرُهَا حَتَّى كَادَ أَنْ يَمُوتَ .

حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرمود : اگر همه مردم که ما بین مشرق و مغرب

(۲۰۶) قرآن شناسی

ص: ۲۰۶

۱- الکافی : ۲/۶۰۲/۱۳ .

هستند بمیرند من از تنهایی هراس نکنم پس از آنکه قرآن با من باشد و آن حضرت علیه السلام شیوه اش این بود که هرگاه «مالک یوم الدین» را می خواند آن قدر آن را تکرار می کرد که نزدیک بود بمیرد .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ أَهْلَ الْقُرْآنِ فِي أَعْلَى دَرَجَةٍ مِنَ الْآدَمِيِّينَ مَا خَلَا النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ فَلَا تَسْتَضِعُّوْهُمُ أَهْلَ الْقُرْآنِ حُقُوقَهُمْ فَإِنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ لَمَكَانًا عَلِيًّا .

حضرت صادق علیه السلام فرمود : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : همانا اهل قرآن در بلندترین درجات آدمیان هستند بجز پیامبران و مرسلین ، پس حقوق اهل قرآن را اندک و کم مشمارید، زیرا برای ایشان از طرف خدای عزیز جبار مقام بلندی است.

قرآن شناسی (۲۰۷)

ص: ۲۰۷

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْحَافِظُ لِلْقُرْآنِ الْعَامِلُ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبِرَّةِ. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: حافظ قرآن که بدان عمل کند در آخرت رفیق با فرشتگان پیغامبرنده و نیک رفتار خداوند است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ صَاحِبَهُ فِي صُورِهِ شَابًّا جَمِيلًا شَاحِبِ اللَّوْنِ فَيَقُولُ لَهُ الْقُرْآنُ: أَنَا الَّذِي كُنْتُ أَسِيَّهُزْتُ لِيْلِكَ وَأَظْمَأْتُ هَوَاجِرَكَ وَأَجْفَفْتُ رِيْقَكَ وَأَسَلْتُ دَمْعَتَكَ أَوْوَلَ مَعَكَ حَيْثُمَا أَلْتُ وَكُلُّ تَاجِرٍ مِنْ وَرَاءِ تِجَارَتِهِ وَ أَنَا الْيَوْمَ لَمَكَ مِنْ وَرَاءِ تِجَارِهِ كُفْلٌ تَاجِرٍ وَسَيَأْتِيكَ كِرَامُهُ [مِنْ] اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَأَبْشِرْ، فَيُؤْتِي بِتَاجٍ فَيُوضَعُ عَلَى رَأْسِهِ وَيُعْطَى الْأَمَانُ بِيَمِينِهِ وَالْخُلْدُ

فِي الْجَنَانِ بَيْسَارِهِ وَيُكْسَى حُلَّتَيْنِ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ: إِقْرَأْ وَارْقَهُ فَكُلَّمَا قَرَأَ آيَةً صَعِدَ

(۲۰۸) قرآن شناسی

ص: ۲۰۸

۱- الكافي: ۲/۶۰۳/۲.

دَرَجَةً وَ يُكْسَى أَبَوَاهُ حُلَّتَيْنِ إِنَّ كَانَا مُؤْمِنِينَ ثُمَّ يُقَالُ لَهُمَا : هَذَا لِمَا عَلَّمْتُمَا الْقُرْآنَ .

و نیز فرمود، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : قرآن را بیاموزید زیرا که در روز قیامت قرآن در صورت جوانی زیبا که رنگ صورتش گشته باشد نزد خواننده خود آید و باز گوید : منم که شب تو را به بیداری به پایان بردم ، روزهای داغ تو را به تشنگی به سر آوردم و آب دهانت را خشک کردم و اشکت را روان ساختم ، (اکنون) هر کجا بروی من هم با تو باشم و هر تاجری (امروز) به دنبال تجارت خویش است (که در دنیا کرده است) و من امروز به سود تو در پس تجارت هر تاجری باشم و به زودی کرامتی نیز از جانب خدای عزوجل به تو رسد پس شادان باش و (در این حال) تاجی بیاورند و بر سرش نهند و امان نامه (از آتش دوزخ را) به دست راستش دهند و فرمان جاوید بودن در بهشت را به دست چپش

قرآن شناسی (۲۰۹)

ص: ۲۰۹

و دو جامه بهشتی به وی پوشند ، سپس به او گفته شود : بخوان و بالا برو ، پس هریک آیه که بخواند یک درجه بالا رود و به پدر و مادر او نیز دو جامه بپوشاند در صورتی که مؤمن باشند و به آن دو گویند : این پاداش آن قرآنی است که به فرزندتان آموختید .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ هُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَ دَمِهِ وَ جَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ وَ كَانَ الْقُرْآنُ حَاجِزًا عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، يَقُولُ : يَا رَبِّ إِنَّ كُلَّ عَامِلٍ قَدْ أَصَابَ أَجْرَ عَمَلِهِ غَيْرِ عَامِلٍ بِهِ فَبَلَّغْ بِهِ أَكْرَمَ عَطَايَاكَ ، قَالَ : فَيَكْسُوهُ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ حُلَّتَيْنِ مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ وَ يُوضَعُ عَلَى رَأْسِهِ تَاجُ الْكِرَامَةِ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ : هَلْ أَرْضَيْتَكَ فِيهِ ؟ فَيَقُولُ الْقُرْآنُ : يَا رَبِّ قَدْ كُنْتُ أَرْغَبُ لَهُ فِيمَا هُوَ أَفْضَلُ مِنْ هَذَا فَيُعْطَى الْأَمْنُ بِيَمِينِهِ وَ الْخُلْدُ بِيَسَارِهِ ثُمَّ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ فَيُقَالُ لَهُ : اقْرَأْ وَ اصْعَدْ دَرَجَةً ؛ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ هَلْ بَلَّغْتَابَهُ وَ أَرْضَيْتَكَ

(۲۱۰) قرآن شناسی

ص: ۲۱۰

فَيَقُولُ : نَعَمْ . قَالَ : وَ مَنْ قَرَأَهُ كَثِيرًا وَ تَعَاهَدَهُ بِمَشَقَّةٍ مِنْ شِدَّةِ حِفْظِهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَجْرَ هَذَا مَرَّتَيْنِ .

حضرت صادق علیه السلام فرمود : هر که در حال جوانی قرآن بخواند و با ایمان هم باشد قرآن با گوشت و خونسش بیامیزد و خدای عزوجل او را با فرشتگان پیغام برنده و نیک رفتارش رفیق کند و قرآن برای او در روز قیامت پرده و مانعی از آتش باشد و گوید : بار پروردگارا هر کارگری به مزد کار خویشتن رسیده جز کارگر من ، پس گرمی ترین عطاهاى خود را به او برسان ، فرمود : پس خدای عزیز و جبار دو جامه از جامه های بهشتی به او بپوشاند و بر سرش تاج کرامت نهاده شود ، سپس به قرآن گفته شود : آیا ما تو را درباره این شخص خشنود کردیم ؟ قرآن گوید : بار پروردگارا من برتر از این درباره او میل داشتم ، پس نامه امان (از دوزخ را) به دست راستش دهند و فرمان جاویدان ماندن در بهشت را در

قرآن شناسی (۲۱۱)

ص: ۲۱۱

دست چپش گذراند و وارد بهشت گردد ، پس به او گفته شود : بخوان (قرآن را) و یک درجه بالا برو ، سپس به قرآن گویند : آیا آنچه تو خواستی به او رساندیم و تو را خشنود کردیم ؟ گوید : آری ، حضرت فرمود : هر کس قرآن را بسیار بخواند و با اینکه حفظ آن (بر او) دشوار است آن را به ذهن خویش بسپارد خدای عزوجل دو بار پاداش آن را به او بدهد .

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالتَّخَشُّعِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ لِحَامِلِ الْقُرْآنِ وَإِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ لِحَامِلِ الْقُرْآنِ ، (۱) ثُمَّ نَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ : يَا حَامِلَ الْقُرْآنِ تَوَاضَعْ بِهِ يَرْفَعَكَ اللَّهُ ، وَلَا تَعَزَّزْ بِهِ فَيَذَلَّكَ اللَّهُ ، يَا حَامِلَ الْقُرْآنِ تَزَيَّنْ بِهِ لِلَّهِ يُزَيِّنَكَ اللَّهُ [به] وَلَا تَزَيَّنْ بِهِ لِلنَّاسِ فَيَشِينَكَ

(۲۱۲) قرآن شناسی

ص: ۲۱۲

۱- الكافي : ۲/۶۰۴/۵ .

اللَّهُ بِهِ ، مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ فَكَأَنَّمَا اسْتُدْرِجَتِ النُّبُوَّةُ بَيْنَ جَنْبَيْهِ وَ لَكِنَّهُ لَا يُوحَى إِلَيْهِ وَ مَنْ جَمَعَ الْقُرْآنَ فَنُؤَلُّهُ : لَا يَجْهَلُ مَعَهُ مَنْ يَجْهَلُ عَلَيْهِ وَ لَا- يَغْضَبُ فِيمَنْ يَغْضَبُ عَلَيْهِ وَ لَا يَجِدُ فِيمَنْ يَجِدُ وَ لَكِنَّهُ يَغْفُو وَ يَصِفِّحُ وَ يَغْفِرُ وَ يَحْلُمُ لِتَعْظِيمِ الْقُرْآنِ وَ مَنْ أُوتِيَ الْقُرْآنَ فَظَنَّ أَنَّ أَحَدًا مِنَ النَّاسِ أُوتِيَ أَفْضَلَ مِمَّا أُوتِيَ فَقَدْ عَظَّمَ مَا حَقَّرَ اللَّهُ وَ حَقَّرَ مَا عَظَّمَ اللَّهُ .

امام صادق علیه السلام فرمود : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : همانا سزاوارترین مردمان بترس از خدا در نهان و عیان آن کس است که قرآن را دربردارد و هر آینه سزاوارترین مردمان در نهان و آشکار به نماز خواندن و روزه گرفتن آن کس است که قرآن را دربردارد . سپس به آواز بلند فرمود : ای دارنده قرآن به وسیله آن فروتنی پیشه کن تا خدایت بالا برد و بدان وسیله تکبرورزی و عزت طلبی نکن

قرآن شناسی (۲۱۳)

ص: ۲۱۳

که خدا خوار و زبونت کند . ای دربردارنده قرآن برای خدا خود را بدان بیارای تا خدایت بدان بیاراید و با قرآن برای مردمان خود آرائی نکن که خدایت ترا بدان زشت کند ، هر که قرآن را (با تدبر و فهمیدن) ختم کند گویا نبوت را در دل خود جای داده ، ولی به او وحی نمی رسد و هر که قرآن را آن طور که شاید فراهم کند (چنین کسی) در برابر آن کس که با او نادانی کند (بردباری ورزد چون او) نادانی نکند و در برابر کسی که بر او خشم گیرد (شکیبائی ورزد) خشم نکند ، و با هر کس که با او تندی کند تندی نکند ، ولی بگذرد و ندیده گیرد و بیامرزد و حلم ورزد به خاطر بزرگ داشت قرآن و هر که قرآن بدو داده شود و باز گمان کند که به یک تن از مردم بهتر از آنچه او دارد چیزی داده اند آن کس بزرگ دانسته آنچه را خدا کوچک شمرده و کوچک دانسته آنچه را خداوند بزرگ شمرده است .

(۲۱۴) قرآن شناسی

ص: ۲۱۴

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : النَّاسُ أَرْبَعَةٌ ، فَقُلْتُ : جُعِلَتْ فِدَاكَ وَ مَا هُمْ ؟ فَقَالَ : رَجُلٌ أُوتِيَ الْإِيمَانَ وَ لَمْ يُؤْتِ الْقُرْآنَ وَ رَجُلٌ أُوتِيَ الْقُرْآنَ وَ لَمْ يُؤْتِ الْإِيمَانَ وَ رَجُلٌ أُوتِيَ الْقُرْآنَ وَ أُوتِيَ الْإِيمَانَ وَ رَجُلٌ لَمْ يُؤْتِ الْقُرْآنَ وَ لَا الْإِيمَانَ ، قَالَ : قُلْتُ : جُعِلَتْ فِدَاكَ فَسِّرْ لِي حَالَهُمْ ، فَقَالَ : أَمَّا الَّذِي أُوتِيَ الْإِيمَانَ وَ لَمْ يُؤْتِ الْقُرْآنَ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ التَّمْرَةِ طَعْمُهَا حُلْوٌ وَ لَا رِيحَ لَهَا وَ أَمَّا الَّذِي أُوتِيَ الْقُرْآنَ وَ لَمْ يُؤْتِ الْإِيمَانَ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْإِسِّ رِيحُهَا طَيِّبٌ وَ طَعْمُهَا مُرٌّ وَ أَمَّا مَنْ أُوتِيَ الْقُرْآنَ وَ الْإِيمَانَ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْأُتْرُجِّهِ رِيحُهَا طَيِّبٌ وَ طَعْمُهَا طَيِّبٌ وَ أَمَّا الَّذِي لَمْ يُؤْتِ الْإِيمَانَ وَ لَا الْقُرْآنَ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْحَنْظَلَةِ طَعْمُهَا مُرٌّ وَ لَا رِيحَ لَهَا .

ابان بن تغلب از امام صادق عليه السلام فرمود : مردم بر چهار گونه هستند ، من عرض کردم : فدایت شوم آنها کیانند ، فرمود : یکی مردی که ایمان دارد ولی قرآن به او

قرآن شناسی (۲۱۵)

ص: ۲۱۵

داده نشده ، (دیگر) مردی که قرآن را دارد ولی ایمان ندارد ، (سوم) مردی که هم قرآن را به او داده اند و هم ایمان را ، (چهارم) مردی که نه قرآن را دارا است و نه ایمان دارد ، عرض کردم : قربانت گردم برای من حال این ها را بیان و شرح فرمائید ، فرمود : اما آنکه ایمان دارد ولی قرآن بدو داده نشده چون میوه (یا خرما) ای است که مزه اش شیرین است ولی بو ندارد و اما آن کس که قرآن را دارا است ولی ایمان ندارد چون برگ درخت مورد است که بویش خوش ولی مزه اش تلخ است و اما آن کس که هم قرآن را دارا است و هم ایمان دارد چون ترنج است که هم خوشبو است و هم خوش مزه و اما آن کس که نه قرآن به او داده شده و نه ایمان مانند هندوانه بوجهل است که نه بو دارد و مزه اش نیز تلخ است .

عَنِ الزُّهْرِيِّ قَالَ : قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ ؟ قَالَ : الْحَالُ

(۲۱۶) قرآن شناسی

ص: ۲۱۶

الْمُرْتَجِلُ قُلْتُ : وَمَا الْحَالُ الْمُرْتَجِلُ قَالَ : فَتُحُ الْقُرْآنِ وَخَتْمُهُ ، كَلَّمَا جَاءَ بِأَوَّلِهِ ارْتَحَلَ فِي آخِرِهِ وَقَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ أَعْطَاهُ اللَّهُ الْقُرْآنَ فَرَأَى أَنَّ رَجُلًا أُعْطِيَ أَفْضَلَ مِمَّا أُعْطِيَ فَقَدْ صَغَرَ عَظِيمًا وَعَظَّمَ صَغِيرًا .

زهري گوید : به حضرت علی بن الحسین علیه السلام عرض کردم : کدام عمل بهتر است ؟ فرمود : عمل آن کس که فرود آید و کوچ کند ، عرض کردم : او کیست (و یعنی چه) فرمود : قرآن را باز کند (و خواندنش را آغاز کند) و به انجام رساند و هر زمان که از اولش درآید به آخرش کوچ کند . و فرمود : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده : هر کس که خدا قرآن به او داد و چنان پندارد که به مردی بهتر از او چیزی داده اند خیر بزرگی را کوچک شمرده و کوچکی را بزرگ دانسته است .

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ : قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَهُوَ غَنِيٌّ وَلَا

قرآن شناسی (۲۱۷)

ص: ۲۱۷

فَقَرَّ بَعْدَهُ وَإِلَّا مَا بِهِ غِنَى . (۱)

معاویه بن عمار گوید : امام صادق علیه السلام به من فرمود : هر که قرآن بخواند او بی نیاز شود و نیازی پس از آن نیست ، و گرنه (اگر قرآن بی نیازش نکند) هیچ چیز او را بی نیاز نکند .

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حَمَلَهُ الْقُرْآنُ عُرْفَاءَ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَوَادِمُهَا ، وَالرُّسُلُ سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ . (۲)

حضرت صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حاملین قرآن نمایندگان و

سرپرستان اهل بهشتند و مجاهدان در راه خدا جلوداران اهل بهشتند و پیامبران آقایان اهل بهشتند .

(۲۱۸) قرآن شناسی

ص: ۲۱۸

۱- معانی الأخبار : ۲۷۹ .

۲- مستدرک الوسائل : ۱۱/۷/۱۲۲۷۵ .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : يَتَّبِعِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ لَا يَمُوتَ حَتَّى يَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ أَوْ يَكُونَ فِي تَعَلُّمِهِ . (١)

حضرت صادق علیه السلام فرمود : برای مؤمن شایسته است که نمیرد تا قرآن را یاد گیرد یا در کار یاد گرفتنش باشد .

عَنْ يَعْقُوبَ الْأَحْمَرِ قَالَ : قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي كُنْتُ قَرَأْتُ الْقُرْآنَ فَفَلَّتْ مِنِّي فَادْعُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يُعَلِّمَنِيهِ ، قَالَ : فَكَأَنَّهُ فَرَعَ لِدَلِكَ فَقَالَ : عَلَّمَكَ اللَّهُ هُوَ وَ إِيَّانَا جَمِيعًا قَالَ : وَ نَحْنُ نَحْوُ مِنْ عَشْرِهِ ثُمَّ قَالَ : السُّورَةُ تَكُونُ مَعَ الرَّجُلِ قَدْ قَرَأَهَا ، ثُمَّ تَرَكَهَا فَتَأْتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَحْسَنِ صُورَةٍ وَ تُسَلَّمُ

قرآن شناسی (۲۱۹)

ص: ۲۱۹

عَلَيْهِ فَيَقُولُ : مَنْ أَنْتَ فَتَقُولُ : أَنَا سُورَةٌ كَذَبًا وَ كَذَبًا فَلَوْ أَنَّكَ تَمَسَّكَتَ بِي وَ أَخَذْتَ بِي لَأَنْزَلْتُكَ هَذِهِ الدَّرَجَةَ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ ، ثُمَّ قَالَ : إِنَّ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ لِيُقَالَ : فُلَانٌ قَارِئٌ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ لِيَطْلُبَ بِهِ الدُّنْيَا وَ لَا خَيْرَ فِي ذَلِكَ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ لِيَتَنَفَّعَ بِهِ فِي صَلَاتِهِ وَ لَيْلِهِ وَ نَهَارِهِ .

يعقوب احمر گوید : به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم : فدایت شوم من قرآن را خوانده ام ولی از ذهنم رفته است دعا کنید که خداوند آن را به من بیاموزد گوید: آن حضرت از این مطلب که من خدمتش عرض کردم ناراحت شد و فرمود : خداوند آن را به تو و ما همگی یاد دهد گوید : ما نزدیک ده نفر بودیم سپس فرمود : سوره ای که مردی می خواند با اوست تا گاهی که آن را واگذارد ، پس روز قیامت در زیباترین صورت نزدش آید و بر او سلام کنند آن مرد گوید : تو کیستی ؟ گوید : من فلان سوره ام و اگر تو به من چسبیده بودی و نگاهم داشته بودی تو را

(۲۲۰) قرآن شناسی

ص: ۲۲۰

در این درجه فرود می آورم ، پس بر شما باد به ملازمت قرآن ، سپس فرمود : برخی از مردمند که قرآن خوانند که گفته شود : فلائن کس قاری قرآن است و برخی قرآن می خوانند برای (سودجویی) و به دست آوردن دنیا و خیری در این ها نیست و برخی هستند که قرآن خوانند تا از آن در نمازشان و در شب و روزشان منتفع شوند .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ فَقَدْ يَتَّبِعِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ وَأَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً .

حضرت صادق علیه السلام فرمود : قرآن عهد خداوند و فرمان او است بر خلقش پس سزاوار است برای شخص مسلمان که در این عهد و فرمان خدا نظر افکند و روزی پنجاه آیه از آن بخواند .

عَنِ الزُّهْرِيِّ قَالَ : سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : آيَاتُ الْقُرْآنِ

قرآن شناسی (۲۲۱)

ص: ۲۲۱

خَزَائِنُ فَكَلَّمَا فُتِحَتْ خِزَانَهُ يَتَّبِعِي لَكَ أَنْ تَنْظُرَ مَا فِيهَا .

زهري گوید : از حضرت علی بن الحسین علیه السلام شنیدم که می فرمود : آیه های قرآن گنجینه هائی است ، پس هرگاه در یک گنجینه را گشودی شایسته است که بدانچه در آن است نظر بیفکنی !

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : إِنَّ الْبَيْتَ إِذَا كَانَ فِيهِ الْمَرْءُ الْمُسْلِمُ يَتْلُوا الْقُرْآنَ يَتَرَاءَاهُ أَهْلُ السَّمَاءِ كَمَا يَتَرَاءَى أَهْلُ الدُّنْيَا الْكَوْكَبَ الدَّرِّيَّ فِي السَّمَاءِ .

حضرت صادق علیه السلام فرمود : خانه ای که در او شخص مسلمانی قرآن می خواند اهل آسمان آن خانه را بنگرند چنانچه اهل دنیا ستاره درخشان را در آسمان بنگرند .

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْبَيْتُ الَّذِي يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَيُذَكَّرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ تَكْثُرُ بَرَكَتُهُ وَ تَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ تَهْجُرُهُ الشَّيَاطِينُ وَ يُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا

(۲۲۲) قرآن شناسی

ص: ۲۲۲

تُضِيءُ الْكَوَاكِبَ لِأَهْلِ الْأَرْضِ وَإِنَّ الْبَيْتَ الَّذِي لَا يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَلَا يُذَكَّرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِيهِ تَقِلَّ بَرَكَتُهُ وَتَهْجُرَهُ الْمَلَائِكَةُ وَتَحْضُرُهُ الشَّيَاطِينُ .

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود : خانه ای که در آن قرآن خوانده شود و ذکر خدای عزوجل (و یاد او) در آن بشود ، برکتش بسیار گردد و فرشتگان در آن بیایند و شیاطین از آن دور شوند و برای اهل آسمان می درخشد چنانچه ستارگان برای اهل زمین می درخشند و خانه ای که در آن قرآن خوانده نشود و ذکر خدای عزوجل در آن نشود و برکتش کم شود و فرشتگان از آن دور شوند و شیاطین در آن حاضر گردند .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا يَمْنَعُ التَّاجِرَ مِنْكُمْ الْمَشْغُولَ فَيُسَوِّقُهَا ذَارِجَعِ الْيَمْنِزِلِ أَنْ لَا يَنَامَ حَتَّى يَقْرَأَ سُورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ فَتُكْتَبَ لَهُ مَكَانَ كُلِّ آيَةٍ يَقْرَأُهَا عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَيُمْحَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ .

قرآن شناسی (۲۲۳)

ص: ۲۲۳

حضرت صادق علیه السلام فرمود : چه بازمی دارد تاجری را که در بازار مشغول (به تجارت است) از اینکه چون (شب هنگام) به خانه بازمی گردد نخواست تا یک سوره از قرآن بخواند و به جای هر آیه که می خواند برایش ده حسنه نوشته شود و ده گناه از او محو گردد .

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَنْ اسْتَمَعَ حَرْفًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ غَيْرِ قِرَاءَةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً وَ مَحَافَنَةً سَيِّئَةً وَ رَفَعَ لَهُ دَرَجَةً وَ مَنْ قَرَأَ نَظْرًا مِنْ غَيْرِ صَوْتٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ حَسَنَةً وَ مَحَافَنَةً سَيِّئَةً وَ رَفَعَ لَهُ دَرَجَةً وَ مَنْ تَعَلَّمَ مِنْهُ حَرْفًا ظَاهِرًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ مَحَافَنَةً عَشْرَ سَيِّئَاتٍ وَ رَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ قَالَ : لَا أَقُولُ بِكُلِّ آيَةٍ وَ لَكِنْ بِكُلِّ حَرْفٍ : بَاءٌ أَوْ تَاءٌ أَوْ شِبْهِهِمَا قَالَ : وَ مَنْ قَرَأَ حَرْفًا [ظَاهِرًا] وَ هُوَ جَالِسٌ فِي صِلَاتِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهِ خَمْسِينَ حَسَنَةً وَ مَحَافَنَةً خَمْسِينَ سَيِّئَةً وَ رَفَعَ لَهُ خَمْسِينَ دَرَجَةً وَ مَنْ قَرَأَ حَرْفًا وَ هُوَ قَائِمٌ فِي

(۲۲۴) قرآن شناسی

ص: ۲۲۴

صَلَاتِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ مِائَةَ حَسَنَةٍ وَ مَحَاعِنُهُ مِائَةَ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ مِائَةَ دَرَجَةٍ وَ مَنْ خَتَمَهُ كَانَتْ لَهُ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ مُؤَخَّرَةٌ أَوْ مُعَجَّلَةٌ ، قَالَ : قُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ خَتَمَهُ كُلُّهُ ؟ قَالَ : خَتَمَهُ كُلُّهُ .

حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرمود : هر کس یک حرف از قرآن را گوش کند فقط گرچه نخواند ، خداوند برای او یک حسنه بنویسد و یک گناه از او محو کند و یک درجه برایش بالا-برد و هر کس با نگاه و بدون صوت و تلفظ آن را بخواند ، برایش به هر حرفی حسنه ای بنویسد و گناهی از او محو کند و درجه او بالا برد و هر کس یک حرف ظاهر از آن را بیاموزد خداوند برایش ده حسنه بنویسد و ده گناه از او محو کند و ده درجه برایش بالا-برد ، فرمود : نمی گویم به هر آیه بلکه به هر حرفی چون باء ، تاء یا مانند این ها و هر کس یک حرف ظاهر آن را در نماز و در حال نشسته بخواند خداوند برای او پنجاه حسنه بنویسد و پنجاه گناه از او محو

قرآن شناسی (۲۲۵)

ص: ۲۲۵

کند و پنجاه درجه برای او بالا برد و هرکس یک حرف از آن در حال ایستاده در نمازش بخواند خداوند در برابر یک حرف صد حسنه برایش بنویسد و صد گناه از او محو کند و صد درجه برایش بالا برد و هرکس آن را ختم کند یک دعای اجابت شده ای (نزد خداوند) دارد چه تأخیر افتد و چه همان زمان به او بدهند ، گوید : عرض کردم : قربانت کردم همه قرآن را ختم کند ؟ فرمود : همه آن را ختم کند .

قَالَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي الْمُصْحَفِ مُتَّعٍ بَبَصَرِهِ وَخُفِّفَ عَنْهُ وَالِدِيهِ وَإِنْ كَانَ كَافِرًا .

حضرت صادق علیه السلام فرمود : هر که قرآن را از روی آن بخواند از دیدگان خود بهره مند شود و سبب سبک شدن عذاب پدر و مادرش گردد اگرچه آن دو کافر باشند.

(۲۲۶) قرآن شناسی

ص: ۲۲۶

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : إِنَّهُ لَيُعْجِبُنِي أَنْ يَكُونَ فِي الْبَيْتِ مُصْحَفٌ يَطْرُدُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الشَّيَاطِينَ .

امام صادق عليه السلام فرمود : هر آینه من خوش دارم که در خانه قرآنی باشد که خدای عزوجل بدان سبب شیطان ها را (از آن خانه) دور کند .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ : مَسْجِدٌ خَرَابٌ لَا يُصَلِّي فِيهِ أَهْلُهُ وَ عَالِمٌ بَيْنَ جُهَالٍ وَ مُصْحَفٌ مُعَلَّقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ الْعُبَارُ لَا يُقْرَأُ فِيهِ .

امام صادق عليه السلام فرمود : سه چیز است که به درگاه خدای عزوجل شکایت کند مسجد ویرانی که اهلش در آن نماز نخوانند و دانشمند و عالمی که میان نادان ها و جهال باشد و قرآنی که گرد بدان نشسته و کسی آن را نخواند .

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : قُلْتُ لَهُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أَحْفَظُ الْقُرْآنَ عَلَى ظَهْرِ قَلْبِي فَأَقْرَأُهُ عَلَى ظَهْرِ قَلْبِي أَفْضَلُ أَوْ أَنْظُرُ فِي الْمُصْحَفِ ؟ قَالَ :

قرآن شناسی (۲۲۷)

ص: ۲۲۷

فَقَالَ لِي : بَلِ اقْرَأْهُ وَانظُرْ فِي الْمُصْحَفِ فَهُوَ أَفْضَلُ ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ النَّظَرَ فِي الْمُصْحَفِ عِبَادَةٌ ؟

اسحاق بن عمار گوید : به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم : قربانت گردم من قرآن را حفظ دارم آن را از حفظ بخوانم بهتر است یا از روی قرآن ؟ فرمود : بلکه آن را بخوان و نگاه به قرآن کن (و از روی آن بخوان) که بهتر است، آیا ندانسته ای که نگاه کردن در قرآن عبادت است؟

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ : سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ : «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا» قَالَ : قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ : بَيْنَهُ تَبْيَانًا وَلَا تَهْدُهُ هَذَّ الشُّعْرِ وَلَا تَنْثُرُهُ نَثْرَ الرَّمْلِ وَلَكِنْ افْرَعُوا قُلُوبَكُمْ الْفَاسِيَةَ وَلَا يَكُنْ هُمْ أَحَدِكُمْ

ص: ۲۲۸

آخِرُ السُّورَةِ. (۱)

عبدالله بن سلیمان گوید: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم از گفتار خدای عزوجل (که فرماید): «و رتل القرآن ترتیلاً» فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده: یعنی او را خوب بیان کن و همانند شعر آن را بشتاب مخوان و مانند ریگ (هنگام خواندن) آن را پراکنده مساز، ولی دل های سخت خود را به وسیله آن به بیم و هراس افکنید و همت شما این نباشد که سوره را به آخر رساند (یعنی همت خود را در تدبیر و تأمل در آیات و به کار بستن و عمل کردن آنها قرار دهید نه به اینکه سوره را به آخر رسانید).

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَفَرُّوْا الْقُرْآنَ بِاللِّحَانِ الْعَرَبِ وَأَصْوَاتِهَا وَإِيَّاكُمْ وَلُحُونَ أَهْلِ أ

قرآن شناسی (۲۲۹)

ص: ۲۲۹

لَفَسَقَ وَ أَهْلَ الْكِبَائِرِ فَإِنَّهُ سَيَجِيءُ مِنْ بَعْدِي أَقْوَامٌ يُرْجِعُونَ الْقُرْآنَ تَرْجِيعَ الْغِنَاءِ وَالنُّوحِ وَالرُّهْبَانِيَّةِ، لَا يَجُوزُ تَرَاقِيهِمْ قُلُوبُهُمْ مَقْلُوبَةً وَ قُلُوبٌ مَنْ يُعْجِبُهُ شَأْنُهُمْ. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: قرآن را با لحن ها و آواز عرب بخوانید و از لحن فاسقان و گنهکاران دوری کنید، زیرا پس از من مردمانی بیایند که قرآن را در گلو بچرخانند، مانند خوانندگی و نوحه خوانی و خواندن کشیشان، که از گلویشان آنها نگذرد (یعنی مقبول در گاه خداوند واقع نگردد از مجلسی ره) دل های ایشان وارونه است و هر که از آنها خوشش آید نیز دلش وارونه است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: أَعْرَبِ الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ عَرَبِيٌّ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: قرآن را با اعراب بخوانید

(۲۳۰) قرآن شناسی

ص: ۲۳۰

۱- الکافی: ۲/۶۱۴/۳.

زیرا که قرآن عربی است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : إِنَّ الْقُرْآنَ لَا يُقْرَأُ هَذْرَمَةً وَ لَكِنْ يُرْتَلُ تَرْتِيلاً فَإِذَا مَرَزَتْ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ الْجَنَّةِ فَحَقَّ عِنْدَهَا وَسَلَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْجَنَّةَ وَإِذَا مَرَزَتْ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ النَّارِ فَحَقَّ عِنْدَهَا وَتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ . (۱)

هرآینه قرآن با سرعت و شتاب خوانده نشود و باید هموار و شمرده و با آهنگ خوش خوانده شود و هرگاه به آیه ای که در آن نام بهشت برده شده است گذر کنی آنجا بایست و از خدای عزوجل بهشت را بخواه و چون به آیه ای که در آن ذکر دوزخ است گذر کنی نزد آن نیز ایست کن و از دوزخ به خدا پناه ببر .

الإمامُ الصادقُ عليه السلام : مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الْحَقَّ مِنَ الْقُرْآنِ لَمْ يَتَنَّكَبِ الْفِتْنَةَ . (۲)

قرآن شناسی (۲۳۱)

ص: ۲۳۱

۱- عیون أخبار الرضا علیه السلام : ۲/۱۸۲/۵ .

۲- المحاسن : ۱/۳۴۱/۷۰۲ .

کسی که حقیقت را از طریق قرآن نشناسد ، از (گزند) فتنه ها بر کنار نماند .

قرآن از دیدگاه امام موسی کاظم علیه السلام

عَنْ حَفْصِ قَالَ : سَمِعْتُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِرَجُلٍ : اَتُحِبُّ الْبَقَاءَ فِي الدُّنْيَا ؟ فَقَالَ : نَعَمْ ، فَقَالَ : وَ لِمَ ؟ قَالَ :
لِقِرَائِهِ قُلُّهُ اللَّهُ أَحَدٌ ، فَسَيَكْتُبُ عَنْهُ ، فَقَالَ لَهُ بَعْدَ سَاعَةٍ : يَا حَفْصُ مَنْ مَاتَ مِنْ أَوْلِيَائِنَا وَ شِيعَتِنَا وَ لَمْ يُحْسِنِ الْقُرْآنَ عُلِّمَ فِي قَبْرِهِ
لِيُزَفَعَ اللَّهُ بِهِ مِنْ دَرَجَتِهِ فَإِنَّ دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ عَلَى قَدْرِ آيَاتِ الْقُرْآنِ يُقَالُ لَهُ : اقْرَأْ وَ ارْقَ (۱) فَيَقْرَأُ ثُمَّ يَرَقِي . قَالَ حَفْصُ : فَمَا رَأَيْتُ
أَحَدًا أَشَدَّ خَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ مِنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَا أَرْجَا النَّاسَ مِنْهُ وَ كَانَتْ قِرَاءَتُهُ حُزْنًا ، فَإِذَا قَرَأَ فَكَأَنَّهُ يُخَاطَبُ إِنْسَانًا

(۲۳۲) قرآن شناسی

ص: ۲۳۲

۱- البحار ، ۱۰/۱۸۸/۹۲ .

حفص گوید: از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که به مردی می فرمود: آیا ماندن در دنیا را دوست داری؟ عرض کرد: آری، فرمود: برای چه؟ عرض کرد: برای خواندن قل هو الله احد، حضرت سکوت فرمود و پس از ساعتی به من فرمود: ای حفص هر که از دوستان و شیعیان ما بمیرد و قرآن را خوب نداند در قبر به او یاد دهند تا خداوند بدان وسیله درجه اش را بالا- برد زیرا درجات بهشت برابر با آیات قرآن است به او گفته شود: بخوان و بالا رو، پس می خواند و بالا می رود، حفص گوید: من احدی را ندیدم که بر خود بیمناک تر باشد از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و نه امیدوارتر از او دیدم و قرآن را محزون (و با ناله) می خواند و هنگامی که قرآن می خواند گویا با انسانی روبرو سخن گوید.

قرآن شناسی (۲۳۳)

ص: ۲۳۳

قُلْتُ لِلرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا تَقُولُ فِي الْقُرْآنِ ؟ فَقَالَ كَلَامُ اللَّهِ لَا تَتَجَاوَزُهُ وَلَا تَطْلُبُوا الْهُدَى فِي غَيْرِهِ فَتَضِلُّوا.

ریان می گویند : به امام رضا عرض کردم : درباره قرآن چه می فرمائید ؟

فرمودند : قرآن کلام خدا است ، از آن پافراتر ننهید و راه هدایت را از غیر قرآن بجوئید که گمراه خواهید شد .

الإمام الرضا عليه السلام : في صفة القرآن : هو جبلُ الله الميتين ، و عرْوَتُهُ الوُتْقَى ، و طَرِيقَتُهُ الْمُثَلَى ، الْمُؤَدَّى إِلَى الْجَنَّةِ ، وَ الْمُنْجَى مِنَ النَّارِ ، لا- يَخْلُقُ عَلَى الْأَعْزَمَنِه ، وَ لا يَبْعَثُ عَلَى الْأَعْلَسَنِه ، لِإِنَّه لَمْ يُجْعَلْ لِرِمَانٍ دُونَ رِمَانٍ ، بَلْ جُعِلَ دَلِيلَ الْبِرْهَانِ ، وَ الْحُجَّةِ عَلَى كُلِّ أَنْسَانٍ ، لا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ

(۲۳۴) قرآن شناسی

ص: ۲۳۴

در وصف قرآن، می فرماید: قرآن ریسمان محکم خدا و دستگیره استوارش و راه برتر اوست که به بهشت می کشاند و از آتش می رهاند و بر اثر گذر زمان ها، کهنه نمی شود و زبان های گوناگون، آن را به انحطاط و تباهی نمی کشاند؛ چراکه قرآن برای زمان خاصی قرار داده نشد. بلکه به عنوان راهنمای به سوی برهان و حجت بر هر انسانی در نظر گرفته شده است. نه از پیش رو و نه از پشت سرش باطل به آن راه نیابد، فرود آمده از سوی حکیمی ستوده، است.

كَانَ [الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَرِيقِ خُرَاسَانَ] يُكْتَبُ بِاللَّيْلِ فِي فِرَاشِهِ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ، فَإِذَا مَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ جَنَّةٍ أَوْ نَارٍ بَكَى وَ سَأَلَ اللَّهَ - الْجَنَّةَ وَ تَعَوَّذَ بِهِ مِنَ النَّارِ .

قرآن شناسی (۲۳۵)

ص: ۲۳۵

در راه سفر به خراسان ، شب ها در بسترش بسیار قرآن می خواند و هرگاه به آیه ای که در آن از بهشت یا آتش یاد شده بود می رسید ، می گریست و بهشت را از خدا مسألت می کرد و از آتش به او پناه می برد .

الإمام الرضا عليه السلام : مَنْ رَدَّ مُتَشَابِهَ الْقُرْآنِ إِلَى مُحْكَمِهِ هُدَى إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . (۱)

هر که متشابه قرآن را به محکم آن ارجاع دهد ، به راه راست هدایت شده است .

الإمام الرضا عليه السلام في قوله تعالى : «عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ» : هَذَا مِمَّا نَزَلَ بـ «إِيَّاكَ أَعْنَى وَاسْمَعَى يَا جَارَهُ» ... و كَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ : «لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ...» و قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ : «وَلَوْ لَا أَنْ تَبْتَئَاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكُنُ إِلَيْهِمْ...» . (۲)

(۲۳۶) قرآن شناسی

ص: ۲۳۶

۱- عیون أخبار الرضا عليه السلام : ۱/۲۰۲/۱

۲- عیون أخبار الرضا عليه السلام : ۱/۲۰۲/۱

درباره آیه «خدا تو را ببخشد چرا به آنها اجازه دادی»، فرمود: این از جمله آیاتی است که طبق ضرب المثل «به در می گویم که دیوار بشنود»، نازل شده است ... همچنین آیه «اگر شرک آوری، هر آینه عمل تو بر باد رود...» و نیز آیه «اگر نبود که ما تو را استوار گردانیدیم، هر آینه نزدیک بود که به سوی آنها اندکی متمایل شوی...».

قرآن از دیدگاه امام جواد علیه السلام

الإمامُ الجوادُ عليه السلام: وَكُلُّ أُمَّةٍ قَدَرَفَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ عِلْمَ الْكِتَابِ حِينَ تَبْدُوهُ وَوَلَّاهُمْ عَيْدُوهُمْ حِينَ تَوَلَّوهُ، وَكَانَ مِنْ نَبْدِهِمُ الْكِتَابَ أَنْ أَقَامُوا حُرُوفَهُ وَحَرَّفُوا حِدْوَدَهُ، فَهُمْ يَرُوءُنَّهُ وَلَا يَرْعُونَهُ، وَالْجُهَّالُ يُعْجِبُهُمْ حِفْظُهُمْ لِلرَّوَايَةِ، وَالْعُلَمَاءُ يَحْزَنُهُمْ تَرْكُهُمْ لِلرَّعَايَةِ.

(۱)

هر امتی، آن گاه که کتاب آسمانی خود را رها کرد و دور افکند، خداوند علم

قرآن شناسی (۲۳۷)

ص: ۲۳۷

آن را از آنان گرفت و آن گاه که دشمنان خود را به دوستی و سرپرستی گرفتند ، خداوند آن دشمنان را بر ایشان ولایت و حکومت داد . دورافکندن کتاب ، به این بود که حروف و کلمات آن را برپا داشتند و معانیش را تحریف کردند ؛ کتاب را می خوانند و روایت می کنند اما آن را رعایت نمی کنند و به کار نمی بندند. نادانان از اینکه آن را خوب می خوانند و حفظ می کنند ، خوشحالند و دانایان از اینکه آن را رعایت نمی کنند و به کار نمی بندند ، اندوهناکند .

(۲۳۸) قرآن شناسی

ص: ۲۳۸

تفسیر جوان (برگرفته از تفسیر نمونه آیه الله مکارم شیرازی)، محمد بیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد های ۱ تا ۲۷.

تفسیر بیان (برگرفته از تفسیر مجمع البیان طبرسی)، محمد بیستونی، انتشارات فراهانی، چاپ اول.

قرآن شناسی جوان، محمد بیستونی، انتشارات بیان جوان، چاپ اول.

سخنرانی های قرآنی، دبیرخانه نمایشگاه قرآن کریم،

انتشارات قلمرو، چاپ اول، جلد ۱.

اصول کافی، ثقة الاسلام کلینی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام.

بیان (در علوم و مسائل کلی قرآن)، حضرت آیه الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی (ره)، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.

(۲۳۹)

ص: ۲۳۹

نهج البلاغه ، محمد دشتی ، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی ، چاپ سوم.

پرتویی از قرآن، سید محمود طالقانی، انتشارات شرکت سهامی انتشار، جلد اول.

رَوْضُ الْجَنَانِ وَ رَوْحُ الْجَنَانِ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ ، ابوالفتح رازی ، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی ، چاپ اول ، جلد اول.

تفسیر موضوعی قرآن کریم (قرآن در قرآن)، آیه الله جوادی آملی،

مرکز نشر اسراء، چاپ اسوه .

طبقات مفسران ، شیعه جلد اول .

بحار الانوار ، جلد ۹۲ .

پژوهشی در تاریخ قرآن .

میزان الحکمه ، محمد محمدی ری شهری ، انتشارات دارالحدیث ، چاپ چهارم .

صحیفه سجاده امام زین العابدین علیه السلام ، ترجمه : محمد مهدی رضایی،

ناشر : نشر جمال ، قم .

(۲۴۰)

ص: ۲۴۰

آینده نگری امیرمؤمنان در ارتباط با بی توجهی مردم به قرآن ●●● ۷

ارزش پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن ●●● ۱۰

درمان خود را از قرآن بخواهید ●●● ۱۲

قرآن بهار دل ها و سرچشمه علم است ●●● ۱۵

قرآن حجت خدا بر مردم است ●●● ۱۶

قرآن ، برترین نعمت خداوند ●●● ۱۷

هدف قرآن ، عاقل ساختن انسان ●●● ۱۸

(۲۴۱)

ص: ۲۴۱

فهرست مطالب

موضوع صفحه

۲۰ ●●● اُنس با قرآن و مقام صالحین

۲۳ ●●● قرآن، پایان بخش اختلاف مذموم

۲۸ ●●● قرآن، کتاب حکیم

۳۱ ●●● قرآن، همیشه تازه جاودان

۳۵ ●●● فهم قرآن

۴۲ ●●● فضیلت قرآن از دیدگاه عترت

۴۲ ●●● اهمیّت قرآن از دیدگاه پیامبر رحمت و آزادی علیه السلام

(۲۴۲)

ص: ۲۴۲

رجوع به قرآن راه رهایی از فتنه هاست ●●● ۴۲

قرآن پیشوا و رحمت است ●●● ۷۸

قرآن ثروتی است که بدون آن توانگری نباشد ●●● ۷۹

قرآن نیکوترین سخن است ●●● ۸۰

قرآن شفا دهنده بزرگترین بیماری هاست ●●● ۸۱

علوم و اخبار موجود در قرآن ●●● ۸۲

(۲۴۳)

ص: ۲۴۳

ثواب آموزش دادن قرآن ●●● ۸۶

ترغیب به حفظ کردن قرآن ●●● ۸۹

تشویق به مرور کردن قرآن در ذهن ●●● ۹۴

آن چه که زینده قرآن دان است ●●● ۹۹

آنچه که زینده قرآن دان نیست ●●● ۱۰۰

تشویق به تلاوت قرآن ●●● ۱۰۱

خواندن قرآن با صدای خوش ●●● ۱۰۵

(۲۴۴)

ص: ۲۴۴

فهرست مطالب

موضوع صفحه

آداب قرائت قرآن ●●● ۱۰۸

۱ تمیز کردن دهان ●●● ۱۰۸

۲ ترتیل (روشن و شمرده خواندن) ●●● ۱۰۹

تلاوت های ممنوع ●●● ۱۱۴

کسی که قرآن لعنتش می کند ●●● ۱۱۵

قاریان نابکار ●●● ۱۱۷

گوش دادن به قرآن ●●● ۱۲۱

(۲۴۵)

ص: ۲۴۵

فهرست مطالب

موضوع صفحه

قرآن ظاهری دارد و باطنی ●●● ۱۲۳

پرهیز از تفسیر به رأی ●●● ۱۲۴

انواع آیات قرآن ●●● ۱۲۶

امّ القرآن ●●● ۱۲۷

عظیم ترین ، عدالت خواهانه ترین ، ترس آورترین و امیدبخش ترین آیه ●●● ۱۳۱

قرآن از دیدگاه فاطمه زهرا علیهاالسلام ●●● ۱۳۲

قرآن از دیدگاه امام علی علیه السلام ●●● ۱۳۷

(۲۴۶)

ص: ۲۴۶

فهرست مطالب

موضوع صفحه

قرآن همیشه نو است ●●● ۱۴۰

پاداش قرآن دانان ●●● ۱۴۱

حق تلاوت ●●● ۱۴۳

۳ تدبیر ●●● ۱۴۶

گونه های قاریان ●●● ۱۴۷

آیات محکم و متشابه ●●● ۱۵۴

وجوه قرآن ●●● ۱۵۷

(۲۴۷)

ص: ۲۴۷

قرآن از دیدگاه امام حسن علیه السلام ●●● ۱۵۹

قرآن از دیدگاه امام حسین علیه السلام ●●● ۱۶۱

قرآن از دیدگاه امام زین العابدین علیه السلام ●●● ۱۶۲

قرآن از دیدگاه امام باقر علیه السلام ●●● ۱۷۰

قرآن از دیدگاه امام صادق علیه السلام ●●● ۱۸۵

۴ پناه بردن به خدا ●●● ۱۹۴

آداب گوش دادن به قرآن ●●● ۱۹۸

(۲۴۸)

ص: ۲۴۸

فهرست مطالب

موضوع صفحه

اشارت های قرآن ●●● ۲۰۳

آموختن قرآن ●●● ۲۱۹

قرآن از دیدگاه امام موسی کاظم علیه السلام ●●● ۲۳۲

قرآن از دیدگاه امام رضا علیه السلام ●●● ۲۳۴

قرآن از دیدگاه امام الجواد علیه السلام ●●● ۲۳

ص: ۲۴۹

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

